

تاریخ خط و نوشتہ ہامی کهن

افغانستان

از عصر قبل تاریخ تا کنون

تألیف

پوهاند عبدالحی حبیبی

نشر کردہ

انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادمی

کابل ۱۳۵۰



افغانستان اکادمی

نمبر نشرات: ۹



انجمن تاریخ

نمبر نشرات: ۱۰۳

تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان

از عصر قبل التاریخ تا کنون



تألیف

پوهاند عبدالحي حبيبي

نشر کرده

انجمن تاریخ و ادب

افغانستان اکادیمی

کابل ۱۳۵۰

مهرتم: حبیب الله رفیع

تعداد طبع: هزار نسخه

دولتی مطبعه

136394

سریزه

له ډیره وخته داسی غوښتل کیده چی په افغانستان کی دخط دپیدا کیدلو اوسره اوښتلو یو مستند اومصورتاریخ ولیکل سی، چی دتاریخ پلټونکی هم دخطونو دپیدا کیدلو په واقعاتو او عواملو او اوقاتو خبر سی اوهم دډول-ډول خطونو شکلونه او انځورونه وگوری .

داکار له دی سببه گرانو، چی علمی پلټنی لاگرده نه وی بشپړی سوی، اود محکی له لاندی څخه دپخوانو خطونو ډبر لیکونه او پټی نه وی را ایستل سوی .

په دی وروستنی پیری کی دا کار دغربی پوهانو له خوا ښه پرمخ ولاړ، او ډیر کښل سوی سندونه په لاس راغله چی دخط تاریخ ښه ځنی څرگندیږی .

خط دانسانی تاریخ اود مدنیت لمر څرک دی، او که انسان دا ښیگڼه نه درلودای، ډیر څه به ئی کمو، اود علم نوم به هم نهو. نو له دی جهته دافغانستان په تاریخ کی دخط پخوانیو پلټنه او څرگندو نه دتاریخ ټولنی یوه مهمه وظیفه ده .

دا کتاب نومړی پلا د اجتماعی تاریخ مهم پلوشه ناڅه ښکاره کوی . اوله تاریخه دمخنی زمانی څخه تاسی تردی وخته رارسوی . دا کتاب دافغانستان دگردو خطونو یوه لنډه اما جامعه تاریخچه ده، چی د ډیرو انځو رونو او عکسونو سره دافغانستان اکاډیمی د تاریخ او ادب ټولنی له خوا تاسی ته وړاندی کیږی .

(حبیبی)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	اقراً وربك الاكرم الذي علم بالقلم
۲	مدخل
۴	دوره قبل از اسلام
۴	قد یمترین کتیبه های قبل التاریخ
۷	قد یمترین خط افغانستان در دوره تاریخی
۷	خط آرا می
۸	سنگ نبشته های آرا می ...
۱۲	نوشته های خط برا همی
۱۴	کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی
۲۱	سنگ نبشته های خرو شته می
۵۰	کتیبه های خرو شته می در ترکستان شرقی
۵۲	سنگ نوشته های شناخته نشده موزه کابل
۵۳	نوشته های زبان تخاری بر رسم الخط یونانی
۶۱	کتیبه های شماره دا- نا گری سنسکریت
۶۳	کتیبه های شماره دا- نا گری سنسکریت
۶۵	رسم الخط پهلوی و دین دبیره
۶۸	دوره سه رسم الخط
۷۱	خط سغدی
۷۳	خط و کتاب دوره اسلام می
۷۴	سوابق کتاب نویسی
۸۱	خط و کتاب در عصر اسلام می
۹۰	افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط
۱۰۴	دوره عروج خطوط
۱۱۴	خوشنویسان متاخر
۱۱۶	رسم الخط پنبستو
۱۲۳	عکسها
۲۵۲	نمونه های خطوط استاد عزیزالدین پوپلزایی ۳۵ قطعه

تصحیح

از مطالعین محترم خواهش میشود تا قبل از مطالعه اغلاط و پریدگی های ذیل طباعتی را تصحیح نمایند و هم پریدگی های جزوی دیگری نیز هست که عندالمطالبه تصحیح میتوان شد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۱۱	منسکر	منکسر
۵	۲۰	سرنیز	سرتیز
۱۶	۲۵	فبل المیلاد	قبل المیلاد
۲۳	۹	-	ایاسه
۳۰	۸	(۲)	(۳)
۳۱	۲	نماید	نماند
۳۳	۹	ساختند	ساختند،
۳۹	۱	سراونه	شراونه
۴۰	۱	پران	بران
۵۵	۲۱	ابن	این
۸۶	۱۴	منثور	منشور
۸۸	۱۰	لیت	لیث
۹۸	۲	زببای	زیبای
۹۸	۱۵	عز	عن
۱۲۰	۲۱	یبست	ییست

اقراء وربك الاكرم الذي علم بالقلم

مسئله خط ونگاشتن در تار يخ مدنييت و فرهنگ افغانستان از مباحث بسيار مهم است، كه تا كنون بدان به تفصيل وارد نشده ايم .
درين كتاب خواستم كه اين موضوع دشوار را تا جاييكه ممكن است، به استناد آثاريكه تا كنون بدست آمده ، مورد مطالعه قرار دهيم .

در آغاز مباحث از پيدايش خطوط تاريخي و ريشه هاي باستاني آن و صورت رواج آنها در افغانستان قديم صحبت شده، و بعد از آن آثار مكشوفه و سنگ نبشته هاي خطوط قديم را كه در افغانستان يا ممالك مجاور كشف شده اند بر شمرده ايم ، ولي بهر صورت مركز كاوش و كنجكاويهاي ما خاك افغانستان قديم (آريانه) بوده است .

اين جستجوي نماز قديمترين ادوار زندگاني اسلاف آغاز و پيدايش و رواج خط اوایل دوره اسلامي خاتمه مي يابد ، و تاريخ تحول و انشعاب خطوط دوره اسلامي و تحليل ارزش هاي هنري آن خود موضوع مهم جداگانه ييست ، كه در قسمت دوم اين كتاب شرح داده شده است. و تاريخچه خط و كتابت را از عصر قبل التاريخ تا قرن حاضر مي رساند.

اميد است كه با اين جستجوي ابتدايي يك پهلوي تاريخ هنر مملكت را قدری روشن ساخته باشم .

كابل ، جمال مينه ۳۰ عقرب ۱۳۴۹

عبد الحى حبيبي

مدخل

افغانستان از نظر جغرافیای چهارراه وسط آسیا واقع است ، همچنان که خصایص اقلیمی گرم و سرد و معتدل در آن پدیدار است ، در طول تاریخ از نگاه پیدایش افکار و اوضاع مدنی و پرورش کلتور و هنر نیز اهمیتی دارد ، که در تاریخ تمدن آسیای میانه همواره سهم عظیم مردم آن فرا موش شده نیست .

سرزمین افغانستان دراز منتهی قدیم بنام آریانه ARIYANA

پرورشگاه مردمی بود ، که از زادگاه قدیم خود آریانه و یجه به صفحات باختر و دامنه های ARYANA-VAEGO هندوکش هجرت کرده بودند ، و از همین جا شرقاً به هند شمالی و غرباً به سرزمین کنونی ایران وارو پارس رفتند ، که آنان را نژاد هندواروپایی INDO-EUROPEEN گویند .

مردم آریایی که در سرزمین بین دجله و گنگاسکونت کردند ، در تاریخ تمدن بشری از مدت ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد سهم عظیمی دارند که مخصوصاً مظاهر تمدن ایشان در کتابهای ویدا و اوستا نمایانند ، و ازین دو کتاب قدیم به افکار و کلتور و تمام مظاهر مدنی زندگانی ایشان پی می بریم .

مردم افغانستان قدیم یعنی آریانه از نظر کلتور و مدنیت و تحولات فکری و دینی دارای دو گونه مواردیث قدیم فرهنگی اند :

اول: آنچه در بین خود با تکامل مراتب حیات مدنی دارای ذخایر فرهنگی و مدنی و فکری شده اند . امثال ترتیب قوانین دینی و آغاز به شهرنشینی و بنای بلاد و ترویج هنر و صنایع و آغاز به تفکر فلسفی و مبادی اخلاقی که در بقایای کتاب اوستا مظاهر آن بوجه احسن پدیدار است و مورخان یونان قدیم هم بآن اشارها دارند .

دوم: چون افغانستان بین هندوستان و چین و پارس و سغد افتاده بود ، و این ممالک دارای مدنیت و مبادی دینی و فکری بودند ، و با یکدیگر روابط تجارتهی و سیاسی و اجتماعی داشته اند بنابراین این سرزمین همواره

گذرگاه انتقالات فکری و مدنی و مرکز قوی و ملتقای مدنیت های متعدد گشته بود، و گاهی هم فاتحان ازین راه به هند و ماوراء النهر میگذشتند. که آثار مدنیت ایشان هم در یمن سرزمین باقی میماند و باین طور مبادی مدنی شرق و غرب بمرور زمان با مواریث بومی این مردم می آمیخت و رنگ خاص مقامی را می گرفت ، که در تاریخ مدنیت افغانستان فصول خاصی را بخود اختصاص داده است مانند آمیزش مدنیت گریک و بودیک در دو قرن قبل و بعد از میلاد ، و امتزاج مدنیت اسلامی با مبادی خراسانی در قرن هفتم و بعد از آن.

فراموش نباید کرد: که مطالعه و تحقیق در تمام شعب تاریخ مدنیت افغانستان ، متلازم با جستجو و تعیین عناصر بومی و مقامی مدنیت و اثر پذیر یهای آن از مبادی و فراورده های دیگرانست ، که در هر عصر و زمان ، این آمیزش های فرهنگی ، اندرین سرزمین فرهنگی های خاص افغانی را بوجود آورد و صبغه بخصوص خود را نگهداری کرده است ، که در تاریخ فرهنگ آسیای میانه اهمیت خاصی دارد ، و جزو مهم تاریخ کلتور بشریست.

ما در اینجا مخصوصاً با مسئله خط نویسی و کتاب سازی سروکار داریم، که هنر خاص نوشتن و ساختن کتاب است ، و بحث و کاوش ما هم یک جزو «تاریخ هنر» بشمار میرود. چون تاریخ هنر شعب و فصول زیادی دارد، بنابراین ما تنها در اینجا را جمع به خط و کتاب صحبت میکنیم.

دوره قبل از اسلام

قدیمترین کتیبه های قبل التاریخ

دردره الی شنگ لغمان در سلسله کوهساریکه راههای دره های آن شرقاً به دره های شمالی مجرای دریای کنر میگذرد. در سنه ۱۳۲۹ هـ = ۱۹۱۱ م نزدیک یک مغاره بین جبل بر صخره کوهی کتیبه یی کشف شده، که در آنوقت ا میرحبیب الله خان بدیدن آن رفت و عکس نخستین آن در جریده سراج الاخبار افغانیه شماره (۱۶) سال (۶) مورخ ۵ حمل ۱۲۹۶ ش = ۲۵ مارچ ۱۹۱۷ م طبع کابل نشر شد. (۱)

تاکنون دران باره مطالعات علمی بعمل نیامده ، و تمام آن عبارات از خطوط مستقیم یا منسکر بهم پیوسته است که بروی یک صخره کوهی کنده شده و بسیار واضح و روشن است که باهیچ یکی از خطوط مکشوفه دوره تاریخی افغانستان تشابهی ندارد. و اگر آنرا با خطوط

(۱) بامر امیرحبیب الله خا ز درپهلوی این کتیبه قبل التاریخ این مضمون را در سنگ نوشته اند:

«بیادگار تشریف آوری اعلی حضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان درانی بارکزا ئی محمد زایسی پادشاه دولت علیه خدا داد افغانستان اینکه : در تاریخ ۲۱ ربیع الا اول سنه یک هزار و سه صد و بیست و نه هجری بود، که درین موضع ، سنگهای نوشته را ملاحظه فرمودیم. چون خطهای آنها درین زمان مروج نبود خوانده و دانسته مانشد، که نقش سنگها برای چیست؟ و آثار کیست؟ لهذا نقل خطهای آنها را بذریعه عکس بحضور خود برداشتیم و بجهت ترجمه کردن در ولایات بعیده ارسال داشتیم . تا زمانیکه معلوم شود. چند کلمه را در سنگ هذا حکم نقش فرموده بیادگار گذاشتیم ،

از دانشمند علی اکبر شهرستانی استاد پوهنخی ادبیات و علوم بشری که نقل این کتیبه را با ما داد تشکر میکنیم ، وی گفت : که درین جا هشت سنگ نوشته موجود است .

وعلايم منقوشه مواهير و مجسمه‌های وادی سند وموهن جودیر و (که در حدود ۵ تا ۶ هزار سال عمر دارد) مقایسه کنیم، تناسب وهم آهنگی وهند سیتی که در خطوط موهن جودیر و دیده میشود، درین کتیبه مشهود نیست و بنا برین آنرا بدوره‌های بسیار ابتدایی مدنیت انسانی که قبل ازین عصر بود نسبت توان داد.

ناگفته نماند: که در مغارهای هزار سم ۱۶ کیلو متری غرب سمنگان در نشیب‌های شمالی هندوکش با ارتفاع ۳۳۰۰ فوت آثار زیاد قبل التاریخی موجود است، که در آنجا بر دیوارهای مغاره‌های سنگی نیز اشکال و رسم‌های منقوره در گچ‌کاری دیده میشود، که باستان شناسان بعضی از آن را با خطوط قبل التاریخ اروپای غربی در اسپانیا و ایتالیا و سویس و آیرلیند مشابه یافته‌اند. و در آثار هزار سم اشکال انسانی و دست‌ها و اشکال حیوانی و خطوط معوج شکسته‌ی دیده میشود، که خطوط منقوره لغمان یک صورت متکامل، و مذهب شده خطوط هزار سم پیدا شده میتوانیم.

چون عمر آثار هزار سم را در حدود ۵۰۰۰۰ سال قبل در عصر قدیم سنگ طبقه میانه (چقماق) (۱) تخمین کرده‌اند (۲) و تشابهی هم بین خطوط منقوره لغمان و هزار سم دیده میشود، ولی قدری مذهب شده. بنا برین توان گفت: که نقوش سنگی لغمان، مربوط بعصر بعد از دوره هزار سم خواهد بود. زیرا کردن چنین خطوط و اشکال در سنگ خارا، محتاج به استعمال فلز سرنیز است که لابد در دوره استعمال فلز یعنی حدود پنج هزار سال قبل ازین، نقر آن واقع شده باشد.

(۱) MIDDLE PALAEO LITHIC

(۲) برای شرح آثار قبل التاریخ هزار سم به مجله ایست ایندویست طبع روما ۱۹۶۳ مقاله EDITTA CASTALDI رجوع کنید و نیز دیده شود: مقاله دوره قبل التاریخ افغانستان از لویس دوپری - مجله آریانا طبع کابل شماره ۲۷۱ جوزا ۱۳۴۶ ش

THE PREHISTORIC PERIOD OF AFGHANISTAN BY LOUIS DUPREE JOURNAL. AFGHANISTAN, NO. 3. 1967.

بهر صورت تاکنون کلیدی برای خوانش چنین نقوش مبهم بدست نیامده، و موسیو فوشه (۱) هم متردد است که آیا این نقوش مربوط به دوره های قبل تاریخ خواهد بود یا نه؟
ناگفته نماند که برخی اشکال حیوانی یا انسانی در دوره های بسیار مابعد برسبیل هوس و تفریح بر برخی کتیبه های قدیم کنده شده اند (مانند نقش های جدیدیکه بر خرسنگ های جغتو و غیره نقش شده) ولی کردن چنین خطوط مثل منقورات دره لغمان نمیتواند برای هوس رانی باشد، و حتما مطالبی در آن بوده است که ما اکنون کلیدی برای دریافت آن نداریم و بنا برین زیاد ازین درباره آن چیزی نتوان گفت: و ما درینجا تنها به عکس نقوش دره الی شنگ لغمان و هزار سم سمنگان اکتفا میکنیم. (شکل ۱-۲)

FOUCHER (۱)

قدیمترین خط افغانستان در دوره تا ریخی خط آرامی

مردم آرامی (۱) از حوالی قرن ۱۵ ق، م در وادیهای شمال غربستان تمکن داشته و دولتهایی را تا شمال سوریه تشکیل داده بودند. از نوشته های میخی قرن چهارم هم قبل المیلاد ثابت می آید، که جمعی از مردم سوتی (۲) آرامی در سوریه و حوالی دمشق میزیستند. در حالیکه برخی قبایل آرامی در مناطق جنوب فرات تا کرانه های خلیج فارس پراکنده شده بودند. (تاریخ اللغات السامیه ۱۱۵) که در حدود ۵۸۶ ق، م بعد از انحطاط قدرت فنیقیان، امور تجارت راه خشکه بدست آرا میان افتاد، و در وادی دجله و فرات رسم الخط آرامی، جای خط آشوری را گرفت که از هند تا مصر پهنائی یافت و حتی در عصر عروج آشوریان نیز از زبان آرامی با آشوری یکجای زبان تحریر و دفتر بود، چنانچه بر حواشی الواح مکشوفه آشوری، زبان آرامی هم دیده می شود. (تاریخ فن تحریر ۱۹۴)

قدیمترین سنگ نوشته های آرامی که تاکنون کشف شده، از قرن هشتم قبل المیلاد است که از تل سنجرلی (۳) شمال سوریه بدست آمده و با هربر ر کب ملک شمال ۷۴۵ و ۷۲۵ ق، م نقر شده است (۴) و لی بعد از قرن ۵ ق، م خط آرامی بدین ترتیب شکل خاصی را بخود میگیرد، که سر و پهلوی حروف آرامی کشاده و زاویه های آن گرد می شود. که این تبدیل اشکال در عصر هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق، م) در آن واقع میگردد. (۵)

در نقشه ۳ انشعاب خطوط متعدد آسیایی را از رسم - الخط آرامی با مطابقت قرون قبل و بعد از میلاد ملاحظه میفرمایید، که آنچه بتاریخ افغانستان قدیم و ممالک مجاور آن ربطی دارد بعلامت X نشانی شده است. (شکل ۳)

ARAMEANS (۱)

SUTI (۲)

SINJIRLI (۳)

(۴) تاریخ اللغات ۱ لسا میه ۱۲۲

(۵) فن تحریر ۱۹۴

سنگ نبشته های آرامی یا قدیمترین آثار خط در افغانستان تاریخی

تاکنون در خاک افغانستان نوشته هایی که قدیمتر از آثار رسم الخط
وزبان آرامی در دوره تاریخی باشد کشف نشده است . اگر چه این
نوشته های آرامی مقارن رسم الخط یونانی است و به اواسط قرن سوم
قبل المیلاد تعلق میگیرد، ولی چون مبداء و ریشه آن در تار یخ
تمدن و هنر آسیا قدیمتر است بنا برین باید گفت: که رواج خط
آرامی درین سرزمین سابق تر از خط یونانی و خرو شتمی است و
خرو شتمی هم از خط آرامی برآمده که از راست بچپ نوشته میشود .

بابسط فتوحات کوروش (۱) بزرگ (۵۲۹ ر ۵۵۰ ق، م) و بعد از آن
در شهر یاری داریوش (۲) (۵۲۲ ر ۴۳۶ ق، م) آثار مدنیت هخامنشی
تاماورای دریای سند شرقاً رسیده بود و در آن جمله خط و زبان آرامی
نیز شامل است ، که بقول شیدر (۳) در یکی از لهجه های آرامی
شرقی بود، و آنرا «خط شاهنشاهی» هم میگفته اند.

ولی تاکنون کتیبه ای مر بو ط بدوره هخامنشیان در افغانستان
کشف نشده است . از طرف شرق نیز خط آرامی در حدود قرن ۷ ق، م
بوسیله دریانوردان فنیقی و بابلی به جنوب هند رسیده بود که در آنجا
مبداء رسم الخط دیوه ناگری (۴) (یعنی رسم الخط خدایی یا شا هی)
زبان سنسکریت گردید ، و گویا اثر رسم الخط آرامی بر سر زمین
افغانستان هم از شرق و هم از غرب بود . و بنا برین قدیمترین لوحه
سنگی که بخط آرامی از تکسیلا برآمده و تاریخ آنرا بعد و د ۵۰۰
ق، م نسبت میدهند ، کهن ترین آثار این رسم الخط در سر زمین
شرقی دریای سند باید شمرد . این کتیبه قراریکه جون مارشل گوید :
در نهایت اهمیت است و بر یک سنگ مرمر سپید مثنی نقر شده و
چون جای پیدا یس آن در بقا یا ی آبادیهای عصر از یس اول (۵)
بوده بنا برین باید گفت که باهمین وضع شکسته و آسیب دیده خود پیش
از آغاز قرون میلادی درینجا د فن شده باشد ، حروف آن با زبان
آرامی مشابه آثار قرن چهارم قبل المیلاد است ، ولی معنی متن

(1) CYRUS

(2) DARIUS

(3) SCHEDER

(4) DEVA-NAGHRI

(5) AZES

آن تاکنون روشن نیست د کتوربرنیت (۱) و پروفیسر کو لی (۲) آنرا راجع به بنای قصری دانسته اند . ولی برخی گویند که درباره جزای شخصی که آنرا بشکناند بوده است (رجوع به عکس نمبر ۴)

بقول جون مارشل : کشف این کتیبه میرساند که خط خرو شتهی از آرامی که بوسیله هخامنشیا ندر حدود ۵۰۰ ق، م بدین سرزمین رسیده بود برآمده است و تکسیلا هم بعد از آن مرکز سرزمین رواج خرو شتهی بود . (رهنمای تکسیلا ۷۸ کلکته ۱۹۲۱) (۳)

دو قرن بعد هنگامیکه آشوکا پادشاه بزرگ خاندان موریان از هند برخاست (۲۷۳ - ۲۳۲ ق، م) و در مدت چهل سال سلطنت خود بر افغانستان شرقی تا وادی ارغنداب هم دست یافت و دیانت بودایی را هم انتشار داد، در عصر او هنو ز رسم الخط و زبان آرامی باقی بود . و سه سنگ نبشته مهم از زمین باقیست .

اول : سنگ نوشته یونانی و آرامی که در مدخل شهر قدیم قندهار بر کنار جاده بر صخره کوه کنده شده و در سنه ۱۹۵۸ م از زیر خاک برآمد ، که طول آن ۵۵ سانتی و عرض ۴۵ تا ۵۰ سانتی است . متن یونانی بالای کتیبه شامل ۱۳ و نیم سطر و متن آرامی پائین هفت و نیم سطر است که شیوه خط آرامی آن با خطوط پاپیروس یا چرم مشابه است و همچنین کتیبه دیگر به رسم الخط یونانی در سنه ۱۹۶۳ م در همین قندهار کهنه بدست آمد که درموزه کا بل محفوظست .

موضوع این دو سنگ نوشته همان مطالب اخلاقی است که در فرامین آشوکا در سر تاسر هند به السنه و رسم الخط های مختلف نقر گردیده ، و کتیبه قندهار در سال دهم بودایی شدن آشوکا ۲۵۰ ق، م نوشته شده است .

(1) BARNET

(2) COWLEY

(3) JOHN MARSHAL'S GUIDE TO TAXILA. p 78.

این کتیبه رواج خط وزبان آرامی رادر وادی ار غنداب در حدود ۲۵۰ ق، م ثابت میسازد و واضح میگردداند ، که سلطه آشوکا تا قندهار هم رسیده بود و درین جا علاوه بر خط آرامی رسم الخط وزبان یونانی هم باقی بود . (عکس نمبر ۵)

ترجمه تحت اللفظی مضمون یونانی کتیبه اینست :

« در پایان ده سال پیاده سی (۱) (آشوگا) پادشاه ، به انسا نسا اصل دیانت رانشان داد و از آن وقت انسانها رادر تمام روی زمین متدین تر و مسعودتر ساخت . و پادشاه از کشتن زندگان خودداری کرد و سایر انسانها و تمام شکاریان و ماهیگیران از شکار و ماهیگیری دست گرفتند و کسانی که در عقیده راسخ نبودند در حدود ضعف خود منحرف شدند. و انسانان، خلا ف گذشته مطیع پدر و مادر و پیران شدند. و بعد ازین بارفتاری چنین بهتر زندگانی خواهند کرد، و بیشتر مستفید خواهند شد . » (از روی ترجمه فرانسوی شلوم برژه (۲) رئیس باستان شناسی فرانسه . آریانا ۸ ر ۱۶ سنه ۱۳۲۷ ش)

دوم : کتیبه مهم دیگر که فقط چند سطر آن باقیست در گذر گاه درونته بین وادی لغمان و ننگرهار در شرق کابل بر سنگ مثلث نما بی بدست آمده، که در موزه کا بل موجود است و خط آن آرامی وزبان پراگریت است ، مشتمل بر نصایح احتراز از قتل حیوانات ، که یکی از فرامین اخلاقی آشوکا باشد . (عکس نمبر ۶)

در حدود گو هپایهای شما لسی جلال آباد در جاییکه اکنون بند درونته است ، زایر چینی سونگ یون (۳) در سال ۵۲۱ م از کتیبه بی ذکر میکند ، که مردم همان وقت می گفتند که آنها بودا نوشته بود، و حروف بیگانه آن روشن و خوا نابنظر می آمد .

(سی - یو - کی (۴) ۷۳۱ طبع کلکته ۱۹۶۳ م) چون این کتیبه آرامی را از حدود درونته آورده اند و با همین جاییکه سونگ - یون گوید مطابقت دارد ممکن است مراد همین کتیبه بوده و حروف بیگانه

(1) PIYADASI=SAN: PRIYADAR'S IN

(2) D. SCHLUMBERGER

(3) SUNG-YUN

(4) SI-UY-KI

آن هم شاید همین رسم الخط آرامی (که برای چینیان بیگانه بود) باشد.

سوم - در نومبر ۱۹۶۹م بناغلی دانیل بورگویس بلژیکی، در شله نك قرغی سه کیلو متری مهتر لام لغمان کتیبه سوم آرامی را کشف و عکاسی نمود، که بر صخره دا من کوهی در (۶) سطر کنده شده، و این جای در شمال غربی جلال آبا دبر کنار شمالی دریای کابل در وادی لغمان نزدیک مزاری پنا م مهتر لامک یا مهتر لام واقع است، و مردم باین قبری که در حدود ده متر طول دارد عقیدت تام دارند، و حتی برخی آنرا گور یکی از انبیاء قدیم شمارند.

هیون - تسنگ زایر چینی که بتاريخ ۱۵ اگست ۱۹۳۰م از راه کاپیسا بدینجا رسیده و مدت سه روز توقف کرده بود (۱) گوید: که درینجا در حدود ده سنگها را مه (معبد) واقع است، که اکثر آن به مذهب کبیر بودایی تعلق دارد، در حالیکه برخی از معابد دیوا های مختلف هم موجود است. (۲)

نام این وادی در چینی لان-پو، و در سنسکریت لمپاکه بود، و در همین حدود دو کتیبه دیگر بخط دیوه ناگری نیز موجود است که در یکی از آن (سطر سوم) کلمه لمک.. دیده میشود، و ممکن است بانام اینجا بی تعلق نباشد و مادر مبحث خط دیوه ناگری شرح خواهم داد.

اما اصل کتیبه آرامی شش سطر می محتاج خوانش و تحقیق دانشمندان آرامی شناس است که بگمان اغلب یکی از فرامین اخلاقی اشو کا خواهد بود، زیرا در سطر اول کلمه اول آن مانند کتیبه آرامی قندهار (اشو کا) بنظر می آید، که مضمون کتیبه مثلث نمای درو نته هم بخط آرامی عبارت از همان نصایح اخلاقی بودایی است در حفظ جانوران و احتراز از کشتن جاندار.

این کتیبه مکشوفه جدید چون بسیار روشن و واضح است و جز یک حرف سطر چهارم آن آسیب ندیده، بنا برین در خوانش آن هم مشکلی نخواهد بود.

چون مضمون این کتیبه تاکنون خوانده و تحلیل نشده، بنا برین درینجا فقط به آوردن عکس آن اکتفا میکنیم. (عکس A V)

(۱) جغرافیای قدیم هند از کنگم ۷۵ ار

(۲) سی - یو - کی ۱۴۴۲

نوشته های خط براهمی

خط براهمی (۱) نیز از خطوط قدیم هند است که بقول بعضی ریشه قدیم هندی دارد و نام آن به برهما منسوبست. و جمعی از علماء آنرا مانند خرو شتهی از مبدأ آرامی شمرده اند که در تمام هندوسیلون (۲) عمومیت داشت و شباهت آنرا بخصوتی (۳) که برکتیبه میسح (۴) بن کموش پادشاه موآب (۵) (۸۵۰ ق م) کشف شده میدانند، که بو سیله تاجران و دریانوردان بابلی بهند غربی رسیده بود، و مبداء تمام الفباها ی کنونی هندی گردید، و از چپ بر راست نوشته میشود.

بسا کتیبه های قرن ۴ قبل المیلاد و بعد آن در هند موجود اند، که از ان جمله سنگ نوشته های متعدد آشوکا بدین رسم الخط اند، و یک کتیبه کرنول ضلع مدراس (مکشف ۱۹۲۹ م) نصف سطور از راست بچپ هم دارد، ولی از کتیبه آرامی و یونانی قندهار و کتیبه آرامی لغمان ثابت می آید، که نفوذ خط براهمی در عصر

آشوکا (حدود ۲۵۰ ق م) به آنجا نرسیده بود، و درازمنه قبل المیلاد تنها در شمال غرب هند و وادی اندوس رواج داشت. چنانچه بر مسکوکات شاهان یونانی با ختر دران وادی دیده میشود، و ملکه اگاتیهو کلیس (۶) و انتی ماکوس (۷) (حدود ۲۵۰ تا ۱۴۰ ق م) بجای خرو شتهی بر یکطرف مسکوکات خود، خط براهمی را هم نوشته اند. (کیمبرج هستری آف اندیا) (۸) رواج رسم الخط براهمی، در سرزمین های شرقی افغانستان، در مدت هفت قرن متواتر مقارن با خرو شتهی و یونانی و پهلوی و دیوه ناگری دیده میشود. چنانچه

(1) Brahmi. (2) Celon (3) Phonetic.

(4) Mesh'a. (5) Moab.

(6) Agathocles. (7) Antimachus

(8) Cambridge History of India. I.P. 62/449.

در قرن چهارم میلادی هنگا میکه کوشانیان کو چک درین سرز مین حکم میراندند، جای خر و شتهی راهمین رسم الخط براهمی گرفته بود، وبر مسکوکات کیداره (۱) بخط براهمی کیداره کوشانه شا (۲) نوشته است. و همچنان بر مسکو کات شاهان دیگر این خاندان مانند پیر و (۳) - و ا ر ه شاهی (۴) - وهران (۵) - بود ها بله (۶) - بهاسه (۷) تاریکه (۸) - سد هنی (۹) نوشته های براهمی و گاهی مقارن با پهلوی هم دیده میشود (مجله مسکوکات) (۱۰) و ازین برمی آید که در قرن ۴م رواج خط براهمی و پهلوی در عصر کیداریان بدرجه یی بود که بر مسکو کات خویش، خط یونانی و خرو شتهی و نا گری راننو شته اند (رجوع به عکس ۷) ولی بعد از آنکه در قرن پنجم هونان هفتلی سلطه کیداریان را خاتمه دادند، این رسم الخط کمتر بنظر می آید.

مطالعه و کشف اسرار خط براهمی بوسیله جیمس پرنسیپ (۱۱) در سالهای ۱۸۳۴ تا ۳۸ م انجام گرفت که آنرا از روی کتیبه های متعدد ستونهای معبد سا نچی هند و منار اشوکا در دهلی خوانند. و الفبای آنرا ترتیب داد و اکنون آنرا از روی همان قواعد مرتب به سهولت میخوانند.

- | | |
|----------------------------|-----------------------|
| (1) Kidara. | (2) Kidara Kushanasha |
| (3) Piro | (4) Varashahi. |
| (5) Varahran. | (6) Buddha Bala. |
| (7) Bhasa. | (8) Tarika. |
| (9) Sadhni. | |
| (10) Numismatic Supplement | 1937 Calcutta. |
| (11) James Prinsep. | |

کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی

رسم الخط یونانی با مجموعۀ افکار و رسوم و فرهنگ یونان که آنرا هیلینسم (۱) گویند، با فتح اسکندر در حوالی سال ۳۳۰ ق، م به سرزمین افغانستان آمد، اگر چه اسکندر درین سرزمین از سیستان ناسغدیانه با مقاومت شدید مردم مواجه گردید، و مدت چهار سال درینجا مشغول ماند، ولی در آخر توانست در ماه می ۳۲۶ ق، م بکنار جیلم برسد. وی از راه کنار غربی دریای سند به ملتان هم رسید، و در جولایی ۳۲۵ ق، م از راه های جنوب افغانستان و گدرو زیبا به سوی پارس پس نشست، تا که در شب ۱۳ جون ۳۲۳ ق، م بعمر ۳۲ سالگی در بابل چشم از جهان بست.

در باختر و تمام ولایات افغانستان و هندوستان شمال غربی حکمرانان مقرر کرده اسکندر بابرخی از یونانیان باقی ماندند، تا که در حدود ۲۵۶ ق، م دیو دوتوس (۲) حکمران باختر، سلاله شاهان یونانی باختر را اساس نهاد و اعلان شاهی داد و سکه زد، و ازین شاهان یونانی نژاد باختری شده در مدت د و نیم صد سال بعد سی و شش پادشاه و یک ملکه حکم راندند. تا که در نصف اول قرن نخستین میلادی با ظهور قبایل ساکه و سیتی از سمت شمال مملکت، سلطه یونانیان باختر پایان رسید.

سلطۀ اسکندر و اخلاف او در سرزمین آریانه مصدر بسط فرهنگ جدیدی شد، که از ناحیت دین، فکر، هنر، زبان، رسم الخط و تمام مظاهر فرهنگی ارزش های خاص تاریخی دارد، و درینجا مطالعات ماتنهای بارسم الخط یونانی و رواج آن درین سرزمین تا قرن هشتم

(1) Hellenism
(2) Diodotos

میلادیست و مامی بینیم که در مدته قرن این رسم الخط مورده استعمال مردم بود.

اثر رسم الخط یونانی از هما نفتح اسکندر تا شمال غربی هند رسید، اگر چه برخی مسکو کات بنام اسکندر بخط یونانی در هند شمال غربی بدست آمده، و لسی تا کنون یقینی نیست که آنرا در هند ضرب کرده باشد. اما مسکوکی از پادشاه معاصر اسکندر در شمال غرب هند، سلیقه یونانی دارد و بر یک طرف آن شکل پادشاه و بر طرف دیگر آن خروسی بنام پادشاه سوفیتیس (۱) دیده میشود که شکل یونانی شده نام سابسوتی (۲) هندیست که آریین (۳) و سترابو (۴) هر دو آنرا ذکر کرده اند، و این سکه در ۳۲۰ ق، م ضرب شده باشد. (۵)

هیون تسنگ زایر چینی در ۶۳۰ م این سرزمین را از باختر تا کرانه های سند دید، وی رسم الخطی را که دارای ۲۵ حرف بود در اینجا ذکر مینماید. و این خط بلاشبه تیتو نانیست که (۲۴) حرف داشت و یک صوت (نس) که در یونانی نبود و در السنه مقامی وجود داشت بشکل

شخ **px** یعنی مجموعه ش + خ بران افزوده شد، که در کتیبه سرخ

کوئل هم دیده میشود، و مادر قسمت رسم الخط تخاری یونانی شرح خواهیم داد.

این رسم الخط در آغاز سلطه یونانی، موافق آنچه در اصل بود نوشته میشد ولی بارواج آن در محیط جدید موافق ضروریات مردم آن تحول رنگ و شکل داد، و یک نوع خط یونانی شکسته (۶) از آن بوجود آمد مثلاً:

۱- اشکال حروف آن در کتیبه آرامی قندهار و نوشته های آی خانم و مسکوکات شاهان باختری یونانی خوش خط و عیناً به تقلید نگارشی اصیل یونانیست، ولی در کتیبه های متأخر آنقدر شکستگی و انحراف در آن راه یافته که تشخیص آن مشکل است.

۲- تعیین وادخال برخی از ضروریات محیطی در آن مشهود

(1) Sophytes

(2) Saubhuti

(3) Arrian

(4) Strabo

(5) Cambridge History of India 61 / 388

(6) Cursive Writing

است، مثلا صوت ش و صوت بن و فواصل و خواتم کلمات بشکل (O) و نعین برخی اصوات مقامی به نقاط مثل:

ث = غ و ث = خ و ح

که در کتیبه های متأخر روز گان و توجی مشهود است .
 ۳- گاهی تغییر سمت نگا رشی خط نیز مانند آرامی ، خروشته می ، پهلوی است یعنی رسم الخط یونانی را از سمت راست نوشته اند. اگر چه رسم الخط قدیم یونانی تا قرن ۶ ق، م از راست بچپ بود ولی در قرن ۴ ق، م نوشتن از چپ بر راست آغاز شد ، و اشکال حروف را هم مطابق به آن باز گردانیدند ، و رسم الخط یونانی که با اسکندر بافغانستان آمد نیز بر همین وتیره بود . ولی چون رسم نوشتن از راست بچپ در خود یونانی هم سابقه داشت ، و رسم الخط های آرامی و خروشته می و پهلوی نیز از سمت راست آغاز می یافت ، بنابراین در آسیای میانه هم گاهی رسم الخط یونانی را از راست بچپ نوشته اند. که یک نمونه این خط در تنگی تایغان (۱) الماتة قزاقستان، از جمهوریت های آسیای میانه نه اتحاد شوروی در سنه ۱۸۹۷ م کشف شده ، که بر صخره کوهی در سه سطر خط تبتی و دو سطر خط یونانی نوشته شده ، و مضمون تبتی آن عبارت از شکل تبتی تری رتنه (۲) یعنی سه جو هر بو دا یی است که آنرا بزبان سنسکریت و خط یونانی در کتیبه جغتوی غزنی هم در سه سطر می بینیم.

در سطر اول تنگی تایغان کلمه ایزگ یا ایسگ (۳) رابا سا کی تخاری و ساکیا سنسکریت (بو دا) یا سا که فرس قدیم که سکستان بنام آنهاست تطبیق کرده اند، که شاید نام نقار این نوشته باشد . در سطر دوم حروف الفا + گامارا بحساب ابجدی یونانی سال ۱۰۳۸ عهد سیلیو کید (۴) شمرده اند، که مطابق با سال ۷۶۹ ر ۷۷۰ م باشد (۵).
 ۴- در نوشته های زبان یونانی قبل المیلاد و مسکوکات او لیس شاهان یونانی باختری در بین کلمات و یا خاتمه آن علامه فاصله (۶) دید .
 نمیشود ، ولی در قرن نخستین میلادی از مسکوکات شهنشاه گوندو- فریس (۷) (۴۸۱۹ م) بعد یک دایره کوچک بشکل (O) انگلیسی

(1) TAYGAN

(2) TRIRATNA

(3) ISZAG

(4) SELEUCID ERA

(5) ARCHIV ORIENTALNI 35, PRAGUE

(6) WORD DIVIDERS

(7) GONDOPHARES

یا مربع کوچک در بین کلمات یا در خاتمه آن آمده، که در تمام مسکوکات و نوشته های زبان تخاری رسم الخط یونانی تا اوایل دوره اسلامی مستعمل است. و این علامه فاصله مولود احتیاج مردم این سرزمین در رسم الخط یونانیست تا بو سیله آن کلمات جمل را از یکدیگر تفکیک کنند و حتی بقایای این علامت را در تفکیک آیات قرآنی بعد ها در رسم الخط کوفی شرقی هم می بینیم که در نسخ غربی قرآن رواج نداشت.

خط یونانی در تمام دوره شاهان پارتی از حدود ۳۰۰ تا ۲۰۰ ق، م و عهد یونانیان باختر و کوشانیان بر مسکوکات نوشته میشد، و مسکوکاتی نیز دیده میشود، که بخط یونانی باختری و کمی پهلوی ضرب شده، و ازین برمی آید که اساسا میان هم در ولایات شرقی خود بدین رسم الخط سکه زده اند و ما مسکوکاتی را که از بگرام شمال کابل بدست آمده می بینیم، که بران تاج ساسانی و آتشکده با نام شاپور بر رسم الخط یونانی منقوش است (۱) و حتی مسکوکات سورا شترین (۲) گجرات هند در حدود قرن ۷ م خط یونانی دارد. (۳)

اما از کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی در افغانستان تا کنون سه کتیبه مهم کشف شده است:

اول: سنگ نوشته یونانی و آرامی قندهار که یکی از آن بر قسمت بالایی ۱۳ ونیم سطر بزبان یونانی دارد و مادر شرح سنگ - نبشته های آرامی شرح دادیم.

این نوشته یونانی در سال دهم بودایی شدن اشوکا پادشاه خاندان موریان در ۲۵۰ ق، م بريك صخره کوه مدخل خرابه های شهر قندیم قندهار بدست راست طاق چهل زینه بابر کنده شده و عبارت از نصایح و اندرز های اخلاقی دین بوداست که در سر تا سر هند کتیبه های متعدد آن بچندین زبان از طرف اشوکا نوشته شده است. بقول دانیل شلوم برژه (۴) مدیر هیئت باستان شناسی فرانسه که کاشف سرخ کوتل و شهر یونانی آی خانم است «در کتیبه های اشوکا بسا نقاط تاریک موجود است ازین جهت داشتن ترجمه یونانی این متون چه کامل با شد چه ناقص بسیار ارزش دارد و زبان

(1) ARIANA ANTIQUA 296/403 (2) SAURASHTRAN
(3) A. AN 412 (4) D. SCHLUMBERGER

یونانی این کتیبه میرا از تمام اثرهای لهجه های منطقوی و و لایتی است . طوریکه علمای یونان شناسی این متن یونانی را قطعات ممتاز ادبی یونانی خوانده اند که از نگاه ساختمان زبان، همپایه زمان فلاسفه و نطقان یونانی از قبیل افلاطون و ارسطو و ایز و قراطیس است . می بینیم که زبان تفکر و تحریر در قندهار قرن سوم ق، م همان زبان نیست که به آتن یا به شهر میلیت (۱) مروج بوده و حتی طرز کندن و نوشتن این کتیبه ها وحدت کلتور یونانی را تایید میکند . و مای فهمیم که در حوالی ۲۵۰ ق، م در قندهار زبان و اصطلاحات فلسفی یونانی در بیان افکار اخلاقی بودایی بکار رفته است (مجله آریانا ۲۶۳ ص ۲۸ طبع کا بل ۱۳۴۴ ش) .

سنگ نبشته های قندها ر می رساند : که بقایای مدنیت دورۀ هخامنشی و رسم الخط و زبان آرامی در اینجا با مدنیت یونانی خلط یافته ، در حالیکه از نظر فکر و فلسفه و آیین ، مبدأ آن کاملاً بودایی است . پس ازین روست که ما بسطیک مدنیت و هنر و رسم الخط آریا می و یونانی که هر دو از غرب آمده اند در وادی ارغنداب با مدنیت هندی مطالعه میکنیم ، در حالیکه این فرهنگ بودایی از همین وادی بطرف غرب سیر نکرده ، و آثار آن در قسمت غربی مجرای هلمند دیده نشده است .

چون در خرابه زار شهر قدیم قندهار و حوالی آن در ماشور (مها = بزرگ + شور = شهرستان) و اشوغه (شاید اشوکا) و غیره تا کنون حفریات باستان شناسی صورت نگرفته بنابراین ممکن است در اثنای حفریات علمی آن در آینده آثار گزیده تری بدست آید .

دوم: در سال ۱۹۶۳ م در ولایت تخار شمال شرقی افغانستان در ملتقای دریای آمو و کوچه بر نقطه مرزی افغانستان و شوروی که آی-خانم نام دارد ، آثار یک شهر عظیم یونانیان باختری با بالا حصار و کوچه ها و مبانی بزرگ و حصار ها و جاده ها و خندق ها و بقایای پایه های سنگی منقوش و خشت ها و تیگرهای مزین و ستونهای سنگی و برخی ابزار فلزی و ظروف سفالی و مجسمه های همیر کلیس (۲) و بازارها و عملیات ورزشگاه (جمناز یستم) یونانی ، با مجسمه هر میس (۳) (قهرمان زور و پهلوانی پسر زئوس) که آنرا بقرار کتیبه مکشوفه

(1) MILET (2) HERACLES (3) ERMAI=HERMES

چهار سطری ، مردی بنام تریبالوس ولد ستراتون (۱) به هر مس و هیرکلیس (۲) وقف کرده بود. از زیر خاک برآورده شد و این کتیبه یونانی در چهار سطر بر سنگی منقور است . (عکس ۸) در یکی از اطاقهای مکشوف این شهر که ۶ × ۷ مترساحه دارد ، در نزدیکی دروازه ، کتیبه پنج سطری یونانی با چهار سطر دیگر طرف چپ برآمده ، که در داخل اطاق چها رقبور بود واستخوانهای مردگان از آن کشف شد ، و دو تابوت فرسوده چوبی که در بین آن استخوانهای پوسیده بود بدست آمد ، و با این تابوتها همین کتیبه نصب است که بران بخط وزبان یونانی چنین نوشته اند (۳) :

«این کلمات حکیمانۀ مردان گذشته و گفتار رجال مشهور در پیتهو مقدس (۴) محفوظ بود. و از آنجا کلی ارخوس (۵) آنرا برداشته و بادقت درینجا نقل نمود. تا از دور بر گورکی نه ویو (۶) بتابد :

در کو چکی خوب تربیه بگیر!

در جوانی خواهش های خود راضبط کن !

در پخته سالی راستکار باش !

در پیوری اند رزد هند خوب باش !

و در روزهای باز پسین زند گانی بدان ، که چگونه بدون فسوس

بمیری ! (۷) (شکل ۹)

(1) TRIBALLOS SON OF STRATON STRATONOS

(2) HRAKLEI=HERACLES

(۳) این ترجمۀ تخمینی از ترجمۀ فرانسوی متن یونانیست که مطابق آن بدون ترجمۀ تحت اللفظ در نظر گرفته شده .

(۴) PYTHES نام شهر مقدس دلف DELPH است که نخست بنام

PYTHO بسر DELPHOS یکی از قهرمانان باستانی یونان شهرت

داشت و بعد از آن آنرا دلف نامیدند منسوب بخود دلفوس (فرهنگ

اساطیر یونان و روم از پیر گریمال ۲۴۴-۶۸۵ طبع تهران ۱۳۳۹

ش. ۰)

(5) KLEARXOS

(6) KINEU=KINEAS.

(7) INSCRIPTIONS GRECQUES NOUVELLES DE LA BACTRIANE PAR M. LOUIS ROBERT PARIS 1968.

لویس روبرت در شرح این کتیبه‌های یونانی می‌نویسد : که کلی
ارخوس از مکتب تلامیذ ارسطو بوده، که برای مطالعه فلسفه هندی
و بودایی به باختر افتاده و در زمان بعد از سکندر بدین شهر یونانی
باختر آمده، و این گفتارهای حکیمانه اسلاف یونانی را برین
گوریکی از یونانیان نوشته باشد .

چون اثر فکری و فرهنگی یونانیان ، مقارن باسلطه سیاسی
تا اوایل قرون میلادی درین سرزمین جریان داشت و رنگ مقامی
باختری را گرفته بود، و در حدود ۲۵۰ ق،م آثار آنرا در کتیبه قندهار
هم می‌یابیم . پس این نوشته حکیمانه را بیک قرن بعد از اسکندر
یعنی پس از ۳۲۳ ق،م منسوب کرده می‌توانیم . و در تاریخ هنر خط
هم یکی از قدیمترین آثار خط یونانی در افغانستان کهن است .

سنگ نبشته های خروشتهی

خروشتهی فقط نام رسم الخط است نه زبان . و این رسم الخط در افغانستان شرقی از قرن ۳ ق ،م تا قرن ۵ م مدت هشت قرن دوام داشته ، و کتیبه های سنسکریت و پراکریت بدان نوشته شده ، و بر مسکوکات شاهان موریان و شاهان یونانی باختر و گو شانیان هم بنظر می آید . و چون پیدا یشگاه آن سرزمین آریانه (افغانستان قدیم) است ، بنابراین ویلسون (۱) در کتاب آریانه انتیکوا (۲) (طبع لندن ۱۸۴۱ م) آنرا الفبای آریانه (۳) نامیده است ، که کتیبه های متعدد آن از ختن تا افغانستان و هند شمالی باقیست ، و بر مسکوکات و کتیبه هاهم نوشتن آن مقارن رسم الخط های یونانی ، آرامی ، براهمی ، رواج تام داشت .

رسم الخط خروشتهی (۴) مانند آرامی از راست به چپ نوشته میشود ، و آثار آن در افغانستان از جنوب آمو تا وادی ارغنداب میرسد ، که از ستوپه ها و معابد و اوقاف بودا یی درهده و بگرام و بلخ و جلال آباد و بامیان و وردک غرب کابل و غزنه و وادی ماورای خیبر آمده است .

بقول بیو هلر (۵) از برخی مشخصات الفبای خروشتهی ما نند حروف علت (مصوته) و حروف صحیح (مصمته) مرکب برمی آید . که به کمک رسم الخط براهمی تکمیل شده ، و بنابراین براهمی چندی پیشتر ازان وجود داشته است . ولی خروشتهی در نتیجه آمیزش ساتراپها و سلطه موقتی دولت هخامنشی با مردم محلی و روسای شرقی افغانستان کنونی و پنجا ب بوجود آمد ، که بمرور زمان در رسم الخط آرامی تعدیلاتی وارد شده و الفبای خروشتهی از آن برآمد . ولی تکامل آن تدریجی بود و ما میبینیم که در اواسط قرن سوم ق ، م

(1) H.H. Wilson

(2) Ariyana-Antiqua

(3) Arianian-Alphabet

(4) Kharoshthi

(5) Buhler

در فرا مین شهباز گر هی و مانسیهره اشوکا در حالی استعمال شده، که در همین عصر ز سم الخط آرامی نیز وجود داشت، که در تکسیلا شرقاً و در قند هار جنوباً کشف گردیده است. و آخرین نوشته های خروشتی تا قرن ۵ میلادی هم میرسد و منطقه نفوذ آن شمالاً تا ختن هم بوده که نوشته های متعدد و نسخه خطی دهامه پده (۱) در قرن ۲ م بدین خط و یک پراکریت شمال غربی هند از نزدیکیهای ختن بدست آمده است. در حالیکه انتهای شرقی استعمال خروشتی در پنجاب تا کرنال و مانی کیاله (۲) بوده، و از کانگره (بهیم نگر العتیبی) دو کتیبه خروشتی و براهمی و همچنین از ما تورای کنار دریای جمنا نیز کتیبه های آن کشف گردیده است. اما در باره کتیبه دیگر مکشوف از مقام پتنه هند گویند که آنرا از شمال غربی هند بدانجا آورده باشند.

در جنوب غرب مسکو کاتی به خط خروشتی، از سیستان و قند هار هم بدست آورده اند، و کتیبه خروشتی و براهمی در تهل وادی ژوب و هم آثار این خط در وادی سوات و لداخ و جنوباً در پارچه های مکشوفه از موهن جو دیرو وادی لار کانه سند میرساند، که منطقه نفوذ خروشتی مخصوصاً از حدود ۶۹ درجه تا ۷۳ درجه و سی دقیقه طول شرقی و از هندو کش تا حدود ۳۳ درجه عرض شمالی و سعت داشته که مبدأ آن بلا شبهت همان ولایت گندهاره تا تکسیلا بوده است.

اگرچه نوشته های متعدد خروشتی از ختن بدست آمده، ولی انتقال آنرا به دست مهاجرین هندی بسرزمین ترکستان چینی میدانند. زیرا این نوشته ها از قرن ۲ میلادی قدیمتر نیستند، در حالیکه استعمال خروشتی در هند شمال غربی تا قرن ۳ قبل-المیلاد بالامیرود، و از همان خط آرامی برآمده که در دفاتر هخامنشی، ساتراپهای شمال غربی هند استعمال میکردند. و درین اوقات وجود هندیان در ترکستان شرقی ثابت نیست (۳) و ظاهر آدی متر یوس (۴) پادشاه یونانی باختری در حد و ۱۹۰۵ ق، م و بعد از وایوکراتید یس (۵) در حدود ۱۸۱ ق، م از یونانیان باختربرخاست و بار اول سکه های

(1) Dhama Pada

(2) Mani Kiala

(3) Kharoshthi inscriptions. By Sten Konow. Calcutta 1929, Vol. 2. Part

(4) Demetrius

(5) Eukratides

مربع مسی خود را بدو رسم الخط یونانی و خروشتھی نشر داد .
 و درین رسم الخط کلمه مهاراجه سه (۱) هندی را در مقابل بازیو ز (۲)
 یونانی نوشت که به معنی پادشاه باشد (۳) . همچنین مسکو کاتی
 از ارا کوزیا (وادی ارغنداب) به دست آمده، که روی سکه نام
 شهنشاه مهرداد دوم پارتی (۱۲۳ - ۸۸ ق.م) به خط یونانی نوشته شده،
 و پشت سکه نام شهرزاده بخط خروشتھی است (۴) و این گونه
 مسکوکات یونانی و خروشتھی در پنجاب هم یافته شده، منسوب به
 آزیس (۵) پادشاه پارتی قرن اول مسیحی که نامش را در خروشتھی
 آب (۶) نوشته اند. و این رسم مسکوکات دوزبانه (۷) تا عصر
 هر مایوس (۸) در حدود ۳۰ ق.م در افغانستان دوام داشت، و بعد از آن
 در عصر کوجوله کره کد فیزیس (۹) او لین پادشاه کوشانی در
 حدود ۴۰ م هم بر مسکوکات طلا و نقره و مسی کلمات مهاراجه سه
 کوجوله کسه سکوسه کیه ده سه (۱۰) و غیره بهمین رسم الخط
 دیده میشود. ولی بعد از قرن اول بنظر نمی آید. (۱۱) قراریکه ستین
 کونواز نظر گرامر مطالعه نموده، زبان تمام این کتیبه ها با وضاحت
 هم شکل بوده و ثابت می آید که زبان محلی مروج این سرزمین
 پیش از آغاز قرون میلادی بود، که یک پراکریت هند است نه
 ایرانی .

اما آثار سنسکریت هم در خروشتھی بدین سبب نمایان است
 که پانی نی (۱۲) گرامر نویس مشهور سنسکریت، ازین سرزمین بود،
 و تکسیلا بحیث دارالعلم قدیم درینجا وقوع داشت، و فرقه
 بودایی سرو استیو ادین (۱۳) که استعمال کنندگان سنسکریت بودند،
 مکرراً در کتیبه های وردک و پشاور و غیره ذکر شده اند، و حتی جملات
 مکمل سنسکریت هم در کتیبه پشاور دیده میشود، و زبان آثار
 تورپهیری هم سنسکریت خالص است. امکان دارد که یک مجموعه

- | | |
|---|----------------------------|
| (1) Maharajasa | (2) Bazileuz |
| (3) Ariana Antiqua. By H.H. Wilson p. 245 London 1841 | |
| (4) S.K. p43 | (5) Azes |
| (6) Ayasa | (7) Bilingual |
| (8) Hermaeus | (9) Kujula-Kara-kadphises. |
| (10) Maharajasa Kujula Kasa | Sakusa Kayadaphasa |
| (11) A. Ant. 357 | (12) Panini |
| (13) Sarvastivadin | |

قوانین بودایی در عصر کنیشکا به سنسکریت فراهم آمده باشد، در حالیکه زبان معابد شمال غربی هند پر اکریت قدیم و خط خروشتی بوده، ولی سنسکریت هم در مناطق نفوذ خروشتی رواج یافته بود. و حتی جملات سنسکریت در کتیبه های خروشتی ترکستان شرقی به الفبای براهمی دیده میشود، و از آن برمی آید که خط براهمی با سنسکریت یکجا جای خروشتی را گرفته بود.

همینکه کنیشکا تسلط یافت، آهسته آهسته رسم الخط خروشتی در امپراطوری یویه، چي از رواج افتاد، و حتی در تکسیلا نوشته های خروشتی بایک پوست درخت بلك بانوشته براهمی به سنسکریت بدست آمده، که نشو و نماي خط براهمی را نشان میدهد (۱).

غالباً اخلاف کنیشکا بسبب سکونت در هند، بعد از واسود یوه (۲) کاملاً هندی مآب شدند و سنسکریت و کلتور هندی، خروشتی را در شمال غرب هند از بین برد و پر اکریت هم مقاومت خود را از دست داد. و در زمان هو ویشکه (۳) رونق خط خروشتی به پایان رسید و سنسکریت بودن نوشته های لوی زلایی که بزمان واسود یوه و حتی بعد از آن هم تعلق دارد رواج سنسکریت را در عصر اخلاف کنیشکا نشان میدهد (۴) و بدین حساب رواج خروشتی از قرن ۳ ق.م آغاز شده و تا مدت ۸۰۰ سال بقرن ۵ م میرسد که هم رسم الخط دفاتر و مسکوکات و هم خط کتب و آثار دینی بود. (۵)

تحقیقات علمارا جمع به رسم الخط خروشتی در حدود ۱۸۳۰ م وقتی آغاز شد، که یک عده مسکو کات زیاد از افغانستان و شمال غرب هند، بدو رسم الخط خروشتی و یونانی بدست آمد، و رسم الخط یونانی آن کلید خوانش کلمات خروشتی گردید. و جیمس پرنسیپ (۶) عضو انجمن شاهی آسیایی بنگال ۷-۸ کلمه را از آن مسکوکات خوانده توانست، و در تکمیل این کار کتیبه خروشتی

(1) S.K.173

(2) Vasudeva

(3) Hoveshka

(4) S.K. 181

(۵) مخفی نماند که خط خروشتی در اواخر آنقدر زیر اثر خط براهمی هند آمد، که گاهی مانند براهمی از چپ بر راست هم نوشته شده است.

(6) Jams Princep

کمک کرد که در چند سطر بر یک طرفی از بلخ بدست آمده بود، و در جولای ۱۸۳۸ در مجله آسیا یسی بنگال مطالعات پرنسیپ در آن باره انتشار یافت، و مقارن آن از معینمانی کیاله پنجاب هم برخی نوشته‌های خر و شتمی بوسیله جنرال کورت (۱) بدست آمد. و لسی چون پرنسیپ در ۱۸۳۸ در گذشت مستر میسون (۲) در افغانستان مشغول کنجاو یسها بود. وی از بامیان و هده نوشته‌های روی ظروف آشف کرد، که بر اساس مطالعات ایشان پرو فیسر ولسون موفق گردید، که در کتاب آریانه انتیک و اطبع ۱۸۴۱ جداول حروف خروشمی را با انواع آن ترتیب داده، و آنرا رسم الخط آریانه بخواند. و این تحقیقات وقتی مکمل تر گردید که ستین کونو در کتاب مهم خود جدول ۲۶۶ شکل حروف و اعداد آنرا از روی تمام کتیبه‌های مکتشفه ترتیب کرد. (عکس نمبر ۱۰)

در باب تسمیه خر و شتمی یک نظر اینست که در اصل خر و تهمی بوده، که قبیله یی تاکنون بنام خرو تهمی افغانی موجود است. و بیوهلر گوید: که خرو شتمی (۳) نام مخترع آنست. و یاد در زبان آرامی خرو شتمی به معنی نوشتن بود، که بعد هادر سنسکریت هم رواج یافته باشد. ولی برخی از علما گویند: که از کلمه آرو تهمی (۴) آرامی به معنی «حرف» آمده است.

اکنون ذکر تمام کتیبه‌های خروشمی را که تا سنه ۱۹۲۹ مطالعه و یا کشف شده می‌آوریم. کتاب نوشته‌های خروشمی در دو جلد ضخیم در همین سال از طرف اداره نشرات مرکزی حکومت هند در کلکته طبع شده، که حصه اول جلد دوم تألیف دکتر ستین کونو پروفیسر یونیورسیتی ارسلو باشد. و در آن (۱۰۱) کتیبه خروشمی که در افغانستان و اواسط هند و لداخ بدست آمده، مورد تحلیل و ترجمه قرار گرفته است، و در جلد دوم متون خروشمی ۷۶۴ کتیبه موجود است که حصه اول کتاب را (بویر) (۵) و (زایسون) (۶) و (سینارت) (۷) فراهم آورده، و حصه دوم کتاب را (زایسون) و (نوبل) (۸) ترتیب داده‌اند، که طبع آکسفورد ۱۹۲۹ باشد. (نام کتاب در انگلیسی خروشمی انسکر پشنز (۹) است)

- | | |
|-----------------------------|-----------------|
| (1) Court | (2) Masson |
| (3) Kharoshta | (4) Karottha |
| (5) A. M. Boyer | (6) E.J. Rapson |
| (7) E. Senart | (8) P.S. Noble |
| (9) Kharoshthi inscriptions | |

ومادر حواشی مخفف آنرا بنام: قلف آن ایس - کی (۱) اشارت کرده ایم .

۱- کتیبه خوات :

از مهم ترین متون خرو ششمی کتیبه ایست روی ظرف بزرگ سنگی که در حدود ۱۸۳۸م میسون آنرا از خوات وردک ۳۰ میلی غرب آابل به موزه برتانیه لندن انتقال داد. (عکس نمبر ۱۱)
این کتیبه ، سه سطر بردورادور ظرف و یک سطر هم در پایین دارد. که حروف آن جدا جدا و واضح و روشن است که بنام مها را چه هوویشکه پسر کنیشکا (۱۶۹-۱۸۲م) نوشته شده و ترجمه تخمینی آن چنین است :

«در سال ۵۱ بتاریخ ۱۵ ماه ارتمی سیوس (۲) که گو لیه (۳) خلف و گره مریکه (۴) ساکن خوات گردید و بنای یادگار حضرت سماکیا مونی را در ویماره و گره مریکه در یک ستو په گذاشت درین بنیان سعادت و خوشی ، سم، بزرگ از مهاراجه هوویشکه باد! ثوب آن برای مادر و پدرم و برادرم هشتم و نه مریکه باد. (۵) و به تمام منسوبین و دوستان و وابستگان و بخود من و گره مریکه باد! نفع آن بصحت تمام موجودات و افتخار همگان برسد! آنانیکه درین جهانند از زیر زمین تا آسمان ، از تخم برآمده گان (پرنده گان) و از شکم برآمده گان (آدمیان و چهار پا یان) تا موجودات بدون شکل (حیوانات غیر مرئی) (همچنین ثواب آن) به اخلاف من و آنانیکه گمراه نیستند برسد! و همچنین از ساختمان گردا گرد آن، بهره برداری کامل شود! و مردیکه عقیده کاذب دارد نیز از آن سهم داشته باشد. این و یپاره در قبول معلمان مهاسانگمیکه (۶) است « (۷) درین کتیبه سال ۱۵ سلطنت مقارن حدود ۱۸۰م باشد ، و ماه ارتمی سیوس یونانی ماه پنجم سال یونانی است که در آثار الباقیه البیرونی (ص ۷۱) اطماساوس ضبط شده، و مقارن ماه می است. و استعمال گاه شماری

- | | |
|----------------------|------------------|
| (1) S.K. | (2) Artemisios |
| (3) Kamagulya | (4) Vagra Marega |
| (5) Hashthuna Marega | (6) Mahasanghika |
| (7) S.K. 2/170 | |

یونانی در رسم الخط خروشمتهی دلالت دارد، بر اینکه اثر فرهنگ یونانی در اواخر قرن ۲م با همان استواری سابق خود باقی بود، و ۱۵ ماه ارتمی سیوس سال ۵۱ = ۲۵ اپریل ۱۷۹م باشد.

درین کتیبه نامهای دو برادر بنام قامیلی ماریکه یا مریکه مذکور است که همین نام با ملای ماریک (۱) در کتیبه زبان تخاری و رسم الخط یونانی سرخ کوتل با رئیس هیئت ترمیم معبد بغلان هم آمده، و معلوم است که مریکه نام یک دودمان عهد کنیشکاو پسرش هوویشکه بود، و افراد این خاندان در بنا و ترمیم معابد دستی داشته اند. ولی استعمال زبان تخاری و رسم الخط یونانی در معبد بغلان و خط خروشمتهی و زبان پراکریت در معبدخوات که بین هردو فاصله ۲۰ ساله است خلط و وجود فرهنگ مقامی زابایو نانی میرساند، و اینکه در آثار معبد بغلان، علایم آتش مقدس، و درخوات یک معبد بودایی دیده میشود. که بنام ساکیا مونی وقف شده این مطلب را تایید میکند: که در عصر کوشانی آزادی مذاهب و مدارای عقاید دینی به تمام و کمال موجود بوده و بر مسکوکات این شاهان هم یک مجموعه ارباب انواع مقامی یونانی و هندی دیده میشود.

مضمون کتیبه خوات وسعت نظر و شفقت بر تمام موجودات حیه را نیز حاویست که وابستگی بامضا مین فرامین اشوکا و قوانین دیانت بودایی دارد، و تسامح تام مذهبی از آن نمایان است.

اما ذکر معلمان مها سانهیکه ثابت میسازد که این فرقه در افغانستان هم موجود بود و این نام فرقه ایست که ساکه ها حین کمال مشغولی خود با بودیزم، فرقه سرواستیو ادین را برخلاف آنها حمایت میکردند (۲). و ذکر این فرقه در کتیبه متورا و غیره هم آمده است.

۲- نوشته هابر پوست درخت:

در سنه ۱۹۳۰ در یکی از سموجهای بامیان نزدیک بت ۳۵ متری نوشته های خروشمتهی و بر همی بر پوست نازک درخت کشف شد، که پارچه کلانتر آن ۲۵ × ۱۰ سانتی سطح دارد، و آنرا در ۱۹۳۲ در مجله آسیایی پاریس با نوشته های مشابه آن که از کشمیر و گلگت خریداری شده بود، مورد مطالعه قرار دادند که به قرن ۳ تا قرن ۸ م

(1) Mareg (2) The Dynastic art of Kushan, p134. By Rosenfield. California 1967

تعلق دارد، و بقایای یک کتابخانه معبد است که برخی از آن فصول کتاب ابھی دهرمه (۱) پیروان مذهب بزرگ بودایی بود و کلمه «بودی ستوا» (۲) در آن دیده میشود که ارتباط به مذهب بزرگ بودایی دارد. و نیز پارچه های کتاب وینایا (۳) یکی از آثار مذهب بودایی نیز بزبان سنسکریت و خط پراهمی و خروشمی در آن موجود است و از آن پدید می آید که تا حدود قرن ۸م هم این رسم الخط های خروشمی و پراهمی با زبان سنسکریت درین حوالی رواج داشت تا که نشر دین اسلام آثار آنرا از بین برد.

۳- نوشته بر ظرف گلی هده :

آثار هده پنج میلی جنوب جلال آباد و مسکوکات و بتائیکه ازین مقام در صد سال اخیر بدست آمده در تاریخ بودیزم و دوره کوشانی اهمیت تام دارد، و این ولایت ننگرهار جزو مهم کوشان شهر بود و آثار نقاشی بودا در حوض آب ماهیان که از تپه اشتر هده اکنون کشف شده بهترین مظهر نقاشی گندهار است و معبد بزرگ استخوان بودا هم درینجا بود، که نام هده از آن آمده و در پینتو هده (۴) بمعنی استخوان است.

در حدود صد سال قبل مسر میسون یک ظرف گلی را با دو سطر نوشته خروشمی بدست آورد، که در سنه ۲۸ ساخته شده و به یک بودی ستوا اهدا گردیده و ثواب آن به پادشاهی بخشیده میشود، که نام وی مذکور نیست و شاید یکی از کوشانیان باشد (کتیبه های خروشمی ستین کونو) نقل خطی این کتیبه را ویلسون در کتاب آریانا انتیکوا و بعد از آن کونو در کتیبه های خروشمی (۲۱۵۷) نشر نموده اند. ترجمه آن: «در سال ۲۸ دهم ماه اپی لایوس (۵) بنای یادگاری در باغ شاهی (۶) در یک ستو پادست معمار سنگه میتره (۷)

- | | |
|---------------------------|-----------------|
| (1) Abhidharmakosa-Sastra | (2) Bodhisattva |
| (3) Vinaya | (4) HADD |
| (5) Apellaios | |

(۶) در اصل RAMNAMMI بود که آنرا به KING'S GROVE

ترجمه کرده اند ولی نام باغ شاهی تاکنون در جلال آباد موجود است.
(7) SANGHAMITRA

نذاشته شد. این بنیاد برکت یادگار بودهی ستوا باد! جلو گیری از فساد دهرمه (۱) در هر آجا باد! آمادگی برای نروانای (۲) همگان باد! و اجر جزیل برای شاه باد. (کتاب مذکور ۱۵۸۲) درین کتیبه تاریخ ۱۰ ماه اپی لایوس یونانی سال ۲۸ مساویست با ۲۴ نو مبر ۱۵۵ م که عصر کوشانیان بزرگ باشد.

۴- کتیبه آرا: (۳)

بفاصله ده میل جنوب غربی اتک نزدیک گذرگاه نیلاب بر کنار جنوبی دریای سند بعرض ۳۳ درجه ۴۶ دقیقه و طول ۷۲ درجه ۱۲ دقیقه واقع است. کتیبه سنگی آن ۲ فوت ۸ اینچ از طرف سر او زل ستین به موزه لاهور اهدا شده (نمبر ۱-۱۳۳) مشتمل بر ۶ سطر خروشمی عصر کوشانی و دارای تاریخ ۲۵ جیی شته (۴) سال ۴۱ = ۲۴ اپریل ۱۶۹ م مضمون: «در عصر مهاراجه را جاتیراجه دیوه پتره کیسره کنیشکه پسر و جهشکه (۵) در سال ۴۱ و روز ۲۵ ماه جیی شته، این چاه ز طرف دشه و هره خلیفه پشاوریان (۶) به افتخار مادر و پدر و ثواب خودش و همسر و پسرش، برای رفاه تمام مخلوقات کنده شد. (۷) درینجا لقب رومی کیسره = قیصر و نوشتن نام پدر او را مشخص میسازد، که همان فوشکه (۸) مذکور در راجه تر نگینی کلپنه است، که در کتیبه سال ۵۱ خوات وردگ بعنوان مهاراجه (امپراتور) یاد میشود. (۹)

۵- کتیبه مهر باجور:

در سنه ۱۸۸۹ م از میان کلی باجور شمال شرقی جلال آباد، چندین سنگ نوشته بدست آمد که بر یکی از آن به خط خروشمی کلمات: سو تهریو دهه سه (۱۰) نوشته شده و کلمه اول راهمان شاو (۱۱) زبان ساکه بمعنی (KING) دانسته اند = (شادر کتیبه های کوشانی) ولی نام این حکمران بلا شبهت یو نانا است، و از حکمرانان وادی کابل

(۱) عدالت، تقوی، راستی DHARMA

(۲) NIRVANA فنای مطلق در عالم خیر

(3) ARA

(4) JYASHTHA

(5) MAHARAJATIRAJA DEVAPUTRA KAISARA VAJH-ESHKA PUTRA KANISHKA

(6) Dashavhara'of the Peshawarian Scions

(7) S.K. 2/165

(8) Fushka

(9) S.K. 2/179

(10) Su-Theudamasa

(11) Shav

در عصری میزیسته ، که سلطه یونانیان باختر از طرف قبا یس
سیتمی و کوشانی خا تمه یافت . (۱)

۶- کتیبه ابتردان مسی :

در سنه ۱۹۲۰ م طرف آبکر دان مسی ازقریه بیدادی (۲) ۱۲ میلی
شمال غربی مانسیمره و اقع کنار دریای سیران بدست آمد، که بموزه
پشاور اهدا شد و ۹ انچ فرا خسی و ۲،۷ ر طل وزن دارد و بر آن سه
خط خروشمتهی پیش از دوره کوشانی نوشته اند :

« ارمغان سنگمیره کشمیته (۲) به جماعت زوحانیون چهارمقام (۴)
در مملکت یوره شد (۵) از معلمان کاشیه پیه (۶) . »

شبهات کلمات این کتیبه را با برخی از نوشته های تکسیلا و موز
پشاور خاطر نشان کرده اند ، و فرقه آموز گران کاشیه پیه نیز
ربطی با فرقه های مذهبی تکسیلا دارد . (۷)

۷- کوزه قریه بیماران جلال آباد.

این دبه در حدود هفت میلی شمال غرب جلال آباد واقع است و بین
سنوات ۱۸۴۳ - ۳۷ مستر میسون انگلیسی درستو پای بزرگ و
کوچک مرکز این قریه حفریات نمود، و در اطاق یادگار مقدس آنجا
کوزه بزرگی که از خاک روغنی ساخته شده بود، با خط خروشمتهی یافت که
در آن دانه های گوهر و سبجه و جعبه طلایی مزین و چهار سکه مسی ازیس (۸)
بود و از آن استدلال میکنند که این ظرف متعلق به عصر پیش از
ازیس و پیش از (حدود ۵۰ ق، م) نیست و بر مسکو کات آن بخط
خروشمتهی نوشته اند:

« مهاراجه سه مهاتسه دهره میکمه راجه تیره جهسه ایاسه » (۹)
ترجمه کتیبه اول : « ارمغان نمیوه ر کشمیته خلیفه موجهوت ها (۱۰)
بتقریب نیابت او بطور یادگار حضرت (بودا) بافتخار همه بوداها » (۱۱)

(1) S.K.2/6

(2) Bedadi

(3) Sangharakshita

(4) Four Quarters

(5) Urasa

(6) Kasyapiya

(7) S.K. 2/88

(8) Azes

(9) Maharajasa Mahatasa Dhramikasa Rajatirajasa Ayasa

نام ایاز که در ادبیات دری بشکن ایاس هم آمده ، آیاربطی با این ایاس
Ayasa شکل خروشمتهی از یس نخواهد داشت ؟

(10) Sivarakshita The Mujavat Scion

(11) S.K. 2/51

کتیبه سرپوش ظرف « شیوه کشیده خلیفه موجه وت . بطور یادگار حضرت (بودا) » (۱) مخفی نماید: که کلمه موجه وت (۲) را نام قبیلہ بی پنداشته اند، که دراتهر و اویدا مقارن اسمای بلهیدہ و گندھاری شمال غرب ہند مذکور است . (۳)

۸- کتیبه سرپوش جعبہ :

در بین آثار باستانی کہ مستر میسون از افغانستان فرستادہ بود . سرپوش یک جعبہ بر نجی، نوشتہ حروشتہی در دو سطر دارد ، کہ نظر محققان را جلب کردہ است . تاریخ آن مانند کتیبه مانی کیالہ $10 + 4 + 4 = 18$ نوشتہ شدہ و ترجمہ متن آن چنین است :
« در سال ۱۸ دہم ماہ از تی مسیوس (۴) یادگار شرامانہ کوتمہ (۵) در معبد نہادہ شد . »

تاریخ دہم ماہ از تی مسیوس سال ۱۸ مساویست با ۲۰ اپریل ۱۴۶ م کہ عصر نوشتن این کتیبہ را بہ اوایل دورہ کوشانیان بزرگ میرساند . (۶)

۹- کتیبه امب :

دیوی (۷) قلعت کوچکی است در سرزمین امب در دامنه های شرف کوه مہابن کہ در آن آثار ابنیہ قدیم وجود است و کتیبه سنکی در انجہ بود کہ بہ موزیم لاہور انتقال یافت بر سطح 9×5 انچ آن سہ سطر نوشتہ حروشتہی دیدہ میشود . کہ حروف آن بہ عصر کنیشکا و کتیبہ سیمین تکسیلا مشابہ است، و ترجمہ مضمون خروشتہی آن چنین است:

« در سال ۲۰۰ ہشتم ماہ وای شا کہہ (۸) یک آبدان از مغان از جمند ہیمہ است (۹) . »

تاریخ این کتیبہ ۸ ماہ وای شا کہہ سال ۲۰۰ مساویست با ۲۴ مارچ ۱۱۶ م . (۱۰)

۱۰- سنگ نبشتہ فتح جنگ :

در سمت شرقی اتک بر راہ آہن زاو لپندی و کوهات فتح جنگ واقعست کہ ۵ میل در جنوب آن دیہی بنام ماہجیہ (۱۱) در ۳۳ درجہ و ۲۹

(1) S. K. 2/52

(3) S.K. 2/51

(5) Sramana-Gotama

(7) Dewai

(8) Worthy Hima

(11) Mahjia

(2) Mujavat

(4) Artemisios

(6) S. K. 2/152

(8) Vaisakha

(10) S.K. 2/104

دقیقه شمالی و ۷۲ درجه و ۳۹ د قیقه طول شرقی افتاده و ازینجا سنگت
بوشته خروشمی در يك سطر کشف و به موزه لاهور اهدا شد .
است. خط خروشمی آن بدور ساکه می ماند.

ترجمه آن : «در سال ۶۸ شانزدهم ماه پروشته پده (۱) ارمغان اصحاب
ودهی تیره (۲)» ۱۶ ماه پروشته پده سان ۶۸ مساویست با ۱۸ جولای
سال ۱۷ ق، م (۳)

۱۱- کتیبه پایه مجسمه مکشوفه ز غزدهیری :

اشنغروادی شمال شرقی پشنا و رکه بسیار آسیب دیده و اکثر حروف
آن از بین رفته است (۴) .

۱۲- کتیبه مجسمه اشنغر :

درفا صله ده میلی شمال شرقی پشاور در جاییکه دریای سوات ر
نابل باهم می آمیزد و شهر مشهور تاریخی پشکلاوه تی درین وادی بود،
یکی از مراکز مهم بودایی بشمار میرفت ، درقریه زاجر از تپه خاکی
مجسمه بودا باسه نفر بدست آمد که در معبد هندوان آنجا نهاده شد
و در سنه ۱۸۸۳ کتیبه خروشمی پایین مجسمه را دیدند ، که فقط
تاریخ آنرا چنین نوشته اند «در سال ۳۸۴ پنجم ماه پروشته پده»
که این تاریخ مساویست با ۷ جون ۳۰۰ م. (۵)

۱۳- کتیبه های جمال گرهی :

جمال گرهی دیهی است در دامنه جنوبی کوهپایه پاچا که از مردان
شمالا هشت میل فاصله دارد و در ۳۴ درجه ۲۰ دقیقه شمالی و ۷۲
درجه و ۵ دقیقه طول شرقی واقع است درینجا کتیبه های متعدد
خروشمی زاهم یافته اند که از آن جمله است :

الف : سنگ نوشته اول ماه اشوه یوج (۶) سال ۳۵۹ = ۲۴ اگست
۲۷۵ م در بازه تأسیس يك دارالمساکین دینی درین باغ (بیشه)
از طرف شر او که پوته که (۷) برای متابعان یودیلیا که (۸)

ب: کتیبه پایین يك مجسمه بی تاریخ ، ارمغان مادروهمسرواشسته
به ثواب تمام مخلوقات و ثواب وصحت آقا. (۹)

ج: کتیبه هاله يك مجسمه که بر آن « وقف سفا » (۱۰) نوشته
اند. (۱۱)

(1) Praushthpada

(3) S.K. 2/22

(5) S.K. 2/119

(7) Sravakapotaka

(9) S.K. 2/114

(2) Vadhitira

(4) S.K. 2/123

(6) Asvayauj

(8) Uddiliaka

(11) S.K. 2/114

(10) Sapha

د: کتیبه بنیاد يك سنتون : «يك منار ارمغان بودا ورمه» (۱)
 ه: نوشته بريك چراغ سنگی که در حفريات ۱۹۲۱ م کشف شده
 فقط «درستو په ایلوه» (۲) بر آن خوانده میشود. (۳)
 و: سنگ نوشته مکشوف ۱۹۱۲ م که بر آن نوشته اند: ارمغان بود-
 هاره کشیتنه (۴) «(۵)

۱۴- سنگ نوشته قلعه سنگ:

دامنه کوه مهابن مربوط خود. وخیل مرز قبیله یوسفزایی که در
 موزه لا هور است (نمبر ۱، ۵۹) مضمون آن: «درسنه ۱۰۰ متابعان
 پی په له کهه (۶) چاهی ساختند. خوانش عدد صد مشکو کست و
 سال صدم = ۱۶-۱۷ م است (۷)

۱۵- سنگ نوشته کالدره :

نزدیک درگئی جنوب کوتل مله کند درسوات که اکنون درموزه
 لاهور است ۲۷ × ۹ انچ. تاریخ این کتیبه ۲۰ ماه شراونه (۸) سال
 ۱۱۳ = ۵ جولایی ۲۹ م است.
 مضمون آن: «این حوض از طرف تمهیدوره پسر داتیا (۹) برای
 استفاده تمام مخلوقات در سال ۱۱۳ بیستم ماه شر وانه ساخته شد.»
 قراریکه تحقیق کرده اند ناموقف کننده این حوض تمهید و ره
 یکصورت مصحف تهیودوروس (۱۰) یونانیست که بريك کتیبه ظرف
 سوات میرید رخ تهیو دوره (۱۱) آمده، و شاید این تمهید و ره کالدره
 از اخلاف میرید رخ باشد. (۱۲)

۱۶- کتیبه هفت حرفی کانیزه:

پهیری واقع عمر زی چار سده پشاور (پشاور موزیم) (۱۳)

۱۷- کتیبه بنای حوضی د وگرنال هفت میلی جمنا :

(موزه لاهور) از طرف کر یسه کوی (۱۴)

(1) Buddhauarma

(3) S.K. 2/116

(5) S.K. 2/116

(7) S.K.2/52

(9) Datiaputra-Thaidora

(11) Meridarkh Theudora

(13) S.K. 2,172

(2) Aida

(4) Buddharakshita

(6) Pipalakra

(8) Saravana

(10) Theodoros

(12) S.K. 2/65

(14) S.K. 2,179 Krisakavi

۱۸- کتیبه کومره‌هار (۱) پتنه:

(هند) مکشوف ۱۹۱۴ که آنرا دورترین کتیبه خروشنه‌ی بیرون از منطقه نفوذ این رسم الخط شمرده اند «کار سنگه داسه کوتنومه» (۲)

۱۹- کتیبه صندوقچه کورم:

وادی کورم در جنوب سپین غربی مرزی شرقی افغانستان واقع و چون گذرگاه فاتحان و کاروانهای هند بطرف زابل و کابل بود، همواره در تاریخ اهمیتی بسزاداشت، و این صندوقچه مسی دارای شکل ستوپاست که ۴ سطر کتیبه بردورادور خود دارد، و یکی از نوشته‌های مفصل خروشنه‌ی است بدین مضمون:

«در سال ۲۰ و بیستم ماه اوهدونه که (۳) شویده ورمه پسریاشه (۴) بنای یادگار حضرت ساکیا مونی را درین باغ خودش در نیو ویهاره، به موافقت معلمان سر و استیوا ده (۵) دریک ستوپه برای ثواب تمام مخلوقات نهاد. آنحضرت گفته بود: در دوام جهل به آیین، در پنداشت آیین اساسی (۶) (تصور مادیات) در ادراک نام و پیکر در نام و پیکر شش وسیله (۷) در تماس این شش وسیله (بامحسوسات) در علاقه با احساس - در تشنگی احساس (اشتها بمادیات) - در تشنگی و لوع - در حرص حیات در زایمان زندگانی - در پیری - مرگ - مصیبت - پراگندگی - درد - افسردگی و نومیدی. چنین است اصل مجموعه رنج برای تمام موجودات.

و این پره تیت یا سه موت پاده (۸) از طرف ماهی فیه تیه (۹) به تعظیم همه مخلوقات نوشته شد. «درین کتیبه ماه اوهدونه که عبارت از ماه یونانی اودو نایوس (۱۰) است که مطابق باشد با ۲ جنوری ۱۴۸م (۱۱)

(1) Kumrahar (2) Sanghadasa Kauthuma. S.K. 2,178

(3) Avadunaka

(4) Svedauarma-yasa Putra

(5) Sarvastivada

(6) Sanskaras

(۷) مراد پنج حس و عقل است.

(8) Pratityasamutpada.

(9) Mahi Phatia

(10) Audunaios

(9) S.K. 2,152

۲۰- نوشته بر هاله يك مجسمه بودا در موزه لاهور «هدیه بو سه ورمن» (۱)

۲۱- نوشته بريك تختة موزيم لاهور (..... سنسكاره (۲))
۲۲- پنج سنگ نوشته لو ريان تنگی سوات سفلی نزدیک قریه پیلانہ کہ در سنہ ۱۸۹۶م کشف و در موزه کلکتہ محفوظ اند:
نوشته يك سنگ : در سال ۲۱۸ بیست و هفتم پرورشته پده (۳) تحفه
بودها گوشه (۴) پير و سنگهاورمه (۵) (مطابق ۲۷ اگست ۲۷۵م) (۶) (نوشته دیگر : تحفه بودها ورمه (۷) درستوپه کهنه و نه (۸)
نوشته دیگر : تحفه بودها میترا (۹) پير و بودها کشیته (۱۰)
نوشته دیگر : تحفه اکشه يیکه (۱۱) پير و شرهه نه سد هر مه زه
نه (۱۲)

نوشته دیگر : تحفه سینہامیتره (۱۳) پير و سی هی لیکه (۱۴)
۲۳- کتیبه مايره (۱۵) نام يك قریه در کو هپایه نمک ضلع جیلیم (پنجاب) در صد میلی جنوب تکسیلا سال ۵۸ = ۲۷ ق، م (۱۶)
۲۴- کتیبه ممانی دھیری (۱۷) در چار سده شمال شرقی پشاور کہ در همان پشکلا وتی تاریخی واقع است (نمبر ۵۱ موزه پشاور) تاریخ این کتیبه ۵ ماه مارگه شیراس (۱۸) سال ۸۵ = اول نومبر ۲۱۶ م است کہ بريك مجسمه بو دا چنین نوشته اند:
«در سال ۸۵ پنجم ماه مار گه شیراس این تحفه دینی از طرف شرهه نه دهرمه پری یه (۱۹) باعزاز... و آموزگار او بوده پری یه (۲۰) و برای صحت بخشی مریدان او.» (۲۱)

۲۵- مانی کیاله (۲۲) مجموعہ خرابه های قدیم بین حسن ابدان

- (1) S.K. 2/115 - Bosavarman (2) S.K. 2/131 Sanskara
(3) Praushthapada (4) Buddha Ghosha (5) Sangha Varma
(6) S.K. 2/107 (7) Buddha Varma (8) S.K. 2/108 Khandavana
(9) Buddha Mitra (10) S.K. 2/109 Buddha Rakshita
(11) Akshayika (12) S.K. 2/110. 'Sramana-Saddh armarata
(13) Sinha Mitra (14) S.K. 2/110. Sihilika (15) Maira
(16) S.K. 2/11 (17) Mamane Dheri (18) Margasiras
(19) Sramana Dharmapriya (20) Buddha Priya (21) S.K. 2/172
(22) Mani Kiala

وجیلیم در ۳۳ درجه و ۲۷ د قیقه شمالی و ۷۳ درجه و ۱۷ دقیقه شرقی واقعست و درینجا کتیبه های ذیل کشف شده :

الف: ظرف حفظ خاکستر (بطور للدان) که بیرونی آن مسی بود ، و در آن ظرف نقره جای داشت و در داخل آن ظرف طلائی خاکستر بود، و بریک سنگ چنین نوشته دارد ، که هفت سطر در بین و در سطر بدست راست و سه سطر بدست چپ آنست مورخ سال ۱۸ بیستم کارتیکه = ۹ اکتوبر ۱۴۵ م.

«در سال ۱۸ ر وز بیستم ماه کارتیکه (۱) در عصر شامی مهاراجه کنیشکه جنرال لله (۲) از نژاد کوشانه و آمر اوقاف کشته پنه ویشپاسی (۳) وقف کننده در ویهاره خودش ، که یادگار های متعدد حضرت بودا را با سه نفر ذیل می سازد : ویشپاسیه و خوده چه (۴) و بوریته (۵) معمار و یهاره و تمام جمعیت را هبان . ثواب این بنای خیر با بودا ها و شر او که ها (۶) به برادرم سوره بودهی (۷) و بوریته معمار ترمیم کننده رسیده باد. « (۸)

(1) Karttika

(2) Lala

(۳) Kshatrapa-Vespasi ویشپاسی نام کشتراپ و حکمران است .

(۴) Khudacha این کلمه در کتیبه هموزه پشاور سال ۱۶۸ م خوده چیه است که شاید نام جایی باشد، و هم این کلمه را اصل قدیم خواجه میتوان پنداشت که در پهلوی خواتای چک بود تصغیر خواتای = خدای و کوه خواجه در سیستان نزد زردشتیان مقدس است و خواجه در فارسی به معنی رئیس و معظم و حاکم و کد خدا بود که معرب آن خواجه است (حواشی برهان ۷۷۹) در کتیبه بغلان کلمه خوادى Xoade دوبار آمده

که آنرا معادل Outokrator و خدیو دانسته اند و در اینجا بمعنی پادشاه و امپراتور است ، و خود ووه به که نام یکی از کابلشاهان بو د (مادر زبان دری ۸۶ ر ۱۳۵) پس خوادى (بغلان) خوده چیه (خروشتیه) خواتای چک (پهلوی) خواجه (مستعمل کنونی) باید با هم ربطی داشته باشند.

(5) Burita

(6) Sravakas

(7) Svarabuddhi

(8) S.K. 2/150

درمانی کیالہ کتیبه های مختصر دیگری هم بدست آمده، که از آنجمله بر میزک سیمین «تحفه گومنه (۱) معمار» و بریک جعبه مفرغی موزه برتانیه «تحفه کاپیشا (۲) کشتی په پسر گره نه و هر یه که» (۳) نوشته شده است. (۴)

۲۶- کتیبه تخته سنگی مانسیره واقع شمال ایت آباد، که در انجا کتیبه فرامین اشو کا هم بر کو ه بچه پی موجود است. این تخته سنگ دو پارچه دارد و بموزه کلکته در ۱۸۹۸ م انتقال یافته که در سال ۱۷=۱۶ ق.م نوشته اند، و ده سطر است. چون آسیب زیاد دیده مضمون آن مبهم است: «درسا ل ۶۸... قوت شاهی (?) بحکم فرمان.. برای هشت سال لغو گردید....» (۵)

۲۷- کتیبه مار گوس (۶) واقع سوایی دومیلی دریای سند در سال ۱۱۷ (?) = حدود ۳۳ یا ۲۳ ق.م درباره تاریخ یک چاه. (۷)

۲۸- کتیبه بر شکل یک فیله کنده بر سنگ، در موزه متو رای هند که بران نوشته اند «یا دگاز استخوان گردن آنحضرت» (۸)

۲۹- نوشته های ستون سرشیردار متو راکه (۱۶) سطر در پارچه های متعدد دارد و بسط خط خروشمی راتا او اسط هند میرساند (۹) این کتیبه در تاریخ هند و ساکه ه اخیلی مهم است زیرا آنرا بامر ملکه بزرگ ایاسیه که مو یی (۱۰) بنت یووه راجه خره وسته (۱۱) همسر مهاکشتی په رجو له (۱۲) و مادرنده دیاکه (۱۳) نوشته اند. و را جمع به وقف معبد و تصدیق موقعیت های رسمی رجال و افراد خاندانهای مقتدران عصر است و این رجو له رایکی از حکمرانان ساکه در اوایل قرن اول میلادی دانسته اند. (۱۴)

(1) Gomana

(2) Ka'pisa'

(3) G (R) Ana Vhrayaka

(4) S.K. 2/151

(5) S.K. 2/20

(6) Margus

(7) S.K. 2/66

(8) S.K. 2/50

(9) S.K. 2/48

(10) Ayasiakamuie

(11) Yuva Raja Kharaosta

(12) Rajula

(13) Nada Diaka

(14) S.K. 2/34

۳۰- کتیبه چند حرفی میر زیارت در شهر ناپرسان اشغر شمال شرقی پشاور و کتیبه موزه لاهور از همین شهر ناپرسان بر پایه یک بود هی ستوادر دو سطر راجع به وقف برای سلامتی بوده ورمه (۱)
۳۱- کتیبه تخته سنگ موزه لاهور که از کوه بنج (۲) سلسله مهابن مجاری دریای سند علیا بدست آمده و بسال ۱۰۲ = ۱۸-۱۹ م تاریخ ساختن یک چاه است (۳)

۳۱- کتیبه تخته سنگ موزه لاهور که از موچای اراضی یوسفزایی شرقی پشاور بدست آمده و در سال ۸۱ = ۴-۳ ق، م در ساختن چاه هی از طرف تبعه وشی شوگه (۴) نوشته شده است. (۵)
۳۳- کتیبه سنگی ناو گرام واقع خود وخیل شمال شرقی دریای سند علیا در موزه لاهور در باره یک وقفیه در یک سطر.
۳۴- کتیبه ۳ کلمه مکشوف از نو شهره شرقی پشاور بر یک پایه مجسمه که در آن کلمه کریده (۶) به معنی ساخته و بنا آمده است. (۷)

۳۵- کتیبه دوسطری سنگی که از پاچا بین جمالگرهی و تخت باهی شمال شرقی پشاور بدست آمده و در موزه لاهور است. و تاریخ آن سال ۱۱۱ روز پانزدهم شراونه مساویست با ۲۳ جون ۲۷ م و مضمون آن چنین است: در سال ۱۱۱ روز پانزدهم ماه شراونه (۸) این چاه از طرف سنگه میثره (۹) پسر آننده (۱۰) به تعظیم مادر و پدرش برای فایده و خوشی تمام مخلوقات ساخته شد (۱۱)
۳۶- سه سطر نوشته بر پارچه های ظروف موزه پشاور که از پاتود هیری پشاور بدست آمد و همه راجع به وقف و ایصال ثواب آن به اشخاص است. (۱۲)

۷- کتیبه سالم پور پنجتار: در دامنه های مهابن که در ۷۳ درجه و ۳۱ دقیقه شرقی و ۳۴ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی واقع است. نوشته

(1) S.K. 2/124
(3) S.K. 2/57
(5) S.K. 2/30
(7) S.K. 2/134
(9) Sanghamitra
(11) S.K. 2/65

(2) Banj
(4) Vashi suga
(6) Karide
(8) Sravana
(10) Ananda
(12) S.K. 2/122

سنگی سال ۱۲۲- اول ماه سرا ونه = ۷ جون ۳۸ م عهد سا که بمضمون ذیل بدست آمده .

«در سال ۱۲۲ اول ماه سرا ونه در عهد کوشانه مهاراجه سر ز مین شرقی کسوه (۱) از طرف مویکه (۲) خلف اورو موجه (۳) منطقه فرخنده گردید . و در انجا دو با غ از طرف من وقف شد . باین اقدام قابل تمجید ... منبع جا ویدا ن خیر . (۴)

۳۸- بريك پارچه عقیق که در پاریس است باتصویر يك شخص ایستاده دارای دستار و لباس برزو و پیراهن درشت کلمه پونیه- مته (۵) نوشته شده است و آنرا از عهد یونانیان باختر دانسته اند (۶)

۳۹- کتیبه سنگی پاتھیا ر واقع یک میلی کانگرا (پنجاب) در د و سطر که خارج از منطقه نفوذ خروشتھی است و بران نوشته اند : تالاب راتھی تره (۷)

۴۰- کتیبه برتخته سنگی که از خود و خیل غربی مهابن در دوسطر بدست آمده : «متولی و بیهاره ... این ستوپه را ساخت . » (۸)

۴۱- کتیبه سنگ کو چک مو زه پشاور در یک سطر از عهد قدیم ساکه : که ره وید (سا ختہ) مایتر یه « (۹)

۴۲- کتیبه دوسطری پشاو زموزیم از عهد قدیم ساکه ، که از خود و خیل غربی مهابن یافته شده : «بنای یادگار بهگه وت (۱۰) ... وقف » (۱۱)

۴۳- کتیبه بريك سنگ بنا در پشاور زموزیم نمبر ۵ که چند حرف دارد از عهد قدیم ساکه (۱۲)

۴۴- کتیبه سنگ کو چک موزه پشاور نمبر ۷ دارای چند حرف از عهد قدیم ساکه . (۱۳)

۴۵- کتیبه بريك هیکل حجا ری شده دو پهلوان در موزه پشاور که

-
- | | |
|----------------------------------|-----------------|
| (1) Kasua | (2) Moika |
| (3) Urumuja | (4) S.K. 2/70 |
| (5) Punyamata | (6) S.K. 2/7 |
| (7) Rathitara, S.K. 2/178 | (8) S.K. 2/12 |
| (9) S.K. 2/133 Karavide maitreya | (10) Bhagavat |
| (11) S.K. 2/128 | (12) S.K. 2/133 |
| (13) S.K. 2/133 | |

پران فقط نام میناندره (۱) نوشته که شکل خروشتی نام یونا نی
میناندروس (۲) باشد. از عهد قدیم ساکه (۳).

۴۶- بريك پایة مجسمه سنگی که در کلب افسران پشاور بود
در يك سطر مربوط به عهد قدیم ساکه نوشته شده : وقف درپانکه
زه (۴) ساخته تا کتیدره (۵)

۴۷- کتیبه سنگی موزه پشاور نمبر ۲۰ (عهد قدیم ساکه) که
تاریخ خروشتی آن مساویست با ۱۲۴ اپریل ۸۴ م. «در سال ۱۶۸ پانزدهم
ماه جیای ششمه (۶) این چاه بطور وقف بهمت تره و هوشه کوره (۷)
مربوط خوده چه و بهاره کند ه شد. (۷)
درینجا کلمه خوده چه بامقایسه کتیبه مانی کیاله در خور تو چه
است .

۴۸- کتیبه نمبر ۲۱ موزه پشاور ربر سنگی (۱۶ × ۹ × ۶ انچ) که
در سنه ۱۹۱۶ م از طرف اورلستین به موزه داده شده و به عهد کوشانیان
متعلق است . درین کتیبه نام مهاراجه و تاریخ آن ساییده شده
و خوانده نمیشود و درباره کندن چاهی است از طرف برهن و اسو-
دیوه (۹) پسرایندر دیوه (۱۰) ساکن او بهاره (۱۱)

۴۹- کتیبه نمبر ۳۴۷ موزه پشاور بريك هیکل حجاری شده
بودهی ستوه نشسته که تخت نوشته نوشتن در دامن دارد و بران چنین
نوشته اند : «درگیتی که نوشتنی های خدایان و مرد مان آنجاست .»
این کتیبه به عهد قدیم ساکه متعلق است (۱۲)

۵۰- کتیبه راول نزدیک متهوره برکنار شرقی جمناکه در موزه
متهوره موجود است دارای چهار سطر متعلق به عصر کوشا نیان
سال ۴۱ = ۱۶۸ م (۱۳)

۵۱- کتیبه سد و واقع کنار شرقی دریای پنجکوره در غرب
کوئل کتگله (۱۴) بر راه سوات بريك خرسنگ کوهی در چهار سطر که
خوانش آن کاملاً صورت نگرفته است (۱۵)

(1) Minandra

(3) S.K. 2/134

(5) Takhtidra

(7) Travasakura

(9) Brahman-Vasudeva

(11) S.K. 2/157 Obhara

(13) S.K. 2/129

(15) S.K. 2/9

(2) Menandros

(4) Dipankara

(6) Jyaishta

(8) S.K. 2/79

(10) Indra Deva

(12) S.K. 2/129

(14) Katgala

۵۲- چند پارچه ظروف گلی شهر بھلول (۱) شمال شرقی پشاور کہ دارای حروف و کلمات خروشتہی است ولی بہ تحقیق خواندہ نشدہ متعلق بہ عصر قدیم ساکہ (۲)

۵۳- کتیبہ شاہ داور (۳) واقع وادی اگروور ضلع ہزارہ ، ۳۴ درجہ ۳۰ دقیقہ شمالی و ۷۳ درجہ ۴ دقیقہ شرقی ، بربیک خر سنگ کوهی . متعلق عصر قدیم ساکہ و سال ۶۰ = ۲۵-۲۴ ق، م :
«از راجن دامیجہ دہ (۴) در سال ۶۰ ساکہ ، بابھادو (۵) و پدراوولہ وردہہ (۶) برای ثواب پسرش میترا وردہنہ (۷) ... بر ہمن . و مادر و برادرش (۸)

۵۴ در شاہ داور کتیبہ دیگر بسیار آسیب دیدہ ہم در ۵ سطر موجود است متعلق بہ عصر قدیم ساکہ در عصر ازیس (۹) در بارہ وقف یک شخص متمول مشہور شیوہ رکس کیتہ (۱۰) نوشتہ شدہ واملای نام ازیس درخرو شتہی ایاسہ (۱۱) است و بدو خط یونانی و خرو شتہی مسکو کات سیمین اوہم یافتہ اند . کہ زمان این کتیبہ بین ۸۰-۱۰۲ ساکہ باشد . (حدود ۶۴ م) (۱۲) .

۵۵- کتیبہ های صندوق چہ کنشکا : در شاہجی دھیری بیرون دروازہ گنج شہر پشاور . در سنہ ۱۹۰۹ م در جای ستوپہ بزرگ کنشکا کہ زایران چینی ذکر کردہ اند ، بقایای یک ستوپہ بزرگ از خاک بر آورده شدہ ، کہ در بین آن جعبہ منقش مسی بہ بلندی ۴-انچ و قطر ۵ انچ با سر پوش محکمی موجود بود، و ہیکل های بودای نشستہ ہم دارد ، و ہیکل کنشکا بین ارباب انواع مہر و ماہ واقع است و بر سر پوش جعبہ اشکال بودا - برہما - ایندرہ (۱۳) دیدہ میشود ، و در بین این جعبہ برخی از یادگار های بودا محفوظ بود، کہ آنرا لارڈ کرزن (۱۴) و ایسرای دھم ہند بہ بودا ٹیان بر ما داد ، تا آنرا در معبد (مندلای) (۱۵)

(1) Shahr-i-Bahlol

(3) Shahdaur

(5) Bhadu

(7) Mitravardhana

(9) Azes

(11) Ayasa

(13) Buddha-Brahma-indra

(15) Mandlay

(2) S.K. 2/122

(4) Rajan Damijada

(6) Valavardha

(8) S.K. 2/16

(10) Sivarakskita

(12) S.K. 2/17

(14) Lord Curzon

گذاشتند . (۱)

تعیین سال اول این کتیبه (مطابق ۱۲۸ م) مشکو کست و در ذکر نام کنیشکا نیز مراد کنیشکای اول نباشد، بلکه کنیشکای دوم مذکور در کتیبه آرا خواهد بود، که مورخ است بسال ۴۱ (۱۶۹ م) و بالاخر تاریخ این کتیبه وجعبه را بین سنه ۷۸-۳۲۵ م تعیین کرده اند، و روزن فیلد باجان مارشل هم عقیده است که همان حدود سال ۴۱ باشد (۲). درین کتیبه نام آگی شله (۳) راهم ما خود از آگی سیلوس (۴) یونانی پنداشته و اورایک هنرمند یونانی گفته بودند، ولی بعد از ستین کونو این عقیده از طرف (بورو) (۵) رد گردید و گفت که این نام با آگی سال (۶) زبان پالی شبیه است که در خرو شتمی و برهمی هم آمده است. بورو این کلمه را لقب ماموری شمرده است که بکار تعمیر و بهاره مامور بود و بنا برین این بنا وجعبه تقدیمی کدام امپراتوری نیست، بلکه مانند سایر کتیبه های متهوره تنها به عصر شهزادگان کوشانی ربط دارد (۷).

ترجمه مضمون کتیبه : در سال اول (۹) کنیشکادر شهر اما ... این وقف دینی با قصر ... ضمیمه شد. دران خیر و سعادت همه مخلوقات باد ! معمار آن بنده آگی شله در و بهاره کنیشکادر سنگاراما مها سینه (۸) بموافقت معلم سره و استیوادین (۹) همچنین درین تپه شاهی متصل پشاور پارچه های خشتی زیاده بدست آمده، که بران کلمات و حروف خرو شتمی منقوش و در موزه پشاور محفوظند .

۵۶- کتیبه شکر دره گیمبل پورماورای اتک، در موزه لا هور متعلق به عهد کنیشکا، دارای چهار سطر نوشته و یک شکل خرو یک گلدان که تاریخ خرو شتمی آن مطابق است با ۲۷ جولای ۱۶۸ م.

(۱) پشاور، تالیف جعفر ۲۲

(۲) آرت خاندان کوشان ۲۶۰

(3) Agisala

(4) Agesilaos

(5) Burow

(6) Aggisala

(۷) آرت کوشان ۲۵۹

(8) Mahasena's Sangharama

(9) S.K. 2/137

«درسال ۴۰ روز ۲۰ ماه پراوشته پده این چاه در معبر شا لا (۱) بطور تحفه اصحاب درو نی په زره (۲)»
 ۵۷ - کتیبه مهر مسی یکی از کشته پده های دوره قدیم ساکه در وادی هزاره تا چیناب بنام شیوه سینه کشته په شهر ابهی سا ره پرسته (۳)

۵۸ - کتیبه سکاره دهیری (تپه زغال) درهشت میلی شمال چا ر - سده پشاور بریک مجسمه موزه لاهور مورخ ۱۰ می ۳۱۵ م : در نو سطر « درسال چارصدم یک کم (۳۹۹) روز ۲۲ ماه آشاده (۴) . درجنت (روزدهم) او (زن) باد ! من نگهداری اطفال رامیخواهم . » (۵) ستین کونو عقیده دارد که اصل این کتیبه یک نوع منظومه (۶) است که هر مصرع آن ۶ + ۴ + ۳ سلابیل دارد ، و بنا برین در تاریخ اوزان عروضی اهمیت خواهد داشت .

۵۹ - کتیبه سوی ویهار (۷) در ۱۶ میلی شمال غرب بهاو لپور بریک تخته مسی دارای چهار رونیم سطر که تا ریخ خرو شتهی آن مقارنست با ۷ جون ۱۳۹ م : « در زمان شاهی مهاراجه دیوه پتره کنشکا در سال ۱۱ روز ۱۸ ماه دایسیوس (۸) هنگامیکه راهب ناگه دته (۹) مبلغ دستورو مرید مبلغ دمتراته (۱۰) مرید مریدان مبلغ بهاوه (۱۱) درینجا درد منه (۱۲) سکونت نمود، پس متولی ویهاره زاهد بلا نندی (۱۳) و مادرش کدبانو بله جیا (۱۴) علاوه بر بنای این مسکن دیوار دورا دور آنرا هم بعداً ساخت. برای همه مخلوقات وسیله خیر و خوشی باد! (۱۵)

۶۰ - کتیبه ظرف خاک رو غنی که از سوات بدست آمده و به یکی

(1) Sala

(2) S.K. 2/160. Dronipadra

(3) Sivasena, the Kshatrpa of Abhisaraparastha. S.K. 2/103

(4) Ashadha

(5) S.K. 2/127

(6) Doha

(7) Sui-Vihar

(8) Daisios

(9) Magadatta

(10) Damatrata

(11) Bhava

(12) Damana

(13) Balanandi

(14) Balajaya

(15) S.K. 2/141

از حکمرانان یونانی منسوب و ترجمه کتیبه دورادور ظرف چنین است: «ازتهیو دو روس میریدرخ (۱) این یادگار های حضرت ساکیا مونی بمقصد محافظت همه مردمان بنامد .» (۲)

کلمه میریدرخ درین کتیبه یک لقب یونانی میریدرکوس (۳) دوره یونانیان ورومن است که معنی آن حکمران یک ناحیه است و او در کابل یا اراکوز یا یاگندهاراموریت داشته است . (۴)

۶۱ - کتیبه تجه ضلع پشاور که شرح و تصویر آن بدست نیامده (۵).

۶۲ - کتیبه های تخت باهی که دارای آثار یک شهر بزرگ قدیم است و یک کتیبه از انجا بدست آمده دارای ۶ سطر و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۱۰ مارچ ۱۹۱۹ م : «درسال ۲۶ شاهی مهاراجه گود وهره (۶) سال ۱۰۳ روز اول ماه ویشاکه (۷) این معبد وقف دینی بله سه می (۸) منجی و پسر و دختر اوست به تعظیم میره (۹) منجی و شهرزاده کپه (۱۰) به تعظیم مادر و پدر .» (۱۱) کتیبه دیگر تخت باهی در موزه پشاور است که بران (تحفه هوزه شده « (۱۲) نوشته شده و نیز یک پارچه ظرف سیاه از تخت باهی در موزه پشاور افتاده که چند کلمه خروشتی دارد (۱۳)

۶۳ - کتیبه های خروشتی قسیلا:

این شهر تا ریخی به آتار مکشوفه و بقایای یک شهر عظیم شهرت دارد و مرکز بزرگ فرهنگ و مدنیت دور های متعدد موریا - یونانیان باختر - و کوشانیان تا حلول اسلام بود. ازین جا در حفریات این شهر کتیبه های متعدد کوچک و بزرگ برآمده است :

۱ - کتیبه دوسطری و قفیه دهرم داسه (۱۴) بریک چراغ. (۱۵)

۲ - کتیبه یک پارچه پشمی دریک سطر که به تعظیم اقارب و هم خونان و متعلقین شخصی نوشته شده . (۱۶)

(1) Theodoros Meridarkh

(3) Meridarkus

(5) S.K. 2/173

(7) Vaisakha

(9) Mira

(11) S.K. 2/62

(13) S.K. 2/63

(15) S.K. 2/90

(2) S.K. 2/4

(4) S.K. 2/2

(6) Guduvhara

(8) Balasami

(10) Kapa

(12) Horashada

(14) Dharmadasa

(16) S.K. 2/91

- ۳- کتیبه يك پارچه سنگ دريك سطر: . . . میترا (۱) زوجه ایندره سینہ (۲)
- ۴- کتیبه يك پارچه پشمی دريك سطر: از زوجه ایندره سینہ .
- ۵- يك حرف بر يك يك پارچه .
- ۶- کتیبه تخته زرین تکسیلا له از سر کپ پیدا شده ، در سه سطر متعلق به دوره ساکه تا کوشانیان ، که آنرا يك منظومه دارای ۷ + ۶ سلابیل شمرده اند: «شیرا (۳) يك یادگار آنحضرت را برای شادمانی مادر و پدر خود وقف کرد» (۴) .
- ۷- کتیبه بریک ظرف گلی موزه پشاور که از تکسیلا برآمده : «این ستوپه از طرف سی هاره کشیته (۵) برادران ، به تعظیم بو دا ها در تکشه سیلا بنانهاده شد. (۶)
- ۸- کتیبه های متعددی از بقایای معبد جاولیا (۷) تکسیلا بر آمده و این معبد از قرن سوم تا پنجم آباد بود. عدد این کتیبه های کوچک که نامهای وقف کنندگان یادگارها و تحفه های بو دایی بران نوشته شده به (۱۴) پارچه میرسد مربوط به عصر قدیم ساکه (۸)
- ۹- کتیبه های کوچک بر چیزهای مختلف که از سر کپ (۹) تکسیلا بدست آمده و مربوط به عصر قدیم ساکه است عدد آن به ۲۱ میرسد ، که از آن جمله بریکی همان نام تهیود و روس بن تهواره (۱۰) نوشته ، که این نام یونانی در کتیبه سوات و کالدره هم آمده است و بر چند کتیبه دیگر کلمات ستاتیر (۱۱) و درخم (۱۲) دیده میشود، که رواج این کلمات یونانی رادر نقود میرساند . تمام این کتیبه هانیز درباره موقوفات اشخاص است (۱۳)
- ۱۰- از خرابه های ستوپه قدیم قریه شاه پور تکسیلا يك قاب مسی برآمده که دران نام همان میرید رخ کتیبه سوات آمده است : «این ستوپه از طرف میرید رخ و همسر او به تعظیم مادر و پدرش برای تقدیم تحیات احترامی را نه بناشد» از روی نام میرید رخ این کتیبه مربوط عصر یونانیان با ختر خواهد بود. (۱۴)

(1) Mitra Wife of Indrasena	(2) S.K. 2/91
(3) Sira	(4) S.K. 2/86
(5) Siharakshita	(6) S.K. 2/87
(7) Jaulia	(8) S.K. 2/92
(9) Sirkap	(10) Thavara
(11) Stater	(12) Drakhm
(13) S.K. 2/97	(14) S.K. 2/5

۱۱- کتیبه آبگردان مسی تکسیلاتحفة ایشوه ره که (۱) از عصر قدیم ساکه (۲)

۱۲- کتیبه قاب مسی که از خرابه های تکسیلا یافته شده و بحروف خروشتهی طرز عهد ساکه است و تاریخ خروشتهی آن مطابق با شد باماه جون سال ۶ق، م و شاه موگه را درین کتیبه همان (مویس) (۳) دانسته اند. که یکی از شاهان ساکه حدود ۷۰ ق، م باشد. (۴)

«در سال ۷۸ در عصر مهاراجه موگه (۵) شاه بزرگ، روز پنجم ماه پانیموس (۶) کشته په چو کپسه (چچ) (۷) که نام اولیا که کوسولو که (۸) است و هم پسرش پتیکه (۹) در شهر تکشه شیلا (۱۰) در شمال ناحیت شرقی بنام کشیمی (۱۱) درینجا پتیکه بنای ابتدایی یادگار حضرت ساکیا مونی و سنگها را مهرا بوسیله روهی نی میتره (۱۲) ناظر این بنا نهاد. تادران تمام بو دها و مادر و پدرش پرستش نمایند. و موجب برکت زندگانی و قوت کشته په و فرزند و همسرش باشد. و تمام برادران و متعلقان او پرستش نمایند. بحکم رئیس بزرگ اوقاف: پتیکه» (۱۳)

۱۳- کتیبه طومار سیمین تکسیلا که جون مارشل در سنه ۱۹۱۴ کشف کرده (موزه تکسیلا) و تاریخ خروشتهی آن مقارن با ۱۷ می ۵۲ م باشد: «در سال ۱۳۶ روز ۱۵ ماه اشاده یادگار آنحضرت از طرف یوره سه که (۱۴) یکی از فرزندان اینته و هریا (۱۵) باکتری ساکن شهر نوه چه (۱۶) در معبد بو دهی ستوای خودش، در میدان دهر مه راجیکای (۱۷) تکشه شیلا برای اعطای صحت به مهاراجه شاه شاهان پسر آسمان کهوشانه (۱۸) و به تعظیم تمام بوداها و تعظیم پرت پی که بود ها (۱۹) و تعظیم ارهت ها و تعظیم همه مخلوقات و مادر و پدر و دوستان و وزیران و متعلقان ورشته داران و برای اعطای صحت بخودش. این بذل و اکرام، رهنمای نروانه (مقام راحت ابدی) اوباد!» (۲۰)

(1) Ishvarakha

(3) Maues

(5) Moga

(7) Chukhsa

(9) Patika

(11) Ksheme

(13) S.K. 2/29

(15) Intavhria

(17) Dharmarajika

(19) Pratyekabuddhas

(2) S.K. 2/88

(4) Cambridge H.I. 1-57

(6) Panemos

(8) Liaka Kusuluka

(10) Taksha Sila

(12) Rohini Mitra

(14) Urasaka

(16) Noacha

(18) Khushana

(20) S.K. 2/77

درین کتیبه کلمه به همه لینه (۱) از طرف چون مارشل با (بالی کینه) یعنی بلخی سنسکریت مقارنت داده شده، و ما از کتاب بریهت سمهیتا (۳) تالیف وراهه میپیره (۷۱۰) هم میدانیم که بلخیان با تکسیلا روابطی داشته اند (۵)

۱۴- کتیبه ظرف سیمین سرکپ تکسیلا که بر گردن آن نوشته خروشتهی دارد و تاریخ (۱۹۱) آن به عهد قدیم ساکه مربوط است که مطابق ۱۰۷-۱۰۸ م باشد «در سال ۱۹۱ عصرشاهی جی هونی که (۶) کشرپه چو کهسه پسر مانی گوله (۷) برادر مهاراجه» (۸) ستین کونو گوید از کتیبه سال ۱۸۷ خلتسی باین فکر میرسیم که این مهاراجه عبارت از ویمه کدیسس باشد (۹) جی هونی که را بازو نیسس (۱۰) تطبیق کرده اند که کشرپه چو کهسه (چچ) یعنی مملکت تکسیلا بود و بعد از آن مستقل این سرزمین گردید.

۶۴- کتیبه تیر تم واقع مرز کوهستان سوات، بریک خرسنگ کوهی که طرز خط آن قدیمتر است و مشابهتی به نوشته های عصر اشوکا و ساکه هادارد. درینجا زیر نشانه دو پای مقابل انگستان دو پا نوشته شده: «نشانه قدمهای بوده ساکیامونی» (۱۱)

۶۵- کتیبه توردهیری واقع تحصیل دوکی وادی تهل نور لایی بلوچستان که ازینجا در حدود پنجاه پارچه ظروف گلی با نوشته های مدادی بدست آمده، و از آن جمله ۵ پارچه خط براهمی دارد و زبان این کتیبه ها بسیار بطرف سنسکریت متمایل شده است، و اشکال حروف آن هم تنوع دارد و مشابهت زیاد آن با کتیبه وردگ بنظر می آید، که تاریخ آن بعد از ۲۰۰ م خواهد بود. از ارتباط پارچه های متعدد میتوان کتیبه ذیل را بدست آورد:

«از طرف شاهی یوله میره (۱۲) رئیس ویهاره، ایندالان آب، در یوله میره شاهی ویهاره خودش به موافقت معلمان سر واستیوا دین، دیناً وقف گردید»

- (1) Bahaliēna
- (3) Brihat Samhita
- (5) S.K. 2/74
- (7) Mani Gula
- (9) S.K. 2/82
- (11) S.K. 2/9

- (2) Balhikēna
- (4) Varaha Mihira
- (6) Jihonika
- (8) S.K. 2/82
- (10) Zeionises
- (12) Shahi Yola Mira

وازیں وقف را ستین همواره ثواب آئنده، نصیب مادر و پدر و همه مخلوقات باد !

وزندگانی دراز نصیب ر ئیس دین باد !» (۱)

۶۶- کتیبه هند واقع ۱۵ میلی بالای اتک برکنار غربی دریای سند در ۳۴ درجه ۲ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۲۷ دقیقه شرقی که همان ویند دورہ اسلامی با شد و پایتخت ثانی کابلشاهان بود، در سنه ۱۸۴۸ یک کتیبه سنگی از آنجا بدست آمد، که به گاه شماری عهد کنیشکا تعلق دارد در دوسطر. و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۲۶ فروری ۱۸۹ م.

«در سال ۶۱ روز هشتم ما چایتره (۲) چاه سه ویراها (۳) در پور و اشاده (۴) کنده شد.» (۵)

۶۷- کتیبه یاکوبی واقع سوا بی شرقی پشاور، بریک سنگ تصویر دار (موزه پشاور) که معجزه شراوستی (۶) رامی نماید، و بوسیله او بودا بر رؤسای شش فرقه ر قیب خود غالب شده بود.

«تحفه... جوان مرد جینه (۷) بین آنانیکه در راستی مشوش شده بودند، و از طرف رئیس قریه هده (۸) سیاست شدند.» (۹)

۶۸- کتیبه زیده نزدیک هند در ۳۴ درجه ۳ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۳۲ دقیقه شرقی بریک پارچه خر سنگ مدخل این دیه، که اکنون در موزه لاهور است و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۱۹ جون ۱۳۹ م. «در سال ۱۱ روز ۲۰ ماه اشاده - در اتره فل گونه (۱۰) چاهی کنده شد در زمان شاهی بادار مهاراجه کنیشکه. و علاوه از آن یک آبدان هم از طرف هپیه دهیه (۱۱) وقف شد. برای برکت سرواستی واده (۱۲) به تعظیم کشتی پهلواکه (۱۳) برای نفع مادرش.

وقف شد به توجه مرشد سنگه میتره راجه (۱۴)

۶۹- کتیبه لداخ : قریه خلت سی (۱۵) ۵۲ میلی لیه در لداخ واقع است و کتیبه های متعدد بر ایمی از آن برآمده که برخی خروشتی اند، و مهم تر

(1) S.K. 2/176

(3) Saviras

(5) S.K. 2/17

(7) Jina

(9) S.K. 2/133

(11) Hipea Dhia

(13) Liaka

(15) Khalatse

(2) Chaitra

(4) Purvashadha

(6) Sravasti

(8) Hida

(10) Uttaraphalguna

(12) Sarvasti vada

(14) Sanghamitra Raja. S.K. 2/145

همه نوشته دو سطر است که تاریخ آنرا ۱۸۷ یا ۱۸۴ = حدود ۱۰۳-۱۰۴ م خوانده اند و بر این چنین نوشته است: «در سال ۱۸۷- یا ۱۸۴ در عصر شاهی مهرا را جهویما کوتھی سه (۱)» که این نام راستین کونو شکلی از نام کد فیسیس دوم میداند (۲) و ما میدانیم که ویما کد فیسیس دوم بعد از مرگ کد فیسیس اول در حدود ۷۸ م به سلطنت رسیده است که مرگ او در حدود ۱۱۰ م باشد.

این کتیبه ازین رو مهم است که نفوذ شمالی خط خروشتھی را تا مناطق لداخ و وسعت سلطنت کوشانیان بزرگ را تا آنجا میرساند.

۷۰- کتیبه های سنگی نمبر ۵-۶ موزه لاهور که هر یکی از آن يك دو کلمه خط خروشتھی دارد. (۳)

۷۱- کتیبه های پالاتوچ هیری (شرق پشاور) بر ظروف گلی موزه پشاور که سه نوشته دارای چند کلمه دارد مربوط به عصر قدیم ساکه، وهم بریک پایه مجسمه (موزه پشاور) چند حرف نوشته شده است. (۴)

۷۲ کتیبه های مو هن جو دیر و واقع لارکانه سند که در آنجا آثار یک شهر قبل تاریخ در ۱۹۲۱ م مکشوف گردیده و آثار آخرین آن بدوره کنیشکا میرسد، و سه قطعه ظروف خاکی ملمع خط خروشتھی هم از آن بدست آمده که در موزۀ کلکتہ است و حروف آن به نوشته های عصر بعد از کنیشکا شبیه است و جز چند کلمه نوشته دیگری ندارد (۵)

۷۳- کتیبه کانھیاره (۶) ناحیه کانگرا (پنجاب) در دو سطر که بران باغ کرش ایاشسه (۷) نوشته است (۸).

۷۴- کتیبه بتکره (۹) سوات: بر ظرف گلی شکسته در حفريات ۱۹۶۰م بدست آمده که در دو سطر دورادور آن نوشته خروشتھی شبیه یکی از کتیبه های تکسیلا بدین مضمون دارد:

«تحفه ... درستوپه دهرمه راجیکه (۱۰) به تعظیم ... (۱۱)

(1) Uvima Kavthisa

(3) S.K. 2/115

(5) S.K. 2/173

(7) Krishaya'sasa

(9) Butkara

(11) East and West. P. 81, March 1966

(2) S.K. 2/80

(4) S.K. 2/120

(6) Kanhiara

(8) S.K. 2/179

(10) Dharmarajika

کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی

این تمام کتیبه هادرسنه ۱۹۰۰م از طرف سر اورل ستین (۱) در آثار ابنیه قدیم مخروب ماورای دریای نیه (۲) ترکستان شرقی کشف گردید، که در کتاب او ختن قدیم (۳) طبع اکسفورد ۱۹۰۷م شرح داده شده است .

همچنین همین محقق در سنه ۱۹۰۶-۸م در همین سرزمین کشفیات دیگری نمود، که آنرا در سنه ۱۹۲۱م از اکسفورد بنام (سرنندیا) (۴) نشر داد . عدد تمام این کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی به ۷۶۴ میرسد و در آخر کتاب کتیبه های خروشتی ترکستان چینی (۵) شرح مبسوطی بر تنوع الفبای خروشتی در این سرزمین داده شده و پدید می آید، که این هنر خط نویسی خروشتی در شمال کشور کوشانی مطابقت احتیاجات مردم آن سرزمین تنوع یافته بود. ولی نفوذ و افزایش آن از همین کتیبه های فراوان ثابت است. در اخیر این جلد نویسندگان این کتاب يك تابلوی (۲۶۶) علامات مختلف حروف خروشتی را هم ترتیب داده اند که از روی تمام کتیبه های مکشوفه از خاک افغانستان دهند و ترکستان تکمیل شده و ما آنرا درین کتاب عیناً تصویر گرفته ایم . (عکس نمبر ۱۰)

در تمام این ۷۶۴ کتیبه ترکستان شرقی نامهای شش پادشاه آمده که یکی از ایشان اوی جیته سنه (۶) مخصوصاً شاه ختن (۷) یاد شده است (کتیبه عدد ۶۶۱) ولی درباره پنج نفر دیگر معلومات مستند و مستقیمی در دست نیست . (۸)

درین نوشته ها سالهای عمده های شاهی از سال اول تا ۳۸ ضبط شده که بقول اورل ستین زمان بین ۲۳۹ تا ۲۶۵ باشد . زیرا در همین تودهای خاکی يك لوحه چینی هم بدست آمده که تاریخ آن ۲۶۹ م است (۹)

- | | |
|--|----------------------|
| (1) Sir Aural Stein | (2) Niya |
| (3) Ancient Khotan | (4) Serindia |
| (5) Kharosthi inscriptions in Chinese Turkestan, Oxford 1929 | |
| (6) Avijita-sinha | (7) Khotana-Maharaya |
| (8) Kh-ins p. 323 | (9) Kh-ins, P. 335 |

بهر صورت وجود این کتیبه هادرترکستان شرقی نفوذ مدنیت و
فرهنگی راروشن میسازد که در اوایل قرون میلادی بو سیله
کوشانیان شرقا تامتوره و جنو باتاوادى پشین وموهن جودیرو سند
وشمالا تاترکستان چینی و ختن پهن شده بود، وحدود غربی آنرا با
نفوذ رسم الخط خروشتهی مجاری دریای هلمند تحدید کرد .
میتوانیم .

سنگ نوشته‌های شناخته‌نشده موزه کابل

در موزه کابل چند یمن سنگ نوشته کوچک و بزرگ موجود است که بران نوشته‌های خروشته‌ی دیده میشود .
تحقیق و خوانش این سنگ ها تا کنون صورت نگرفته و اگر عکاسی هم شده باشند، تا کنون از خوا نشر و مطالب آن چیزی نشر نشده و یا بدست ما نرسیده است .

کتیبه‌هایی هم دیده شده، که تشخیص خط آن مشکل است و در خور مطالعه دقیق علمای خط شنا س ادوار قدیمه است ، که ما در اینجا عکس یکی از یمن سنگ نوشته هارا بطور نمونه آورده ایم (عکس ۱۲) و خط آن به خروشته‌ی میماند .

نوشته های زبان تخاری بر رسم الخط یونانی

علاوه بر نوشته های یونانی که بر رسم الخط یونانی از حدود ۳۰۰ ق.م در افغانستان بر مسکوکات و یاسنگ ها دیده میشود، و بر تمام مسکوکات شاهان یونانی باختر و پارتیان استعمال شده، رسم الخط یونانی در زبان مقامی افغانستان در عصر گو شانیان از قرن اول میلادی نیز دیده میشود.

زبان عصر کوشانی که کتیبه های متعدد آن باقیست و آنرا زبان تخاری یا باختری یا کوشانی گفته اند، یک لهجه شرقی زبان های ایرانی است که مقارن با پنبنتو در آیزوگلاس لسانی بین مجاری هلمند و دریای سند، زبان کتابت و مسکوکات و سنگ نبشته ها بوده، و از قرن دوم تا دهم میلادی در مدت ۸۰۰ سال آثار آن موجود است، که برخی عناصر آن با پنبنتو و پهلوی و سنسکریت و ترکی مشترکست و آنرا با تمام معانی زبان یک ایزوگلاس (۱) فرهنگی توان گفت که عناصر مقامی را با قبول اثر های شرقی و غربی و شمالی در خود فراهم آورده است، و حتی این اثر ها در رسم الخط یونانی آن هم مشهود است که مادر سابق به آن اشارت کردیم.

حروف این رسم الخط قراریکه در کتیبه بغلان اواسط قرن ۲م آمده و بعد ازان شکسته شده و تغییر شکل داده است (در شکل نمبر ۱۳ دیده شود.)

بدین منوال مطابق قول هیو ن تسنگ در زبان تخاری (۲۵) حرف وجود داشت که در کتیبه بغلان هم آمده است. و چنانچه گفتیم در کتیبه های متأخر دوره اسلامی برخی حروف را به نقاط هم امتیاز داده اند. اکنون ما تمام کتیبه های مکشوفه این رسم الخط را در افغانستان و سرزمین های متصل آن درینجا شرح میدهیم، و این شرح مطابق خوانش و مطالعه و رأی خود نویسنده این سطور است، که امکان هر گونه تصحیح از روی مطالعات دقیق تر آینده دارد. ولی من اکنون رأی خود را بطور مطالعه ابتدا می نویسم، و تمام این کتیبه ها را بمدد ادبیات دری و پنبنتو قاطب تحلیل میدانم، که این زبان یک لهجه شرقی زبان دری بوده، و در خو رفهم و تطبیق با ادبیات قدیم زبان

(1) I-so-Glass

دری است . ولی چون این لهجه در ایزو گلاسی بین فرهنگ و روایات ادبی و لسانی شرق و غرب و شمال واقع بوده ، البته عنا صر سنسکریت و پهلوی و ترکی و پراکریت های ہندی دران مشہود است . کہ شما آنرا در شرح این کتیبه ها خواہید دید . ولی چون درینجا کاوش و تدقیق ما تنہا راجع بہ ہنر خط نویسی است ، بنابرین تنہا وجود و اہمیت رسم الخط یونانی شکستہ راد رین قسمت شرقی آریانہ مورد مطالعہ قرار میدہیم ، و از تحلیلات دقیق لسانی آن میگذریم . و دربارہ تفصیل آن بہ دو کتاب من مادر زبان دری و ہفت کتیبہ قدیم طبع کابل رجوع فرمایید .

۱- کتیبہ سرخ کوتل بغلان:

بقایای یک آتشکدہ بزرگ بالای تپہ های ۱۵ کیلو متری پل خمی در ولایت تاریخی بغلان شمال افغانستان در ۱۹۵۷ کشف گردید . کہ درانجا سہ نسخہ از یک کتیبہ قرن دوم میلادی رایافتند .

نسخہ بسیار مهم این کتیبہ بربیک سنگ ۱۳۲ × ۱۲۵ سانتی بخت یونانی و زبان تخاری برآمده کہ ۲۵ سطر و ۹۴۷ حرف یونانی با دو نشان خاص عصر کوشانی دارد ، و من در سال ۱۳۴۲ ش آنرا در کتابی بنام «مادر زبان دری» تحلیل و خواندہ ام .

دو نسخہ دیگر عین همین کتیبہ با اختلاف املاوی جزوی ولی بخت بدو ناپختہ بی در همین معبد از سنگ کاری داخل چاہی کشف شدہ ، کہ یکی ۲۱ پارچہ سنگ و دیگری ۳۲ قطعہ دارد کہ این پارچہ های سنگی رادر داخل بنای چاہی بکار برده بودند .

از روی این کتیبہ بانی اصلی بگ لنگ (بغلان) بگ شاکنیشکی نامو برگ بود ، کہ بعد از ان در بہار سال ۳۱ عہد کانیشکا (حدود ۱۶۰ م) بغرض تعمیر مجدد ، چاہی رادرانجا کردند .

این بنا را کہ آثار آتش مقدس (ایر = اور پبنتو) دران یافتہ اند بہ لغت ہندی مندر یعنی معبد و مالیزی یعنی مہادز و حصار بزرگ و نوشال = نوشاد نامیدہ اند . و متن کتیبہ متضمن فواید بزرگ تاریخی و لسانیست کہ دران ۱۵۵ کلمہ زبان تخاری مورد استعمال است . (رجوع بہ عکس نمبر ۱۴)

ترجمہ متن کتیبہ :

«اینست مہادز کانیشکہ بہرہ ور: بغلان . کہ (آنرا) شاہ بزرگ

کانیشکه نامور کرد (ساخت) . چون بزودی این مها دژ تمام کرده شد، پس آب این معبد نیست شد، وچنین (این) مهادر بی آب (خشک) ایستاد (شد) و (چون) رب النوع نیکوی مقدس آتش معطل ماند، پس خداپرستان نوشاد تبا ه شد (رفتند) چون جویهای آب ایستادند (خشک شدند پس) آب اندک شد و مهادر پدروود گشت .

تاکه نو کونزوک کنارنگ فراخدای (مقرر از طرف شهنشا ه) فریستار آب شاه بگپور (شاهزاده) لویک بوسر (بن) شیزو گر گ اروانباد (شاد روان) که همواره نامور باد باراده مهیا (قوی) به سی ویکم سال سلطنت هنگام نسیان ماه به بغلان آمد، این مهادر را پرورید . تاکه یک چاه کند و از آن آب برآورد . و آنرا به تهداب سنگی استوار کرد . چنین آب مهادر زیاد شد و نه کاهید . و چون رب النوع نیکوی مقدس آتش وجود داشت باشد ، پس خدا پرستان نوشاد تبا ه نخواهند شد . (نخواهند رفت) و مها دژ پدروود نخواهد شد . چون آن چاه خام کوب را خشت ریز کرد بنیاد و رایستاده شد . بدین چاه (و) بدین خشت ریز همه مهادر نیک پرورده شد، و یک چاه و صحن بزرگ کرد (ساخت) .

منم برزمهر - منم کوزگاشکی پور - منم رئیس گانسیگیم (?) - نو کونزیک کنارنگ مرینگ، بفرمان خدای و (بفرمان) ایمن نوبخت - منم مهره من - منم برزمهر پور، امهره من «
بردیوار های این معبد آتش ده پارچه دیگر سنگی هم یافته اند، که بهمین رسم الخط کلمات مختلفی بران دیده میشود، و تاکنون ابن کتیبه مهادر بغلان مفصل تر یمن نوشته ایست که بدین زبان و رسم الخط در دنیا کشف شده است. و اوضاع امپراتوری چهارم بزرگ دنیا در آن عصر روشن میسازد.

۲- سنگ نبشته های روزگان:

روزگان در کو هساران شمال شرقی بفاصله دوصد میلی از شهر قندهار در نشیب های جنوب غور واقع است . و آثار باستانی زیادی دارد و از آن جمله در دره شالی ده میلی مرکز روزگان دو کتیبه رسم الخط شکسته یونانی بزبان تخاری عصر هفتالیان بعد از قرن ۵-۶ م موجود است.

این هر دو کتیبه در بدخطی و اشکال حروف باهمدیگر بسیار

مشابه و غالباً به يك قلم نوشته شده و حروف آن برخلاف کتیبۀ بغلا ز بهمدیگر پیوسته و شکسته است ، ولی علایم فاصله حروف (۵) مانند کتیبۀ بغلان در آن دیده میشود ، و بالای حرف Z در يك کلمه در هر دو کتیبه سه نقطه هم نوشته شده است .

خوانش نوشته اول : بکه-شاه-خوی-مهر-ماه-زمیگ .

یا : بگه - شاه - زاول-مهرماه-زمیگ .

یعنی : بکه شاه ، شاهزاده مهر، ماه زمین . یا : بزرگ شاه زا بل مهر، ماه زمین .

خوانش نوشته دوم : بکه-شاه-خوی-مهر-زمی ...

یا : بگه-شاه-زاول-مهر-زمی ...

(برای شرح رجوع شود به کتاب هفت کتیبۀ قدیم از عبدالحی حبیبی)

(عکس نمبر ۱۵)

۳- کتیبه های جغتو :

در شمال غربی غزنه بفاصله ۲۰ کیلومتری در کوه بر گول بر خرسنگ - های کوهسار راه کاروانی دو نوشته خطی یونانی بزبان تخاری دیده میشود ؛ که یکی در سه سطر بسیار رو شن و خوانا وهم ، حروف خوشخط پیوسته باهمدیگر است و متن آن احترام به سه جوهر بودایی تری رتنه (۱) یعنی دانایی - تقوی - اتحاد است ، و چنانچه گذشت همین مطالب بریک کتیبۀ تبتی در تنگی تایغان قزاقستان هم نوشته شده است .

خوانش این کتیبه :

(۱) نمو - بد (احترام به بودا)

(۲) نمو - دهر مه (احترام به دهرمه)

(۳) نمو - سنگه (احترام به سنگه)

اما کتیبۀ دوم جغتو در پنج سطر بر صخره بزرگی است که مطالب زیرین آن محو شده و فقط مطالب ذیل از آن خوانده میشود:

۱- بکه

۲- گه که تی شا +

۳- پور

۴- ویماشا •

۵- الخ

یعنی : خداوند گار جغتو شاهپور و یما شاه بزرگ . (برای شرح رجوع شود بکتاب هفت کتیبه قدیم) (عکس نمبر ۱۶)

۴- کتیبه دشت ناور:

دشت ناور بر سطح مرتفع غربی غزنه در غرب جغتو واقع و یکی از مراتع معروف کوچیان افغانی است که در ایام تابستان با مواشی خود بدانجا روند.

در اینجا نیز سنگ نوشته طویل و مفصلی بخط یونانی مشابه کتیبه سرخ کوتل بغلان با حروف کلان و غیر متصل غالباً بهمین زبان تخاری و دری قدیم موجود است، ولی باشکست هایی که در داخل سطح سنگی آن واقع گردیده، آسب های زیادی دیده است، و از روی عکس های ناقص آن که بدست نویسنده رسیده خواندن آن مشکل است. و یک حصه این نوشته ها خروشته می است.

از روی طرز خط و حروف یونانی توان گفت که پیش از عصر کتیبه های روزگان و جغتو و کوچی باشد که مطالعه و تحقیق آن با وسایل موجوده برای من ممکن نشد. ولی با طول و عرضی که این کتیبه دارد، اهمیت آن کمتر از کتیبه سرخ کوتل بغلان نخواهد بود، و من اکنون بیش ازین دران باره چیزی گفته نمیتوانم.

(عکس یک حصه زوشن این کتیبه نمبر ۱۷)

۵- کتیبه های وادی کوچی وزیرستان :

وادی کوچی وزیرستان و گومل بر شاهراه قدیم غزنه به هندوستان ۸-۹ میلادی حکم میراندند .

در وادی کوچی بین ایدک و سپین و ام بسمت غربی بنون آثار ا بنیه کهن در مواقع متعدد نمایان است و غالباً نغر کوت مذکور در کتاب الہند و تیمور نامہ و بابر نامہ ہم در اینجا واقع بود، کہ بقول البیرونی نسب نامہ کابلشاہان بردیبا یی نوشته درانجا بود. (۱)

(۱) کتاب الہند ۳۴۹

ازین وادی سه سنگ نبشته مهم بسه رسم الخط عربی - هند ی - یونانی بدست آمده که در موز دپشاور محفوظند . اما آنچه برسم - الخط یونانی و زبان تخاری است :

۱- سنگ نوشته بر سطح سنگی 25×8 انچ که بطرف چپ آن خط سنسکریت و بر راست تخاری نوشته شده و طرف راست آن که آسیب دیده پنج سطر است ، که خط آن شباهت زیاد بانوشته های روزگان دارد، و بنا برین از روی تاریخ های این کتیبه ها تاریخ کتیبه های روزگان را هم تخمین توان کرد .

کتیبه های توچی چون وضع سیاسی و فرهنگی این گوشه شرقی آریانه رادر اوایل قرون اسلامی روشن میگرداند ، و اینکه خط شماره داناگری و زبان سنسکریت با خط یونانی و زبان تخاری در آنجا موجود است آثار خلط فرهنگی رادر قسمت شرقی آیز و - گلاس تهذیبی بین هلمند و سند نمایندگی میکند ، و از نظر لسانی کلمات مشترک رابین این کتیبه و نوشته سرخ کوتل بغلان می یابیم مانند خشون - کلد - فرو مان - مالیز - اد - در حالیکه املاهای برخی کلمات فرق دارد مانند: (شکل ۱۸)

اینک ترجمه فارسی متن کتیبه اول توچی قرار خوانش من:

- ۱- از سال ۶۳۲ سلطنت ، ماه هشتم - ماه شاه م ... نی بخت .
- ۲- گومل بغپور یکتا پرست ، گومان (ازخاندان گو) درین وقت .
- ۳- گسترانیدم کرد گل رانیدن مادر، و نوبخت +
- ۴- بیها ربزرگ گسترانید ، به فرمان گوکد (گودودمان)
- ۵- ستاره - یاستر (اعلی) (۱)

درین کتیبه که بنای مادر و نوبخت بهار رادر ماه هشتم سال ۶۳۲ سلطنت گفته مطابق است با ۸۶۲ م = ۲۴۹ قمری و ۳۹۳۸ لوک کاله سموت و هفتم ماه بهادره هند ی که در متن سنسکریت همین کتیبه توضیح شده . ولی حصه اول نام ... نی بخت متاسفانه در هر دو متن سنسکریت و تخاری ناپدید است و کلمه نویسه (۲) متن سنسکریت مطابق است بانو = نی تخاری . و بعد از آن چندره بهو په (۳)

(۱) برای تفصیل رجوع بر رساله هفت کتیبه قدیم تألیف حبیبی طبع انجمن تاریخ کابل .

(2) Navima

(3) Chandra-Bhupa

سنسکریت عین ترجمه (ماه شاه) تخار یست که چنדרه = ماه و بهو په در سنسکریت شاه و سلطان با شد. و این ماه شاه ... نی بخت گو مل بغپور خود را در متن سنسکریت کمبو جنه پتره (۱) یعنی کوشان زاده خوانده و بدین و سیله مابقیای شهنزادگان کوشانی رادرین سرزمین در حدود قرن نهم میلادی می شناسیم (عکس ۱۹)

۲- کتیبه دوم وا دی تو چی بدو زبان و رسم الخط عربی- تخاری است که بر دو پارچه سنگ از شیرتلا واقع وادی توجی وزیرستان به موزه پشاور آورده شده، و بر حصه بالای آن بخط بسیار ناپخته و مغلط بهم پیچیده کوفی عبارات عربی رادر چهار سطر بهم آمیخته نوشته اند، که خوانده نمیشود، و تنها کلمه الله در آن واضح است. (عکس نمبر ۲۰)

این کتیبه خلط اوا خر فرهنگ و رسم الخط یونانی رادر زمان بسط رسم الخط عربی درین سرزمین نشان میدهد و عیناً در طرز خط یونانی با کتیبه نمبر اول سابق الذا کرشبییه است مانند کلمه بغپور که بالای حرف دوم سه نقطه دارد. و همچنین در کلمه کوشان شین و نون مانند رسم الخط عربی نقاط دارد، که شاید اثر فرهنگ عربی باشد. و نیز رسم الخط برخی کلمات مشترک آن با کتیبه اول مطابق است مانند: ماه-ویگ-اد-ستر-شاه-بو ستر انید-گومل-

درینجا من خوانش خود را بحروف لاتین (عکس نمبر ۲۰) آورده ام.

اکنون ترجمه کتیبه تخاری (عکس نمبر ۲۰) را بدری بخوانید:

- ۱- از سال ۶۳۵ سلطنت
- ۲- در ماه اول (فروردین ماه)
- ۳- (روزهای) ورمزد و مهر (اول و شانزدهم)
- ۴- درینوقت کرد (ساخت) کوشان
- ۵- گومل بغپور بزرگ (ستاره)
- ۶- از خاندان گو (پهلوان) (گو) دودمان . شاه.
- ۷- بوسر ... خاقان +
- ۸- خیل - خان قزل
- ۹- ساهو سرای (سودا گرسرای)

۱۰- بو سترانید (به) فرمان

۱۱- ستر (اعلی) یا ستار .

تاریخ این کتیبه بنای سرای تجارتی سنه ۶۳۵ سلطنت باشد ،
که سه سال بعد از کتیبه سا بقالذکر اول نقر شده است . و این
سال مصادفست با ۳۹۴۱ سموت = ۸۶۵ م = ۲۵۱ قمری ماه
فروردین و روزهای ورمزد (اول) تاروزمهر (۱۶ ماه شمسی) .

۳- پارچه تخاری سنگ دوم که از همان کتیبه بالا شکسته و جدا
شده ولی حروف وسط منقو رسنگ بسیار آسیب دیده و خوانش
آن دشوار است .

درین کتیبه هم در پنج سطر ارقام عدد X-I-E که همان سال
۶۳۵ خشون باشد با کلمات خشون - نید - کو - شا - اد - کرد . بنظر
می آید که تلفیق و تفسیر آن ممکن نشد (عکس نمبر ۲۱)

کتیبه‌های شماره دا- ناگری سنسکریت

ناگری (۱) رسم الخط قدیم و عمومی هنداست که تاکنون بحیث رسم خط ملی آنجا باقیست و منسوبست به نگر یعنی « خط شهری » که کلمه دیوه در آغاز نام آن در قرن ۱۸ اضافه شده و قدیم نیست و دیوه + ناگری بمعنی خط شهری خدایی باشد. که از خط قدیمی براهمی برآمده و تا قرن یازدهم میلادی در اکثر اراضی شمالی هند رواج و تعمیم یافته است .

درین رسم الخط ، خطوط عمودی تر، ثینی و خطوط افقی بالایی را بط حروف اضافه شده، و ۳۴ حروف صحیح و ۱۴ حروف علت دارد، که قدیمترین کتیبه های آن در هند مربوط به قرن ۷-۸ م است .

اما رسم الخط دیگر بنام شماره دا (۲) نیز در قرن ۸ م بین هندو از کشمیر رایج و مقارن با زبان و رسم الخط ناگری سنسکریت بود، که با ناگری شباهت و نزدیکی داشت و گویند که از خط گوپته (۳) و شعبه غربی آن در قرن ۸ م بمیان آمده بود، و در ادبیات شمال غربی هند بکار میرفت ، و هر صوت و حرف نماینده آن ، نام جداگانه یی هم داشت . (فن تحریر ۳۴۰)

دو کتیبه لغمان

در حدود سه میلی غربی مهتر لام (لمک) وادی لغمان ، نزدیک قریه شله تک حکومتی قرغی، در دامنه کوهی سه کتیبه موجود است ، و طوریکه در مبحث کتیبه های آرامی شرح دادیم ، یکی ازان بزبان و رسم الخط آرامی است ، که منسوب به عصر اشوکا باشد.

در همین چادو کتیبه دیگر به خطی موجود است ، که اشکال حروف آن بزمانه پیش از خط ناگری از قرن اول تا دهم میلادی تعلق دارد، و خطوط واصله حروف در آن دیده نمیشود، و حتی برخی از حروف آن به کتیبه های غار متورا در هند شبیه است که در قرن اول میلادی باشد .

چون هر دو کتیبه در سال ۱۲۴۸ ش کشف و عکاسی شده، بنا برین تاکنون تحت نظر و تحلیل متخصصان قرار نگرفته و حل نشده است .

(1) Nagari
(3) Gupta

(2) Sarada

با احتمال نخستین ، سطر چهارم کتیبه نمره (۲۲) کلمات لمکان
جتی (۱) دارد، که جتی در سنسکریت بمعنی مخلص و مرید
و مطیع دینی (۲) است و این میرساند که کلمه لمکان (لغمان کنونی) هم
تاریخی کهن دارد، و ممکن است تحلیل علمی این دو کتیبه، مطالبی
را در تاریخ قدیم این سرزمین روشن سازد. (رجوع به عکس شماره ۲۲ و ۲۳)

(1) Lemekan Jati

(۲) قاموس هندو ستانی به انگلیسی از دنکن فوربس .

کتیبه‌های شماره دا-ناگری سنسکریت

رسم الخط هندی شماره دا و دیوه ناگری قدیم در شمال غربی هند باهم آمیخت ، و اثر آن با روابط قوی کلتوری که بین مردم وادیهای شرقی و غربی دریای سند موجود بود ، تا قرن سوم هجری و دوره اسلا می هم رسید . و مسکوکات برخی از کابلشاهان متاخر که بدست آمده نیز بر رسم الخط ناگری است و برخی کتیبه ها هم بخط ناگری موجود اند.

مهم ترین سنگ نبشته دو خطی و دوزبانه در سنه ۱۹۰۷ م ازوادی توچی بین ایدک و سپین و ام بر لوحه سنگی ۱۲ × ۲۴ انچ به موزه پشاور آورده شد، که بالای آن نوشته عربی نسخی و در پایین همان مطلب به سنسکریت و خط مخلوط شماره دا و ناگری در ۵ سطر موجود است (عکس ۲۴)

درین کتیبه سال ۳۲ سموت ماه کارتیکه بروز دوم نصف تاریک مساویست با جمعه ۷ ستمبر ۸۵۷ م = ۱۳ جمادی الاولی ۲۴۳ قمری. (۱)

نمونه دوم این رسم الخط در بریکوت سوات در سنه ۱۸۹۷ م بر یک تخته سنگی بدست آمده که اکنون در موزیم لاهور افتاده است که زبان آن سنسکریت و رسم الخط شماره دا است .

برین کتیبه نام جیه پاله دیوا (۲) دیده میشود که بقرار ذکر مورخان دوره غزنوی دوبار با سبکتگین حرب کرد، و از لغمان بطرف شرق پس رفت و در سنه ۹۹۱ م ۳۸۱ قمری لاهور را هم گرفت و بقول العتبی در اوایل سنه ۳۹۳ قمری خود را بسوخت و از جهان رفت (تاریخ یمینی ۱۵۹) وی در ادبیات در عصر غزنویان و فتوحات سلطان محمود شهرت دارد.

برین کتیبه نام او را چنین نوشته اند:

«درشاهی مهاراجه بزرگتر یزن شاه از شاهان بزرگ و ملک بزرگ شری جیه پاله دیوه»

(پتهانان سراولف کیرو ۱۱۲) (۳)

(1) Ancient Pakistan 1/130 (2) Jayapala-Deva

(3) The Pathans. P. 112. By Olaf Caroe. London, 1953

دو کتیبه دیگری که بزبان سنسکریت و رسم الخط دیوه ناگری از همان ویهند تاریخی (هند کنونی) کنار اتک درسنه ۱۸۳۶ م بوسیله برنس (۱) به موزیم ایشیا تک سوسائتی بنگال انتقال داده شده نیز درخور یادآور است و پر نسیپ آنرا مربوط بقرن ۷-۸ م میدانند. کتیبه اول بریک قطعه مرمر سپید در ۱۳ سطر است که برخی از آن سخت آسیب دیده و خوانده نمیشود و بنا برین ربط و تلفیق مطالب آن روشن نیست و فقط از هجوم مردم گوشت خوار نیرومند توروشکه (۳) ذکر دارد که مراد همان هونان یفتلی باشد و هم نامی از شری تیله- که بر همین (۴) بران دیده میشود.

کتیبه دیگر سنسکریت بر رسم الخط دیوه ناگری هم زیر یک بت شکسته ویهند در ۵ سطر است که اکثر سطح آن ساییده شده و بر آوردن مطلب آن مشکل است. (عکس ۲۵)

(کابل تالیف سر الکسندر برنس ۱۲۰ - لندن ۱۸۴۲ م) (۵)

(1) Burnes

(2) Prinsep

(3) Turushcas

(4) Seri Tillaka Brahmin

(5) Cabool. By Alexander Burnes. P. 120 London 1842

رسم الخط پهلوی و دین دبیره

نام پهلوی اصلا منسو بست به پارت (خراسان) که در کتیبه های هخامنشیان پرتوه (۱) ذکر شده. و چون اشکا نیان یکی از اقوام پارت (۲۴۷ ق، م ۲۲۴ م) دولت بز رگی را از شمال ایران کنونی تا دامنه های همالیا تشکیل دادند، در اوایل رسم الخط ایشان یونانی و خرو شتهی بود. چنانچه بنیاد گزار خاندان اشکانی ارساس (۲) = ارشک = اشک بلخی که در حدود ۲۵۰ ق، مسکه زد، بر مسکوکات او که در وادی هلمند پیدا شده، رسم الخط یونانی و خرو شتهی هر دو دیده میشود (تاریخ افغانستان ۱۱۹) و بر مسکوکات مهر داد دوم پسر ارتبان (۱۲۴ تا ۷۶ ق، م) نیز رسم الخط یونانی مشهود است (کونو ۴۳) ولی در قرن اول مسیحی استعمال خط پهلوی بایونانی بر مسکوکات اشکانی و بعد از آن در اوایل عصر ساسانی آغاز شد (۳)

خط پهلوی که از آرامی برآمده بود، در دربارهای اشکانی و ساسانی از ۲۵۰ ق، م بعد تا ۶۵۱ م (۳۱ هـ) مدت نه صد سال دارای رسمیت بود، ولی پهلوی شمالی دربار اشکانی با پهلوی جنوبی دربار ساسانی، در رسم الخط و لهجه تفاوتی داشت که رواج خط عربی آنرا از بین برد.

اگرچه در قسمت شرقی مجرای هلمند، زبان تخاری با رسم الخط یونانی در همین عصرها رواج داشت ولی در سرزمین غربی آن با وجود زردشتیان در وادی هریرود و سیستان، بودن زبان و رسم الخط پهلوی نیز مسلم است، و با زهنگامیکه اثر دولت ساسانی تا مجاری سند رسید، نفوذ رسم الخط پهلوی نیز تا هند وسعت یافت، و مسکوکاتی رامی بینیم که در دور ساسانی، بخط یونانی تخاری و پهلوی یاناگری و پهلوی درین قسمت شرقی فلات ضرب شده اند. (۴) و چون خسرو دوم ساسانی خراسان را از هفتالیان در حدود ۶۱۳ م بگرفت، وی بیادگار این فتح مسکوکی را که دارای هاله نور به دور چهره او بود ضرب کرد. و ما بر مسکوکات عصر هفتالی نیز

(1) Parthva

(2) Arsaces

(3) L'Iran Sous les Sassanides. P. 57

(4) Ariyana Antiqua. P 396/400

کلمات خراسان خوتاو، و تگین خراسان شاه، و خوره اپزوت و هپتل خوتاو و مرتان شاه را برسم الخط پهلوی می بینیم که در ربع اول قرن هفتم میلادی هنوز اثر پهلوی را در زابلستان تادامنه های هندو کش ثابت میسازد و پیش از ایشان هم کیداریان (کوشانیان کوچک) که در قرن چهارم میلادی بین هرات و دریای سند حکمرانی داشتند و در بلخ هم سکه زده اند، سه رسم الخط پهلوی - یونانی و برهمی را بر مسکوکات خود نوشته اند. مثلاً بریک سکه پیرو (۱) (حدود ۳۷۸ م) خط برهمی و پهلوی و بریک سکه ورهران (۲) زنها پهلوی (حدود ۴۰۰ م) و بریک سکه پیرو چ (۳) همین نام به پهلوی و بریک سکه بهاسه (۴) هم برهمی و پهلوی و نیز بریک سکه ستراپ نامعلوم شاپور سوم حروف پهلوی مبهمی دیده میشود (مجله سکه شناسی ۱۹۳۸ م ص ۳۹) (۵)

چنین بنظر می آید که با قطع سلطه ساسانیان در حدود ۴۰۰ م و اشغال این سرزمین از طرف هونان سپیدبفتلی، نفوذ خط پهلوی هم کمی یافته و بجای آن طوریکه در سنگ نوشته ها دیده میشود، زبان تخاری و خط شکسته یونانی باقی مانده باشد. ولی همین هفتلیان که در غرب مجرای هلمند بوده اند با زهم خط پهلوی را چنانچه گفتیم بر مسکوکات خود نوشته اند.

باید خاطر نشان کرد که تا کنون هیچ کتیبه یی جز مسکوکات پهلوی در افغانستان بدست نیامده است که علت آن هم نفوذ طویل رسم الخط های آرامی - هندی - یونانی درین سرزمین باشد که توأم با سلطه سیاسی و حکمرانی بوده است، و مایه بینیم که اکثر کتیبه ها را شاهان و ارباب اقتدار می نوشتند، و چون این مردم با آداب و فرهنگ غیر پهلوی مانوس بوده اند، و سلطه سیاسی و مستقیم ساسانیان هم مدت کمی دوام کرده، بنابراین تا کنون سنگ نوشته پهلوی را درین دیار سراغ نداریم.

خط پهلوی که مانند آرامی از راست بچپ نوشته میشود، بسبب محدودیت ۲۵ شکل حروف و نداشتن اعراب و حروف مصوت

- | | |
|---------------------------|---------------|
| (1) Piro | (2) Varahran |
| (3) Piroch | (4) Bhasa |
| (5) Numismatic Supplement | 1937-38. p 39 |

حرکی ناقص بود، وهم يك شکل به چندین صوت خوانده میشد، و بسا کلمات آرامی از ا لسنه سا می نیز دران بطور هزوارش دخیل شده بودند، بنابراین برای ضبط صحیح کلمات والفاظ کتاب دینی اوستا، رسم الخطی را که دارای اعراب بود، بنام «دین دبیره» در قرن ششم میلادی درست کردند، و کتاب اوستا را که درازمنه قدیم شاید بخطوط میخی و آرامی و پهلوی نوشته میشد، برسم الخط دین دبیره نوشتند، که قدیمترین نسخه خطی مکشوف اوستا بهمین الفبا، اکنون در کوینهاگ دنمارک موجود است، که آنرا در سنه ۱۳۲۳ م نوشته اند.

(گاتها ۴۹) (۱)

چون پیروان کیش زردشت و مومنین بکتاب اوستا در قسمت غربی آریانه تاحلول اسلام بوده اند، و خط دین دبیره هم وسیله نگارش کتاب مقدس ایشان بود، بنابراین وجود رسم الخط اوستایی دین دبیره هم درین سرزمین، بعید نیست، که جمله (۴۴) حرف و نشانه های صوتی داشت، و بخوبی از عهد ضبط حرکات و اعراب کلمات برآمده میتوانست.

این رسم الخط از الفبا های آرامی - پارسی - پهلوی - یونانی که در محیط رواج اوستا سوا بقی داشت، ترتیب شده بود، و از راست بچپ نوشته میشد.

(شکل ۲۶)

(1) Pouré Davoud, Holy Gathas 49. Bomby 1927

دوره سه رسم الخط

دوره اخیر رسم الخط مقارن ظهور اسلام را از روی اسناد مکشوفه زمان رواج سه خط گوئیم. زیرا در سه قرن اول اسلامی آثار و علائم سه خط رادر قسمت شرقی آریانه می بینیم، که یکی یونانی شکسته و دوم شاره دانا و ناگری مخلوط و سوم خط عربی ابتدایی نازیبایی باشد.

از سوابق و نوشته های یونانی و شاره داناگری در مباحث گذشته ما با اختصار صحبت کردیم، این دوره سه رسم الخط تا فتوح یعقوب لیث صفاری و سبکتگین و نهایت قرن سوم هجری دوام کرد، و بعد از آنکه کابل شاهان به ویمند و سوات پس نشستند، و شهزادگان اخیر کوشانی هم در گردیز و گومل وزیرستان به سلطه غزنویان خاضع و مسلمان شدند، لهجه تخاری با رسم الخط یونانی و آثار زبان سنسکریت با رسم الخط شاره داناگری نیز جای خود را رسماً به خط و زبان عربی و دری گذاشت.

جای تعجب است: که در نیمه قرن سوم هجری هنگامیکه یعقوب لیث صفاری از زرنج برخاست و زبان آنجا بشهادت تاریخ سیستان پارسی بود (ص ۲۰۹) و این پارسی برای ما اکنون هم روشن و مفهومی است، در کوهساران و زیرستان لهجه تخاری باحالی که در کتیبه ها مشهود است موجود بود. و صدسال بعد در عصر سلطان محمود بکلی مفقود و نابود گردید، و جای آنرا دری فصیح دربارسا ما نیا و زبان دقیقی و رو دکی گرفت، و اثری از لهجه شرقی تخاری و رسم الخط آن نماند!

بهر صورت رسم الخط های هندی - یونانی - پهلوی جای خود را بر رسم الخط عربی ماند، که دکتور اسرائیل و لفسون در تاریخ لغات سامی آنرا ماخوذ از خط نبطی متاخر داند و قدیمترین کتیبه این خط در جبل دروز حران (شام) بر سنگی بالای دروازه کلیسایی بزبان عربی و یونانی موجود است، که در سنه ۵۶۸ م نوشته اند. و لی در دوره اسلامی لوحه قبریکی از حجا زیان عبدالله بن جبر در سنه ۳۱ ه (موزه مصر شکل ۲۷) و نوشته صخره بیت المقدس ۷۲ ه قدیمتر بن

سنگ نوشته های همین خط عربی است. (۱) (تاریخ اللغات السامیه ۲۰۱) در شمال و غرب افغانستان نفوذ خط عربی از قرن اول اسلامی ظاهر است. بدین معنی که اکثر حکمرانان عربی در بلخ و مرو و هرات و زرنج به همین رسم الخط سکه زده اند، که از جمله در کرمان در سنه ۹۰ هـ و در مرو در سنه ۹۰ هـ و در بلخ در سنه ۱۱۷ و ۱۲۲ هـ و ۱۸۲ هـ و ۱۸۵ هـ و ۱۸۷ و در هرات در سنه ۱۹۳ و ۲۰۶ در زرنج سیستان در ۱۸۶ هـ سکه زده شده، که اکثر آن در موزه کا بل و برتانیه و غیره موجودند و ظاهر یان پوشنگی هم در نساپور در حدود ۲۰۵ تا ۲۴۰ سکه های عربی دارند و یعقوب لیث صفاری در حدود ۲۵۰ هـ و امیر ابو نصر احمد بن محمد فریغونی جوزجان در حدود ۳۹۰ هـ و داود بن الیاس از آل بانیجور تخارستان در سنه ۲۳۲ هـ و مکتوم بن حرب امیر اندراب در حدود ۳۵۹ هـ و امیر الپتگین در غزنه در سال ۳۵۹ هـ و امیر سبکتگین در پروان در حدود ۳۶۶ هـ به همین رسم الخط عربی (نسخی یا کوفی) سکه زده اند.

ولی در قسمت شرقی آریانه نفوذ خط عربی از دو کتیبه مکشوفه (نمبر ۲۰ و ۲۴) سالهای ۲۴۳ و ۲۵۱ هجری که از وادی توچی بدست آمده اند نمایان است. اگرچه فتوح عربی در وادی هلمند و ارغنداب و دریای کابل در قرن نخستین اسلامی تکمیل شده بود، زبا این پیروزیهای سیاسی عرب، دین اسلام و رسم الخط قرآن نیز بدینجا رسیده بود ولی نفوذ آن در کوهساران شرقی افغانستان خیلی

(۱) این کتیبه هارا از نمونه های اقدم خط کوفی دانسته اند، ولی در همین عصر مقارن با کوفی، رسم خط نسخی عربی هم رواج داشت، چنانچه یک نامه شخصی که در مصر در سنه ۴۰ هـ نوشته شده، و دو ورق را هداری مصری (پاسپورت) سال ۱۳۲ هـ بدین رسم الخط است (فن تحریر از محمد اسحاق صدیقی ۲۰۹ طبع علی گره ۱۹۶۲) از کتیبه های مکشوفه و سکو کات شرقی فلات ایران بر می آید، که اثر هر دو خط عربی نسخی و کوفی در قرن اول هجری بدین سرزمین رسیده بود، و دو نمونه شکل ۲۴ مربوط به عصریست که هنوز اصطلاح کوفی و نسخی نبود.

بعد تر مینماید . زیرا ما در کتیبه مکشوفه از مسجد بمپور حوالی کراچی (غالبادیل تاریخ) که در سنه ۱۰۷ هجری ۷۲۵ م به امر مروان بن محمد مولی امیر المو منین از طرف علی بن موسی نوشته شده و ۱۸ سال بعد از فتح محمد بن قاسم سپه سالار اموی دران بلا دست، می بینیم که رسم الخط آن زیبا و مهذب متمایل بکو فیست (تاریخ افغانستان بعد از اسلام ۷۱۲) و این سخن بر نضج کلتور و رسم الخط عربی درانجا دلالت دارد (عکس نمبر ۲۸)

ولی خطوط هر دو کتیبه مکشوفه وادی توچی مربوط اواسط قرن سوم هجری آنقدر ناپخته و ابتدایی است که ناآشنایی کامل خط و آغاز خوانش و خط نویسی نسخی عربی را درانجا میرساند.

چون ازین دو کتیبه تنها یکی با دو متن عربی و سنسکریت خود خواناست ، مامضمون آنرا که در ۹ سطر و ۴۲ کلمه است باعکس آن (نمبر ۲۴) آورده ایم و مضمون عربی آن چنین است (۲۴۳ هـ)

«هذا ما امر عقد هذا التلاح حیی بن عمار تقبل الله منه صالح عمله و غفر له سوء عمله . قد كتب يوم الجمعة لثلاثة عشرة خلون من جمادی الاولی . سنه ثلثة و اربعین و مائتین . صلی الله علی محمد و آل محمد الطاهر (ین) .»

ترجمه متن سنسکریت این کتیبه در شرح نوشته های سنسکریت داده شد. چون خط مخلوط شماره داناگری درین دوره سه رسم الخط رواج داشت ، مانمونه حروف آنرا درینجا از مجله پاکستان قدیم نقل میکنیم ، و در حقیقت بتا ریخ خاک پښتونستان کنونی ربط دارد ، که ساحة شرقی آریانه باشد . (شکل ۲۹)

خط سغدی

در تاریخ آریانا ی کهن-مخصوصاً سرزمین های شمالی آن - خط سغدی نیز جای دارد، که مرکز سغدیانه شهر سمرقند بود، و زبان سغدی هم یکی از زبانهای آریایی آسیای میانه است، که با بعضی السنه مروجه این سر زمین نزدیکی ها دارد .

زبان و خط سغدی بافتوح اسلامی و رواج خط عربی متروک گردید، ولی نویسندگان دوره اسلامی آنرا می شناختند، چنانچه بوریحان بیرونی در آثار الباقیه و کتاب التفهیم (۱) نامهای شهر سغدی را ضبط کرده، برخی فر هنگ نویسان هم زبان سغدی را یکی از السنه مترو که نوشته اند .

میان اوراقی که در آغاز قرن بیستم در ترکستان چین کشف شد، اسناد متعددی نیز به زبان ناشناخته وجود داشت، که به خطوط مختلف نوشته شده بود . یک سنگ نوشته سه زبانی نیز، به ترکی باستان و چینی و یک زبان دیگر در ویرانه های قره بلغسون (مغولستان شمالی) بدست آمده بود، که بعد معلوم شد، زبان سومی همانست که در بعضی اوراق مکشوف در ترکستان چین نیز بکار رفته است .

در حدود سال ۱۹۳۱م در ویرانه های قلعه یی بر کوه مغ (در پنج کنت ۱۲۰ کیلو متری سمرقند) مجموعه یی از نوشته ها که روی چرم و کاغذ چینی و چوب بود بدست آمد، که در آن نام «دیواشتیج» شاه سغد و سمرقند نوشته شده و ذکر این شاه در منابع عربی نیز هست که در مقابل هجوم تازیان پایدار میگرد .

این اسناد بزبان و خط سغدیست که سکه های یی هم بدان خط یافته اند و در برخی از متون سغدی قطعات ادبی زیبا بازمانده، مانند قطعاتی از داستان رستم و قسمت های از کتاب کلیله و دمنه بزبان سغدی .

از جمله این متون نوشته ییست از کوه مغ (شکل ۳۰) در نه سطر که ترجمه آن چنین است :

(۱) آثار، ص ۷۰ - التفهیم ۲۳۰

۱- خداوند پنج ۲- دیوا شتیچ را ۳- هشت سال است ۴- ماه
نیسان ۵- روز خور روز ۶- و گرفت اغو شمريك ۷- از فرماندار ۸- اوت
۹- پوست ونیز واریاك (۱).

این خط سغدی از یک شیوۀ تحریری خط آرا می مشتق است ،
ونیز احتمال می توان داد ، که اصل خط مزبور ، خط پهلوی کهن
باشد. در خط سغدی نیز مانند پهلوی برای مصو تهای کوتاه ، نشانه
خاصی وجود ندارد ، تنها سه حرف برای واکهای مصوت (فونیم) بلند
هست (۱- و - ی) . (۲)

مادر شکل سوم پیدا یس خطوط نشان داده ایم ، که چگونه الفبا ی
آرامی منبع خطوط دیگر بوده است اکنون در (شکل ۳۱) که مقتبس از
تاریخ زبان فارسی است ، اختلاف اشکال حروف رادر خطوط مختلف
متفرع از آرا می ملا حظہ فرمایید .

(۱) یعنی : پادشاه سر زمین پنج دیوا شتیچ در سال هشتم فرمانروایی
خود ، در ماه نیسان ویازد همین روز ...
در سطور دیگر اغو شمريك واوت را اسم خاص شمرده اند ، و
واریاك را یکنوع پوست پرداخته .

(۲) دکتر پرویز ناقل خانلری در تاریخ زبان فارسی ۲۷۵ تا ۲۹۴
طبع تهران ۱۳۴۸

۲

خط و کتاب دورہ اسلامی

سوابق کتاب نویسی

مردمان قدیم پیش از اختراع کاغذ که در سنه ۱۰۵ م در چین روی داده، خطوط خود را بر موا دطبیعی مستعد نگارش مانند الواح سنگ و الواح زر و سیم و بر گها و پوستهای درختان و الواح گلی بخته و استخوانهای حیوانات و صخره های کوهی و دیوار های ابنیه بر مواد آهکی و گچی و چرمهای حیوانات می نوشتند و قدیمترین نوشته خط چینی مربوط بدوره شاهانین (۱) است که در قرن ۱۲ ق - م باشد، و بعد از آن اختراع قلم مو مطابق سنت های چینی در عصر منگ - لین (۲) پادشاه سازنده دیوار چین بوده، که در حدود ۲۱۰ ق - م مرده است. (۳)

مرکز دوم مدنیت قدیم وادی نیل مصر است، که در آن هم آثار خط و کتاب نویسی قدیم انسانی بدست آمده و کهن ترین لفاظیه بردی آن متعلق بسال ۲۴۰۰ ق، م و خط هیر و غلیفی است که آنرا با قلم *Calamus* تراشیده از ساقه پردر حدود قرن سوم ق، م می نوشتند، و سیاهی را از زغال آمیخته با آب و صمغ می ساختند، و بر اوراق بردی کتابت میکردند. و همچنین در بقایای مدنیت آشور و بابل، الواح گلی نوشته شد و مربوط ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق، م بدست آمده، و بیست و دو هزار لوحه مکتوبه گلی از کتابخانه آشور - بانپال (۴) متعلق به قرن هفتم ق، م است. و آثار مکتوبه اوراق بردی (پاپیروس) یونان قدیم هم به قرن چهارم ق، م میرسند، و نخستین اختراع کاغذ بوسیله تسای - لون (۵) چینی در سنه ۱۰۵ م بود. است. (۶)

در هند و ایران و سفد شمال افغانستان، نیز آثار نوشته های قدیم قبل و بعد از میلاد فراوان یافته شده، و در افغانستان نیز سنت کتابت بوده است، و مانمو نه های کتیبه نویسی قدیم رادر فصول سابق نشان دادیم، و اینک دلایلی که وجود کتاب رادر ازمنه قدیم

(1) Yin

(2) Meng-L'ien.

(۳) مجله هنر و مردم طبع تهران شماره ۳۸ - آذر ماه ۱۳۴۴ ش

(4) Ashur Banipal.

(5) Tsai-Lun.

(۶) سونددال در تاریخ کتاب، ترجمه عربی ۴ تا ۳۳ طبع

قاهره ۱۹۵۸ م

در افغانستان و کشور های مجاور آن نشان میدهد:
 بريك مجسمه او زها ريس نيتي درموزه واتیکان روم ، مطالبی نوشته
 است که داریوش پادشاه هخامنشی این شخص را بمصر فرستاد ، تا به
 کتابخانه ها کتاب بدهد، و جوانان را بدانها داخل کند. (۱)
 کتز یاس (۲) که ۱۷ سال (۳۹۸-۴۱۵ ق م) طبیب دربار پارس
 بود در پر سیکا (۳) گوید:

که وی کتاب خود را از روی دفترهای چرمی کتابخانه شاهی (۴)
 ترتیب داده است .
 در کتاب اردا ویراف نامه (۵) تا لیف (حدود قرن ۳ = قرن ۹م)
 میگوید :

« اوستا وزند بر پوست های گاو آراسته و به آب زرین نوشته بود ،
 که اسکندر رومی پتیاره بد بخت بیدین بد کردار آنرا بر آورد و
 بسوخت » (۶)

قراریکه در نامه تنسر (۷) (ص ۱۱) و مروج الذهب و کتاب التنبیه
 والا شراف مسعودی و تاریخ طبری آمده : این اوستای زرین خط بر
 دوازده هزار پوست گاو نگار شده یافته بود، که فردوسی ۱۲۰۰ فصل
 نوشته برالواح زرین گوید . (۸) و ابو منصور ثعالبی (حدود ۴۱۰ ه
 ۱۰۱۹ م) مینویسد : که گشتا سپ در بلخ بود و زردشت کتابی با و
 آورد، که آنرا بر پوست دوازده هزار گاو نوشتند ، و هر کلمه را در
 پوست کنده ، قشری را از طلا دران قرار دادند. (۹)

حمزه بن حسن اصفهانی (۳۵۰ ه ۹۶۰ م) در ایام ملوک اشکانی بعد از
 اسکندر هفتاد کتاب را ذکر میکند. که در علوم نجوم و طب و فلسفه و

(۱) مجله هنر ۴۴، خر داد ماه ۱۳۴۵ ش.

(2) Ctesias

(3) Persica

(4) Basilikai-Difterai

پور داود - یسنا ۸۱

(5) Arda Viraf Namah

(۶) ارداویرافنامه ۲۲ د کتر رحیم عقیقی - تهران ۱۳۴۲ ش.

(7) Tansar's Epistle.

(۸) پور داود، گاتها ۵۰

(۹) ترجمه فارسی غرر اخبار ملوک الفرس و سیر هم از محمود

هدایت ۱۱۹ طبع تهران ۱۳۲۹ ش

حراثت (کشاورزی) یونانی و قبطی ترجمه شده بود (۱) و هم
زی از کشف پنجاه عدل نبی که بر پوستها (جلود) نوشته شده بود
درسنه (۲۵۰ هـ) خبر میدهد، که در داخل شهر جی از بنای قدیم سارویه
بدست آمد، و خط آنرا مردم قبلان دیده بودند و نمی دانستند که
در چه هنگام این کتابها را در آنجا گذاشته اند (۲) و لی ابن ندیم
گوید:

که ابوالفضل بن عمید برخی ازین کتابها را درسنه ۳۴۰ و اندی
به بغداد فرستاد و من بچشم خود دیدم و چندی ازان پیش شیخ ما
ابوسلیمان اندرین وقت (۲۵۰ هـ) باقی بود. (۳)

هموی بحواله کتاب اختلاف الزیجه مترجم ابو معشر منجم بلخی
(حدود ۲۵۰ هـ ۸۶۳ م) مینویسد: شاهان (فلات ایران) بصیانت عنوم
و بقای آن توجهی تمام داشتند و بغرض نگهداری کتب از حوادث
جوی و زمینی، اوراق پوست درخت خدنگ که آنرا توز گفتندی، برای
نوشتن کتب برگزیدند، که از تعفن و پوسیدگی محفوظ باشند، و در
مقابل حوادث پایداری و پابندی دارند.

چنانچه همین وسیله نویسنده کی رادر هند و چین و ممالک مجاور دیگر
هم تقلید کردند (۴). و محمد بن عبدوس جهشیاری گوید: که مردم
فارس برچرم، ورق (پوست نازک) نوشتندی و گفتندی که کتابها بی
خود را بر چیزی که در بلاد ما پیدانمی شود نمی نویسیم. (۵)

کتابها بی که زردشتیان در علم نجوم و طب و طبایع بفارسی (قدیم)
داشتند و یکی ازان کتابی بنام کشتج بود، بعد از آنکه بامر سکندر بزبان
رومی و قبطی ترجمه کردند سوختانده شدند. ولی برخی ازان
کتب از ترس این فعل سکندر، به هند و چین فرستاده شده بودند و
نجات یافتند. (۶) و ابن ندیم از تاریخ اسحاق راهب نقل مینماید
که یکی از ملوک اسکندر به شخصی را گماشت که این کتابهای علمی را باز

(۱) تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء ۳۰ طبع برلین ۱۳۴۰ ق

(۲) همین کتاب ۱۲۷

(۳) الفهرست ۳۳۶

(۴) سنی ملوک ۱۲۷ و الفهرست ۳۳۴

(۵) کتاب الوزراء و الکتاب ۱۳۸ قاهره ۱۹۳۸ م

(۶) الفهرست ۳۳۳ به نقل از کتاب النهمطان تألیف ابو سهل

بن نوبخت.

فراهم سازد . وی پنجاه و چهار هزار و صد و بیست کتاب جمع کرد و گفت .
هنوز هم کتابهای سند و هند و چین و گرکان و ارمن و غیره باقی مانده
است . (۱)

این روایاتی بود درباره و وجود کتاب درازمنه باستانی در زمین
سرزمین ها ، که از جمله داستان اوستا و احراق آن بامرسکندر از نظر
علمی (بقول گیرشمن) (۲) متزلزل است . ولی اگر آنرا جعل و الحاق
هم بدانیم ، بازهم مفکوره ایجا در کتاب رادر ازمنه قدیم آشکار
می سازد ، که برخی از اسناد مثبت تاریخی نیز موید آنست : مانند
اسناد دوره پارتیهای آریایی بلخی نژاد که خراسانیان اصیل بوده اند
(۲۵۰ - ۷۶ ق ، م) و این اسناد تحریری بر چرم گاو و الواح سفالی
رنگین لعاب دار در نسا و او رمان ، بزبان پارتی یعنی پهلوی شما لسی
بدست آمده (۳) و بصورت واضح علمی وجود کتاب رادر خراسان
قدیم ثابت میسازد و ما میدانیم که بعد از اسکندر نخستین بار کتاب
اوستا بفرمان ولخش (۴) یا بلاش اول اشکانی پارتی (۵۱ - ۷۸ م)
فراهم آورده شد . (۵) چون این آثار دوره اشکانیان را بر چرمهای
گاو در نسا و خراسان قدیم یا فته اند ، پس داستان مورخان عرب - که
اوستا بر چرم گاو نوشته شده بود این فکر را تایید میکند ، که اوستای
فراهم آورده عصر بلاش اول را نیز بر چرم گاو نوشته باشند .

درباره وجود کتاب در دورهای قبل از اسلام ، در سرزمین خراسان
دلیل بسیار محکم تاریخی اینست : که در عصر امویان و عباسیان صدها
جلد کتاب را از پهلوی و السنه هندی به عربی ترجمه کرده اند ، و اکثر
این کتابها به خراسان و یا کتب خانهای خراسان تعلق داشته
است .

مثلا ابن ندیم درباره احوال سمنیه (بودائیان) و پیشوای ایشان
بوذا سف از کتابی نقل نماید که آنها یکنفر خراسانی نوشته
بود . (۶)

(۱) الفهرست ۳۳۴

(۲) Ghirshman ایران از آغاز تا اسلام ۲۷۲ ترجمه دکتور معین - تهران
۱۳۳۶ ش .

(۴) Vologeses

(۳) اشکانیان ، م دیاکونوو

(۵) پورداود - گاتها ۵۱ بحواله دینکرت .

(۶) الفهرست ۴۸۴

درسنة ۲۰۷ هـ ۸۸۲ م راجه مهر وگ کشمير و پنجاب به حا کم منصوره امير عبدالله نوشت که شخصی را بحضور م فرست که بزبان هندی احکام اسلامی را بما آموخته بتواند. وی يك مرد هوشيار و شاعر مسلمان خراسان را که چند زبان هندوستان دانستی بدر بار راجه فرستاد و بخوا هس ا و قرآن عظیم را بزبان هندی ترجمه کرد . (۱)

در دربار کابلشاهان نیز تا ليف کتاب رواج داشت ، چنانچه بقول البيرونی یکی از علمای در بار کابلشاه اخير اند پاله بن جيه پاله که او گره بوت نامداشت و مودب شاه بود ، کتابی را در علوم نجوم بنام شکته پرت تالیف کرده بود (۲) .

همین البيرونی می نویسد : که نسب نامه کابلشاهان که قرنها برین جا حکمرانده اند ، بر دیبایی نوشته شده و در قلعه نغر کوت محفوظ بود ، و من میخواستم آنرا ببینم ، ولی بنابر علی موفق نشدم . (۳)

از کتابهای قدیمی که درین سر زمین خبر داریم کتابی بود نزد خیزر بن کاووس مشهور به افشین یکی از نجیب زادگان اسرو شنه ماوراء النهر قاید معروف لشکر ی عصر معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ هـ = ۸۳۳ - ۸۴۱ م) که در بار بغداد قدرت و نفوذ فراوان یافته بود و عاقبت هدف دسایس در باری و رقابت رجال آن عصر گردید و به تهمت بیدینی و زندقه محاکمه شد و او را در شعبان (۲۲۶ هـ = ۸۴۰ م) بکشتند و جسدش را سو زانیدند و بدجله افکندند .

در اثنای استنطاق و محاکمه ، یکی از علل اتهام او کتابی مذهب و مرصع گوهر نشان بود ، که در خانواده او از اجدادش باقی مانده بود و خواندن آنرا دلیل کفر و بی دینی او شمردند و حکم بقتل او دادند و طبری که صورت محاکمه و سوالهای هیئت محاکمه را به تفصیل آورده ،

(۱) عجایب الهند از بزرگ بن شهریار حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م طبع لیدن .

(۲) کتاب الهند ۱۰۵

(۳) کتاب الهند ۳۴۹

در باره این کتاب گوید: محمد بن عبدالملك زيات وزير كه رئيس اين هيئت استنطاق بود از و پرسيد: اين كتا بيكه به طلاو جواهر و دييا آراسته يي و حاوي كفر بخداست چيست؟ افشين جواب داد: اين كتاب از پدر بمن ميراث مانده و در آن برخي از ادبيات عجم ضبط گرديده است كه من فقط از بهره ادبي آن تمتع مي برم و غير از آن بكلمات كفرية آن غرضي ندارم چون در سابق آراسته و پيراسته بود، حاجتي بدفع پيراستگي هاي آن نداشتم و برحالت سابق آنرا ماندم، مانند كتاب كليله و دمنه و كتاب مزدك كه در خانه تست و اين دليل خروج من از اسلام نيست (۱).

طبری گوید که در کتابخانه افشین کتابهای فراوان یافتند، که در آن کتاب مجوس و بسا کتب دینی بود که وی داشت. این کتاب آراسته و پیراسته را در ادبیات دری «دفتر افشین» یا «گوهر افشین» گفته اند. مختاری غزنوی (حدود ۵۰۰ هـ ۱۱۰۶ م) گوید:

گر بیدی هنر بذله پر گوهر تو

گوهر دفتر خود بر فشاندی افشین (۲)

از آثار بسیار مستند نمونه قدیم کتاب در افغانستان، اوراق پوست درخت کتابیست که در بامیان در سنه ۱۹۳۰ م در حصص شرقی هیکل ۳۵ متری بود از طرف موسیو ها کن کشف شد و موسیو سیلون لوی آنرا در شماره مارچ ۱۹۳۲ م ژورنال از یاتیک نشر داد و آنرا رسم الخط عصر کوشانی قرن ۳-۴ و نوشته های عصر گوپتا قرن ۷-۸ م و برخی بخط ختنی شمرد، که زبان آن سنسکریت است و نوشته قدیمترین آن بقرن سوم تعلق دارد، که تا قرن ۸ م میرسد، و بعقیده موسیو سیلون لوی در کتابخانه این معبد قدیم بودایی این کتابهای پوست درخت موجود بود، که آنرا در خود بامیان نوشته و یا از کتابخانه های دیگر باین کتابخانه نقل داده باشند و برخی ازین نوشته ها قطعات کوچک رساله های «ابهی دهر مه» متعلق به مذهب

(۱) طبری ۱۰ ر ۳۶۵

(۲) دیوان مختاری ۴۳۷ طبع جلال همائی - تهران ۱۳۴۱ ش

بزرگ بودایی (۱) است که مانند آن از گلگت هم بدست آمده است، ولی در بین این پارچه های کتب خطی برخی از صفحات کتاب وینایا (۲) نیز موجود است که بمذهب کوچک بودایی (۳) تعلق دارد. برسم الخط گوپتا (۴) و سنسکریت باشد، و چون از کتاب وینایا تنها ترجمه چینی باقی مانده و اصل سنسکریت آن در بین نیست، بنابراین کشف این پارچه های سنسکریت ازین کتاب خیلی اهمیت دارد، و اینک ما نمونه های خط این کتب قدیمه کتابخانه بامیان را در ینجامی آوریم (عکس ۳۲) که اصل آن در موزه کابل موجود است.

در ماه حوت ۱۳۴۸ش هیئت باستان شناسی افغانی ضمن حفریات تپه شترهده (مرکز هنر گندهارا) در ننگرهار شرقی افغانستان، در مجموعه ستوپه های قدیم بودایی مجسمه بودایی را یافت که سر آن شکسته است. بر پشت این مجسمه يك مجموعه کوچک تعویذ مانندی از پوست خرماي بهم پیچیده دیده میشود، که باز کردن آن از همدیگر و کشف محتویات آن به توجه دقیق علمی نیازمند است و احتمال میرود نوشته یی در بین آن باشد.

-
- (1) Maha Yana
 - (2) Vinaya
 - (3) Hina Yana
 - (4) Gupta

خط و کتاب در عصر اسلامی

سنت کتاب نویسی و تاسیس کتابخانه ، از ادوار قبل اسلام به عصر بعد از فتوح اسلامی نیز انتقال کرد، و از وجود کتابخانه - های بزرگ ازین وقت خبر هایی داریم . مثلاً ابن طیفور احمد بن طاهر که از سلاله ملوک خراسان بود (۲۰۴-۲۸۰ هـ = ۸۱۹-۸۹۳ م) یکی از مولفان قدیم خراسان بشمار میرود ، که ابن ندیم ۴۸ تالیف او را ذکر کرده است (۱) وی در تاریخ بغداد روایت میکند : که عتابی شاعر معروف دوره عباسی (متوفی ۲۰۸ هـ ۸۲۳ م) گفت : که برای نقل گرفتن کتب عجم در خزانه کتب مرو بودم و این خزانه از عصر یزد گرد تاکنون قائمست و در کتب عجم معانی موجود است . لغت از ما و معانی از یشانست (۲)

عتابی سه بار به بلاد عجم سفر کرد و کتب خزانه مرو و نشا پور را بخواند و در تالیفات خود از آن کتب سود برد ، و بدر بار عبدالله بن طاهر پوشنگی پرورده شده (۳) و این خبر بخوبی میرساند که کتابخانه های بلاد خراسان بوجود کتب فراوان قدیم غنی تر بوده اند.

در آغاز ورود اسلام (قرن هفتم میلادی) مردم ولایات شمالی و شرقی افغانستان بشمول بامیان- کاپیسا- کابل- لغمان- ننگرهار- گندهارا تا تکسیلادین بود ایی داشته و کتب دو مذهب کبیر و صغیر بود ایی رواج داشت و هنگامیکه هیون- تسنگ در سال ۶۳۰ م این ولایات را می دید ، وی از شش سلسله کتب دینی ذکر میکند ، که اگر کسی همین شش دوره کتب را میخواند آنوقت بمرتبه بلندتر علمی میرسید که برای سواری خود فیلی با بدرقه یی (۴) همراه داشت و محفلی را برای مباحثه تشکیل داده میتوانست (۵)

(۱) الفهرست ۱۴۶

(۲) ضحی الاسلام ار ۱۸۰ بحواله تاریخ بغداد ابن طیفور ۷ ر ۱۵۷

(۳) برو کلمن در تاریخ ادبیات عرب ۲ ر ۳۶

(4) Surrounding Escort

(5) Si-Yu-Ki 2/137 Calcutta 1958

پس مطابق بهمین روایات عربی و چینی میگوئیم : که سنت کتاب نوبسی و کتابخانه در افغانستان غربی و شرقی از ازمئه قبل الاسلام بعصر اسلامی انتقال کرده بود و از کتب قدیمی که در خراسان تالیف شد، یکی **اخبار ماوراء النهر** است که مؤلف آن خراسانی بود و هم ابن ندیم کتاب **اخبار خراسان** قدیم را بخط مرد خراسانی دیده بود . ووی از کتاب دیگری که در شرح ملل و ادیان هند تالیف شده و نسخه آنرا در محرم ۲۴۹ هـ نوشته بودند خبر میدهد و گوید : که یحیی بن خالد برمکی بلخی شخصی را برای آوردن عقاقیر بهند فرستاد و ضمناً مرداد : که در باره ادیان هند هم اطلاعاتی فراهم آورد و این مرد همین کتابرا نوشت . (۱)

چنانچه گفتیم در آغاز قرن هفتم در افغانستان رسم الخط های یونانی - شره دانا گری - براهمی و پهلوی مروج بود، ولی با آغاز فتوح اسلامی (نصف اخیر قرن هفتم) رسم الخط عربی که قرآن به آن نوشته میشد ، از طرف غرب به خراسان رسید و به مرور سه قرن تمام رسم الخط های سابقه و ادیان قدیم ، جای خود را بدین اسلام و خط عربی گذاشتند .

رسم الخط عربی :

مادر شکل ۷ نشان دادیم ، که خط عربی مأخوذ از خط نبطی متأخر و از ریشه آرامی است که در قرن پنجم رواج داشت و نمونه قدیمتر این خط بر لوحه بنای کلیسایی در مخروبه زبد بین قنسرین و دریای فرات یافته شده، که تاریخ آن ۵۱۱ م باشد . و بزبان یونانی و سریانی نیز نامهای بانیان کلیسا نوشته شده است (شکل ۳۳) و در آغاز آن کلمه (الاله) عربی و نامهای شریحو - سعدو - سترو - شریحو دیده میشود .

اما خط بسیار شبیه به عربی در حران شمالی جبل دروز شام بر سنگی بالای درب کلیسا بزبان یونانی و عربی موجود است ، که تاریخ آن سنه ۵۶۸ م است (شکل ۳۴) و خوانش آن چنین است : « اناشر حیل بن ظلمو (ظالم) بنیت ذالمطول سنت (سنه) ۴۶۳ بعد مفسد خیبر بعم (بعام) » این نوشته نزدیکترین خطی است به

(۱) الفهرست ۴۸۳-۴۸۴

خطوط عربی قرن اول هجری (۱) و روشن میسازد که خط عربی پنجاه سال پیش از هجرت چگو نه بوده است .

چون کتیبه قدیمتری بقلم نبطی متأخر و شبیه به عربی بر مدفن امری القیس بن عمرو ملك حیره در شماره درسنه ۲۲۸م نوشته شده ، بنابراین مستشرقان ، زمان پیدایش خط عربی قدیم را بین سال ۲۲۸ و ۵۱۱ در قرن چهارم و پنجم میلادی در شبه جزیره طور سینا میدانند. (۲)

در عصر نبوی خط عربی با همان سادگی ابتدائی خود باقی بود، که نمونه های کهن تر عصر اسلامی آن در فرامین حضور پیامبر بنام ملوک موجود است و از آن جمله نامه مبارک نبویست بنام نجاشی ملك حبشه که دم دنلوب مستشرق سکا تلندی اصل آنرا یافته و در مجله آسیایی شاهی انگلستان (جنوری ۱۹۴۰م) نشر داد (شکل ۳۵) نامه مبارک دوم به مقوقس عظیم قبط است که در کلیسای اخمیم صعيد مصر بدست آمده و در مجله الهلال قاهره در ۱۹۰۴م طبع شده (شکل ۳۶) - سوم نامه آنحضرت است به مندر بن ساوی (شکل ۳۷) که از دمشق بدست آمده و در مجله مستشرقین آلمان ZDMG جلد ۱۷ سال ۱۸۶۳ انتشار یافته (۳) و علاوه از این دو کتیبه عربی در جنوب کوه سلع مدینه موجود است که بهمین نوع خط «انا علی بن ابوطالب» و نامهای پیامبر و ابو بکر و عمر نوشته شده و هم کتیبه یی از حضرت عمر در آنجا دیده میشود (۴) از نوشته های عصر نبوی قرآنی بود بخط حضرت علی، که برخی از اوراق آن ضایع گشته و تا حدود قرن چهارم هجری در خاندان امام حسن باقی بود و خود ابن ندیم آنرا نزد ابویعلی حمزه حسنی دیده بود (۵) قدیمترین نوشته سنگی عربی که تا کنون بدست آمده ، لوحه سنگ مزار است در موزه قاهره، که درسنه ۳۱ هـ ۶۵۱ نقر شده، و خط آن هم همان نسخی ممز و ج به کوفی نامزین است (شکل ۳۸) که آنرا چنین خوانده اند :

- (۱) تاریخ اللغات السامیه ۱۹۱-۱۹۴ دکتور اسرائیل و لفسون
- قاهره ۱۹۲۹م
(۲) همین کتاب ۲۰۱
(۳) الوثایق السیاسیه از دکتور محمد حمید الله حیدر آبادی طبع قاهره
۱۹۵۶م ص ۴۵-۷۲-۸۱
(۴) همین کتاب ، مقدمه و ۳۰۲ (۵) الفهرست ۴۲

سطر اول : بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر
 سطر ۲ : لعبدالله بن خیر (جبر؟) الحجری (الحجازی؟) اللهم اغفر له.
 سطر ۳ : وادخله فی رحمة منك وآتنامعه
 سطر ۴ : استغفر له اذا قراء هذا کتب (الکتاب)
 سطر ۵ : و قل امین و کتب هذا
 سطر ۶ : لکتب (الکتاب) فی جمادی (جمادی) الا
 سطر ۷ : خر (الآخره) من سنت (سنة) احدی و
 سطر ۸ : ثلثین (وثلاثین) (۱)
 کتیبه دیگر قدیمتر در قبه صخره بیت المقدسی در سال ۷۲ هـ ۶۹۱ م
 کشف شده (۲) وهم بر اوراق بردی Papyri مصر نوشته های
 عربی باخط یونانی موجود است که در عصر ابو العباس الولید
 بن عبدالملک خلیفه اموی (۸۶-۹۶ هـ = ۷۰۵-۷۱۵ م) بر پوست
 درخت بردی نوشته شده و عبارت از بسمله و کلمه توحید است و بخط
 یونانی ترجمه آن بانام عبدالله الولید امیر المومنین
 Abdela Aloylit Amiral Moyminin

نوشته شده است (۳) و خط عربی آن ممزوجی از کوفی و نسخی
 متمایل به توقیع است، و ازین هم بر می آید که در اواخر قرن
 اول هجری (اوایل قرن ۸ م) همین شیوه ممزوج نسخی و کوفی رواج
 داشته است (شکل ۳۹) و نمونه دیگر آن بر سنگ علامت فاصله
 ۱۰۹ میلی دمشق موجود است که در عصر
 Mile Stone

عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ هـ) آنرا نوشته اند. (۴) (شکل ۴۰)
 از نوشته های خط عربی یکی آنست که در خزانه المامون کتابی
 بخط عبدالمطلب بن هاشم در جلد چرمی موجود بود، و خط آن به خط
 زنان می ماند. و این مطلب را ابن ندیم از کتاب مکه تالیف عمر بن
 شیبه Umar Bin Shabba متوفی ۲۶۲ هـ = ۸۷۶ م نقل
 کرده، که یک نسخه این کتاب بر این خط همین مولف خود ابن ندیم

(۱) تاریخ اللغات السامیه ۲۰۳

(۲) همین کتاب ۲۰۴

(3) Arabic Papyri by Adolf Grohmann 1/11 Plate 1

(4) Muslem Calligraphy by M. Ziauddin Calcutta 1936.

دیده بود (۱) وازین برمی آید که در قرن اول پیش از اسلام تا قرن سوم نوشتن کتابها بهمین خط رواج داشت و مراد از خط زنانه شاید تحریر بدو ابتدایی آن باشد (۲) و ما از قول البلاذری میدانیم که زبان عصر نبوت خط مینوشتند به از آن جمله شفاء Shaffa بنت عبدالله عدویه از قبیله عمر بن خطاب در عصر جا هلیت هم ثابت میکرد، و حفصه زوجه پیامبر ازو خط آموخت (۳).

نسخ خطی زیاد قرآن بخط کوفی قرن ۲-۳ ه منسوب به ائمه اسلامی اند مثلاً: ۱- جزو قرآن منسوب به خط حضرت عثمان ۲- جزو قرآن منسوب به خط حضرت علی ۳- جزو قرآن منسوب به خط حضرت علی ۴- جزو قرآن منسوب به خط امام حسن (هر چهار در کتابخانه خطی کابل برچرم آهو) (شکل ۴۱-۴۲-۴۳-۴۴) ۵- جزو قرآن برچرم آهو بارقم کتبه علی بن ابی طالب ۶- جزو قرآن دارای رقم کتبه حسن ابن علی ابن ابی طالب فی سنه احدی ار بعین . ۷- جزو قرآن بارقم کتبه حسین ابن علی ۸- جزو قرآن بارقم کتبه علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ۶- جزو قرآن بارقم کتبه علی بن موسی (هر پنج در کتابخانه مشهد برچرم آهو) (شکل ۴۵)

اگرچه این نسخ قرآن در همین عصر به خط ائمه کرام منسوبند، ولی خط آن با بقایای خطوطی که از قرن اول اسلامی باقیست مطابقتی ندارد، و چنین نوشته‌های دیگر قدیم هم موجود بود، چنانچه سبط ابن جوزی گوید: که یهودیان نامه‌ی از حضرت محمد بخط حضرت علی نوشته سال ۶۲۸ ه م بدر بار خلیفه بغداد آوردند، که مبنی بر معافی یهود از ادای جزیه بود (۴) و هم یک عهدنامه منسوب به حضرت علی بایهودیان، در اصفهان موجود بود، که مجعول بودن آن از روی خط کوفی و سطور نسخی ثلث نما وهم از وضع انشاء سست و رکیک آن که غلطی‌های فراوان نحوی دارد ثابت است (۵) (شکل ۴۶)

(۱) الفهرست ۷-۱۶۳

(۲) سبک شناسی بهار ار ۹۵ طبع تهران ۱۳۳۷ ش

(۳) فتوح البلدان ۵۸۰

(۴) سر وی آرت پر شیا ۱۷۱۸ بحواله مرآة الزمان ۳۰۰ نسخه خطی موزه برتانیای .

(۵) بیست مقاله قزوینی ۱۳۱۱ طبع بمبئی ۱۳۰۷ ش و مجله ایران شهر

۴۲۹۴ طبع برلین ۱۳۰۵ ش .

ابن ندیم گوید: که ثابتي بنا مسعد ، مصاحف و شعر و اخبار ز ا
برای وید بن عبدالملك می نوشت (حدود ۹۰ هـ ۷۰۸ م) وهم اوست که
نوشته های ایات سمت قبله مسجد نبوی را به خط زرین نوشته
بود (۱)

در پرورش خط عربی دست مردم خراسان قدیم (افغانستان کنونی)
بیز سهیم بوده است ، مثلاً خاندان برمکیان بلخی به تهدیب و پرورش
خط و خطاطان توجهی داشته اند ، و حتی ازیحیی بن خالد برمکی (متوفی
۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) اقوالی در دسانیر خط نویسی مروی است (۲) و در
عصر عباسیان يك قلم خاصی بنام (الر یاسی) شهرت یافت که
پرورنده آن وزیر معروف خراسان فضل بن سهل ذوالر یا ستین
(حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۵ م) بود ، که در همین سال بهمین خط در مروسکه
زده است . و ابن ندیم گوید: که خط ریاسی یکی از زیباترین خط ها
بود ، و ازان اقلام دیگر بنام خط ریاسی کبیر و ریاسی متوسط و قلم
لث و محقق و منثور و ووشی و رفاع و مکاتبات و غبار و نر جس و بیاض
برآمد (۳)

از مطالعه این اسناد چنین برمی آید: که خط عربی از شکل ابتدایی
نسخی شکسته در اوایل قرن دوم هجری (۹۱ م) آهسته آهسته به کوفی
نزدیکتر گردید و «سبک عراقی» که آنرا محقق و وراقی گفتندی در
عصر عباسیان بوجود آمد ، و کاتبان و در بار یان مامون به جودت خطوط
پرداختند ، و مردم به آن تفاخر کردند ، تا که از دستگاه برمکیان
(بلخی) خطاطی بنام احمد بن خالد احوال برآمد ، و دساتیر و قوا نیسن
خط نویسی را ترتیب نمود و بصورت عمومی (۲۴) قلم بسو جود
آمد. (۴)

رواج خط عربی (نسخی- کوفی) و یاممزوج هر دو در خراسان از روی
اسناد کتبی یعنی مسکوکات و سنک نبشته های باقیمانده چنین شرح
میشود :

(۱) الفهرست ۱۰

(۲) ادب الکتاب الصولی ۴۱ طبع قاهره ۱۳۴۱ ق

(۳) الفهرست ۱۳

(۶) همین کتاب ۱۲-۱۳

۱- مسکوکات : امرای مسلمان در نصف اول قرن اول هجری بر مسکوکات روم و فارسیان بنام خود سکه زده‌اند ، چنانچه خالد بن ولید در سنه ۱۵ هـ ۶۳۵ م به تقلید سکه رومی بانشان صلیب بحروف یرنانی و شکل عربی در طبریه سکه زد و هم معاویه بر حاشیه دینار - های فارسیان که شکل شاه فارس و آتشکده دارد بسم الله و نام خود را ضرب کرد، و بعد ازان در سنه ۲۸ هـ در قصبه هرثک طبرستان سکه خط عربی ضرب شد. و هم عبدالملک بن مروان بین سنه ۶۵-۸۶ هـ دینار های دمشق را تنها به خط عربی ضرب و رواج داد ، که ازان جمله یکی بخط نسخی کوفی آمیز در سنه (۷۳- هـ ۶۹۲ م) در دمشق ضرب شده است (۱) و بر همین سنت در عصر خلفای اموی و عباسی برخی از امرای عربی در خراسان و سیستان سکه زده‌اند، ازان جمله مسکوکات و الیان خراسان حمید بن قحطبه طایبی ۱۵۱ هـ ۷۶۸ م و عبدالملک بن یزید خراسانی (۱۵۹ هـ ۷۷۵ م) و جعفر بن محمد (۱۷۱ هـ ۷۸۷ م) و علی بن عیسی (۱۸۰ هـ ۷۹۶ م) و هرثمه بن اعین (۱۹۱ هـ ۸۰۶ م) و غسان بن عباد (۲۰۲ هـ ۸۱۷ م) موجود است (۲) و هم درهم غطریفی در سنه ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م در کوشک ماخک بخارا بنام غطریف بن عظامامای هارون الرشید ضرب شده بود (۳) و مادر موزه کابل سکه هایی بهمین خط عربی نسخی کوفی آمیز داریم که در سنه ۹۰ هـ ۷۰۸ م در کرمان و مرو و در سنه ۱۱۷ هـ ۷۳۵ م و ۱۳۲ هـ و ۱۸۲ هـ ۷۹۸ م و ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م و ۱۸۷ هـ ۸۰۲ م در بلخ و در سنه ۱۹۳ هـ ۸۰۸ م در هرات و در سنه ۱۸۶ هـ ۸۰۲ م در زرنج و در سنه ۲۰۶ هـ ۸۲۱ م در هرات و در سنه ۲۱۷ هـ ۸۳۲ م در گزه (جزق سیستان) و در سنه ۲۰۱ هـ ۸۱۶ م در سمرقند ضرب شده‌اند (۴) ولی از تمام نوشته های این مسکوکات روشن می‌آید ، که در اواخر قرن دوم هجری (۹ م) خط شکسته ممزوج نسخی کوفی آمیز به طرف کوفی خالص متمایل است، چنانچه بر سکه فضل بن سهل ذوالریاستین که در سنه ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م

(۱) تاریخ التمدن الاسلامی ۹۸ جرجی زیدان طبع قا هره ۱۹۰۲

(۲) ز مبا و در معجم الا نساب ۷۷

(۳) تاریخ بخارا ۴۴

(۴) فهرست مسکوکات اسلامی موزه کابل طبع دمشق ۱۹۵۳ م

در مرو ضرب شده دیده میشود (۱) و هم از طرف شاهان اسلامی ماوراء -
النهر مسکوکاتی بخط کوفی ضرب شده، که از آن جمله سکه سا یسر
بن عبدالله شاه اسرو شنه (۲۸۰ هـ) نصر بن علی ایلك است و بر آن
نوشته اند: (ضرب هذا الفلوس بفرغانه سنه ست وتسعين وثلثمائة) (۲) ۳۹۶
از ملوک خراسان سکه های طاهر بن حسین (۲۰۵ هـ) و طلحه بن
طاهر (۲۰۷ هـ) و عبدالله بن طا هر (۲۱۳ هـ) و طاهر بن عبدالله (۲۳۰ هـ)
و محمد بن طا هر (۲۴۸ هـ) شاهان آل طاهر خراسان موجود
است (۳) و همچنین از شاهان زرنج سیستان سکه های یعقوب بن لیث
(۲۵۴ هـ) و عمرو بن لیث (۲۶۵ هـ) و طاهر بن محمد بن عمر و (۲۸۹ هـ)
و لیث بن علی لیت (۲۹۶ هـ) و احمد بن محمد بن خلف (۳۲۰ هـ)
و از سامانیان بلخی سکه های احمد بن اسد (۲۰۴ هـ) و
اسماعیل بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن اسماعیل (۲۹۵ هـ) و نصر بن
احمد (۳۰۱ هـ) و غیره، و از آل بانيجور بلخ و اندراب و بامیان سکه
های داود بن عباس (۲۳۲ هـ) و محمد بن احمد بن بانيجور (۲۶۰ هـ) و احمد
بن محمد بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن جعفر بن احمد (۳۷۲ هـ) و از آل
فریغون جوزجان سکه ابو نصر محمد بن فریغون (۳۷۷ هـ) و از
امرای اندراب سکه مکتوم بن حرب (۳۵۹ هـ) و سهلان بن مکتوم
(۳۶۵ هـ) و از غزنویان قدیم سکه های سبکتگین (۳۶۷ هـ) و الپ تگین
(۳۵۱ هـ) موجودند، که از مسکوکات قدیم دوره اسلامی در خراسان بخط
عربی کوفی شمرده میشوند. (۴) و رواج کامل خط کوفی را در افغانستان
روشن و مدلل می سازند.

۲- سنگ نبشته ها :

از روی منقورات سنگی قدیم که در شرق افغانستان و وادی سند
تا کنون بدست آمده، چنین معلوم میشود : با وجود یکه نفوذ خط
کوفی در حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م در قلب خراسان ثابت است، و لی

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۱۷-۱۴۸۰

(۲) مجله باستان شناسی شوروی عدد ۳ سال ۱۹۶۸ م ص ۲۲۴ طبع

مسکو.

(۳) زمباور در معجم الانساب ۲۹۹

(۴) همین کتاب در صفحات متعدد.

در همین اوقات در اراضی شرقی یعنی وادیهای پختیا و گومل و کورم تادریای سند خطی رواج داشت که شبیه تر بانوشته های نسخی شکسته و ابتدایی فرا مینبوی و کتیبه های جبل سلع مدینه و اوراق بردی مصر است .

مثلا بر کتیبه های وادی توچی (شکل ۲۰ ر ۲۴) مربوط او ا س ط قرن نهم، که ذکر آن گذشت، خط نازیبا ی نامهربان نسخی شکسته دیده میشود ، در حالیکه همین خط عربی بشکل زیبا و مهربان متمایل به کوفی در کتیبه مسجد بمپور (شکل ۲۸) در سنه ۱۰۷ هـ ۷۲۵ م موجود است و ازین برمی آید که نفوذ خط کوفی به وادی سند پیشتر از وادیهای شرقی افغانستان رسیده بود .

افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط

خط از مظاهر اجتماعی زندگی انسانیست و مانند دیگر مبادی حیاتی با حرکات سیاسی و اقتصادی و روحی دستخوش تحول و ارتقا است .

در آغاز زندگانی کوچی و روراعتی و تشکیل مراتب ابتدایی ملوک طوایف ، همواره خط بحیثیک ضرورت ساده انسانی مروج می باشد ، ولی در هنگام نضج و اقتدار سلطنت این پدیده اجتماعی و مدنی انسانی مانند هنرهای دیگر مقام هنری را احراز می نماید . و در صف هنرهای زیبا قدم می نهد .

ملت های آریایی نژاد آسیای وسطی ، سوابق درخشان مصوری و نقاشی برابنیه و کتابها داشتند و نظایر آن بردیوارهای نگارین بامیان و هده و تپه سردار غزنه و آلبوگرام و پشاور و غیره در بقایای دوره بودایی افغانستان در مدت ده قرن نمایان است ، و هم بر بقایای ابنیه مکشوفه از پنج گنت و سمرقند دیده میشود .

در خطوط ابنیه دوره هخامنشی ایران استعمال رنگ و تزئین را یافته اند و چنانچه گذشت در کتب زردشتی گویند که اوستا بر پوست گاو بخط خوش طلا نوشته شده بود . آثار دینی مانوی نیز نگارین و مصور بود و مورخان دو رگ اسلامی مانند ابن مقفع و البلاذری و ابن ندیم و ابن قتیبه و الصولئی و ابن درستویه از بسا آثار هنری خطوط و کتب مصور خوشخط خبر میدهند . (۱)

هنگام تشکیل خلافت عباسی ز در اواسط قرن ۸ م که عربها از دریای نیل تا کنارهای سند بر مملکت وسیعی حکم میراندند و مواریت هنری بینزانتین *Byzantien* و ایران و هنر گندهارا و سفید و مانیان بایشان رسیده بود ، حتما از دیدن ابنیه عالی نگارین و کتب و مواریت هنری این ملل متأثر می شدند . ابن ندیم و طبری و مسعودی از ارسال بتان زیبا بامیان و کابل و داور و بست که بجواهر مرصع بودند ، بدر بار بغداد خبر میدهند ، که مدتها این بتان را برای تماشای مردم در قصر خلیفه و بعد ازان سه روز در اداره مرگزی پلیس بغداد به نمایش عامه گذاشته بودند (۲)

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۰۹ (۲) الفهرست ۴۸۶ و مروج الذهب ۲۴۲

که مورد تعجب و دلچسپی مردم بود و آنرا مثل مسلمانان قرن اول اسلامی نمی شکستاندند .

چون مسلمانان بموجب روایا ت دینی خود نمی توانستند ، صورتهای انسانی رادر معابد خود نقش کنند ، بنا برین برای تزئین مساجد از هنر خطاطی و نقاشی اشیای بی جان بردیوار ها و ابنیه دینی خود کار گرفتند ، و این حرکت هنری ساختن خط از همان اوایل دوره عباسیان و اواسط قرن ۸ م آغاز شده بود . زیرا عوامل اقتصادی این دوره نضج فیودالیزم تماما مساعد پرورش این هنر بود .

در پرورش این هنر چنانچه گفتیم باز دست مردم خراسان سهیم بود ، زیرا یحیی برمکی (متوفی ۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) به خطاطی علاقمندی فراوان داشت و او بزرگترین خطاط در بار مامون احمد بن ابوالخالد احو را پرورش داد ، که برای خط عربی قواعدی را تر تیب کرد و خطوط او بسیار زیبا و دلکش بود . و همچنین وزیر دیگر خراسانی فضل بن سهل سر خسی بخطاطی توجهی داشت چنانچه در عصر او قلم الریاسی رواج یافت که مبدأ لث و محقق و رقاع و غبار و غیره گردید (۱) .

توجه به تهذیب خط عربی و هنری ساختن آن ، بعد ازین فراوان گشت و ابن قتیبه (متوفی ۲۷۹ هـ ۸۸۹ م) گوید که خطاطان میکوشیدند تا خط زیبا را با حروف قوی درست نویسند (۲) . و الصولی و ابن درستویه در قرن دهم در کتاب الکتاب مقاصد و قواعد خطاطی و اصول استیتک آنرا شرح دادند ، و ابوبکر الصولی که ادب الکتاب رادر ۳۲۵ هـ ۹۳۷ م نوشت گوید : که خطوط احمد احو را که به قسطنطنیه از طرف مامون فرستاده شده بود بر در ب صومعه آویخته بودند (۳) تا زیبایی آنرا تماشا کنند ، و خلیفه المعتمد در اوایل قرن نهم نامه یی بامپراتور بیزنتین فرستاد آنقدر زیبا و خوشخط بود که امپراتور گفت : « بر هیچ چیز ی از عرب رشک نمی برم جز این خط زیبا (۴) »

(۱) الفهرست ۱۳

(۲) ادب الکتاب ۲ طبع لیدن ۱۹۰۰ م

(۳) ادب الکتاب ۴۵

(۴) همین کتاب ۴۵

خط عربی کوفی تزئینی در اروپا نیز بواسطه مسلمانان فاتح اسپانیا از راه فرانسه نفوذ کرد و در کتیبه های تزئینی ابنیه جای گرفت و حتی بردیوار های ابنیه دینی و صوا مع مسیحی در ایتالیای اسپانیا و فرانسه ، آیات قرآنی را نیز بغرض تزئین بخط زیبای عربی نوشته اند. در کلیسای بزرگ سنت پتر St. Peter

نیز بچنین نوشته آراسته بود ، ولی بعد از آن آنرا ممنوع قرار دادند (۱) و اینگونه تأثیر های هنری اهمیت تاریخی خود را از دست نداده و ارزش تزئینی آن در موزونیت Rhythm و تقارن Symmetry اشکال آن نهفته است (۲) که تأثیر های آن در

هنر تزئین ابنیه انگلستان هم نمایان باشد ، و بقول بر گسی M.S. Briggs این تأثیرها از راه فرانسه بانگلستان نیز نفوذ کرده بود . و پرو فیسر لیتابی Lethaby آثار آنرا بر طاقچه های پشت محراب Retables و اکثر کلکین های کلیسای و یست منستر Westminster در هنر تعمیر انگلستان نشان داده است . (۳)

و حتی تأثیر هنری خط کوفی بدرجه یی بود که پادشاه مسیحی مرسیا Mercia بنام اوفاف Offa (۷۵۶-۹۶ م)

سکه خود را بدین خط زده بود ، و بر صلیب برونزی آیرلندی در قرن نهم میلادی بسم الله بخط کوفی گیده میشود ، و هم در ایتالیا بر شانه راست تصویر حضرت عیسی خط کوفی نمایان است . (۴)

در عصر خلفای عباسی خط عربی از حالت ساده نسخی خود برآمده بوضع بسیار دلکش تزئینی و هنری کوفی متمایل گشت که یک نمونه این تهذیب نخستین اسطر کوفی مذهب ، بین نقاشی زیبا بر کتیبه مرمرین مسجد المهدی بغداد در ۱۵۵ هـ ۷۷۱ م موجود است ، و برخی نظایر آن که متعلق به ۱۷۵ هـ ۷۹۱ م یا ۱۹۵ هـ ۸۱۰ م باشد در دربند رباکو از طرف خانیکوف Kanikoff کشف شده است (۵) و در خراسان هم در حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م آثار

(1) S.P. Scott's History of the Moorish Empire III 29

(2) E. Herzfeld, Encyclopaedia of Islam 1-364, 365.

(3) The Legacy of Islam 178

(۴) همین کتاب ۱۱۴ و ۱۵۴

(۵) مسلم کالگرافی ۲۱ از قدیم ترین نمونه این خط نسخه قرآنیست

در موزه دمشق که بقول دکتر صلاح الدین منجد در سنه ۲۶۷ هـ نوشته شده است .

وعلايم كوفى بسيار خو شخط ديده ميشود ، كه از انجمله يك پا رچه ابريشمين بسيار نفيس مصور و منقوش خراسانى موزه لو ورپاريس است ، كه بران كلمات (عزو اقبال للقا ئد ا بي منصور بختكين اطال الله به ...) نوشته است واين قايد عبدالملك بن نوح سامانى در سنه ۳۵۹ هـ ۹۶۰ م كشته شده بود (۱) و نوشته اين پارچه ابريشمين خراسانى نماينده رواج پختگى كامل خط كوفى درين سرزمين است .
(شكل ۴۷)

در گنجينه قرآن مشهد رضوى در حوت ۱۳۴۸ نسخه قرآنى بدست آمد ، كه در اصفهان در سنه ۳۲۷ هـ بخط معلى داراى زواياى گرد نوشته شده و قديمترين نسخه مكشوفه قرآن در ايران شمرده مى شود ، كه نوعى از خط كوفى متمايل به نسخى است . و در همين گنجينه مكشوفه جديد قرآنى وقفى ابو الحسن عراقى دبير سلطان محمود بخت نسخى متمايل به ثلث موجود است و نسخه ديگر وقفى محمد بن موسى ۴۰۲ هـ به نسخ آغازى نوشته شده (۲) كه از تمام اين آثار باقىمانده به تحول خط عربى پي توان برد .

اكثر محققانى كه بر هنر خطاطى و نقاشى آسياى ميانه و ايران تحقيق كرده اند گويند كه اثر هنر كتابسازى و نقاشى مانى و مانويان در خطاطى و نقاشى اين سرزمين ظاهر است و نسخه هاى مكشوفه مانويان در تورفان و تركستان و ديگر مواضع اين اثر را بثبوت ميرساند . (۳) و حتى از وجود يك نسخه كتاب مانى يامنسوب باو در خزانه غزنه هم خبرى داريم واين روايت را ابوالمعالى محمد بن عبيدالله در سنه ۴۸۴ هـ ۱۰۹۲ م نوشته است (۴) ولى بايد گفت : كه هنر نقاشى و مصورى كتاب همواره در ايران و خراسان بوده است كه ما از كتاب گرهر افشين وغيره درسا بق بحث كرديم وهم كتاب مصور شاهان ساسانى رامطهر بن طاهر مقدسى در كتاب البدو والتاريخ (۳۵۶ هـ ۹۶۶ م) ذكر كرده و على بن حسين مسعودى آنرا در (۳۰۳ هـ ۹۱۵ م) در استخر پارس ديده بود ، كه نسخه آنرا در ۱۱۳ هـ ۷۳۰ م براى هشام

(۱) سروى ۲۰۰۲

(۲) يادداشت نويسنده از روى اصل نسخه هاى مشهد رضوى .

(3 Persian Art 1820...Moslem Calligraphy 3

(۴) بيان الاديان ۱۷-۱۸ طبع تهران

بن عبدالمك از فارسی بحر بی نوشته بودند. (۱) و بنا برین اسناد
توان گفت که مردم این سرزمین کتاب آرایه را تنها از زمانو یان
آموخته باشند، و البته اثری از هنرمانی در کتب منقوش و مذهب
و مصور توان دید.

اما اثر هنرمانی یا هنر د یگر بر خود خط کوفی تزئینی کمتر
دیده میشود و ممکن است آنرا خود مردم عراق و ایران و خراسان بحالت
تزئینی در آورده باشند، زیرا در اوراق مانوی (شکل ۴۸) خود خط
مانوی مزین و مشجر یا کلدان و هندسی نیست، بلکه صفحات
و حواشی آنرا گل کاری یا مصوری کرده اند، ولی خط تزئینی کوفی
چنین است که خود حروف آنرا با اشکال دلکش تزئینی در آورده اند
و مایه بینیم که این تمایل تزئین حروف کوفی در قرن نهم و دهم
آهسته آهسته نشو و نما کرده و مخصوصاً برابنیه آنرا نوشته اند و شاید در
کتابها بی که مرجع استفاده مر دم بود، آنقدر در تزئین حروف افراط
نمی کردند.

مثلاً سر لوحه صفحات نخستین دو کتاب قدیم خطی کتاب الا بنیه
بخط اسدی طوسی (۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م) (شکل ۴۹) و ترجمان البلاغه بخط
ارد شیر بن دیلمسپا ر قطبی در سنه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) هر دو به
کلمات (بنام خداوند بخشا ینده بخشا یشگر) آغاز می یابد، ولی
تزئین حروف یکسان است که حرف (ش) کلمه ۳-۴ را از متن بیرون
کشیده و بالای آن بطور گلی آراسته اند، در حالیکه در متن کتاب هیچگونه
تزئین هنری مشهود نیست، ولی تزئینات و تکلفات هنری در عین
حروف کتیبه های ابنیه در همین عصر موجود است. که نمونه آن در
خراسان در کتیبه های کوفی مسجد خرگرد و بنای سنگ بست
عصر سلطان محمود غزنوی دیده میشود (۲)

در مسجد نایین شکل تزئینی بلند زاویه دار خط کوفی نمایان
است که در سنه ۳۵۰ هـ ۹۶۰ م کنایت شده (شکل ۵۱) و بعد ازان
در سنه ۴۱۸ هـ ۱۰۲۷ م در مقبره پیر علمدار آنقدر با گل و شاخ و برگ و اشکال

(۱) التنبیه والاشراف ۹۲ طبع قاهره ۱۹۳۸ م

(۲) سروی آرت پرشیا ۱۸۲۸

تزئینی آمیخته ، که انسان آنرا تنها خطوط و اشکال زیبا و نظر ربایی می پندارد (۱) (شکل ۵۲) و همین شیوه منقش در قرن ۱۲ م برطاق مسجد مغاک عطاری بخارا در غایت پیچیدگی بنظر می آید .

(۲) در خطوط ابنیه چنانچه دیدیم ، تزئین و امتزاج نقوش و گلها و خط های هندسی غالب بود ولی در کتابها که مورد خوانش و احتیاج عامه بودند، حتی المقدور از سادگی و خوانا بودن خط کار گرفته اند ، و در اینجاست که کوفی از امتزاج نسخی در بین کتابها انواع متعدد دارد، و هم خطی بمیان آمده که این ندیم آنرا فیرآموز (معرب پیر آمو زفارسی) خوانده است ، و از نام آن پیدا است که در بین فارسی زبانان بوده و دنباله هر حرف آن بایش قلم و بنازکی مو با حرف دیگر پیوسته است و جنبه تزئینی آن غالب باشد ، که بدان مصحف می نوشتند . و نمونه یک ورق قرآن باین خط در ذخایر مشهد رضوی موجود است (۳) و دیگر کتاب صفات الشیعه تالیف شیخ صدوق است که در سنه ۳۶۰ هـ ۹۷۰ م تالیف شده و آنرا بهمین خط پیر آمو ز تزئینی ، نصر بن عبدالله قز وینی در سال ۳۹۱ هـ ۱۰۰۰ م نوشته (۴) که اکنون در یک مجموعه شخصی تهران است . (شکل ۵۳ و ۵۴)

از قرآن خط کوفی ساده آمیخته بانسخی ذخایر آستان رضوی مشهد وقفی ابوالقاسم منصور بزمحمد هروی وزیر سلطان محمود در سنه ۳۹۳ هـ ۱۰۰۲ م (شکل ۵۵) و قرآن وقفی ابوالبرکات رازی ۴۲۱ هـ ۱۰۳۰ (۵) (شکل ۵۶) و همچنین قرآن ۴۱۸ هـ ۱۰۲۷ م که بخامه عیسی بن عبدالله بلخی (۶) نوشته شده (کتابخانه میلان Milan) پدید می آید ، که در اوایل قرن ۱۱ جنبه هنری خط کوفی قرآنی متمایل به نسخی در کتابها کم بود و اگر میخواستند آنرا مزین سازند بطور مشکولی نوشتند . مانند خط عثمان بن حسین و راق غزنوی

(۱) سروی هنر پرشیا ۱۷۴۴ لوحه ۲۶۶

(۲) ابنیه و آثار تاریخی اسلام در اتحاد شوروی تاشکند ۱۹۶۳ م

(۳) گنجینه قرآن ۲۸

(۴) کتاب و کتابخانه ها ۹ و مسلم کالگرافی ۸

(۵) گنجینه ۳۵

(۶) سروی هنر پرشیا ۱۷۲۴

۴۶۶ هـ (?)-۱۰۷۳ م (۱) گنجینه مشهد رضوی (شکل ۵۷) ولی بر
 ابنیه والواح آنرا زیباتر و با شاخ و برگ و خطوط هندسی و الف های
 کشیده و زوایای قائمه نوشته اند. و آثار اقدم این گونه خطاطی در غزنه
 بر قبور سبکتگین و سلطان محمود در اوایل قرن ۱۱ پیدا است، و حتی
 بر قبر محمود دو نوع بسیار زیبای کوفی و رقاع دیده میشود. (شکل
 ۵۸ و ۵۹)

غزنه که مرکز سیاست و ثقافت آسیای میانه در قرن ۱۱-۱۲ بود،
 از نظر خطاطی نیز غنی ترین مراکز بشمار می آید و علاوه بر نمونه های نسخه
 های قرآنی که در صفحات گذشته نشان دادیم مخطوطات خاص این
 مکتب قرآنی نویسی موجودند، که آیات قرآنی را بخط کوفی مزین
 هنری بر زمینه مشجر گل کاری نفیس با تشعیر زیبای حاشیه
 بصورتی نوشته اند، که تمام صفحه گل کاریست و خط آیات قرآنی با
 سیاهی پخته سایه دار خیلی برجسته بنظر می آید، و نمونه بسیار
 زیبای این مکتب غزنه قرآنیست که در رمضان ۵۶۶ هـ جون ۱۱۷۱ م
 بخط ابوبکر بن احمد بن عبیدالله الغزنوی نوشته شده (شکل ۶۰)
 و در موزه مصر موجود است (۲) و هم نسخه دیگر قرآن در مجموع چستر
 بیتمی Chester Beatty انگلستان است (۳) که عینا بهمین سبک
 نقاشی گلدار بر تمام زمینه صفحات دارد، ولی خط آن کوفی متما یل
 به پیر آموزاست (شکل ۶۱) و همچنین قرآنی که در سنه ۵۰۵ هـ
 ۱۱۱۱ م در بست کنار هلمند نوشته شده (شکل ۶۲) (کتابخانه ملی
 پاریس) بهمین سبک نسبتی دارد (۴) و هم قرآنی در گنجینه مکشوفه
 جدید مشهد رضوی بخط وتذ هیب محمد بن عثمان وراق و مذهب
 غزنوی بدست آمده، که تاریخ وقف آن ۴۱۴ هـ است و یکی از آثار
 مغتنم مکتب خطاطی کوفی وتذ هیب غزنه شمرده میشود.

در کتیبه های تزئینی کوفی بعد از نوشته های مراقد سبکتگین
 و محمود، بسا الواح سنگی و نوشته های دیواری در غزنه موجود است،
 مانند نوشته های کوفی دو منار غزنه که یکی بنام بهرامشاه (۵۱۱-)

(۱) گنجینه ۴۹

(۲) سروی هنر پر شیا ۹۳۰ و کا لگرافی ۶

(۳) سروی ۹۳۱ کتاب و کتابخانه ۲۱

(۴) سروی ۹۲۷

۵۴۷ هـ (۱۱۱۷-۱۱۵۲م) و دیگری از سلطان مسعود علاءالدو له بن ابراهیم (۴۹۲-۵۰۸هـ ۱۰۹۸-۱۱۱۴م) است و هم باستان شناسان ایتالوی در سالهای بعد از ۱۹۶۰ م در عصر سلطان مسعود نمونه های ابیات در ری رابه رسم الخط بسیار مزین کوفی بر سنگهای دیواری از زیر خاک بر آورده اند (۱) که آنرا مظاهرا متکامل خط کوفی در اوایل دوره غزنویان توان شمرد (شکل ۶۳) والواح سنگی که از همین دوره در بست باقی مانده و همچنین پارچه های نوشته های کوفی که بر دیوارهای قلاع غزنویان در لشکری بازار بست دیده میشود، نیز از بقایای خطوط کوفی دوره غزنویان است.

از بقایای جامع اولیاء طرف شرقی بالا حصار غزنه، محراب قدیمی است منقش و زیبا، که با خط کوفی مزین گلدان و خط رقاع (دربین) مزین است و سنگی در آن بخط رقاع نوشته شده، که نام ظهیر الدو له سلطان ابراهیم بران منقور است و ازین برمی آید که در عهد سلطنت او (۴۵۱-۴۹۲ هـ ۱۰۵۹-۱۰۹۸م) بنا شده باشد (۲) رجوع کنید به شکل (۶۴) و خطوط تزئینی کوفی گل دار بهم پیچیده رباط شرف سرخس (۳) در حدود ۴۵۰ هـ (شکل ۶۵) نیز نمودار این سبک خط تزئینی است.

از دو لوحه سنگی قبوریکه در بست باقی است ۵۹۵ و ۶۱۱ هـ ۱۱۹۸ و ۱۴۱۴م و لوحه قبر محمد بن اسمعیل غوری متوفا ۲۴ جمادی الاونی ۵۳۰ هـ که از هرات بدست آمده (موزه هرات) پدیدار است که خط ساده کوفی متمایل به نسخی را بدون تزئین و گل پردازی نیز می نوشته اند و نمونه آن در (شکل ۶۶) لوحه مزار واقع هرات نشان داده شده است.

سیر تکامل تزئینی خطوط کوفی برابنیه شکل غلو و افراط را بخود میگیرد، که در دوره سلجوقیان نمونه آن بر قبر امام یحیی در جوزجان (شکل ۶۷) و محراب او لیاء و منارها و سنگهای نقاشی شده قصر مسعود سوم در غزنه و بقایای ابنیه لشکری بازار بست و چشت

-
- (۱) کتیبه های کوفی قصر مسعود سوم در غزنه طبع ر و م ۱۹۶۶ م
 (۲) ریاض الالواح ۱۳۸
 (۳) دکتر عیسی بهنام - مجله هنر ۵۲ بهمن ماه ۱۳۴۵ ش تهران

و مسجد جامع هرات از بنا ها ی غیاث الدین محمد سام و منار زیبای جام در قرن ۱۲ موجود اند (شکل ۶۸) که تکامل تزئینی و نفاست هنری خط کوفی رادر دربارهای غزنویان و غوریان نمایندگی میکنند و روشن می آید که سوا بق هنری پیش از دوره تیموریان در افغانستان، در تحت شرایط اقتصادی و اجتماعی هنر پرور سلطنت های قوی چگونه بوده است ؟

زیرا مادر همین عصر يك کتیبه خط عربی نامزین و نسخی شکسته را از بن چاهی در وینهند کناراتک بدست داریم ، که آنرا در ۴۸۲ هـ ۱۰۸۹ م یکنفر فقیه جوزجانی ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد در بنای چاهی نوشته است و اگر این خط را در پهلوی خطوط معاصر ابنیه مجلل سابق الذکر بگذاریم پدید می آید که ارزش هنری خطوط تماماً مرهون پرورش ارباب اقتدار بوده و ابنیه بنا کرده رجال مقتدر ، مظاهر باشکوه هنری خطا ن گشته است .

از کتابهای قدیم زبان فارسی که تا کنون در دست است کتاب الا بنیه عز حقایق الادویه بخط ا سدی طوسی در ۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م قدیمتر (شکل ۴۹) و کتاب شرح تعرف مکتوب ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م (موزة کراچی) کتاب دوم (شکل ۶۹) و کتاب هدایة المتعلمین مکتوب ۴۷۸ هـ ۱۰۸۵ م (کتابخانه بادلیا فی اکسفورد) کتاب سوم (شکل ۷۰) دارای تاریخ معین تحریر شمرده میشوند ، که شیوه خط کتاب الا بنیه بکوفی شبیه تر و اسلوب دومی و سومی به نسخی متمایل است . در حالیکه نسخه خطی ترجمان البلاغه موزة استانبول تحریر ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) شبیه تر به کتاب الا بنیه است . و ازین پدید می آید که کاتبان در اختیار شیوه تحریر تابع ذوق و رواج محیط خود بوده و در بین کوفی و نسخی شیوه های مختلف را پدید می آورده اند که بسهولت قابل خواندن باشد . و در بین خط کتب، به تزئین ها و گل کاریهای فراوان هنری نمی پرداختند، الا در آغاز کتاب یاسر فصول که بایک سلیقه و ترکیب و تزئین بسیار مشابه در آغاز هر دو کتاب الا بنیه و ترجمان البلاغه جمله (بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر) بخط کوفی مزین کشش داری نوشته اند. در حالیکه متون هر دو کتاب ازین گونه آرایش های هنری عاریست . و متمایل کاتبان بطرف سلیقه خط نسخی و سادگی آنست و در نوشتن قرآنها هم حتی المقدور

خوانا بودن آنرا رعایت کرده اند. واز پیچ و تابهای تزئینی کوفی که بر اینیه موجود است در نوشتن قرآن خود داری داشته اند. و اگر هم بتزئین و پیچ و تاب دادن خطمی پرداختند در سر سور ها و پارچه ها و منازل قرآنی بوده است .

در همین اوقاتست که خط نسخی در کتاب نویسی بسیار مستعمل است و مامی بینیم که بعد از ترجمان البلاغه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م در حدود (۲۵) سال خط نسخی از آمیزش کوفی بکلی تغییر شکل داده و نسخی خالص بمیان آمده است که در نسخه تفسیر ابوبکر عتیق سور - آبادی ۵۲۳ هـ ۱۱۲۸ م بخط محمود بن گرگین تر کی دیده میشود (نسخه خطی اندیا آفس لندن طبع عکسی تهران ۱۳۴۵ ش (شکل ۷) ولی در نسخه خطی المختصر من کتاب الوقف تحریر عبد الله بن علی در ۵۲۶ هـ ۱۱۳۱ م برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو (کتاب خانه مرحوم محمد شفیع لاهوری) هنوز هم آثار کوچک کوفی در بین نسخی باقیست (عکس ۷۲) و با یدمو جب رسم الخط بسیار مهذب نسخی هدایة المتعلمین مکتوب ۴۷۸ هـ (نسخه بادلیان اکسفورد) رواج نسخی رادر کتب از اواسط قرن پنجم هجری حساب کرد (شکل ۷۰) چون در حدود (۴۷۰ هـ) درجه تهذیب و زیبایی نسخی رادرین کتاب می بینیم ، باید خط نسخی متمایل به کوفی ۲۳ صفحه باقی مانده داستان وامق و عذرای عنصری (شکل ۷۳) را مربوط بدوره نسخی + کوفی در حدود (۴۵۰ هـ) بدانیم که نمایندۀ یک دوره خط در افغانستان (۱)

از رسم الخط قرآنی که در سنه ۵۸۴ هـ بخط محمد بن عیسی بن

(۱) این اوراق را مر حوم پروفیسر محمد شفیع لاهوری در بین دفتین کتاب کهنه المختصر من کتاب الوقف یافت و تشخیص کرد که از نسخه گم شده وامق و عذرای عنصریست و درین ۲۳ ورق کهنه خطی ۳۵۳ بیت آن مثنوی محفوظ است . بر ورق اول یک فهرست کتابهای مملو که صاحب سری زکی بن محمد بن علی عبدالحمید البامیانی بخط تعلیق ابتدایی نوشته شده ، و باید که اصل نسخه مثنوی هم در افغانستان یا بامیان نوشته شده باشد ، که در ملک همین شخص بامیانی بود. اصل عکس این اوراق با شرح و تعلیق پروفیسر مر حوم در ۱۹۶۷ م از لاهور طبع و نشر شده است.

علی نشابوری برای سلطان غورغیاث الدین محمد بن سام نوشته
(۴ مجلد موزه ایران باستان) پدیدمی آید که در خط نسخی شیوه های
ریحان و رقاع و توقیع بهم آمیخته شده است (شکل ۷۴)

در کتابخانه خطی کابل مجموع رسایل متفرقه موجود است که از
بامیان بدست آمده و در سنه ۶۱۱ هـ بخط دولتشاه بن حبشی تو لکی
نوشته شده و خط آن نسخی دور از شیوه هنر یست و آثار کوفی
در آن مشاهده نیست و ازین برمی آید که از همین اوقات شیوه نسخی
و تعلیق آمیزش یافته بود (شکل ۷۵)

در قرن ۱۱ و ۱۲ که آسیای میانه و خراسان در تحت اقتدار سیاسی
غزنویان - سلجوقیان - خوارزمشاهیان - غوریان بود، هنر خط
نویسی کوفی و نسخی و ثلث بافروع آنها در خراسان فراوان
پرورش دیده بود، و اگر ما بقایای این نوع خطوط را در غزنه و هرات
و بست و بلخ و مشهد و سمرقند و دیگر بلاد خراسان - بمعنی و سیع آن
وقت - ببینیم می فهمیم که قرن ۱۲ زمان ریعان هنری خطوط
عربی است که خامه هنروران چیره دست خراسان، این هنر ارزنده و
بدیع را از نشابور تا بخارا و سمرقند و شاش و طراز و غزنه و وینهند
کنار سند پرو رانده است. حتی بهمت غزنویان و غوریان افغانی
این متاع گرانبها در اواخر قرن ۱۲ بقلب هند و دهلی نیز رسیده بود.
که در سنه ۵۹۶ هـ ۱۱۹۹ م یک کا پی منارجام غور در مسجد قوه الاسلام
بنام منار قطب ساخته شد (شکل ۷۶) که اینک بحیث نمونه نفوذ
هنر و رسم الخط تزئینی خراسانی تا کنون در دهلی باشکوه و وقار
عظیمی ایستاده و ما می بینیم که بعد از مدت سه قرن هنر خراسان از
هرات و غور و غزنه بقلب هند نیز رسیده بود و در تحت اثر قوی
محرکات سیاسی و عقیدوی و اقتصادی گسترش و نشو و نما می یافت و اغلب
شاهان و مقتدران می خواستند با بنای کاخها و منارها و مساجد مجلل
و مزین مراتب قدرت خود را تبارز دهند و بران ابنیه معظم بجای
تصاویر انسانی، خطوط نظریه های بسیار زیبا و نقوش مواد غیر
حیه را بنویسند و برای این کار خط کوفی بر ازندگی تمامی داشت و
حتی تماماً بشکل گل کاری و نقاشی بدیعی درآمده میتوانست.

خط کوفی با انواع متکامل خود در ابنیه بصورت تزئینی و در نسخ
قرآن و کتب دیگر مقارن با خط نسخی نشو و نما نمود، و تا آغاز
قرن ۱۳ و خروج مغل در تمام کشورهای اسلامی بافروع خود مورد

استعمال و تبارز هنری مردم بود. مثلاً در کتیبه مرقد ملك غياث الدين غوری در مسجد جامع هرات رقاع و ریحانی بسیار زیبا و تاهمی برابنیه رقاع و ریحان و ثلث و محقق و ثلث خاص کتیبه نویسی با الف های کشیده و هم محقق شجری و ثلث طغرا و ثلث تعلیق نما و دیگر شیوه های مخلوط این خطوط دیده میشود و هم خط نسخی آنقدر مهذب و پرورده گردید که شکل کامل هنری را گرفت و نمونه آن در قرآن خط عبدالله صیر فی ۷۲۰ هـ ۱۳۱۹ م گنجینه مشهد رضوی دیده میشود. (شکل ۷۷)

اگرچه چنگیزیان در مدت نیم قرن اول خروج خود، بسا ابنیه و کتابها را در سمرقند و بلخ و مرو و نیشابور و هرات و سیستان و دیگر بلاد معمور آنوقت از بین بردند و درین جمله هنرمندان و علما نیز تلف شدند و برخی به ممالک دو ر دست عثمانی و هند گریختند، ولی بعد از یک قرن حکمرانان مغل نیز با ثقافت و هنر خراسانی در ماوراء النهر و افغانستان و ایران آشنا یی یافتند، و درین میانه برخی از حکمرانان محلی مانند آل کورت هرات و امرای پارس از در مدارا با مغلان پیش آمدند و به حفظ هنر و کلتور خود توجه کردند. چنانچه از آثار این دوره در هرات نمونه های گرانبهای خطاطی بر مقابر و ابنیه دوره آل کورت باقیست و این آثار هنری را مایک حلقه وصل و پیوستگی هنری بین دوره قبل از مغل و آغاز رنسانس هنری تیموریان میدانیم، که مواریث گرانمایه هنری مردم عصر غزنویان و سلجوقیان و غوریان را به رنسانس تیموریان انتقال داده اند.

از آثار خطاطی این دوره خط ثلث عالی بشیوه قدیم بر لوح مزار خواجه شهاب الدین عبدالله غا وردانی هرات است در سنه ۷۴۴ هـ ۱۳۴۳ م و خط توقیع نمای مزار جوانی در خاک شیخ ابو العلاء در محرم ۷۵۹ هـ ۱۳۵۷ م و خط توقیع تعلیق نمابر مزار طغرل بن امیران فوشنجی در رباط پی غربی هرات از ۷۵۶ هـ ۱۳۵۵ م و خط رقاع تعلیق نمای سلطان شاه در سنه ۷۷۷ هـ ۱۳۷۵ م بر ظرف هفت جوش جامع هرات که بامر سلطان غیاث الدین محمد کورت ساخته شده است (شکل ۷۸)

فراموش نباید کرد: که در مدت پنج قرن اول دوره اسلامی، هنگامیکه خط کوفی با انواع آن در عراق و خراسان و ماوراء النهر پرورده میشد، یک شیوه خاص شمالی آن از قفقاز تا خوارزم در شمال وجود

داشت که پیچیدگی و ابهام و اعوجاج خاصی در آن مشهود است
و نمونه قدیم آنرا در سال ۴۷۱ هـ ۱۰۷۸ م بر کتیبه چهار سطری
مسجد الرشید بن محمد بن ابی بکر در باکو توان دید (شکل ۷۹) و بعد
از آن بر کتیبه آرامگاه یوسف بن کبیر در ۵۵۷ هـ ۱۱۶۱ م نوعی ازین
شیوه دیده میشود (شکل ۸۰) و بقایای همین روش مهذب شده بر
لوحة قبریست که در ۶۷۰ هـ ۱۲۱۷ م کنده شده (۱). وهم در اور گنج
کهنه در قرن ۱۲ بالای مدخل عمارت مشهور به قبر فخر الدین رازی (۲)
نوعی از آن در کنده کاری گل پخته با نقوش ظریف گل و بوته
موجود است. (شکل ۸۱)

حدس من اینست : که این نوع کوفی نویسی شمالی قفقاز و خوارزم
مبداء خط ناشناسی است که نمونه متأخر آن در یک مصحف مشهد
رضوی موجود است و دانشمندان گلچین معانی آنرا «خط بابری»
اختراعی محمد بابر شاه موسس سلسله تیموری هندی دانند.

خط بابری :

مورخان دوره تیموریان هند مانند عبدالقادر بداونی در منتخب التواریخ
و علاء الدوله قزوینی در نفایس المآثر و ابوالفضل در اکبر نامه
و خواجه نظام الدین احمد هروی در طبقات اکبری و خود با بر
در تزک خود خبر میدهند : که این پادشاه (۸۸۸-۹۳۷ هـ ۱۴۸۳ -
۱۵۳۰ م) خطی اختراع کرده و نسخه قرآن بدان خط نوشته و به
مکه فرستاده بود (۲).

در کتابخانه مشهد رضوی مصحفی بخط ناشناخته با کاغذ
و تذهیب کشمیری موجود است (نمبر ۵۰) وقفی شاه حسین صفوی
در ۱۱۱۹ هـ که نخستین بار در نامه آستان قدس (نوروز ۱۳۴۴ ش)
معرفی شد. و دانشمندان گلچین معانی آنرا بهمان خط اختراعی بابر شاه
شمرد (۳).

در تحقیق این خط میرمن دانشمند صباحت عظیم جانوا رئیس موسسه
تحقیقات شرقی اکادیمی او ز بک (تاشکند) در جنوری ۱۹۶۴ به

(۱) مسلم کالگرافی ۲۲-۲۳

(۲) منتخب اراک ۳۴۳ و اکبر نامه ۱۱۸ و طبقات ۲۷۲

(۳) گنجینه قرآن ۱۷۸

مجلس بیست و ششم بین المللی مستشرقان در دهلی مقالتهی تقدیم داشت که باین خط را در سنه ۹۱۰ هـ ۱۵۰۴ م اختراع کرد و نمونه الفبای آن در کتاب خطی عجایب الطبقات محمد طاهر بن قاسم موجود است که در سنه ۱۶۴۵ م در بلخ بامر سید ندر محمدخان تالیف شده، و نسخ متعدد خطی آن در کتابخانه تحقیقات شرقی آکادمی علوم اوزبکستان محفوظ میباشد. (۱)

درین مقاله عکسی از عین نسخه خط ببری داده شده (شکل ۸۲) که ابدان نسخه مصحف آستان قدس (شکل ۸۳) برابری ندارد (۲) و اشکال حروف عجایب الطبقات کلیدی برای حل اشکال حروف این مصحف شده نمیتواند و ما اختلاف اشکال هر دو متن را در (شکل ۸۴) نشان داده ایم.

بهر صورت مبدأ خط مصحف مشهد رضوی بیقین معلوم نیست، ولی شباهت تام آن با خط بالایی در ب عمارت اورگنج (شکل ۸۱) بنظر می آید و شاید ربطی باشیو شمالی قفقازی داشته باشد.

(۱) مجله سنترل ایشیاز یو یو جلد ۷ ص ۲-۱۹۶۴ م
(۲) عکس چهار صفحه این مصحف شریف بوسیله جناب آقای محمود فرخ دانشمند و شاعر معروف خراسان بمن رسیده است که درینجا از ایشان صمیمانه تشکر میکنم.

دوره عروج خطوط

در اواخر قرن ۱۴ امیر تیمور در آسیای میانه امپراتوری و سیعی تشکیل داد، که تمام ممالک ماوراء النهر و افغانستان و ایران را در بر میگرفت. چون مردم این امپراتوری مواریث هنری دوره غزنویان و غوریان و خوارزم شاهیان و سلجوقیان را با آثار هنر اسلامی از غرب و هنر چینی و هندی و مغولی از شرق پیش روی داشتند، هنگامیکه شاهرخ پسر امیر تیمور در آغاز قرن ۱۵ در هرات مرکز امپراتوری خود بنشست، وی مواریث هنر را در سمرقند و هرات پرو رانید و این شهر مرکز رنسانس هنری آسیای میانه گردید و مخصوصاً هنر کتاب نویسی بمعراج خود رسید و ابنیه عظیمی که بران کتیبه های زیبا بانواع خطوط تزئینی موجود است ساخته شدند. و این مکتب هنری هرات تا اواخر عصر سلطان هنر پرور حسین بایقرا و اواخر قرن ۱۵ در هرات دوام کرد. و بعد ازان دیده میشود که هنرهای خطاطی، نقاشی، مصوری، کتاب سازی، میناتو رازین پرورشگاه رنسانس هنری به بخارا و اصفهان و تبریز و هند انتقال کردند.

درین رنسانس هنر استعداد خلاق مردم هرات و تمام ملل امپراتوری تیموریان هرات از مرزهای چین تا تبریز کار میکرد، و بنابراین هرات را دران اوقات مرکزی باید پنداشت که خلاقیت هنری تمام این مردم دران جا فعالیت داشت و هزاران نفر هنر مند - خطاط - مصور - مذهب - نقاش - جلد ساز - معمار - کاشی ساز - رنگ ساز و غیره در تحت پرورش رجال هنر خواه امپراتوری تیموریان به تخلیق آثار خالدهنری می پرداختند.

رنسانس هنری هرات آثار جاویدانی را در شقوق مختلف هنری آفرید، که این کتاب کو تا حوصله شرح آنرا ندارد و باید اندران باره کتابها نوشته و پرداخته آید، و لی من درینجا دو شهکار جهانی این مکتب هنر را یاد آوری میکنم:

اولین اثر خالده این دستان نسخه خطی شاهنامه فردوسی موزه گلستان تهران است در سنه ۸۳۳ هـ ۱۴۲۹ م بخط جعفر بایسنغری که از لحاظ خط - نقاشی - مصوری - کاغذ - تذهیب - جلد و صحافی به تشخیص متخصصان بین المللی، گرانبها ترین کتب جهان شمرده

شده و نماینده عالی ترین مرحله کتاب سازی انسا نیست . (شکل ۸۵)
دوم مسجد گوهر شاد آستان قدس مشهد است که بهمت ملکه
دربار هرات گوهر شاد و شهزادگان هنرمند و هنر دوست تیموری در ۱۲
سال تحت نظر قوام الدین معمار ساخته شده و از نظر معماری سبک
خاص خراسانی و تزئین و کاشی کاری و خطاطی در زمره دوازده بنای
بسیار عالی تاریخی دنیا و شهکاهای انسانی گذشته محسوبست و
بنای آن در حدود ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م ختم شده است . (شکل ۸۶)

چون موضوع مشخص این جستجوی ماتنها خطاطی دوره
تیموریان هرات است ، بنابراین از خلاقیتهای دیگر هنری این
دوره گذشته و تنها درباره خطاطی کمی شرح میدهم :

گفتیم که هنر خطاطی در بین ملل مسلمان از قرن ۸ بدینطرف مراحل
تکامل خود را در مدنیت اسلامی بنحو احسن پیمود و بجای هنر
مصوری مکتب گندهارا و مانسی و سوابق تصویر سازی امپراتوری
اوشانی و ساسانی و بیزانتین و جریانهای هنر چینی و بودایی هم
ایستاد و بنابراین در ابنیه دینی بطور تزئینی بکار رفت . اگر چه شاهان
در کاخهای شاهی خویش گاهای دیوارهای نگارین و مصور هم
داشتند که بر بقایای قصرهای لشکری بازار بست تصاویری نمایان
است (شکل ۸۷) و هم بیهقی مورخ دربار غزنه از یک خانه مصور و
نگارینی که شهزاده مسعود در باغ عدنانی هرات ساخته بود خبر میدهد ،
ولی این عمل شهزاده مورد باز پرس ورنجش پدرش سلطان
محمود واقع گردید (۱) و از همین داستان می دانیم که گویا بر ابنیه
دولتی تصاویر رنگین را با احتیاط بکار می بردند ، ولی ابنیه دینی و
معابد و مقابر ازان خالی بود ، و بجای تصاویر ، انواع خطوط تزئینی
و گل کاری ها و نقوش غیر جاندار را بکار می بردند که همین عامل
دینی و اخلاقی محرك پرورش و ایجاد و رواج انواع خطوط تزئینی
در هنر اسلامی گردید ، و هزاران نسخه خطی مزین و منقش و مطلقا
از قرآن نوشتند و یابر ابنیه خود انواع خطوط تزئینی و نقاشی های
گونگون را باقی گذاشتند و همین نظر دینی موید پیدایش خطوط
و خطاطان بسیار ماهر چیره دست و خلاق گردید و بر ابنیه دینی هنر در
قالب عقیده دینی ریخته شد ، و توجه به هنر خطاطی در عصر تیموریان

(۱) تاریخ بیهقی ۱۲۱

بدرجه یی بود که شهزادگان این خاندان مانند بایسنغر و ابراهیم
و بدیع الزمان نیز خطاطان ما هر بوده اند .

از آغاز قرن ۸ تا قرن ۱۶ در مدت ۷ قرن از خط کوفی و نسخی
ساده اوایل دوره اسلامی فروع هنری بوجود آمد، که نامهای انواع
آن خطوط به پنجاه میرسد ، و لی در قرن ۱۵ م «اقلامسته» ذیل
بطور خطوط اساسی و جو داشت:

نگارمن خط خوش مینویسد بغایت خوب و دلکش مینویسد
مناشیر و محقق ، نسخ و ریحان **رقاع و ثلث** هر شش مینویسد

برابنیه و کتب دوره تیموریان خط کوفی با انواع تزئینی آن نمودار
است از جمله خط مشجر مشکول بیرونی گنبد گور امیر تیمور را در
سمرقند ۸۰۷ هـ ۱۴۰۴ م وهم در مدرسه الغ بیگ ۱۴۲۰ م و مرقد
خواجه احمد یسوی در ترکستان زقرن ۱۴ وهم بر برخی از ابنیه
تیموریان در هرات و بلخ و کوهسان هرات و انواع معقلی و مقفل و
هندسی آن درخشت کاریهای مسجد گوهرشاد و مدرسه الغ بیگ و شاه
زنده سمرقند و دیگر ابنیه آن وقت و همچنین در سرسورهای
قرآنی مکتوب این عصر توان دید. و ازین برمی آید که کوفی نویسی
درین عهد به تکامل نهایی خود در سیده بود. (شکل ۸۸)

در پهلوی تکامل و تنوع هفت قرن خط کوفی، تهذیب و هنری شدن
نسخی نیز جریان داشت و در کتابهای فارسی روش کوفی مخلوط با
نسخی در جریان این قرون دیده میشود، ولی چون نسخی جنبه
تزئینی کمتر داشت بر ابنیه آنرا نمی نوشتند و از تهذیب و هنری
گردیدن کوفی و نسخی بود که ثلث با فروع خود محقق و ریحان
و رقاع بوجود آمد، و برای نوشتههای دفاتر و مناشیر خطی از امتزاج
نسخی و فروع ثلث بنام **توقیع** یا **مناشیر رواج** یافت که نوشتن
آن سهل و زود و بدون تکلفات هنری و بدیعی بود. و نمونه اینگونه خلط
و امتزاج فروع ثلث را در نسخه کتاب التفهیم البیرونی (کتابخانه
مجلس تهران) توان دید که در ۵۳۸ هـ ۱۱۴۳ م نوشته شده است.
(شکل ۸۹)

خطاطان و هنر مندان خلاق در امتزاج این شیوه ها و پیدایش
اسلوبهای خصوصی هنری در هر عصر دستی داشتند و بنا برین

امتیاز انواع این خطوط ممزوج و تعیین نام هر شیوه دشوار است. برابنیه و مقابر و کتب مر بوطنسا نس تیمو ریان در مملکتی که مورخ دربار آن عصر عبدالرزاق سمرقندی آنرا **خراسان** گوید نمونه‌های ذیل دیده میشود :

اول : انواع متعدد و متکامل کوفی که چند نمونه آن گفته شد.
دوم: ثلث بسیار پخته و متکامل مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکل ۹۰) و شصت ورق قرآن بخط شیخ محمد طغرایی تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰۶ م و شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳ م (شکل ۹۱) و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱۶ م (شکل ۹۲) و قرآن به خط نسخ و ثلث و رقاع بسیار عالی عبدالله طباطبائی مروی مورخ ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) در گنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیه نیز انواع متکامل و بسیار زیبای خط ثلث نمایان است مانند خطوط ثلث و ریحان و محقق و رقاع منارها و مسجد جامع و گازرگاه هرات و ابنیه دیگر آن شهر و ثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابدال در قندهار و خطوط متعدد ثلث و ریحان با یسنغر بن شاهرخ بر پهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجد گوهرشاد مشهد در سنه ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م (شکل ۸۶) ابنیه دوره تیموری در گازرگاه هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط ثلث و کوفی و معقلی و ریحان و رقاع و نسخی و محقق و توقیع مظاهرا هر بر جسته هنر خط نویسی و نسانس تیموریان است، و از آن جمله سنگ تاریخ مصلاهی هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی عصر شاهرخ است که در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱ هـ ۱۴۳۷ بقلم جلال جعفر نوشته شده است (شکل ۹۴) و این شخص فرزند خطاط معروف جعفر با یسنغر است که نمونه‌های خطوط پدر و پسر هر دو برابنیه هرات موجود است، همچنین قبر شیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸ هـ ۱۴۳۴ م در گازرگاه خط ثلث بسیار عالی دارد. و مادر اینجا نمونه بسیار عالی خط ثلث را از بقایای بنای محرابی در هرات گرفته ایم (شکل ۹۵) که در قصبه حوض کرباس غربی شهر هرات در مسجد

کوچک کهنه بی باقی مانده است و آنرا نمونه بسیار گرانبهای خطاطی و سبک تزئین بنا از هرات دوره تیموریان گفته میتوانیم ، که شاید خط یکی از اساتید مانند جعفریاپسرش باشد .

وهم بر بالای محراب مسجد بلند و مدرسه میر عرب بخارا خط ریحان جلی بسیار عالی کتیبه نویسی از قرن ۱۶ (شکل ۹۶) و بر اطراف طاق نماز گاه بخارا نمونه معقلی قرن ۱۶ (شکل ۹۷) و در مدرسه میر عرب بخارا و مسجد بی بی خانم سمر قند اوایل قرن ۱۴ نمونه

بسیار عالی جلی ثلث (شکل ۹۸) و همچنین ثلث جلی و متوسط متمایل بریحانی بر لوح مرمرین حکیم ترمذی در قرن چهارده و خط رقاع ریحانی بسیار عالی در مقبره جنوبی او زگند ۱۱۸۶ م نمایان است . (شکل ۹۹)

در اینجا باید یاد آوری کرد : که از آغاز قرن ۱۴ در ترکستان شیوه خاصی در ثلث و ریحان و رقاع و نسخی بوجود آمده بود که «شیوه ترکستانی» باشد و آنرا مخلوطی از ثلث و ریحان و محقق توان گفت که نمونه آن قرآن با ترجمه ترکی چغتایی بخط محمد بن شیخ یوسف اباری سید الخطاط ۷۳۷ هـ ۱۳۴۶ م گنجینه قرآن مشهد رضوی است (شکل ۱۰۰) و در همین گنجینه قرآن بخط ثلث شیوه ترکستان قرآنی از قرن ۱۶ نیز موجود است (شکل ۱۰۱) که این شیوه خاص ترکستانی را در خطوط قرن ۱۴ - ۱۵ در آسیای میانه فراموش نباید کرد مخصوصاً نمونه بسیار زیبای جلی متمایل به تعلیق در تاریخ یکی از بناهای شاه زنده سمرقند در ۷۶۲ هـ ۱۳۶۰ م و بر سنگ مرقد قثم بن عباس در سنه ۱۳۳۴ م و بر بالای ایوان قبر بیان قلی خان در بخارا ۱۳۵۹ م . (شکل ۱۰۲)

سوم : چنانچه گفته شد خطوط عربی در خراسان تحول یافت و در طول قرن سیزده علاوه بر اقسام سته یک قلم جدید دیگر (که کاملاً محصول ذوق و سلیقه مردم خراسان بود) متدرجاً بوجود آمد ، که آنرا **تعلیق** گفتند و مخلوطی بود از نسخ و رقاع و توقیع و چون این خط در مراسلات سرکاری و عامه استعمال گردید آنرا **ترسل** هم گفتند و مولانا جامی گفت :

کاتبان را هفت خط باشد بطرز مختلف
ثلث وریحان و محقق ، نسخ و توقیع و رقاع

بعد ازان تعلیق آن خطست کش اهل عجم

از خط توقیع استنباط کردند ، اختراع

تعلیق نسبت به خطوط دیگر پیچیده بود و بنا برین قا آنی آنرا بازلف خوبان تشبیه نمود: «ای زلف تو پیچیده تر از خط ترسل» خط تعلیق بر کتیبه و ابنيه نوشته نمی شده ، و گاهی در کتب و عموماً در مراسلات استعمال میشد .

از صفحهٔ اخیر نسخهٔ خطی طبقات الصوفیه کتابخانهٔ نا فد پاشا در استانبول که با نسخی پخته به خط دمتاش بن عبدالله در شعبان ۶۷۲ هـ ۱۲۷۲ م غالباً در خراسان نوشته شده ثابت می آید که خط نسخی درین زمان متمایل به تعلیق گشته بود ، زیرا درین صفحهٔ اخیر نسخه سطوری مشابه به خط تعلیق از قلم همین کاتب دیده میشود (شکل ۱۰۳) و بنا برین آغاز تعلیق را یک قرن پیش از خروج امیر تیمور باید دانست ، زیرا برگور همین امیر در سمرقند خطی که تعلیق نسخ آمیز متمایل به ثلث باشد دیده می شود و هم نمونهٔ نسخ تعلیق آمیز صفحات اخیر نسخهٔ اسرار التوحید کتابخانهٔ سلیم آغادر استانبول است که در سنه ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م به خط محمد صالح برای قاضی علی جوینی در خراسان نوشته شده ، که آن را نمونهٔ رواج تعلیق گفته می توانیم .

(شکل ۱۰۴)

از کتیبهٔ مرقد قثم بن عباس در سمرقند نیز پدید می آید که در حدود ۱۳۳۴ م خط نسخی و ثلث ماوراء النهر نیز به تعلیق متمایل بود و مادر اشکال (۴۹-۵۰-۶۹-۷۰-۷۵) نمونه‌های تحول خط نسخی و کوفی را به تعلیق بالتدریج دیده می توانیم و شاید نمونهٔ تبدیل تدریجی نسخی به تعلیق همان قباله زمین باشد که دکتر هورنل Hoernle یافت و مر گلیوٹ Margoliouth تاریخ آنرا ۴۰۱ هـ ۱۰۱۰ م خواند (۱) و هم بیلین Belin در کتیبهٔ فارسی مسجد کهنه ارض روم بر دیواری نوشتهٔ منقوری یافته بود که در سنه ۳۱۵ هـ ۹۶۰ م نوشته شده (۲) و خط

(۱) جورنال ایشیاتیک سوسایتی ۷۶۱ بابت اکتوبر ۱۹۰۳ م

(۲) همین مجله ۳۷۶ طبع ۱۸۵۲ م

مدور متمایل به نسخ و نستعلیق (؟) (توقیع) داشته است، که حلقه وصل با کوفی زاویه دار شمرده می شود، و از اسناد جدیدی که در باره قدمت شیوه تعلیق بدست آمده، سطو آخرین نسخه قرآنیست که در حوت ۱۳۴۸ ش از ذخیره قرآنیهای آستان رضوی مشهد در یک پسخانه مسدود یافته شد و این عبارت در آخر آن به خط تعلیق خوانده میشود: «فرغ من کتبه یوم الثلاثاء السابع من ذی الحجه روز بهمن من شهر اسفند ار مئسنه خمس عشر و اربع مائه» واقف این نسخه قرآن ابوالوفانام داشت که در همین سنه ۴۱۵ هـ وقف کرده است (۱)، و ازین هم برمی آید که خط تعلیق در اوایل قرن پنجم هجری هم نوشته می شد، و هم شیوه های توقیع و تعلیق گاهی با هم آمیخته بود.

ازین اسناد حدس باید زد، که مبادی خط تعلیق قدیمتر است و در قرن ۱۳ - ۱۴ راه خود را به رواج عمومی و هنری شدن تزئینی کشوده است، که نمونه های آن را در خطوط بسیار استادانه زیبای تعلیق نویسان دوره تیموریان خواجه تاج الدین و خواجه اختیار هروی منشی سلطان حسین بایقرا و عبدالحمی منشی ابوسعید میرزا و خواجه عبدالله هروی توان دید. (شکل ۱۰۵ - ۱۰۶).

چهارم: در نصف اخیر قرن ۱۴ م امتزاج و تلفیق هنری نسخ و تعلیق خطی بسیار زیبا و دارای ارزش بدیعی به وجود آمده بود، که آنرا نستعلیق گویند، و نام آن هم دلالت بر آمیزش نسخ و تعلیق دارد. اگرچه واضع نستعلیق را میرعلی تبریزی قبله الکتاب (حدود ۷۹۰ هـ ۱۳۸۸ م) دانند و خطاط سلطان علی مشهدی گفته است:

نسخ تعلیق گرخی و جلی است

واضع الاصل خواجه میرعلی است

وضع فرمود او، ز ذهن دقیق

از خط نسخ و ز خط تعلیق

مگر به قول ابوالفضل علامی در دیباچه (مرقع شاهی) برخی از

قطعات خط نستعلیق پیش از عصر نیمه و ر یعنی ۷۷۱ هـ ۱۳۶۹ م

(۱) این نسخه را نویسنده این سطور در حمل ۱۳۴۹ دیده ام.

بنظر آمده و خود نویسنده این سطور هم نمونه های نستعلیق را پیش از این عصر دیده ام . چنانچه کتاب مجمع النوادر تالیف محمد عوض بن بختی شوع بخط نستعلیق نگاشته ۷۸۵ هـ ۱۳۸۳ م دیده شده ، که معاصر میرعلی است در کمال نفاست و نضج ، و باید پیش از این عصر مراتب آغاز و پختگی را طی کرده باشد. و هم نسخه خط نستعلیق بسیار مهذب و پخته زیبای طبقات - الصوفیه انصاری در کتابخانه نور عثمانیه استانبول بقلم نستعلیق نیمه جلی درویش صوفی در ۸۳۹ هـ ۱۴۳۵ م موجود است (شکل ۱۰۷) که معاصر اواخر عمر میر علی تبریزی باشد . و اگر واضح آن خط را میر علی بدانیم نتوانیم گفت: که در همان عصر نستعلیق نویسان معاصرش هم بدان درجه پختگی و نضج هنری نستعلیق رسید باشند. و از این روست که غلام محمد هفت قلمی دهلوی مولف «تذکره خوش نویسان» در حدود ۱۲۳۹ هـ ۱۸۲۳ م می نویسد: «که پیشتر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند ، لیکن این مرد بزرگوار قواعد در خط نستعلیق مقرر نمود.» (۱) بنابراین زمان آغاز نستعلیق هنری را حدود ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م تعیین باید کرد، در حالیکه اساس آن در خط تعلیق پیش از سه قرن گذاشته شده بود.

ما سندی در دست داریم که نمونه نستعلیق نویسی را در اواخر قرن هشتم هجری بخط یک هروی نشان میدهد ، بدین معنی که نسخه خطی کتاب عجایب المخلوقات فارسی به نستعلیق خالص مورخه ربیع الاول سنه ۷۹۰ هـ در کتابخانه ملی پاریس موجود است (۳۳۲ تکمله فارسی) که در آخر آن نوشته اند: بتا ریخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عفی عنه .»

این کتاب برای کتابخانه سلطان احمد خان (شیخ اویس ایلکانی ۷۸۴-۸۱۳ هـ) نوشته شده است (یا دداشتهای قزوینی ۷-۲۰۳) . بهر صورت در عصر تیمور و شاهرخ خط نستعلیق که زیباترین خطوط بوده و هم زاده قرجه تابناک مردم خراسان است ، در مملکت تیموریان و واج کا مل یافت و برابنیه و کتب مستعمل گردیدند در دربار تیموریان شاگردان میرعلی که استاد و مرتب این خط

(۱) تذکره خوش نویسان ۴۳ طبع کلکته ۱۹۱۰ م

بود (شکل ۱۰۸) بعد از عبدالله پسر هنر مندش پرورش یافتند ، که از انجمله مولانا جعفر و پسرش جلال و مولانا اظهر متوفای ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م و پسرش محمد و سلطان علی بن محمد مشهدی و میر علی هروی و محمد او بهی و سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور و دیگر مشاهیر نستعلیق نویسندگان (شکل ۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲) که بعد از قرن ۱۶ سبک نستعلیق ایشان از هرات به ماوراء النهر و ایران و هند و عثمانی نیز انتقال یافت.

نقائس آثار هنری نستعلیق نویسی برابنیه تیموریان در هرات فراوان است . مانند لوح قدیم مرقد مولانا جامی منسوب بخط میر علی هروی و لوح مزار شیخ زین العابدین خوافی ۸۳۸ هـ ۱۴۳۴ م و لوحه سنگ مرمر با خط نستعلیق بسیار جلی و عالی در رواق حوض زمزم گازرگاه هرات و قطعات سنگ مرمر مرقد هرات ۸۵۹ هـ ۱۴۵۴ م والواح نستعلیق گازرگاه بر قبر رستم محمد خان و خط نستعلیق سلطان علی مشهدی بر گور امیر غیاث الدین منصور پدر سلطان بایقرا ۸۸۲ هـ ۱۴۷۷ م و چهار قبر دیگر شهزادگان تیموری بخط همین سلطان علی . و چند مرثیه در اندرون گنبد آرامگاه شهزاده بایسنغر در خیابان هرات و دو بیت بقلم بسیار قوی جلی نستعلیق بر مرمر سپید مرقد پیر هرات بخط حسن خان شاملو . (شکل ۱۱۴) درین عصر عموماً کتابها را به نستعلیق خوش می نوشتند و نستعلیق نویسندگان مکتب هرات ، آثار گرانمایه و شهرکار های خطی بوجود آورده اند ، که از انجمله جعفر بایسنغری شهرکار هنری خود یعنی نسخه نفیس شاهنامه بایسنغری را در سنه ۸۳۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشت که در موزه گلستان تهران است . (شکل ۱۱۵) و هم سه ورق مجموعه خطوط نستعلیق و ریحان و نسخی و ثلث و رقاع و شکسته و نستعلیق با مضای اوست در موزه ملی تهران (شکل ۱۰۹) و هم هشت نمونه دیگر خط او بر کتب و دواوین شعرا و البیم هادر موزیم های دنیا موجود است . پنجم : خط تعلیق و نستعلیق در طول قرن ۱۵ و خروج امیر تیمور در پهلوی نسخ و فروع ثلث در سر تاسر مملکت تیموریان رواج داشت و کاتبان دفاتر و امور عامه در ضمن چابک نویسی از امتزاج و در هم شکستن هر دو خطی بوجود آوردند که آنرا شکسته یا شکسته نستعلیق گویند.

اسلوب شکسته نو یسی نیز در طول قرن ۱۵-۱۶ رنگ فنی و هنری گرفت و مامی بینیم که در عصر تیموریان هرات علاوه بر اقلام سنته اساسی و دو قلم تعلیق و نستعلیق یک قلم نهم شکسته مستقلا افزوده شد و استاد جعفر با یسنغری در اوراق نمونه خطوط مذکوره خویش که در موزه ملی تهران است در سطر بسیار زیبا و نفیسی را بهمین شکسته نستعلیق هم نوشته است (شکل ۱۰۹) که پختگی این شیوه را در عصر شاهرخ میرسانند. و بعد ازان میرزا فصیحی هروی و شفیعی هروی و مرتضی قلی شا ملو هروی و در ویش عبد المجید طالقانی و غیره از هنرمندان نامور این طریقه اند و برخی از شکسته نو یسی چون شیوه خاصی داشتند، آنرا شکسته آمیز و منسوب به شفیعی هروی **خط شفیعه** هم گفته اند.

ولی خط شکسته برای کتاب و کتیبه نویسی کمتر استعمال شده و رواج آن تا کنون هم برای مراسلات عامه و دفتری بوده، و گاهی بطور نمونه هنری و تزئینی بر قطعات زیبا نوشته شده است (شکل ۱۱۶).

خوشنویسان متأخر

درباره خوش نویسان و خطاطا نمتأخر افغانستان چند کتاب درین
از آخر نشر شده که شرح حال و نمونه های خط خطاطان متأخر را به
تفصیل نوشته و آورده اندمانند:

۱- هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر تألیف بناغلی عزیز الدین
و فلزائی طبع کابل ۱۳۴۲ ش که خود از اساتید معاصر هنر خط اند
و درین کتاب تذکره بسا خطاطان افغانستان را نوشته و هم نمونه های
فراوان انواع خطوط خود را داده اند که از آن مهارت او در اکثر خطوط
قدیم و جدید ظاهر است و قدرت خامه او مسلم .

۲- گنجینه خطوط در افغانستان از جناب آخوند میر محمد علی هروی
طبع کابل ۱۳۴۶ ش که وی نیز از اساتید هنر خطاطی است و انواع
خطوط را بقلم خود نوشته است .

۳- تعلیقات بردیبا جه دو ست محمد کتا بدار از مرحوم فکری
سلجوقی هروی ، که کتابی مفید است و در آن ذکر برخی از خطاطان
متأخر با نمونه های خطوط ایشان آمده است ، این کتاب از سنه ۱۳۴۶
تا ۱۳۴۸ در مجله آریانا طبع کابل نشر گردیده و در سنه ۱۳۴۹ یکجا
بطور کتاب علاحده هم انتشار یافته است که قسمت اخیر آن بعد از
وفات مرحوم فکری بهمت فرزند هنرمند او حسین وفا سلجوقی
نشر گردیده است. این پدر و فرزند هر دو از خوش نویسان و خطاطان
گرانمایه معاصرند.

برای اینکه کتاب حاضر از ذکر خطاطان گرانمایه متأخر و معاصر
خالی نماند ، نمونه های خطوط برگزیدگان گرامی این گروه را نیز
آورده ایم:

شکل ۱۱۷ : نمونه خط میر عبدالرحمن هروی استاد نستعلیق
در قرن سیزدهم هجری .

شکل ۱۱۸ : نمونه خط مرحوم سید عطا محمد قندهاری استاد
نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۱۹ : نمونه خط مرحوم میرزا محمد یعقوب کابلی استاد
نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

- شکل ۱۲۰ : نمونه خط مرحوم شیخ محمد رضا هر و ی
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۱ : نمونه خط بناغلی محمد داؤد حسینی
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۲ : نمونه خط بناغلی سید محمد ایشان حسینی
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۳ : نمونه خط بناغلی عزیز الدین فو فلزائی
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۴ : نمونه خط بناغلی آخوند محمد علی هر و ی
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۵ : نمونه خط بناغلی حسین وفا سلجوقی جوان
هنرمند معاصر .

رسم الخط پښتو

زبان پښتو که بیش از ۱۵ میلیون گوینده در افغانستان و پښتونستان دارد با وجودیکه از السنه قدیم آریاییست ولی آثار خطی آن از زمان کهن باقی نمانده و معلوماتی نداریم ، که قبل از رواج خط و حروف عربی (نسخی - کوفی) این زبان چه رسم الخطی داشته است ؟

از آثار یافته شده خطوط آرامی - یونانی - دیوه ناگری - خروشتهی درباره خط قدیم پښتو سراغی بدست نمی آید .

از سنگ نوشته های توجی و جغتو و روزگان که بخط شکسته یونانی و یک لهجه شرقی دری قدیم (تخاری) است میدانیم ، که در محیط زندگی افغانان خطوط یونانی و شاردان + ناگری و خروشتهی رواج داشت . ولی معلوم نیست که آثار ادبی قدیم پښتو در اوایل اسلام بکدام خط نوشته می شد ؟

از آثار ادبی کهن زبان پښتو که از قرن ۷-۸-۹ م باقیمانده روشن می آید ، که این زبان در غزنه و غور و دربارهای سوریان غور و لودیان ملتان و هم در قبایل پښتون کوه سلیمان ، لسان ادب و شعر بوده ، ولی از رسم الخط کهن آن ، قبل از رواج خط عربی خبری نداریم .

در سنگ نوشته بیستون پارس که با مرداریوش هخامنشی (۵۲۲ - ۴۸۶ ق م) بخط میخی و زبان فرس قدیم کنده شده ، درستون چهارم (سطر ۶۳-۶۴) یک حماسه اخلاقی مضبوط است ، که به عقیده برخی از دانشمندان یک قطعه سه مصراعی است ، که هر مصرع آن شش هجا دارد . (۱)

الفاظ و کلمات این سه مصرع منظوم اگر بغور و دقت تحلیل گردد ، باندک تحول لهجوی عینا به پښتوی امروزی برمیگردد ، و میتوان آنرا به مصرعهای شش هجایی پښتو تبدیل کرد ، در حالیکه اصالت کلمات و ریشه های کهن آن بجا باشد ، و در پښتو هم امروز باندک تحولی مستعمل !

(۱) کنجکا ویمهای علمی و ادبی طبع تهران ۱۳۲۹ مقاله دکتر معین

این سه مصراع در اصل کتا به بخت میخی چنین است : (۱)

𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿𐏀𐏁𐏂𐏃𐏄𐏅𐏆𐏇𐏈𐏉𐏊𐏋𐏌𐏍𐏎𐏏𐏐𐏑𐏒𐏓𐏔𐏕𐏖𐏗𐏘𐏙𐏚𐏛𐏜𐏝𐏞𐏟𐏠𐏡𐏢𐏣𐏤𐏥𐏦𐏧𐏨𐏩𐏪𐏫𐏬𐏭𐏮𐏯𐏰𐏱𐏲𐏳𐏴𐏵𐏶𐏷𐏸𐏹𐏺𐏻𐏼𐏽𐏾𐏿𐐀𐐁𐐂𐐃𐐄𐐅𐐆𐐇𐐈𐐉𐐊𐐋𐐌𐐍𐐎𐐏𐐐𐐑𐐒𐐓𐐔𐐕𐐖𐐗𐐘𐐙𐐚𐐛𐐜𐐝𐐞𐐟𐐠𐐡𐐢𐐣𐐤𐐥𐐦𐐧𐐨𐐩𐐪𐐫𐐬𐐭𐐮𐐯𐐰𐐱𐐲𐐳𐐴𐐵𐐶𐐷𐐸𐐹𐐺𐐻𐐼𐐽𐐾𐐿𐑀𐑁𐑂𐑃𐑄𐑅𐑆𐑇𐑈𐑉𐑊𐑋𐑌𐑍𐑎𐑏𐑐𐑑𐑒𐑓𐑔𐑕𐑖𐑗𐑘𐑙𐑚𐑛𐑜𐑝𐑞𐑟𐑠𐑡𐑢𐑣𐑤𐑥𐑦𐑧𐑨𐑩𐑪𐑫𐑬𐑭𐑮𐑯𐑰𐑱𐑲𐑳𐑴𐑵𐑶𐑷𐑸𐑹𐑺𐑻𐑼𐑽𐑾𐑿𐒀𐒁𐒂𐒃𐒄𐒅𐒆𐒇𐒈𐒉𐒊𐒋𐒌𐒍𐒎𐒏𐒐𐒑𐒒𐒓𐒔𐒕𐒖𐒗𐒘𐒙𐒚𐒛𐒜𐒝𐒞𐒟𐒠𐒡𐒢𐒣𐒤𐒥𐒦𐒧𐒨𐒩𐒪𐒫𐒬𐒭𐒮𐒯𐒰𐒱𐒲𐒳𐒴𐒵𐒶𐒷𐒸𐒹𐒺𐒻𐒼𐒽𐒾𐒿𐓀𐓁𐓂𐓃𐓄𐓅𐓆𐓇𐓈𐓉𐓊𐓋𐓌𐓍𐓎𐓏𐓐𐓑𐓒𐓓𐓔𐓕𐓖𐓗𐓘𐓙𐓚𐓛𐓜𐓝𐓞𐓟𐓠𐓡𐓢𐓣𐓤𐓥𐓦𐓧𐓨𐓩𐓪𐓫𐓬𐓭𐓮𐓯𐓰𐓱𐓲𐓳𐓴𐓵𐓶𐓷𐓸𐓹𐓺𐓻𐓼𐓽𐓾𐓿𐔀𐔁𐔂𐔃𐔄𐔅𐔆𐔇𐔈𐔉𐔊𐔋𐔌𐔍𐔎𐔏𐔐𐔑𐔒𐔓𐔔𐔕𐔖𐔗𐔘𐔙𐔚𐔛𐔜𐔝𐔞𐔟𐔠𐔡𐔢𐔣𐔤𐔥𐔦𐔧𐔨𐔩𐔪𐔫𐔬𐔭𐔮𐔯𐔰𐔱𐔲𐔳𐔴𐔵𐔶𐔷𐔸𐔹𐔺𐔻𐔼𐔽𐔾𐔿𐕀𐕁𐕂𐕃𐕄𐕅𐕆𐕇𐕈𐕉𐕊𐕋𐕌𐕍𐕎𐕏𐕐𐕑𐕒𐕓𐕔𐕕𐕖𐕗𐕘𐕙𐕚𐕛𐕜𐕝𐕞𐕟𐕠𐕡𐕢𐕣𐕤𐕥𐕦𐕧𐕨𐕩𐕪𐕫𐕬𐕭𐕮𐕯𐕰𐕱𐕲𐕳𐕴𐕵𐕶𐕷𐕸𐕹𐕺𐕻𐕼𐕽𐕾𐕿𐖀𐖁𐖂𐖃𐖄𐖅𐖆𐖇𐖈𐖉𐖊𐖋𐖌𐖍𐖎𐖏𐖐𐖑𐖒𐖓𐖔𐖕𐖖𐖗𐖘𐖙𐖚𐖛𐖜𐖝𐖞𐖟𐖠𐖡𐖢𐖣𐖤𐖥𐖦𐖧𐖨𐖩𐖪𐖫𐖬𐖭𐖮𐖯𐖰𐖱𐖲𐖳𐖴𐖵𐖶𐖷𐖸𐖹𐖺𐖻𐖼𐖽𐖾𐖿𐗀𐗁𐗂𐗃𐗄𐗅𐗆𐗇𐗈𐗉𐗊𐗋𐗌𐗍𐗎𐗏𐗐𐗑𐗒𐗓𐗔𐗕𐗖𐗗𐗘𐗙𐗚𐗛𐗜𐗝𐗞𐗟𐗠𐗡𐗢𐗣𐗤𐗥𐗦𐗧𐗨𐗩𐗪𐗫𐗬𐗭𐗮𐗯𐗰𐗱𐗲𐗳𐗴𐗵𐗶𐗷𐗸𐗹𐗺𐗻𐗼𐗽𐗾𐗿𐘀𐘁𐘂𐘃𐘄𐘅𐘆𐘇𐘈𐘉𐘊𐘋𐘌𐘍𐘎𐘏𐘐𐘑𐘒𐘓𐘔𐘕𐘖𐘗𐘘𐘙𐘚𐘛𐘜𐘝𐘞𐘟𐘠𐘡𐘢𐘣𐘤𐘥𐘦𐘧𐘨𐘩𐘪𐘫𐘬𐘭𐘮𐘯𐘰𐘱𐘲𐘳𐘴𐘵𐘶𐘷𐘸𐘹𐘺𐘻𐘼𐘽𐘾𐘿𐙀𐙁𐙂𐙃𐙄𐙅𐙆𐙇𐙈𐙉𐙊𐙋𐙌𐙍𐙎𐙏𐙐𐙑𐙒𐙓𐙔𐙕𐙖𐙗𐙘𐙙𐙚𐙛𐙜𐙝𐙞𐙟𐙠𐙡𐙢𐙣𐙤𐙥𐙦𐙧𐙨𐙩𐙪𐙫𐙬𐙭𐙮𐙯𐙰𐙱𐙲𐙳𐙴𐙵𐙶𐙷𐙸𐙹𐙺𐙻𐙼𐙽𐙾𐙿𐚀𐚁𐚂𐚃𐚄𐚅𐚆𐚇𐚈𐚉𐚊𐚋𐚌𐚍𐚎𐚏𐚐𐚑𐚒𐚓𐚔𐚕𐚖𐚗𐚘𐚙𐚚𐚛𐚜𐚝𐚞𐚟𐚠𐚡𐚢𐚣𐚤𐚥𐚦𐚧𐚨𐚩𐚪𐚫𐚬𐚭𐚮𐚯𐚰𐚱𐚲𐚳𐚴𐚵𐚶𐚷𐚸𐚹𐚺𐚻𐚼𐚽𐚾𐚿𐛀𐛁𐛂𐛃𐛄𐛅𐛆𐛇𐛈𐛉𐛊𐛋𐛌𐛍𐛎𐛏𐛐𐛑𐛒𐛓𐛔𐛕𐛖𐛗𐛘𐛙𐛚𐛛𐛜𐛝𐛞𐛟𐛠𐛡𐛢𐛣𐛤𐛥𐛦𐛧𐛨𐛩𐛪𐛫𐛬𐛭𐛮𐛯𐛰𐛱𐛲𐛳𐛴𐛵𐛶𐛷𐛸𐛹𐛺𐛻𐛼𐛽𐛾𐛿𐜀𐜁𐜂𐜃𐜄𐜅𐜆𐜇𐜈𐜉𐜊𐜋𐜌𐜍𐜎𐜏𐜐𐜑𐜒𐜓𐜔𐜕𐜖𐜗𐜘𐜙𐜚𐜛𐜜𐜝𐜞𐜟𐜠𐜡𐜢𐜣𐜤𐜥𐜦𐜧𐜨𐜩𐜪𐜫𐜬𐜭𐜮𐜯𐜰𐜱𐜲𐜳𐜴𐜵𐜶𐜷𐜸𐜹𐜺𐜻𐜼𐜽𐜾𐜿𐝀𐝁𐝂𐝃𐝄𐝅𐝆𐝇𐝈𐝉𐝊𐝋𐝌𐝍𐝎𐝏𐝐𐝑𐝒𐝓𐝔𐝕𐝖𐝗𐝘𐝙𐝚𐝛𐝜𐝝𐝞𐝟𐝠𐝡𐝢𐝣𐝤𐝥𐝦𐝧𐝨𐝩𐝪𐝫𐝬𐝭𐝮𐝯𐝰𐝱𐝲𐝳𐝴𐝵𐝶𐝷𐝸𐝹𐝺𐝻𐝼𐝽𐝾𐝿𐞀𐞁𐞂𐞃𐞄𐞅𐞆𐞇𐞈𐞉𐞊𐞋𐞌𐞍𐞎𐞏𐞐𐞑𐞒𐞓𐞔𐞕𐞖𐞗𐞘𐞙𐞚𐞛𐞜𐞝𐞞𐞟𐞠𐞡𐞢𐞣𐞤𐞥𐞦𐞧𐞨𐞩𐞪𐞫𐞬𐞭𐞮𐞯𐞰𐞱𐞲𐞳𐞴𐞵𐞶𐞷𐞸𐞹𐞺𐞻𐞼𐞽𐞾𐞿𐟀𐟁𐟂𐟃𐟄𐟅𐟆𐟇𐟈𐟉𐟊𐟋𐟌𐟍𐟎𐟏𐟐𐟑𐟒𐟓𐟔𐟕𐟖𐟗𐟘𐟙𐟚𐟛𐟜𐟝𐟞𐟟𐟠𐟡𐟢𐟣𐟤𐟥𐟦𐟧𐟨𐟩𐟪𐟫𐟬𐟭𐟮𐟯𐟰𐟱𐟲𐟳𐟴𐟵𐟶𐟷𐟸𐟹𐟺𐟻𐟼𐟽𐟾𐟿𐠀𐠁𐠂𐠃𐠄𐠅𐠆𐠇𐠈𐠉𐠊𐠋𐠌𐠍𐠎𐠏𐠐𐠑𐠒𐠓𐠔𐠕𐠖𐠗𐠘𐠙𐠚𐠛𐠜𐠝𐠞𐠟𐠠𐠡𐠢𐠣𐠤𐠥𐠦𐠧𐠨𐠩𐠪𐠫𐠬𐠭𐠮𐠯𐠰𐠱𐠲𐠳𐠴𐠵𐠶𐠷𐠸𐠹𐠺𐠻𐠼𐠽𐠾𐠿𐡀𐡁𐡂𐡃𐡄𐡅𐡆𐡇𐡈𐡉𐡊𐡋𐡌𐡍𐡎𐡏𐡐𐡑𐡒𐡓𐡔𐡕𐡖𐡗𐡘𐡙𐡚𐡛𐡜𐡝𐡞𐡟𐡠𐡡𐡢𐡣𐡤𐡥𐡦𐡧𐡨𐡩𐡪𐡫𐡬𐡭𐡮𐡯𐡰𐡱𐡲𐡳𐡴𐡵𐡶𐡷𐡸𐡹𐡺𐡻𐡼𐡽𐡾𐡿𐢀𐢁𐢂𐢃𐢄𐢅𐢆𐢇𐢈𐢉𐢊𐢋𐢌𐢍𐢎𐢏𐢐𐢑𐢒𐢓𐢔𐢕𐢖𐢗𐢘𐢙𐢚𐢛𐢜𐢝𐢞𐢟𐢠𐢡𐢢𐢣𐢤𐢥𐢦𐢧𐢨𐢩𐢪𐢫𐢬𐢭𐢮𐢯𐢰𐢱𐢲𐢳𐢴𐢵𐢶𐢷𐢸𐢹𐢺𐢻𐢼𐢽𐢾𐢿𐣀𐣁𐣂𐣃𐣄𐣅𐣆𐣇𐣈𐣉𐣊𐣋𐣌𐣍𐣎𐣏𐣐𐣑𐣒𐣓𐣔𐣕𐣖𐣗𐣘𐣙𐣚𐣛𐣜𐣝𐣞𐣟𐣠𐣡𐣢𐣣𐣤𐣥𐣦𐣧𐣨𐣩𐣪𐣫𐣬𐣭𐣮𐣯𐣰𐣱𐣲𐣳𐣴𐣵𐣶𐣷𐣸𐣹𐣺𐣻𐣼𐣽𐣾𐣿𐤀𐤁𐤂𐤃𐤄𐤅𐤆𐤇𐤈𐤉𐤊𐤋𐤌𐤍𐤎𐤏𐤐𐤑𐤒𐤓𐤔𐤕𐤖𐤗𐤘𐤙𐤚𐤛𐤜𐤝𐤞𐤟𐤠𐤡𐤢𐤣𐤤𐤥𐤦𐤧𐤨𐤩𐤪𐤫𐤬𐤭𐤮𐤯𐤰𐤱𐤲𐤳𐤴𐤵𐤶𐤷𐤸𐤹𐤺𐤻𐤼𐤽𐤾𐤿𐥀𐥁𐥂𐥃𐥄𐥅𐥆𐥇𐥈𐥉𐥊𐥋𐥌𐥍𐥎𐥏𐥐𐥑𐥒𐥓𐥔𐥕𐥖𐥗𐥘𐥙𐥚𐥛𐥜𐥝𐥞𐥟𐥠𐥡𐥢𐥣𐥤𐥥𐥦𐥧𐥨𐥩𐥪𐥫𐥬𐥭𐥮𐥯𐥰𐥱𐥲𐥳𐥴𐥵𐥶𐥷𐥸𐥹𐥺𐥻𐥼𐥽𐥾𐥿𐦀𐦁𐦂𐦃𐦄𐦅𐦆𐦇𐦈𐦉𐦊𐦋𐦌𐦍𐦎𐦏𐦐𐦑𐦒𐦓𐦔𐦕𐦖𐦗𐦘𐦙𐦚𐦛𐦜𐦝𐦞𐦟𐦠𐦡𐦢𐦣𐦤𐦥𐦦𐦧𐦨𐦩𐦪𐦫𐦬𐦭𐦮𐦯𐦰𐦱𐦲𐦳𐦴𐦵𐦶𐦷𐦸𐦹𐦺𐦻𐦼𐦽𐦾𐦿𐧀𐧁𐧂𐧃𐧄𐧅𐧆𐧇𐧈𐧉𐧊𐧋𐧌𐧍𐧎𐧏𐧐𐧑𐧒𐧓𐧔𐧕𐧖𐧗𐧘𐧙𐧚𐧛𐧜𐧝𐧞𐧟𐧠𐧡𐧢𐧣𐧤𐧥𐧦𐧧𐧨𐧩𐧪𐧫𐧬𐧭𐧮𐧯𐧰𐧱𐧲𐧳𐧴𐧵𐧶𐧷𐧸𐧹𐧺𐧻𐧼𐧽𐧾𐧿𐨀𐨁𐨂𐨃𐨄𐨅𐨆𐨇𐨈𐨉𐨊𐨋𐨌𐨍𐨎𐨏𐨐𐨑𐨒𐨓𐨔𐨕𐨖𐨗𐨘𐨙𐨚𐨛𐨜𐨝𐨞𐨟𐨠𐨡𐨢𐨣𐨤𐨥𐨦𐨧𐨨𐨩𐨪𐨫𐨬𐨭𐨮𐨯𐨰𐨱𐨲𐨳𐨴𐨵𐨶𐨷𐨹𐨺𐨸𐨻𐨼𐨽𐨾𐨿𐩀𐩁𐩂𐩃𐩄𐩅𐩆𐩇𐩈𐩉𐩊𐩋𐩌𐩍𐩎𐩏𐩐𐩑𐩒𐩓𐩔𐩕𐩖𐩗𐩘𐩙𐩚𐩛𐩜𐩝𐩞𐩟𐩠𐩡𐩢𐩣𐩤𐩥𐩦𐩧𐩨𐩩𐩪𐩫𐩬𐩭𐩮𐩯𐩰𐩱𐩲𐩳𐩴𐩵𐩶𐩷𐩸𐩹𐩺𐩻𐩼𐩽𐩾𐩿𐪀𐪁𐪂𐪃𐪄𐪅𐪆𐪇𐪈𐪉𐪊𐪋𐪌𐪍𐪎𐪏𐪐𐪑𐪒𐪓𐪔𐪕𐪖𐪗𐪘𐪙𐪚𐪛𐪜𐪝𐪞𐪟𐪠𐪡𐪢𐪣𐪤𐪥𐪦𐪧𐪨𐪩𐪪𐪫𐪬𐪭𐪮𐪯𐪰𐪱𐪲𐪳𐪴𐪵𐪶𐪷𐪸𐪹𐪺𐪻𐪼𐪽𐪾𐪿𐫀𐫁𐫂𐫃𐫄𐫅𐫆𐫇𐫈𐫉𐫊𐫋𐫌𐫍𐫎𐫏𐫐𐫑𐫒𐫓𐫔𐫕𐫖𐫗𐫘𐫙𐫚𐫛𐫜𐫝𐫞𐫟𐫠𐫡𐫢𐫣𐫤𐫦𐫥𐫧𐫨𐫩𐫪𐫫𐫬𐫭𐫮𐫯𐫰𐫱𐫲𐫳𐫴𐫵𐫶𐫷𐫸𐫹𐫺𐫻𐫼𐫽𐫾𐫿𐬀𐬁𐬂𐬃𐬄𐬅𐬆𐬇𐬈𐬉𐬊𐬋𐬌𐬍𐬎𐬏𐬐𐬑𐬒𐬓𐬔𐬕𐬖𐬗𐬘𐬙𐬚𐬛𐬜𐬝𐬞𐬟𐬠𐬡𐬢𐬣𐬤𐬥𐬦𐬧𐬨𐬩𐬪𐬫𐬬𐬭𐬮𐬯𐬰𐬱𐬲𐬳𐬴𐬵𐬶𐬷𐬸𐬹𐬺𐬻𐬼𐬽𐬾𐬿𐭀𐭁𐭂𐭃𐭄𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿𐮀𐮁𐮂𐮃𐮄𐮅𐮆𐮇𐮈𐮉𐮊𐮋𐮌𐮍𐮎𐮏𐮐𐮑𐮒𐮓𐮔𐮕𐮖𐮗𐮘𐮙𐮚𐮛𐮜𐮝𐮞𐮟𐮠𐮡𐮢𐮣𐮤𐮥𐮦𐮧𐮨𐮩𐮪𐮫𐮬𐮭𐮮𐮯𐮰𐮱𐮲𐮳𐮴𐮵𐮶𐮷𐮸𐮹𐮺𐮻𐮼𐮽𐮾𐮿𐯀𐯁𐯂𐯃𐯄𐯅𐯆𐯇𐯈𐯉𐯊𐯋𐯌𐯍𐯎𐯏𐯐𐯑𐯒𐯓𐯔𐯕𐯖𐯗𐯘𐯙𐯚𐯛𐯜𐯝𐯞𐯟𐯠𐯡𐯢𐯣𐯤𐯥𐯦𐯧𐯨𐯩𐯪𐯫𐯬𐯭𐯮𐯯𐯰𐯱𐯲𐯳𐯴𐯵𐯶𐯷𐯸𐯹𐯺𐯻𐯼𐯽𐯾𐯿𐰀𐰁𐰂𐰃𐰄𐰅𐰆𐰇𐰈𐰉𐰊𐰋𐰌𐰍𐰎𐰏𐰐𐰑𐰒𐰓𐰔𐰕𐰖𐰗𐰘𐰙𐰚𐰛𐰜𐰝𐰞𐰟𐰠𐰡𐰢𐰣𐰤𐰥𐰦𐰧𐰨𐰩𐰪𐰫𐰬𐰭𐰮𐰯𐰰𐰱𐰲𐰳𐰴𐰵𐰶𐰷𐰸𐰹𐰺𐰻𐰼𐰽𐰾𐰿𐱀𐱁𐱂𐱃𐱄𐱅𐱆𐱇𐱈𐱉𐱊𐱋𐱌𐱍𐱎𐱏𐱐𐱑𐱒𐱓𐱔𐱕𐱖𐱗𐱘𐱙𐱚𐱛𐱜𐱝𐱞𐱟𐱠𐱡𐱢𐱣𐱤𐱥𐱦𐱧𐱨𐱩𐱪𐱫𐱬𐱭𐱮𐱯𐱰𐱱𐱲𐱳𐱴𐱵𐱶𐱷𐱸𐱹𐱺𐱻𐱼𐱽𐱾𐱿𐲀𐲁𐲂𐲃𐲄𐲅𐲆𐲇𐲈𐲉𐲊𐲋𐲌𐲍𐲎𐲏𐲐𐲑𐲒𐲓𐲔𐲕𐲖𐲗𐲘𐲙𐲚𐲛𐲜𐲝𐲞𐲟𐲠𐲡𐲢𐲣𐲤𐲥𐲦𐲧𐲨𐲩𐲪𐲫𐲬𐲭𐲮𐲯𐲰𐲱𐲲𐲳𐲴𐲵𐲶𐲷𐲸𐲹𐲺𐲻𐲼𐲽𐲾𐲿𐳀𐳁𐳂𐳃𐳄𐳅𐳆𐳇𐳈𐳉𐳊𐳋𐳌𐳍𐳎𐳏𐳐𐳑𐳒𐳓𐳔𐳕𐳖𐳗𐳘𐳙𐳚𐳛𐳜𐳝𐳞𐳟𐳠𐳡𐳢𐳣𐳤𐳥𐳦𐳧𐳨𐳩𐳪𐳫𐳬𐳭𐳮𐳯𐳰𐳱𐳲𐳳𐳴𐳵𐳶𐳷𐳸𐳹𐳺𐳻𐳼𐳽𐳾𐳿𐴀𐴁𐴂𐴃𐴄𐴅𐴆𐴇𐴈𐴉𐴊𐴋𐴌𐴍𐴎𐴏𐴐𐴑𐴒𐴓𐴔𐴕𐴖𐴗𐴘𐴙𐴚𐴛𐴜𐴝𐴞𐴟𐴠𐴡𐴢𐴣𐴤𐴥𐴦𐴧𐴨𐴩𐴪𐴫𐴬𐴭𐴮𐴯𐴰𐴱𐴲𐴳𐴴𐴵𐴶𐴷𐴸𐴹𐴺𐴻𐴼𐴽𐴾𐴿𐵀𐵁𐵂𐵃𐵄𐵅𐵆𐵇𐵈𐵉𐵊𐵋𐵌𐵍𐵎𐵏𐵐𐵑𐵒𐵓𐵔𐵕𐵖𐵗𐵘𐵙𐵚𐵛𐵜𐵝𐵞𐵟𐵠𐵡𐵢𐵣𐵤𐵥𐵦𐵧𐵨𐵩𐵪𐵫𐵬𐵭𐵮𐵯𐵰𐵱𐵲𐵳𐵴𐵵𐵶𐵷𐵸𐵹𐵺𐵻𐵼𐵽𐵾𐵿𐶀𐶁𐶂𐶃𐶄𐶅𐶆𐶇𐶈𐶉𐶊𐶋𐶌𐶍𐶎𐶏𐶐𐶑𐶒𐶓𐶔𐶕𐶖𐶗𐶘𐶙𐶚𐶛𐶜𐶝𐶞𐶟𐶠𐶡𐶢𐶣𐶤𐶥𐶦𐶧𐶨𐶩𐶪𐶫𐶬𐶭𐶮𐶯𐶰𐶱𐶲𐶳𐶴𐶵𐶶𐶷𐶸𐶹𐶺𐶻𐶼𐶽𐶾𐶿𐷀𐷁𐷂𐷃𐷄𐷅𐷆𐷇𐷈𐷉𐷊𐷋𐷌𐷍𐷎𐷏𐷐𐷑𐷒𐷓𐷔𐷕𐷖𐷗𐷘𐷙𐷚𐷛𐷜𐷝𐷞𐷟𐷠𐷡𐷢𐷣𐷤𐷥𐷦𐷧𐷨𐷩𐷪𐷫𐷬𐷭𐷮𐷯𐷰𐷱𐷲𐷳𐷴𐷵𐷶𐷷𐷸𐷹𐷺𐷻𐷼𐷽𐷾𐷿𐸀𐸁𐸂𐸃𐸄𐸅𐸆𐸇𐸈𐸉𐸊𐸋𐸌𐸍𐸎𐸏𐸐𐸑𐸒𐸓𐸔𐸕𐸖𐸗𐸘𐸙𐸚𐸛𐸜𐸝𐸞𐸟𐸠𐸡𐸢𐸣𐸤𐸥𐸦𐸧𐸨𐸩𐸪𐸫𐸬𐸭𐸮𐸯𐸰𐸱𐸲𐸳𐸴𐸵𐸶𐸷𐸸𐸹𐸺𐸻𐸼𐸽𐸾𐸿𐹀𐹁𐹂𐹃𐹄𐹅𐹆𐹇𐹈𐹉𐹊𐹋𐹌𐹍𐹎𐹏𐹐𐹑𐹒𐹓𐹔𐹕𐹖𐹗𐹘𐹙𐹚𐹛𐹜𐹝𐹞𐹟𐹠𐹡𐹢𐹣𐹤𐹥𐹦𐹧𐹨𐹩𐹪𐹫𐹬𐹭𐹮𐹯𐹰𐹱𐹲𐹳𐹴𐹵𐹶𐹷𐹸𐹹𐹺𐹻𐹼𐹽𐹾𐹿𐺀𐺁𐺂𐺃𐺄𐺅𐺆𐺇𐺈𐺉𐺊𐺋𐺌𐺍𐺎𐺏𐺐𐺑𐺒𐺓𐺔𐺕𐺖𐺗𐺘𐺙𐺚𐺛𐺜𐺝𐺞𐺟𐺠𐺡𐺢𐺣𐺤𐺥𐺦𐺧𐺨𐺩𐺪𐺫𐺬𐺭𐺮𐺯𐺰𐺱𐺲𐺳𐺴𐺵𐺶𐺷𐺸𐺹𐺺𐺻𐺼𐺽𐺾𐺿𐻀𐻁𐻂𐻃𐻄𐻅𐻆𐻇𐻈𐻉𐻊𐻋𐻌𐻍𐻎𐻏𐻐𐻑𐻒𐻓𐻔𐻕𐻖𐻗𐻘𐻙𐻚𐻛𐻜𐻝𐻞𐻟𐻠𐻡𐻢𐻣𐻤𐻥𐻦𐻧𐻨𐻩𐻪𐻫𐻬𐻭𐻮𐻯𐻰𐻱𐻲𐻳𐻴𐻵𐻶𐻷𐻸𐻹𐻺𐻻𐻼𐻽𐻾𐻿𐼀𐼁𐼂𐼃𐼄𐼅𐼆𐼇𐼈𐼉𐼊𐼋𐼌𐼍𐼎𐼏𐼐𐼑𐼒𐼓𐼔𐼕𐼖𐼗𐼘𐼙𐼚𐼛𐼜𐼝𐼞𐼟𐼠𐼡𐼢𐼣𐼤𐼥𐼦𐼧𐼨𐼩𐼪𐼫𐼬𐼭𐼮𐼯𐼰𐼱𐼲𐼳𐼴𐼵𐼶𐼷𐼸𐼹𐼺𐼻𐼼𐼽𐼾𐼿𐽀𐽁𐽂𐽃𐽄𐽅𐽆𐽇𐽋𐽍𐽎𐽏𐽐𐽈𐽉𐽊𐽌𐽑𐽒𐽓𐽔𐽕𐽖𐽗𐽘𐽙𐽚𐽛𐽜𐽝𐽞𐽟𐽠𐽡𐽢𐽣𐽤𐽥𐽦𐽧𐽨𐽩𐽪𐽫𐽬𐽭𐽮𐽯𐽰𐽱𐽲𐽳𐽴𐽵𐽶𐽷𐽸𐽹𐽺𐽻𐽼𐽽𐽾𐽿𐾀𐾁𐾃𐾅𐾂𐾄𐾆𐾇𐾈𐾉𐾊𐾋𐾌𐾍𐾎𐾏𐾐𐾑𐾒𐾓𐾔𐾕𐾖𐾗𐾘𐾙𐾚𐾛𐾜𐾝𐾞𐾟𐾠

نوان گفت : كه يك نمونه نو شته کلمات و جمله بندی بسيار قريب به پښتو در خط ميخي قد يم موجود است ، وهم در رسم الخط يوناني مروج عصر عروج كوشانيان در اوایل عهد ميلادی در زبان تخاری يالمهجه شرقی در ی قدیم ، كه بسيار نزديك به پښتو بود، رسم الخط برخی از کلمات مشترك پښتو و تخاری در سنگ نو شته ها باقی مانده كه از ان لاقل شكل مخطوط برخی از کلمات پښتو را تو ان دریافت .

مثلا در سنگ نو شته بغلان کلمات : (۱)

۵۲۱۲۵ ایند (لهره ور)
 ۵۹۲ بگ (عظیم)
 ۲۱۲ ایر (اور = آتش)
 و در سنگ نوشته روزگان :
 ۲۲۲ میر (= لمر = آفتاب)
 ۲۲۲ زمیگ (= زمکه = زمین)
 ۵۵۵ ش (۵) شاه حوی (شاهزاده)

چون بعد از دوره خطوط قدیم ، در عصر اسلامی بافتوح عربی رسم الخط کوفی و نسخی با قرآن و اسلام بافغانستان آمد ، و این رسم الخط قرآن بقایای خطوط قدیم را بشدت و سرعت در نوردید ، بنا برین با ید گفت : كه اگر مطلبی را بزبان پښتومی نوشته اند ، شاید بهمان رسم الخط نو وارد كوی یا نسخی بود .

از قدیمترین کتاب نوشته شده تذکره الاولیاء سلیمان ماكو بن بارك خان (ساكن ارغسان قندهار) كه در سنه ۶۱۲ ق تالیف شده و فقط هفت صفحه آن بدست آمده ، و در سنه ۱۳۲۰ ش در کتاب پښتانه شعراء (جلد اول طبع كابل) عین آنرا عكاسی و نشر کرده ام ، و حتما

(۱) هفت کتیبه قدیم طبع كابل ۱۳۴۸ ش از حبیبی .

کتابت بعد از سال هزارم ق است پدید می آید، که کتابهای پنبنتو را
بخط رایج الوقت می نوشته اند.

خط این صفحات تذکرة الاولیاء مخلوطی است از نستعلیق +
نسخی بسیار ابتدایی و ناپخته و نازیبا، که خواندن آن هم مشکل است،
و نوشتن این صفحات را بعد از سال هزارم قمری هجری تخمین
نوان کرد. (شکل ۱۲۷)

اما قدیمترین کتاب دارای تاریخ کتابت که بزبان پنبنتو باقیمانده،
همان نسخه واحد خطی خیرالبیان تألیف بایزید انصاری مشهور به
پیر روینان (۹۳۱-۹۸۶ ق) صوفی نبرد آزمای آزادیخواه قرن دهم
است، که بخط فقیر بهار تویی (۱) بتاریخ ۲۰ رمضان ۱۰۶۱ ق برای
بی بی خیر خاتون نوشته شده و نسخه خطی واحد آن اکنون در
کتابخانه توبنگن المان غربیست، و خط آن نستعلیق متوسط است،
که ارزش هنری فراوان ندارد. (شکل ۱۲۸)

بهر صورت از ملا حظة صفحات تذکرة الاولیاء و خیرالبیان و برخی
از نسخ قدیم پنبنتو که در حدود سال هزارم هجری کتابت شده
میدانیم، که شیوه نسخی + نستعلیق را در نوشتن پنبنتو بکار
می برده اند و همین شیوه در تمام نسخ قدیم کلیات خوشحال خان خٔک
و آثار منظوم و منثور دودمان او هم دیده میشود.

چنین بنظر می آید، که پیش از پیر روینان، مردم با رسم الخط
پنبنتو کمتر آشنایی داشتند، و چون مردم پنبنتو زبان، قرنها
باحمله آوران شرقی و غربی دست بگریبان بودند، با کتاب و نوشتن
کمتر سرو کاری داشته اند، و اندرین گیر و دار تحمل فرسایش
رسم الخط پنبنتو نیز مهجور مانده بود.

دولت شاعر پنبنتو درباره مرشد خود پیر روینان (حدود ۹۸۰ ق)
گوید:

افغانی لفظ مشکل و، لوسن کویبن نشه

ورته و شوه کنده دیارلس حرفونه

یعنی: «لفظ افغانی مشکل بود، خوانده و نوشته نمی شد، پس ۱۳

(۱) در اصل توی است که آنرا سهواً طوسی خوانده اند. ولی
تویی منسوبست به توی نام جاییکه در وادی ماوراء خیبر بود.

حرف آنرا ترتیب داد. « وازین برمی آید ، که اصوات مخصوص
 پښتورا باشکال خاص در الفبای عربی و فارسی جای داده باشد .
 کتاب خیر البیان بایزید به چهار زبان پښتو - عربی - فارسی -
 پنجابی تألیف شده، و در آغا زان بایزید ۱۴ صفحه را وقف شرح
 اصوات خاص پښتو نموده و اشکالی را بیان داشته که مادر شکل (۱۲۶)
 درستون خاص نوشته ایم. و لسی این رسم الخط خیر البیان بانسخه
 های خطی مخزن اسلام اخوند درویزه که در همان عصر در مقابل
 خیر البیان تألیف شده تفا و تی دارد ، و در شیوه خط هم اکثر
 نسخ قدیم خطی مخزن برسم الخط نسخی اند ، و تفاوت اشکال حروف
 خاص پښتو را در جدول (۱۲۶) ملاحظه کرده میتوانید .

در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری دو مرکز کتاب نویسی پښتورا میشناسیم ،
 که یکی در ملتان بود در آنجا مخصوصاً نسخه های
 مخزن اسلام اخوند درویزه (متوفی ۱۰۴۸ هـ) را که یکی از مخالفان
 سرسخت بایزید پیر رو بنیان است می نوشته اند، و من نسخه های
 متعدد مخزن اسلام زادیده ام، که در ملتان بخط کاتبان متعدد
 نوشته است مثلاً در ۱۱۴۴ ق و ۱۱۶۷ ق .

مرکز دوم کتاب نویسی در اکوړه خټک و مقر خاندان خوشحال
 خان بود ، که بسا نسخ خطی کلیات خوشحال خان در اینجا
 به امر افضل خان بن اشرف خان بن خوشحال خان بقلم شیخ محمد اعظم
 نو مسلم بخط نستعلیق ملیحی نوشته شده است. و از آن جمله نسخه
 بیست در حدود ۱۵۰۰ صفحه که همین شخص بتاریخ ۱۸ جمادی
 الثانیه ۱۱۴۲ هـ بامر اسد خان خټک نوشته و اکنون در نسخ خطی
 کتابخانه عامه کابل موجود است .

در جمله نسخ قدیم پښتو، دیوان دولت مرید پیر رو بنیان (حدود
 ۱۰۵۸ هـ) وسلوک الغزاة تألیف ملا مست زمند (حدود ۱۰۰۰ هـ)
 هم در کتابخانه خطی کابل موجود بود، و هم کتابی منظوم بسبک
 خیر البیان در قندهار نزد مرحوم دوست محمد بریخ بود، که این
 نسخه هائیز بخط نستعلیق نوشته شده اند .

در قرن ۹-۱۰ هـ از هنگامیکه نسخه های خطی پښتو باقیمانده ،
 شیوه نستعلیق رسم متبع کاتبان پښتو بود ولی گاهی در نسخ خطی
 مخزن اسلام اخوند درویزه عبارات پښتو را به رسم الخط نسخی و فارسی
 را به نستعلیق نوشته اند ، و بعد از آن هم تا حدود ۱۲۰۰ هـ گاهی به

نستعلیق وزمانی به خط نسخ دیده میشود ، مثلاً نسخه های دیوان پبنتوی احمدشاه بابا به نستعلیق خوشی موجودند (نسخه خطی کتابخانه عامه کابل و نسخه خطی کتابخانه تاشکند) ولی بعد از آغاز قرن ۱۳ اکثر نسخه هارابه خط نسخی خوبی نوشته اند. وهنگامیکه فن طباعت درهند و افغانستان رواج یافت ، نیز تمام کتب پبنتو رابه خط نسخ نوشته و طبع کرده اند ، وهم در اروپا حروف پبنتو را به شیوه نسخ زیبا ساخته اند، که نمونه آن چاپ گلشن روه تالیف راورتی (طبع هر تفورد ۱۸۶۰م) و دپبنتونخواها رو بهار تالیف دار مستتر (طبع پاریس ۱۸۸۸م) است . وهم کلید افغانی تا لیف پادری هیوز (طبع لا هو ۱۸۹۳) .

درنوشتن شیوه نسخ یانستعلیق خط پبنتو بافارسی و عربی فرقی ندارد ، ولی چنانچه گفتیم پیروبنان در اوقات تالیف خیرالبیان چند صفحه آن کتابرا به املا ی اصوات مستعمل در پبنتو اختصاص داد، وشاید این اشکال را ازروایات قدیم رسم الخط پبنتو درین رساله شرح داده باشد .

اخوند درویزه نیز درباره اشکال اصوات مخصوص پبنتو چنین شرح میدهد :

«دیگر معلوم باد که چون حروف در الفاظ افغانی وهندوی ثقیل می آیند بنا بران علامتی بران آورده میشود تا معلوم گردد، که این همان حرف ثقیل است . چنانچه پ چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ت چون ثقیل شود جزمک در تحت آن داده ت میشود و گاهی ج چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت اونهاده چ میشود ، و گاهی چون ثقیل تر شود ، سه نقطه برفوق او نهاده ش میشود . و گاهی د چون ثقیل شود، جزمک در تحت او ایزاد گردد و میشود. و گاهی ر مهمله چون ثقیل شود، جزمک در تحت آن ایزاد گردد و میشود. و گاهی ز معجمه چون ثقیل شود سه نقطه برفوق او داده و میشود ، و چون ثقیل تر شود یک نقطه برفوق ویک نقطه در تحت ایزاد گردد ، و میشود، و گاهی س مهمله چون ثقیل شود ، یک نقطه برفوق و یک نقطه در تحت آن نهاده س میشود ، و ک عربی چون عجمی شود ، سرکشش کاف را اندکی طرف تحت کج کرد، گ

عجمی میشود . . . (۱)

در املائی حروف پښتو که اصوات خاص این زبان را نمایندگی میکند، و در عربی و فارسی آن اصوات نیست هشت حرف خاص موجود است :

پ - خ - ع - د - ذ - ز - ن - ن

ازین حروف خاص در شرح با لاذکر (خ - ن) نیست، و تا مدتی حرف اول را (خ) یابد و نقطه بالا و پایین و حرف دوم را هم به شکل نر نوشته اند در رسم الخط خیرالبیان این حروف را چنین می نوشته اند :

پ - خ - ع (یک نقطه زیر شکل د) - ذ - ز (ز) - ن (بین دیک نقطه) - ن
اما در رسم الخط خاندان خوشحال خان چنین است :

پ (ط زیر آن یک همزه) خ (ح در بین دو نقطه و یک همزه) ع (ح زیر آن همزه) د (بالای د یک همزه) ذ (بالای ر یک همزه) ز (ز) ن (ش) ن (بالای نون یک همزه). (برای شرح رجوع به شکل ۱۲۶)

دواوین و کتابهای چاپ شده پښتو درین قرن اخیر تماماً به نسخی نوشته و طبع شده، و تا کنون همین شیوه نسخی در چاپ و قلم متبع است .

در شیوه نسخی پښتو، کو چکی کشش های حروف با گردی دواوین و خانه ها و سادگی نوشته بدو ن رعایت تزئین مراعات شده و امروز استاد ترین خطاطان این شیوه جناب استاد عزیز الدین پوپلزایی است .
(عکس ۱۲۹)

در شماره های شمس النهار که بعد از ۱۲۹۰ از بالا حصار کا بل بزبان دری و خط نستعلیق خوب میرزا عبدالعلی چاپ و نشر میشود نیز دیده میشود که اگر کلمه پښتو یا اسمی و یا جمله یی ازین زبان در ضمن انشاء دری آید، آنرا به نستعلیق نی، بلکه با نسخی خوب و دلکشی می نویسند، و لی بالعکس بر مهر سر منشی دربار امیر شیر علی خان (محمد نبی واصل) به نستعلیق بسیار زیبا و پسندیده کلمات پښتو (لو کنبیل) را با دبیر الملک نوشته اند.

بهر صورت : رسم الخط متبع و مروج زبان پښتو نسخی بود، ولی گاه گاهی با نستعلیق هم نوشته اند. و این امر البته به ذوق و مهارت کاتب مربوط بوده است.

(۱) مخزن ۱۳۷ طبع پشاور ۱۹۶۹م

عسكرا



↑
شکل (۲)
بر صخره کوه
هزار سم
سنگان



← شکل (۱)
بر صخره کوه
دره الی شنگ
لغان

یونانی	آرامی	ق م
		۹۰۰
		۸۰۰
		۷۰۰
		۶۰۰
		۵۰۰
	عبری X	۴۰۰
		۳۰۰
یونانی X	پهلوی X	۲۰۰
		۱۰۰
	تدمری بنطی سریانی	میلادی
شکسته تخاری X	مانوی	۱۰۰
		۲۰۰
	سینایی	۳۰۰
	ارمنی	۴۰۰
	گرچی	۵۰۰
	سغدی X	۶۰۰
	اوستا X	۷۰۰
	مندایی	۸۰۰
بسیار شکسته تخاری X	عربی X	۹۰۰
تاری + شماره دا		۱۰۰۰

شکل سوم پیدایش خطوط

- علامت خطوطی که در افغانستان قدیم بوده
- تسلسل خطوط برایش اصل
- دوام خطوط و تحول آن بشکل دیگر
- دوام آن تا کنون در افغانستان
- قطع استعمال خطوط در افغانستان



شکل ۴

کتیبه آرامی مکشوفه از تکسیلا

که چون مارشل در حفاریات آنجا کشف

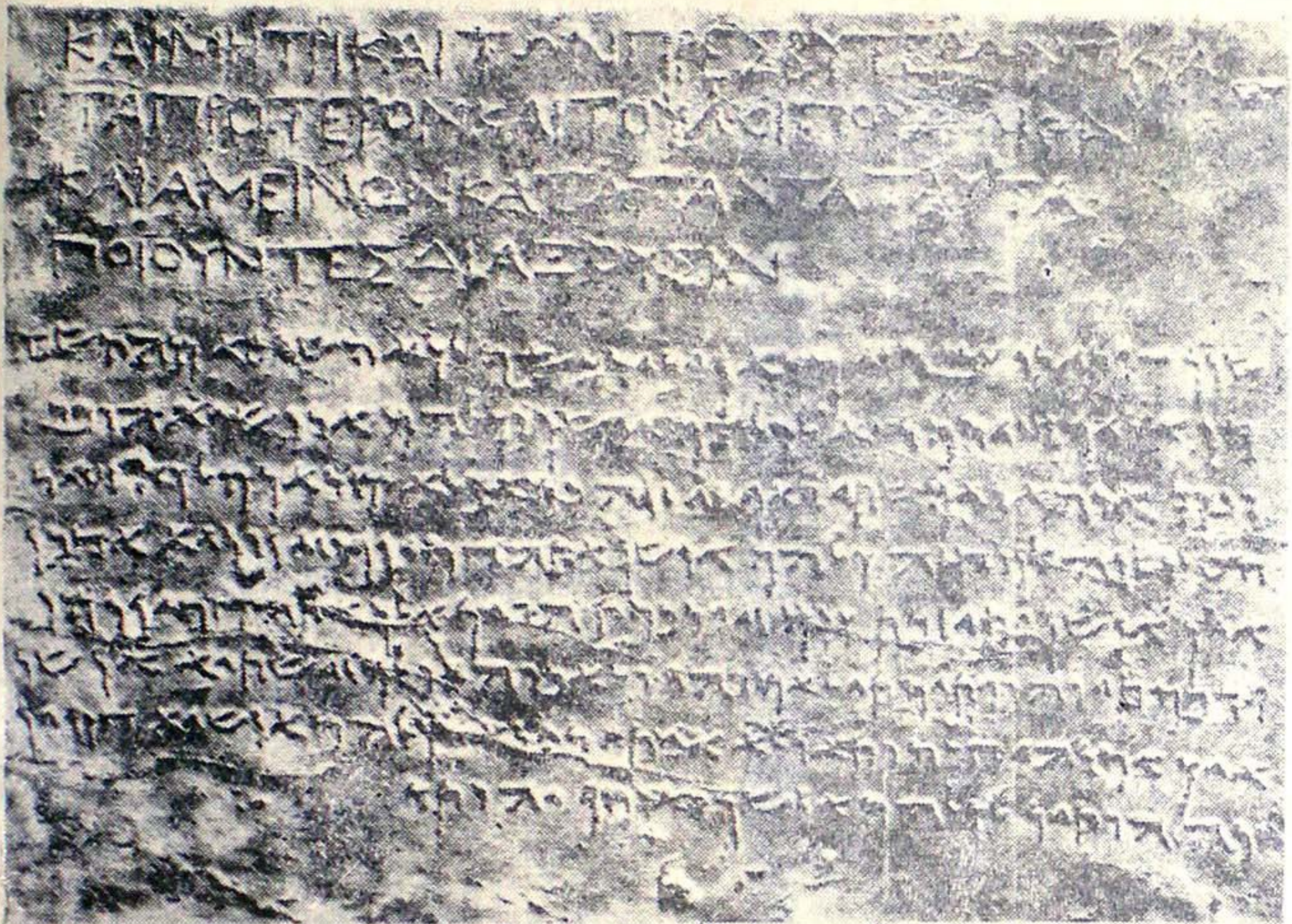
کرد ، و تاریخ آنرا به حدود ۵۰۰-

ق ، م می‌رسانند .

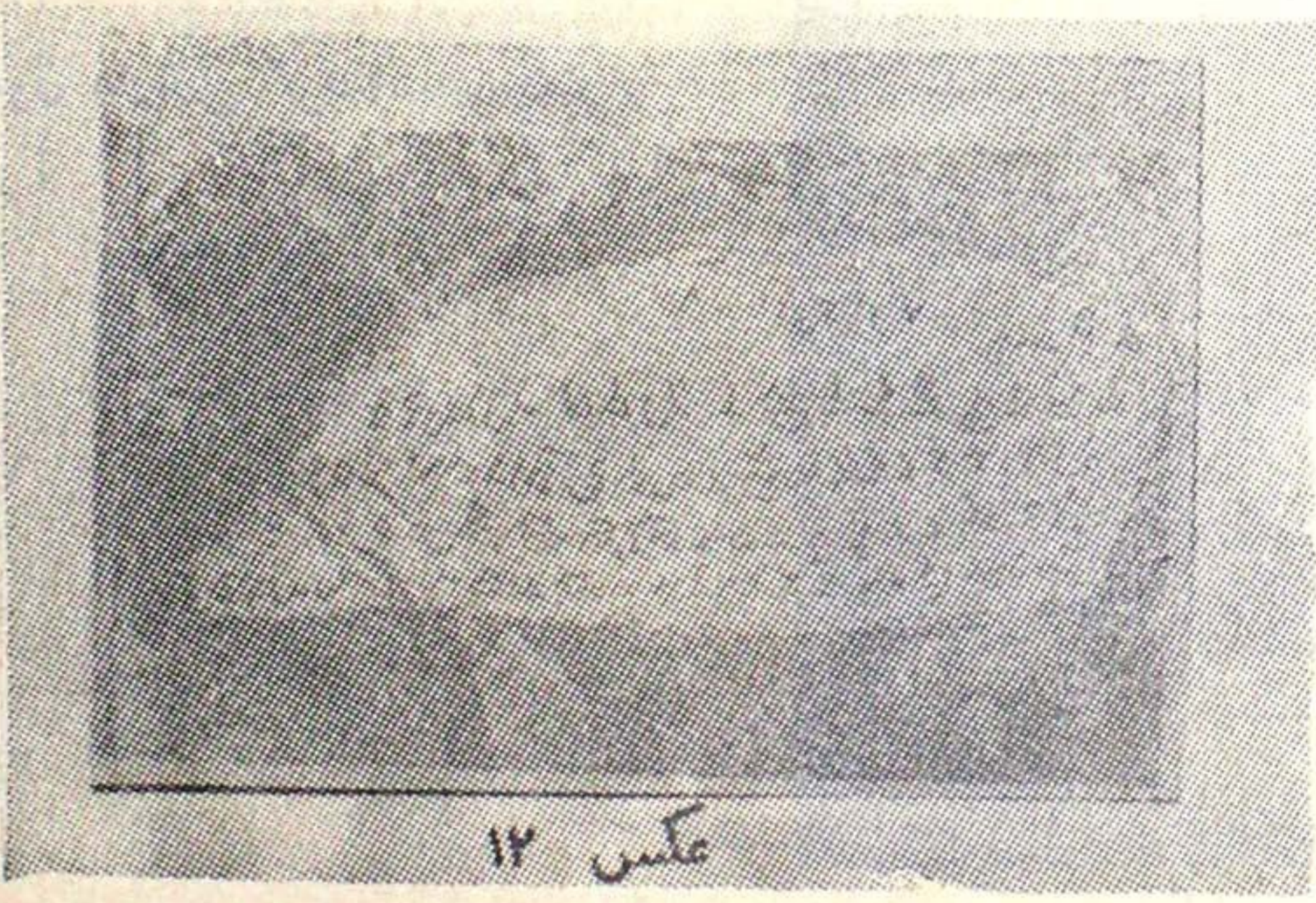
عکس این سنگ نوشته بسیار

قدیم از کتاب رهنمای تکسیلا تألیف

چون مارشل گرفته شده است .



عکس ۵ سنگ نوشته یونانی و آرامی اشوکا در قندهار

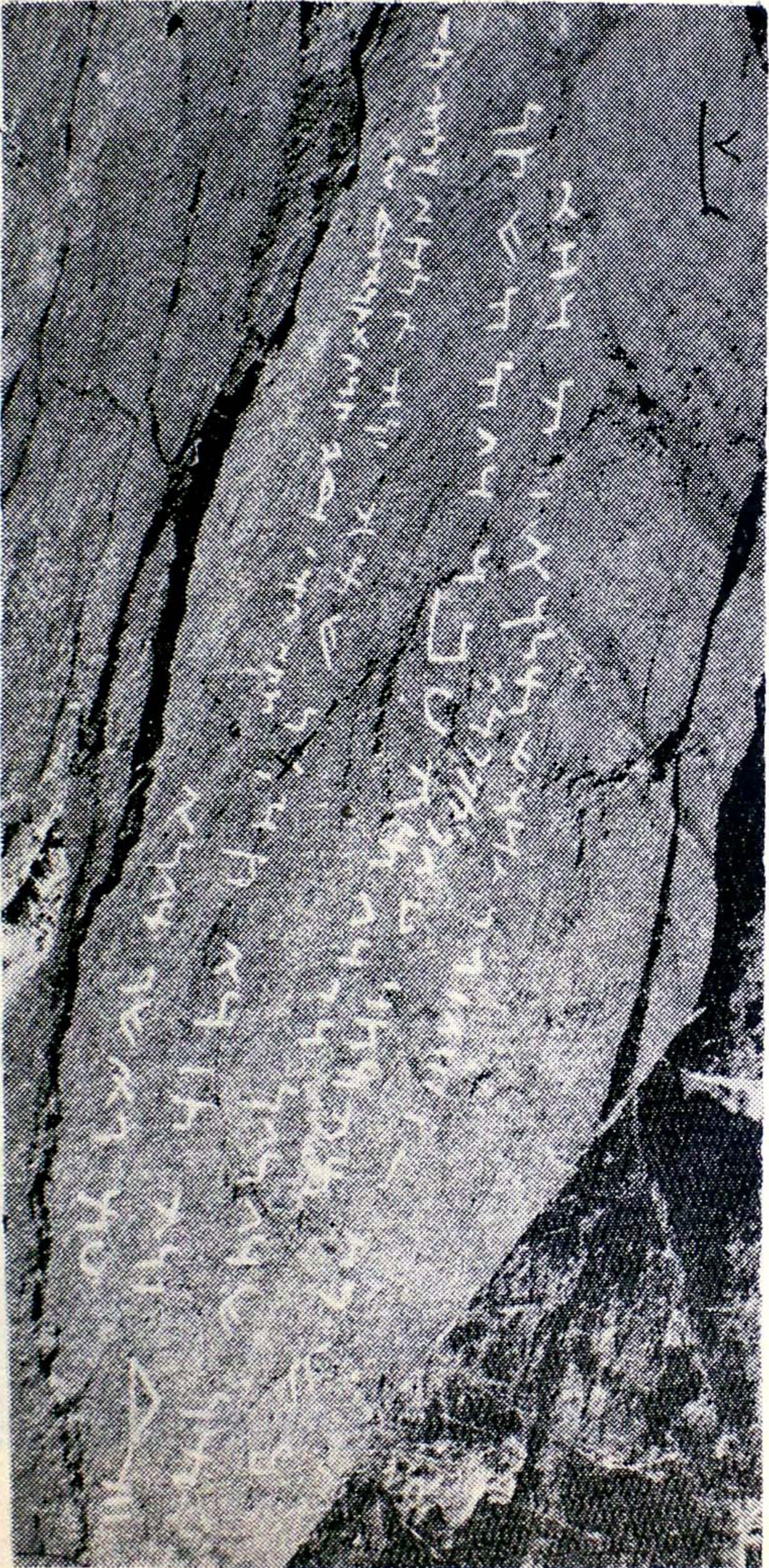


عکس ۱۲



سنگ نوشته آرامی درونته

-۱۲۷-



۷- سنگی نوشته آرامی گفمان



← کیداره



→ ورهران



← پيرو

عکس ۷ خطوط براهمی برمسکو کا ت کیداریان

ΤΡΙΒΑΛΛΟΣ
 ΚΑΙ ΣΤΡΑΤΩΝ
 ΣΤΡΑΤΩΝΟΣ
 ΕΡΜΗ ΗΡΑΚΛΕΙ

شکل (۸۲) کا پی از اصل

نمونہ خط یونانی قبل از میلاد در افغانستان، کہ از طرف تریبالوس در جنوب زیم آی خانہ
 نوشتہ شدہ است

ΑΝΘΡΩΠΟΙΣΟΦΑΤΑΥΤΑΠΑΛΑΙΟΤΕΡΩΝΑΝΑΚΕΙ
 ΡΗΜΑΤΑ ΑΡΓΕΝΑΤΩΝ ΤΥΒΟΙΕΝΗΓΑΘΕΑΙ
 ΕΝΘΕΝΤΑΥΤΩΝ ΛΕΑΡΧΟΣ ΕΠΙΦΡΑΔΕΛΣΑΝΑΓΡΑΥΑΣ
 ΕΙΣΑΤΟ ΤΗ ΛΑΥΓΗΚΙΝ ΕΟΥΕΝΤΕΜΕΝΕΙ

ΠΑΙΣΩΝ ΚΥΝΕΜΙΟΣΕΓΚΟΥ
 ΗΒΩΝΕΓΚΡΑΤΗΣ
 ΜΕΣΟΣΔΙΚΑΙΟΣ
 ΠΡΕΣΒΥΤΗΣ ΕΥΒΟΙΛΟΣ
 ΤΕΛΕΥΤΩΝΑΛΥΠΟΣ

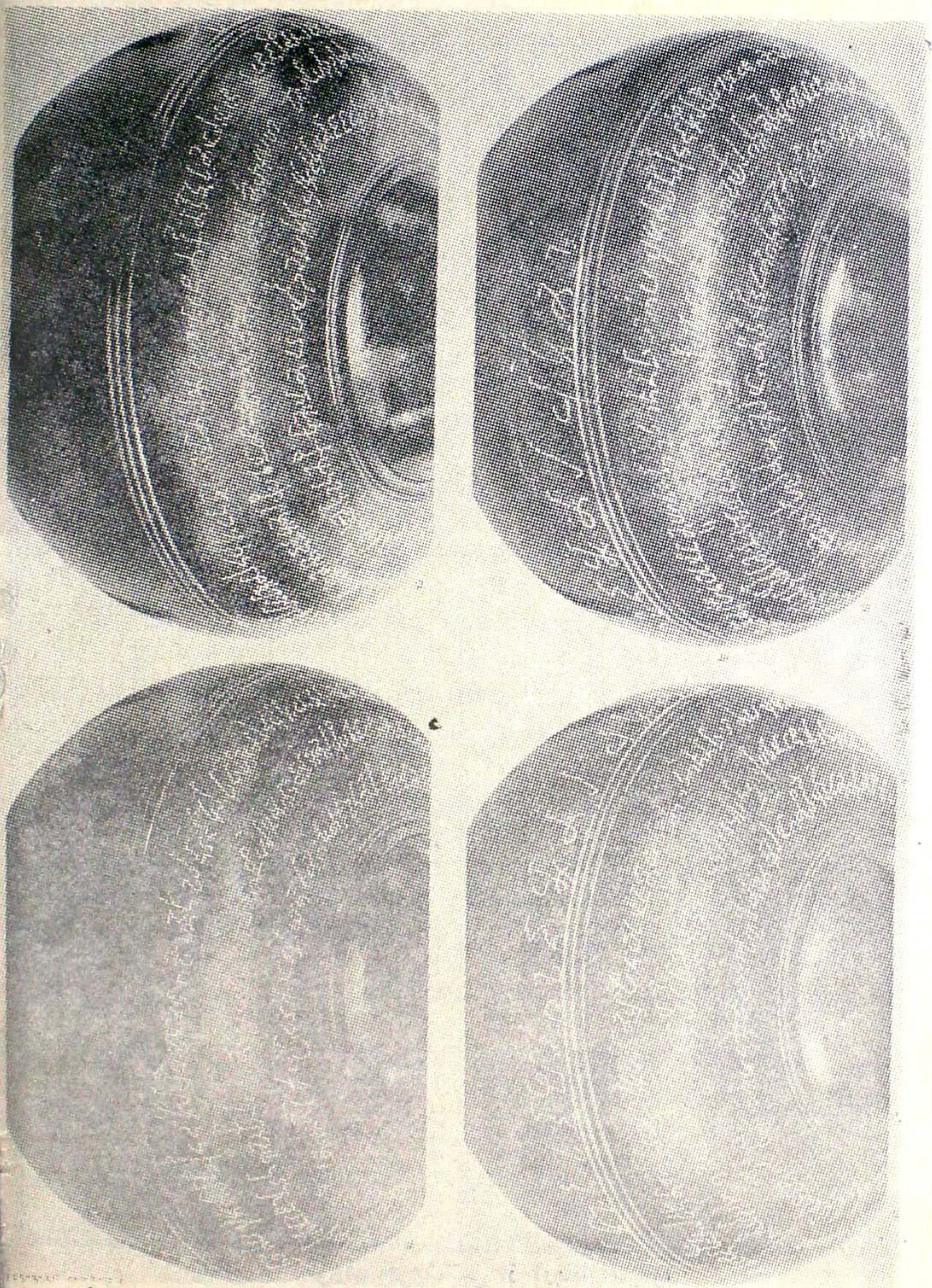
شکل (۹) کا پی از اصل

کتیبہ قبریک یونانی در آی خانہ ولایت تخار شمال شرقی افغانستان

Marfat.com

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	
a	am	ā	i	u	uṛ	r	e	o	ka	ka	kā	kr	ko	
ka	kaṛ	ka	kha	khi	khu	ga	ga	gar	ga	ga	gar	gha	ghe	
ca	ca	caṛ	ca	ca	ca	cha	chi	cham	cha	cha	cham	chu	chur	
ja	ja	jaṛ	ja	ji	ja	ji	jha	jha	jhu	na	ni	hi	ne	
ta	taṛ	taṛ	ta	tham	thu	tha	thi	tho	da	da	da	di	dar	
dha	dha	dhi	na	ta	tam	ti	te	tai	tā	tah	tha	thā	tha	
da	da	du	da	do	dha	dham	dhih	dhih	na	ni	ni	na	na	
pa	pa	paṛ	pū	pha	pha	pha	ba	bir	bu	bha	bhi	bhu	hom	
ma	mā	mam	me	me	mā	mā	mo	ya	yam	yi	ya	ya	yo	
ra	raṛ	ra	ret	ro	rom	la	la	ura	urim	ū	ou	oo	ut	
va	vā	vā	vā	vā	vā	bi	ou	be	bai	pa	pā	dam	po	
da	dam	dar	ou	ou	oam	sa	zi	ha	hā	hū	hu	ka	ho	
ha	khra	kma	kra	kra	kra	kua	khua	khi	gtai	gra	gru	ghra	rika	riga
ma	ma	jhro	jhmo	riga	tma	tya	tva	tva	tva	tma	dra	dra	dui	
dya	nga	nje	pre	pre	pre	pre	pre	pre	pre	pre	pre	pre	pre	
ra	rha	vaha	rui	rya	tura	tea	rau	lpa	lpi	lpi	lma	lme	lve	
ya	bra	aru	aru	swap	stha	sga	oge	sta	schi	sta	sta	sta	sta	
sta	stra	sthi	stha	spa	spa	spu	sma	sya	sra	sra	sua	fiha	fiha	fiha
ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	ra	

شکل ۱۰ حروف خروشتی از آریانا انتیکوا



شکل ۱۱ نوشته های خروشمتهی برظرف مکشوف از خوات وردگ

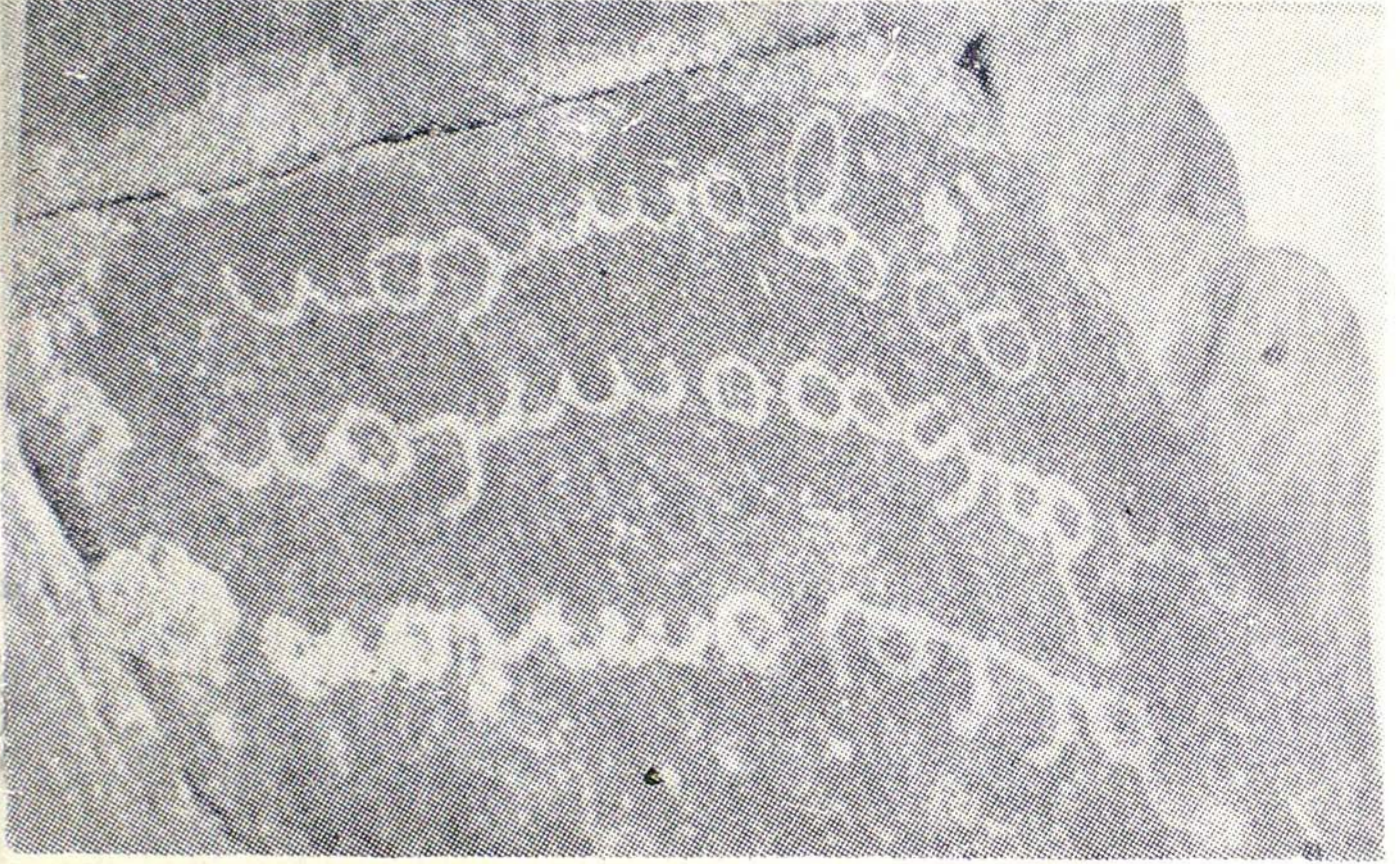
شکل ۱۳- حروف یونانی در نوشته های مکتوبه افغانستان				
عدد	یونانی	کنوټ	انگلیسه	امثله
۱	Α ΑΑΑ Α Δ Ο	آ-ا-ا فتحه	A-Ā	ΑΑΒ-ΤΑΔ-ΤΑΔ (تا) ΒΑΓ (بگ) (خداوند) ΧΑΝ (خان)
۲	Β ΒΒ Β ΒΒ	ب	B	ΒΟCΑΡ (بوسر) (نام) ΠΑΜΟΒΑΡΓ (بید) نامو بگ (نامور)
۳	Π ΠΠ Π Π Π	پ	P	ΠΟΥΡ (پوهر) (پور) ΒΑΓΠΟΡ (بغپور) ΠΟΡ (پور)
۴	Φ ΦΦ Φ Φ	ف	F	ΦΡΕΙCΥΑΡ (فریستار) (پرستار) ΦΑΡΡ (فر) (فرمان) ΦΡΟΜΑΝ (فرمان) ΦΖΡΓ (فرزگ) (بزرگ)
۵	Τ ΤΤ Τ Τ Τ	ت	T	ΤΑΔ (تاد) (ایستاد) ΑΟΤ (اوت) (واو عطف) (ستار) ΜΕΡ (ستار) ΔΟCΤΑΡΑΝΑ (بزرگ) ΒCΤΑΝΙΔ (گسترانید)
۶	Θ ΘΘ	ث-خ	TH	ΘCΑΓΓΗΘ (اسکیت) (سنگی)
۷	Χ ΧΧ Χ Χ	خ	KH	ΧΡΟΠ (خشون) (سلطنت) ΧΑΓΑΝ (خاگان) (خان)
۸	Δ ΔΔ Δ Δ Δ	د	D	ΚΙΡΔ (کرد) (ساخت) ΚΙΡΔ (کرد) (تقوی)
۹	Ρ ΡΡ Ρ Ρ Ρ	ر	R	ΧΙΡΤΟΜΑΡ (خرگومن) (خرمین) ΡΑC (سرای) (ورم)
۱۰	Ζ ΖΖ Ζ Ζ Ζ	ز	Z	ΖΑΖ (ازل) (زال) ΖΑΖ (زال) (زمین)
۱۱	Σ	ش-خ	TS	ΣΟ (شوی) (پسر) (شوخ زاول)

۹۵) ساد (چاه) هرصم سنکه (جامعه) ۵۰م هر سرای هر سر	S	س	С Э С С < 6 2 2	۱۲
۹۸) شا (شاه) هرصم اشک (هشم) ۹۵) شاه X 6 0 11 خشتون	SH	ش	Ш 6 6 X 6 6	۱۳
۹۱) بنال (بناد) هرصم کونیا	X	بب	Ш - 6 X	۱۴
۱۵) کید (که) 8 0 ka بکه (نام) 8 a 2 a بکه 8 y e 8 کرد	K	ک	К 2 К N 2 X	۱۵
۱۶) بگ هرصم گو مل هرصم ویک (یک) هرصم گو مان (پهلوان زاده)	G	گ	Г 2 Г Г 2 2	۱۶
۱۷) هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم	G H	ع	Г 2 Г	۱۷
۱۸) بگ لنگ (بغلان) هرصم سنکه (جامعه)	NG	نگ	Г 2 Г	۱۸
۱۹) مال (وقت) هرصم هرصم 2 هرصم مالیز (مخادز)	L	ل	Л 2 Л X 2 X	۱۹
۲۰) هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم	M	م	М 2 М M 2 M	۲۰
۲۱) هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم	N	ن	Н 2 Н N 2 N	۲۱
۲۲) هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم	H	ه	Н 2 Н H 2 H	۲۲
۲۳) اید (هست) 1 1 1 1 1 پدین (پدین) 1 1 1 1 1 اید (اورد) آتش) در کتیبه سرح کوتل بغلان BAGFAC بگیبیس (خدای)	E	ا	Е 2 Е	۲۳

<p>۱. $\omega\epsilon\alpha\delta$ و سَوَگَد (معیار) (۱) ω وِگ (یک) $\omega\epsilon\alpha\delta$ نَمُو (نیایش)</p>	<p>W</p>	<p>و</p>	<p>ω ϵ</p>	<p>۲۴</p>
<p>۱. واو خفیف مانند $\chi\omega\alpha\delta\kappa$ خُو دِی (خدا - شاه) ۲. ضمه: مانند $\kappa\alpha\pi\eta\rho\kappa\omega$ کَنگ (در حالت اضافی) $\epsilon\omicron\rho\alpha\iota\sigma\mu$ بَرز بَهر ۳. واو معروف: مانند $\mu\omicron\rho$ پور $\pi\omicron\beta\iota\chi\tau$ نُو بَخت (نام) لَمَرد گُو مَل (جای) ۴. الف مضموم: مانند $\omicron\alpha - \omicron\gamma$ اوت - اود (واو عاطف - و) ۵. فاصله بین کلمات: مانند $\beta\alpha\gamma(omicron)\mu\alpha(omicron)$ بگ - شا (شاه بزرگ) ۶. خاتمه کلمات: مانند $\mu\alpha(omicron)$ ما (ماه) $\alpha\beta(omicron)$ آب $\sigma\tau\epsilon\epsilon(omicron)$ سَتر (عظیم)</p>	<p>0 0 u</p>	<p>و ا - .ضمه</p>	<p>0 0 0 0 0</p>	<p>۲۵</p>
<p>$\chi\omega\alpha\delta\kappa$ خُو دِی $\kappa\alpha\pi\eta\rho\kappa\iota$ کَنگ $\alpha\pi\alpha\delta\kappa\epsilon$ اَندیز (فراوان)</p>	<p>i</p>	<p>ی کسره</p>	<p>h</p>	<p>۲۶</p>
<p>۱. کسره: $\mu\iota\delta$ پِد (به) $\kappa\iota\delta$ کِد (که) $\epsilon\mu\epsilon\rho\epsilon$ مَهر (معبد) ۲. اضافه و بنوت: بعد از فاصله $\beta\omicron\epsilon\alpha\rho(omicron)\rho\iota\alpha\omicron\tau\alpha\rho\tau$ بَرز بَهر گَرگ، یعنی پسر شیزو گَرگ ۳. ری معروف: $\delta\omicron\gamma\epsilon$ دُو یَگ (زجبه) حَدره ویا $\delta\epsilon\mu\epsilon\rho\epsilon\mu\epsilon\mu\epsilon$ سَتر</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>ا) ر (ر x</p>	<p>۲۷</p>

I ЕИДОМДНІЗОМКАНЬКОДМНДОВАГОКАГОСИДОВАГОРАОК
 II ДННЬКИМАМОВАРГОКРЬОТДДИОКЕДОФОРДАМСОМДНІЗОФРО
 III ГИРДОУДАДНІОМАНДАРОДВІКІСТОХОУОАСИДОМАКІЗОДБАВГ
 IV ОСУДАДОДКАРДАДАСОУРОУОМІНАКІПРОСТАДОУДАДОІВДАГГ
 V АСОИНОРАМОФРОХОРИМДОУДАДАВОКРАФОДАСЕУІНДО
 VI АВОВАКДНДОУОУОМАКІДОПІДООРИГДОУДАКАНДОНОК
 VII ОНДОКОКІАРАРАГОІФРЕІХОВАДАНОТОКІДОФРЕСТА
 VIII РОДВОРАОІВАГОНОУРОІОІХОВОСАРООІБІЗОГАРГОІА
 IX КОБУАНОКІДОФАРООІСНОДАНОМООДАДОВАРГАНОШ
 X СОГДОМАГГОПІДОІШГООДОУІРЕОХРОНОМІЕСАНОМ
 XI ДОМАДОГАДАДОАНОВОРАГОДАГОУДАДНІОМАКІНОНО
 XII РОГАТОУДАДНІОДІОСАДАОКАНДОУОУНОДВОРООДАЕСТО
 XIII ОУНОПІДОДАГАТГЕІВООІКІРДОДАУАНОДАВОМАКІНОФ
 XIV АРОКАРАКОДАВОМАКІНОДОДОКАНДАНОДАСОКРО
 XV УОМІНАНОІЕІРОВООНІОУДАДАНОІВАГЕАСОІНОР
 XVI АНМАМАФРОХОДНОДНІООУАНОМДАКІНОМАКІНІ
 XVII ОРИХСНІООУАНОСАСАКОМОСАДАОАХРТУ
 XVIII РІТОКІРДОАУВАРГОШЕСТАДОІВОДАТОПІД
 XIX ІНОСАДАНОІДЕІНОАХРТПІТОТАРОТТОМААТ
 XX ІРОХОТРОНОРОДАУООТОДЕІНОМОСАДОДОДОМ
 XXI АРТОХІРТОМАНОКІРДОАМОБОРРОМІТРОДАМОКО
 XXII УТАРКІНОТРОДАМОАСУІНОТАНСЕІТІАМОНОК
 XXIII ОНІКІКАРАРАГАТГЕМАРНГОТІДОІХОАДНОФ
 XXIV РОМАНООТОДЕІНОМАНОКОВІХТОАМОМІТРА
 XXV МАНОАМОБОРРОМІТРОНОУРОДУАМІТРАМАНОУ

۵ نقل کتابت ۱۴۲۵



NAMW (0) BOD

عكس ۱۶- نوشتہ اول

NAMW (0) DHARMA

جفتو بحروف القلیسی

NAMW (0) SANGA

←

نقل خطی این نوشته در پایان است
↓



عکس ۱۶ اصل نوشته دوم جفتو
←

Boko ←
 dokozapa نقل خطی عکس ۱۶
 no p (o) نوشته دوم جفتو
 cy no pa (o)
 atoz



شکل ۱۷ يك حصه سنگ نوشته دشت ناور

1. (OM NAMAH SAMVAT SARE ASHTATRIMSAD) TITAME
SAMVAT 38 BHĀDRĀ -
2. (PADA MĀSA SUKLA PAKSHA SAPTA) MYĀM SUDI 7 ATRA
3. DIVA - (SE) NAINA - CHANDRA BHUPA *
4. SA YA DDA
5. KULLA - NARAPA KHOJANA - PUTRA

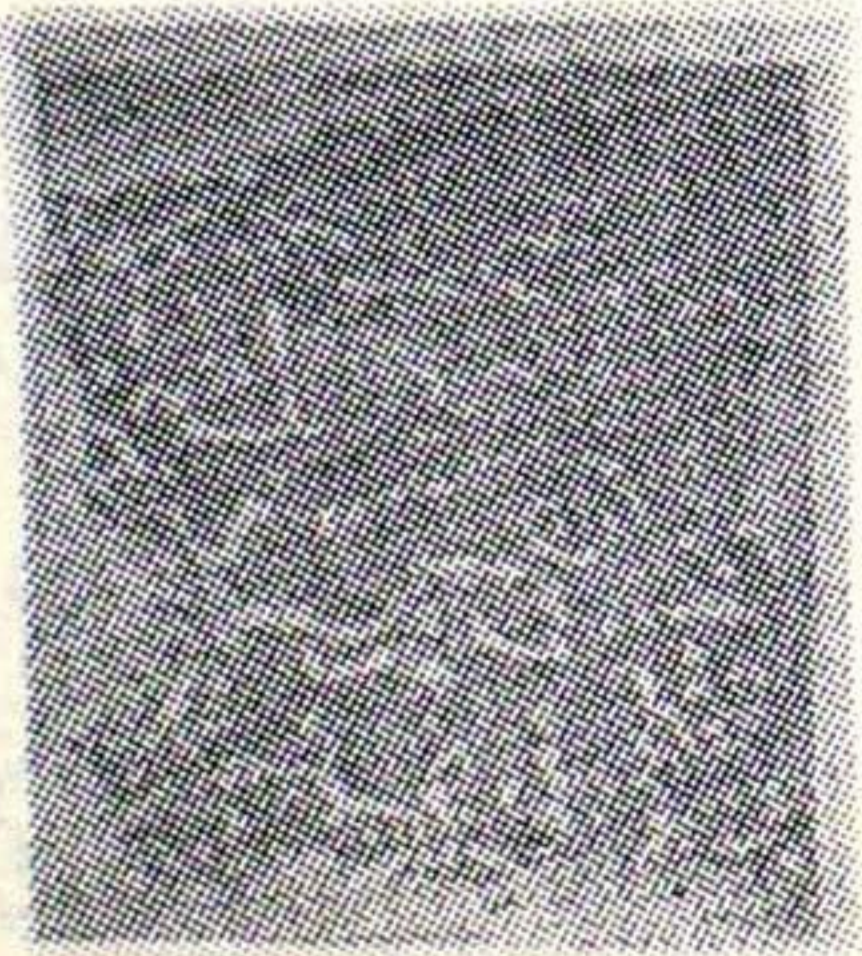
- 1- Z (o) XSHAN (o) X ÷ 1 ÷ B ÷ MAH (o) ASHARĀ (o)
MAH SHAH (o) M . . . NIBIXT (o)
- 2- GOMAL (o) BAĀ (o) POR (o) WIG (o) MINAN (o)
GOMAN (o) KALD (o) BO -
- 3- STARANIDAM KIRD (o) GILRANIDAN (o)
MALIZ (o) OD (o) NIBIXT -
- 4- BIHAR (o) FZRAB (o) BOSTARANID (o)
FROMAN (o) GOKA . . .
- 5- STAR (o)

مربوط شکل ۱۹
خوانش قسمت
سنسکریت طرف
چپ نوشتہ
تخاری

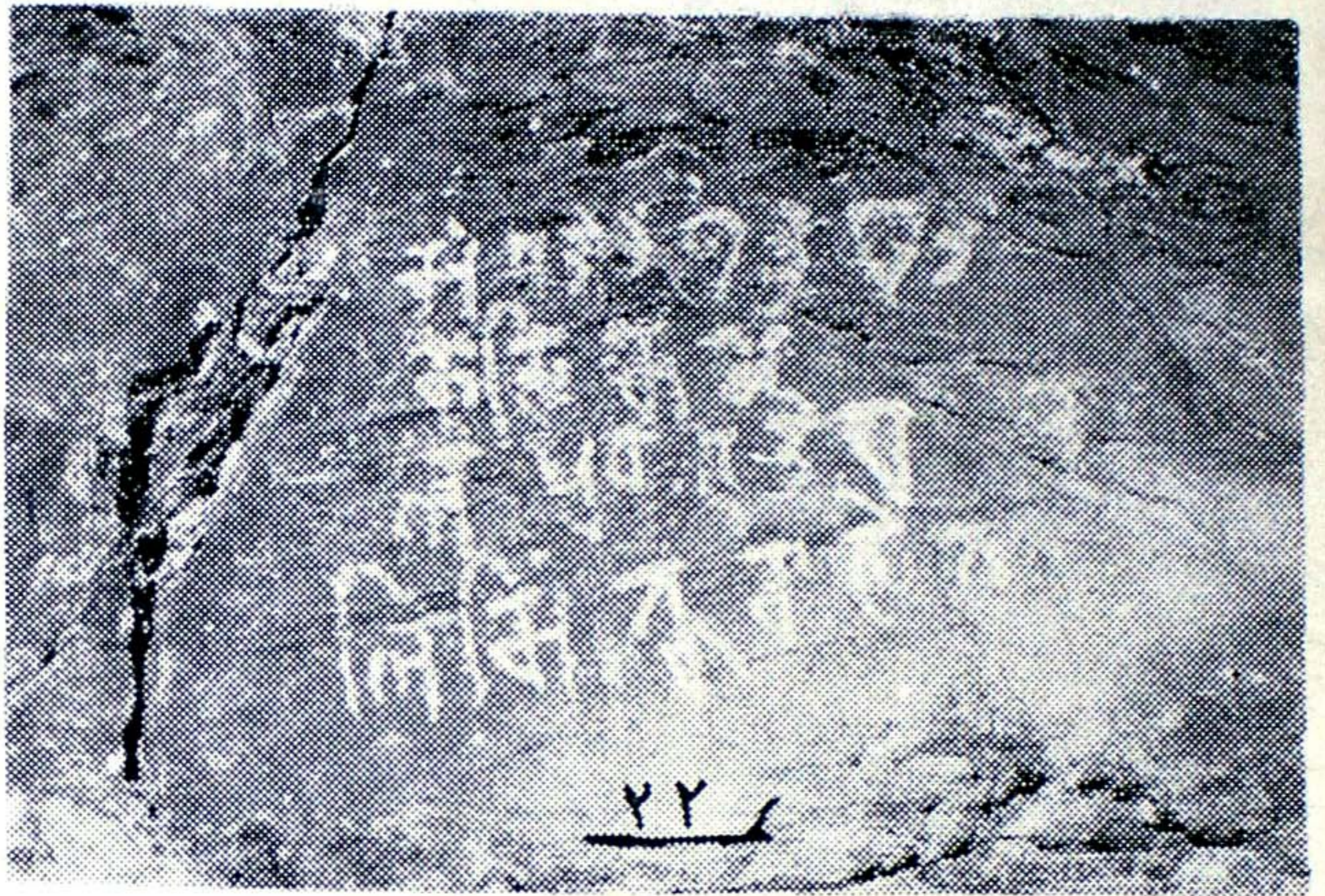
مربوط شکل ۱۹
خوانش متن
تخاری کتیبه
بحروف انگلیسی

1. Z (0) XSHON (0) X ÷ J ...
2. E ÷ MAH (0) WIG (0)
3. WRMZD (0) OD (0) MIR (0)
4. KALD (0) KIRD (0) KOSHÂN (0) Geo-
5. MAL (0) BÂG (0) POR (0) STAR (0)
6. GOMAN (0) (Geo)KAD (0) SHAH (0)
7. (B)OSAR (0) ----- XĀGĀN (0)
8. MAN (0) XĀN (0) KAZAL (0)
9. SĀUHO (0) SARĀI (0) BOST-
10. ARĀNID (0) FROMĀN (0)
11. STAR (0)

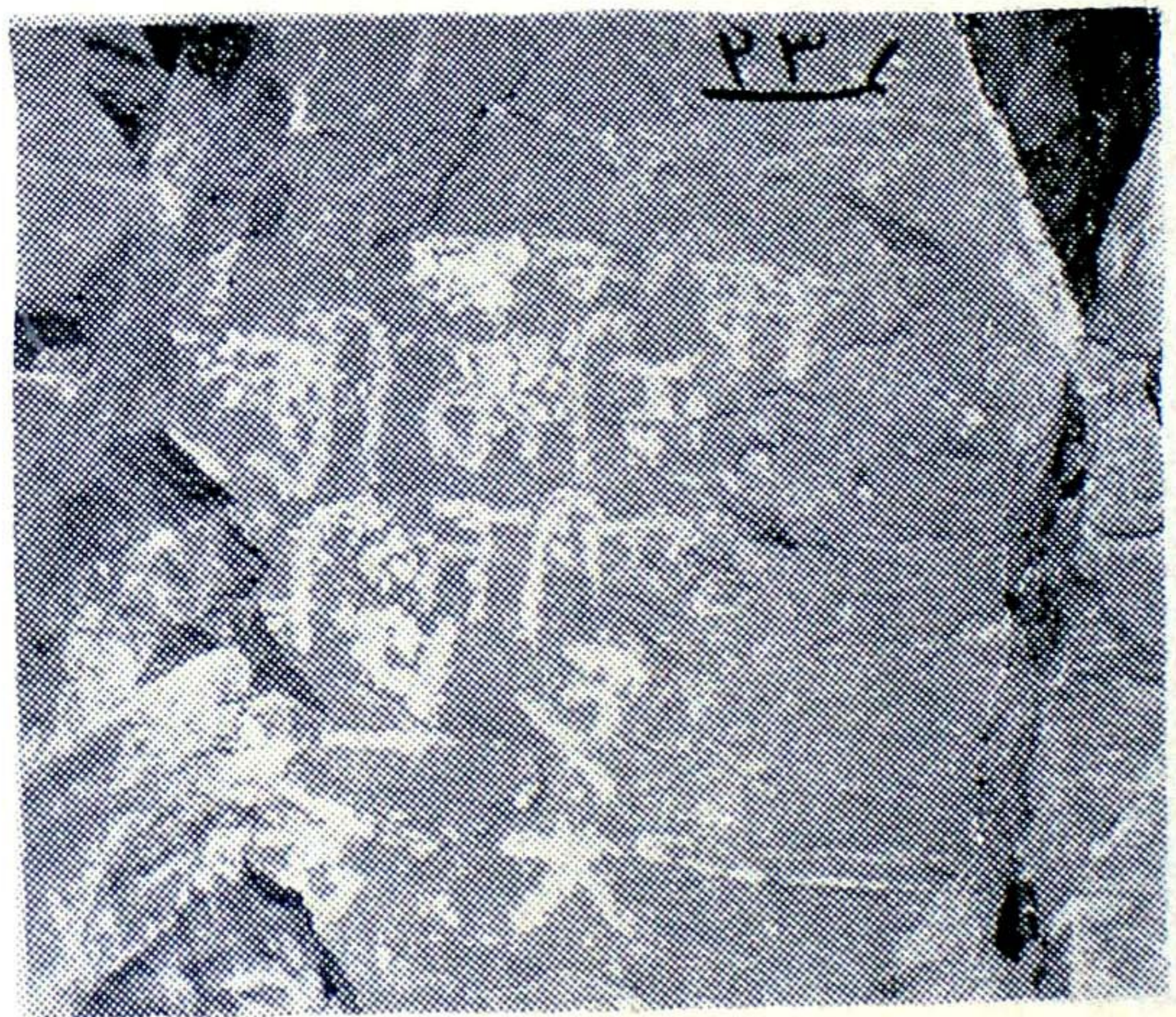
مربوط شکل ۲۰ خوانش سنگ نوشتهٔ نمبر ۲۰ بحروف انگلیسی



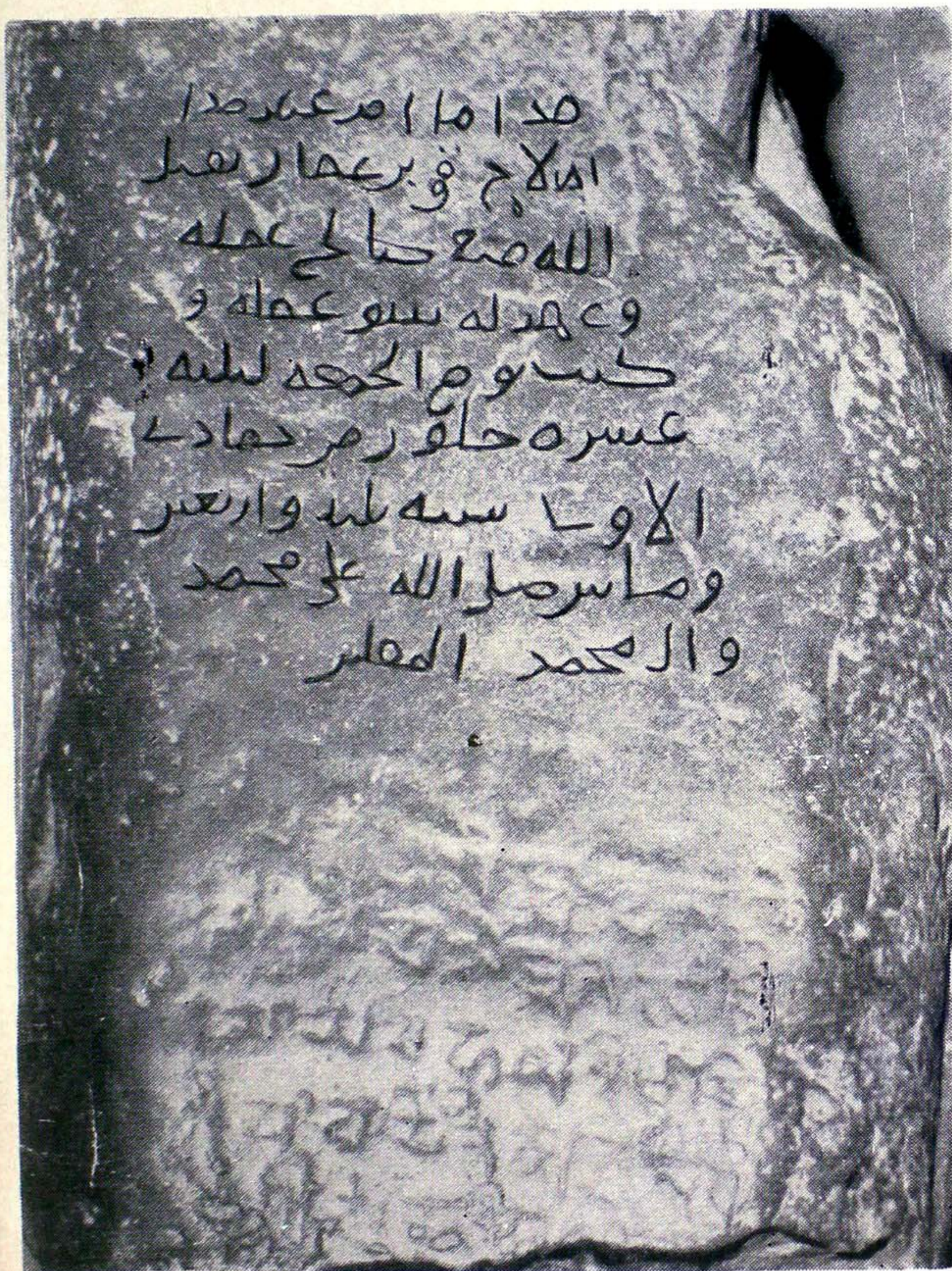
عکس ۳۱ متن بخاری ←
برسنگ پارچه جدا شده
از کتیبهٔ سوم توجی



شکل ۲۲ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷



شکل ۲۳ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷



هذا ما امر به
املاح في بر عمار ريفيل
الله صبح صالح عمله
وعهد له بسو عمله و
كتب يوم الجمعة ليلته
عشره حلو رمر حماد
الاولا سنة ثلث واربع
وما سر صلا الله على محمد
والحمد لله المفضل

شکل ۲۴ - سنگ نوشتہ عربی و سنسکریٹ توچی

1. (OM NAMAH SAMVATSA) RE DVĀRIMSATI
2. (TAME) SAMVAT 38 KĀRTI -
3. (KA) MĀSA BAHULA TITHAU DVĪ (TĪ-
4. (YA) YĀM VADĪ & ATRA DIVA-
5. (SE) ----- (۱۰۱)

ترجمہ
 اوم . سلام . در سال ۳۲ سمودرمہ
 کارتیکہ (ستمبر و اکتوبر) بروز
 دوم نصف تاریک .
 شبین روز

خوانش و ترجمہ نو شتہ سنسکریٹ نمبر ۲۴ تو چی کہ
 زیر نوشتہ عربی ۲۴۳ق نوشتہ شدہ است .

ص ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰

نونه خط پهلوی ساسانی بر سکه اردشیر یا پلان در حدود ۲۲۴ م که چنین خوانده میشود : مُز د یسئنی بخی اَر تَخَشتر مَلکان مَلکا اَیْرات مَنو شتر من بیزدان .
یعنی : خدایپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که نژاد او از خدایان است .
(سبک شناسی ار ۱۳۶)

۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰

۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰

۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰

نونه خط اوستا (دین دیره) از نسخه خطی بنا که در سنه ۷۲۴ هـ ۱۳۲۳ م بخط
مهر بان کینفسر نوشته شده و در کوپنهاگ موجود است و تاکنون نسخه قدیمتر کشف
دنیا نشده میشود . (گاتھا ۵۶)

شکل (۲۶)

<p>بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر لعبد الله بن جبر الحجازي اللهم اغفر له وادخله في رحمة منك وآتنا معه استغفره اذا قرأ هذا الكتاب وقل آمين وكتب هذا لكتب (الكتاب) في جدي الآ خر (د) من سنت احدى و ثلثين .</p>	<p>بسم الله الرحمن الرحيم القبر الذي لا يدخله احد من خلق الله الا وادخله في رحمة منك وآتنا معه استغفره اذا قرأ هذا الكتاب وقل آمين وكتب هذا لكتب (الكتاب) في جدي الآ خر (د) من سنت احدى و ثلثين .</p>
---	--

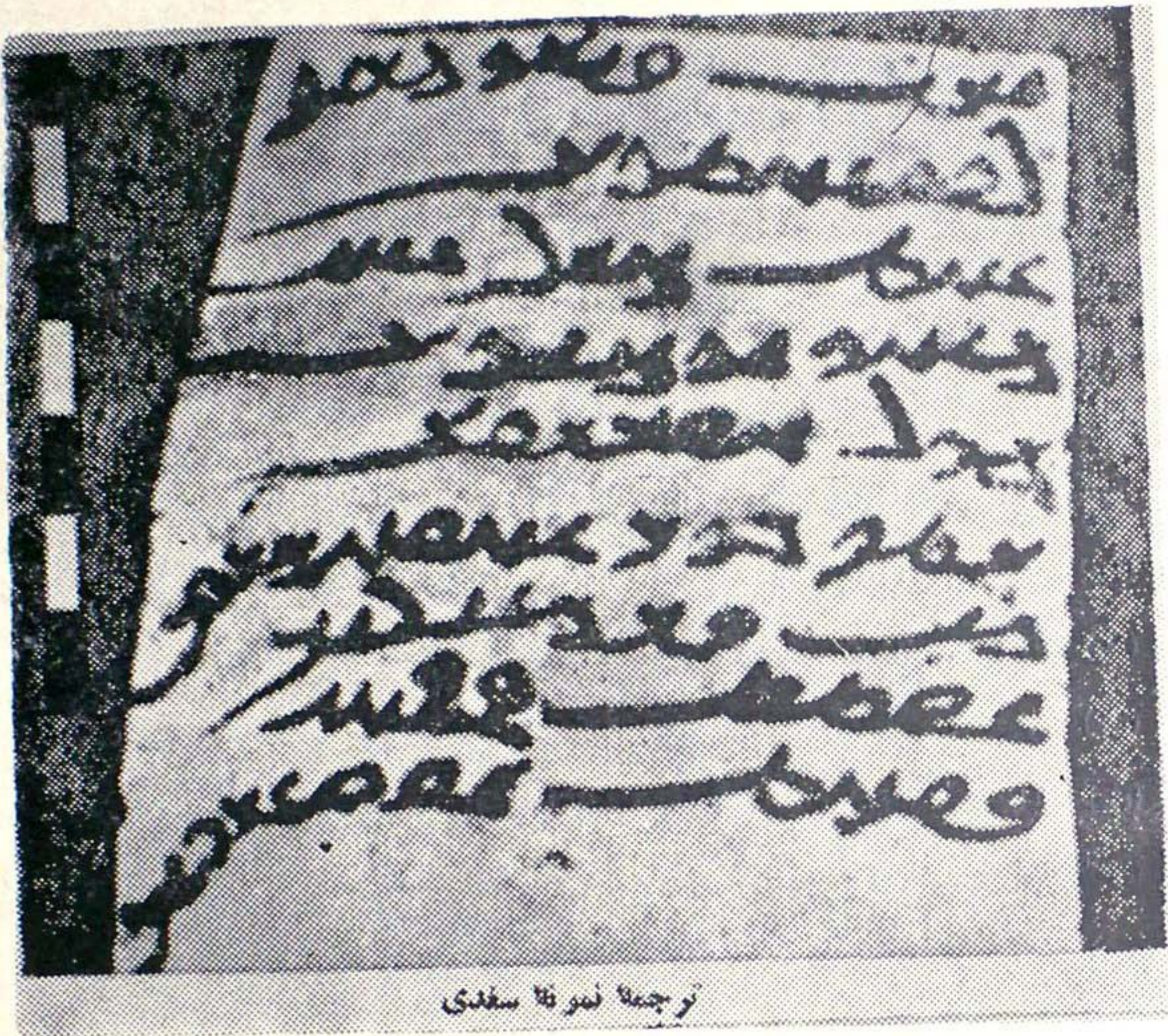
نسخة خط عربي بريك لوجه قبر موجود در موزه قايره ، منقود سنة ٣١ هـ
(تاريخ اللغات السامية ٢٠٣)
شكل (٢٧) ٣٨

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْقَدِيمُ
الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ
الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ
الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ
الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ الْقَدِيمُ

LETTER FORMS IN
TOCHI VALLEY INSCRIPTIONS

NO. B				NO. A			
(A)	𑖀	𑖁	𑖂	(A)	𑖃		
(Ka)	𑖄	𑖅	(Kho)	𑖆	(Kā)	𑖇	
(Cha)	𑖈	𑖉	(Ja)	𑖊			
(T)	𑖋	𑖌	(Ta)	𑖍	(Ti)	𑖎	
(Tra)	𑖏	𑖐	(Ttra)	𑖑	(Dri)	𑖒	(Thau) 𑖓
(Di)	𑖔	𑖕	(Dra)	𑖖			
(Na)	𑖗						
(Pu)	𑖘	𑖙	(Phru)	𑖚	(Ma)	𑖛	
(Me)	𑖜	𑖝	(Myām)	𑖞			
(La)	𑖟	𑖠	(Ra)	𑖡	(Ya)	𑖢	(La) 𑖣 (Ra) 𑖤 (Va) 𑖥
(Sa)	𑖦	𑖧	(Sa)	𑖨	(Sa)	𑖩	(Hu) 𑖪
(3)	𑖬	(7)	𑖭	(8)	𑖮	(2)	𑖯 (3) 𑖰

شکل ۲۹ حروف دیوہ ناگری کتیبه های وادی توچی



ترجمه نمونہ سغدی

- ۴
- (۱) خداوند پنج (بنجکنت) (۲) دیوا شتیج را (۳) هشت سال است (سال ۸ حکومت) (۴) ماه نیسان (۵) روز خور روز (یازدهم) (۶) وگرفت اغو شمیریک (اسم خاص) (۷) از فر ماندار (۸) اوت (اسم خاص) (۹) پوست و نیز واریاک (نوعی از پوست) (از تاریخ زبان فارسی ۲۷۸۱)

۳۲۲ نوشته های سانسوریت مکتوبه از باغیان

[Faded handwritten text in a rectangular box]

[Faded handwritten text in a rectangular box]

+ رالاله سرور براد صغور و خنك مومد العله

و سرور براد سرور و سرور و سرور
سرور
سرور

نقش ز بد

قرائت لیتسبرسکی :

(بسم) م الآله شرحو بر مع قیمو بر مراد
بر سعدو و سترو و (شر) یحو (بتمیمیو)
قرائت لیتمان :

(بصبر) الآله شرحو بر امت منقووظ
و شرحو الخ
(تاریخ اللغات السامیه)

۳۴ - نقش حران

تا سر حران کلمو سر دا المرطول
سر به کلمو سر بعد مفسد

حس

بعم

۱- انا سر حیل بن ظلم بنیت ذا المرطول

۲- سنة ۴۶۳ بعد مفسد

۳- خیر
۲- بعام (تاریخ اللغات السامیه) ۱۹۲

خوانش شکل ۳۵

- ۱ - من محمد رسول الله ، الى النجا
- ۲ - شى عظيم الحبشه . سلام على من
- ۳ - اتبع الهدى . اما بعد : فاني احمد اليه
- ۴ - كذا الله الذي لاله الا هو الملك
- ۵ - القدوس السلام المؤمن المهيمن .
- ۶ - و اشهد ان عيسى بن مريم روح
- ۷ - الله ، وكلمته القاها الى مريم البتو
- ۸ - ل الطيبة الحصينة ، فحملت بعيسى من ر
- ۹ - وحده ونفخه ، كما خلق آدم بيده . و
- ۱۰ - انى ادعوك الى الله وحده ، لاشر
- ۱۱ - يك له ، والموالاة على طاعته ، وان
- ۱۲ - تتبعنى و توقن بالذى جاءنى فانى ر
- ۱۳ - رسول الله . وانى ادعوك و جنو
- ۱۴ - ذك الى الله عزوجل ، و قد بلغ
- ۱۵ - ت ونصحت فاقبلو نصيحتى والسلام
- ۱۶ - على من اتبع (كذا) الهدى .

الله
رسول
محمد

(الوثائق السياسيه ٤٥)

خوانش شکل ۳۶

- ۱ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد عبدالله و
- ۲ - رسوله ، الى المقوقس عظيم القبط سلام
- ۳ - على من اتبع الهدى . اما بعد : فاني
- ۴ - ادعوك بدعاية الاسلام ، اسلم تسلم ،
- ۵ - يوتك الله اجر ك مرتين .
- ۶ - فان توليت ، فعليك اثم القبط .
- ۷ - «يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة
- ۸ - سواء بيننا و بينكم ، الانعبد الا الله
- ۹ - ولا نشرك به شيئاً ، ولا يتخذ بعضنا
- ۱۰ - بعضاً ارباباً من دون الله ، فان
- ۱۱ - تولوا فقولوا اشهدوا بانامس
- ۱۲ - لمون .»

الله
رسول
محمد

(الوثائق السيا سيه ۷۲)

- ۱ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد رسول الله الى
- ۲ - المنذر بن ساوى ، سلام عليك ، فاني احمد الله
- ۳ - اليك الذي لا اله غيره ، واشهد ان لا اله الا
- ۴ - الله ، وان محمد عبده ورسوله اما بعد : فاني اذكر
- ۵ - ك الله عزوجل ، فانه من ينصح فانما ينصح نفسه ، وانه من
يطع ر
- ۶ - سلى و يتبع امرهم فقد اطاعنى ، ومن نصح لهم فقد نصح لى و
- ۷ - ان رسلى قد اتوا عليك خيراً وانى قد شفعتك فى
- ۸ - قومك ، فاترك للمسلمين ما اسلموا عليه ، وعفوت عن اهل
- ۹ - الذنوب ، فاقبل منهم ، وانك مبرها تصلح فلن نعزلك عن عملك ، و
من
- ۱۰ - اقام على يهود يته او مجوسيته فعليه الجزية .

الله
رسول
محمد

(الوثائق السياسيه ۸۰)

(Dilip) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

يا ايها الذين امنوا اتقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا
 شفاعة والكافرون هم الظالمون الله لا اله الا هو الحي القيوم (م)
 قرآن كريم كتابت خط كوفي قرن دوم هجري روى پوست آهو
 مسلوب بخط مبارک حضرت عثمان رضی اللہ عنہ محفوظ در کتابخانہ نسخ خطی افغانستان

مشکل ۱۴۱ سورہ ۲ آیت ۲۵۴

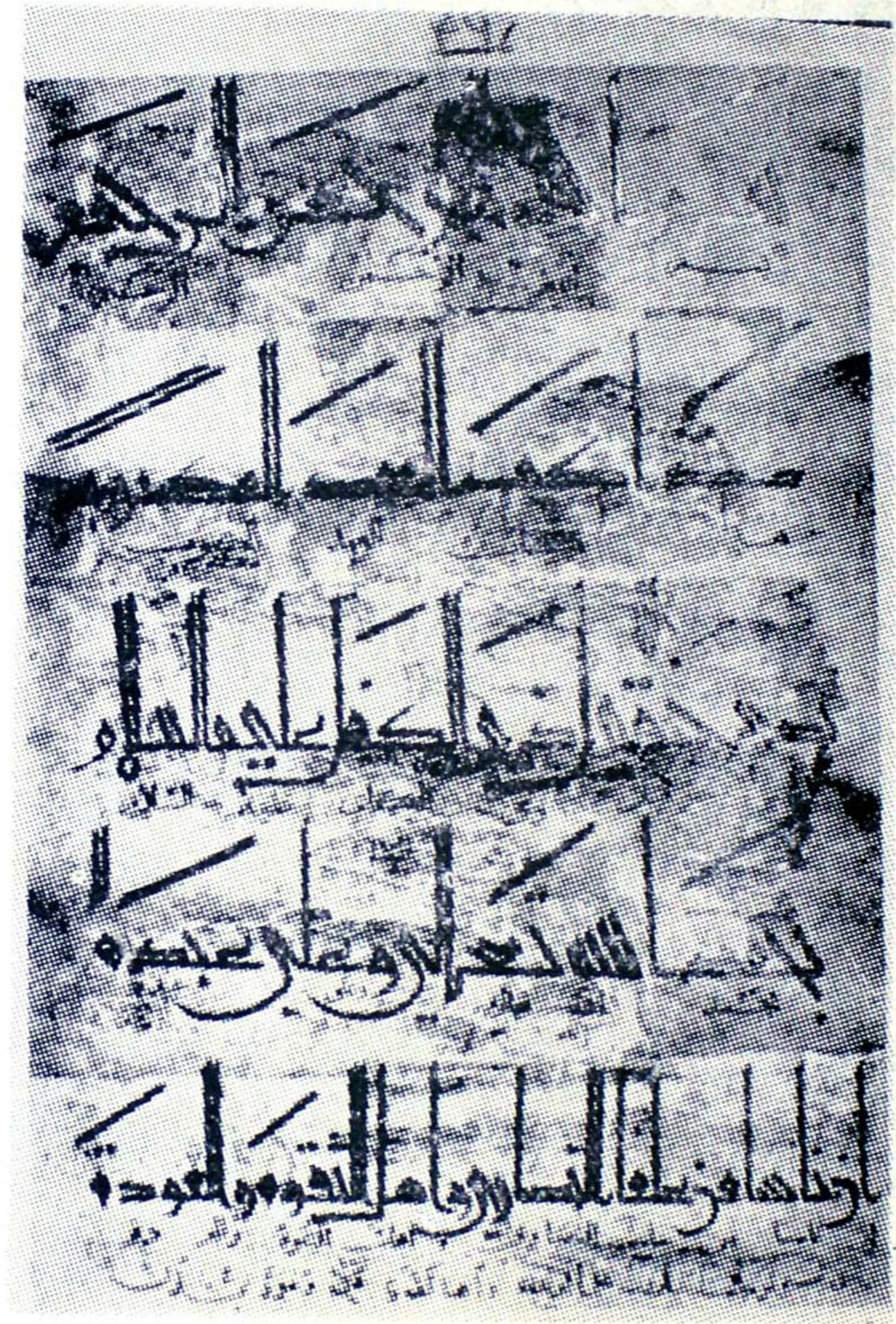
فَاذًا هُم خَمَلُونَ يَحْسِرُونَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِئُونَ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ ..
 فَطَمَعُوا مِنْ آلِهِمْ وَذُنُوبُهُمْ أَكْبَرُ
 مِنْ ذُنُوبِهِمْ فَأَلْهَمُوا الْفَكْرَ الْكَبِيرَ

فَاذًا هُم خَمَلُونَ يَحْسِرُونَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِئُونَ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ ..

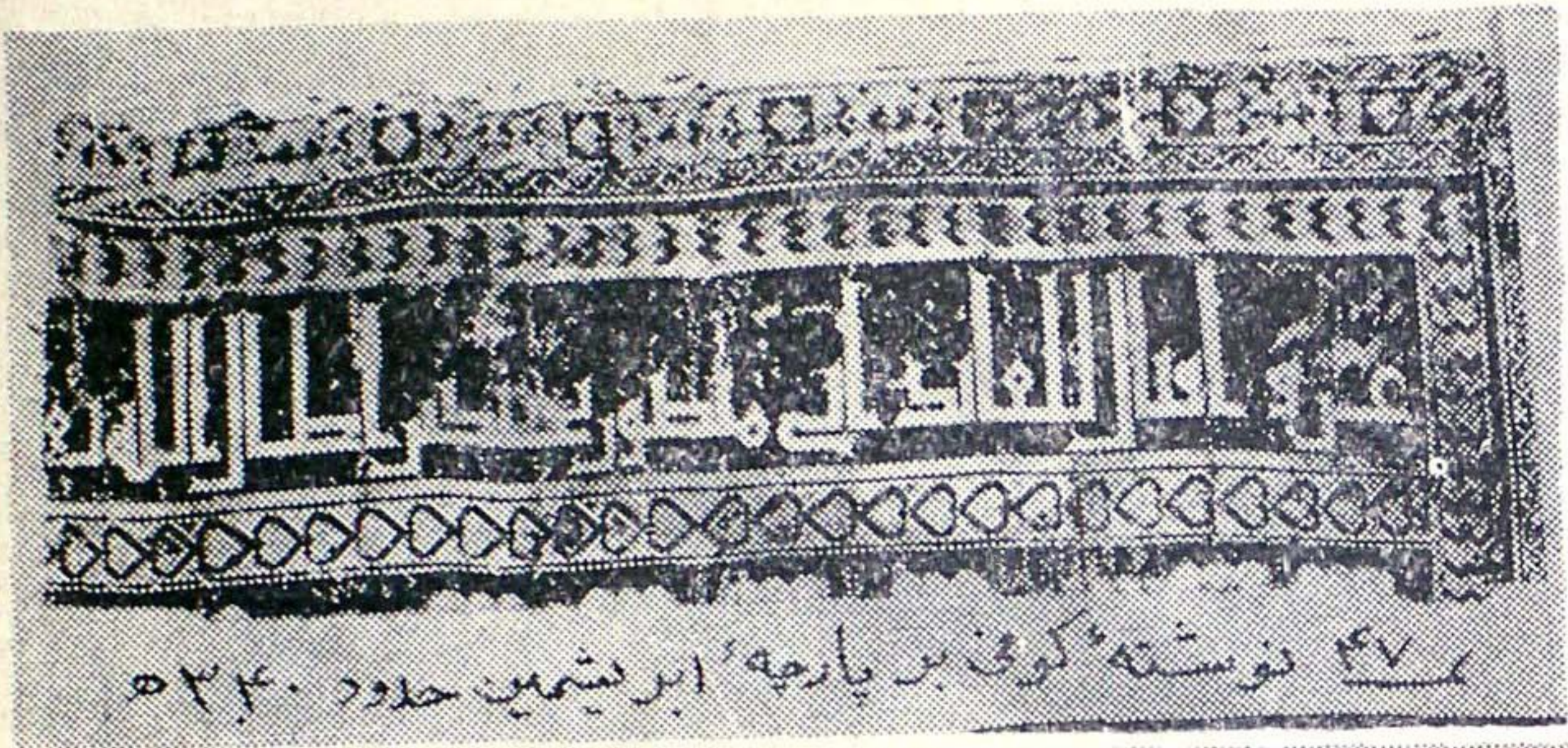
(قرآن عظیم - سورۃ یس - آیت ۳۰)

شکل ۴۳-۴۴

صفحه بی از قرآن شریف منسوب به خط حضرت حسن بن علی بن ابی
 طالب رضی اللہ عنہ محفوظ موزہ مشہد رضوی دارای ۱۲۲ ورق پوست آهو،
 هر صفحه ۷ سطری، نوشته سال ۴۱ هـ که واقف آن شاه عباس صفوی است
 ووقف نامه آنرا مرحوم شیخ بهایی نگاشته .



عهد نامه مجعول منسوب به خط
حضرت علی رض از مجله ایران شهر



۴۷ نوشته کونجی بر پارچه ابریشمین حدود ۵۲۴۰



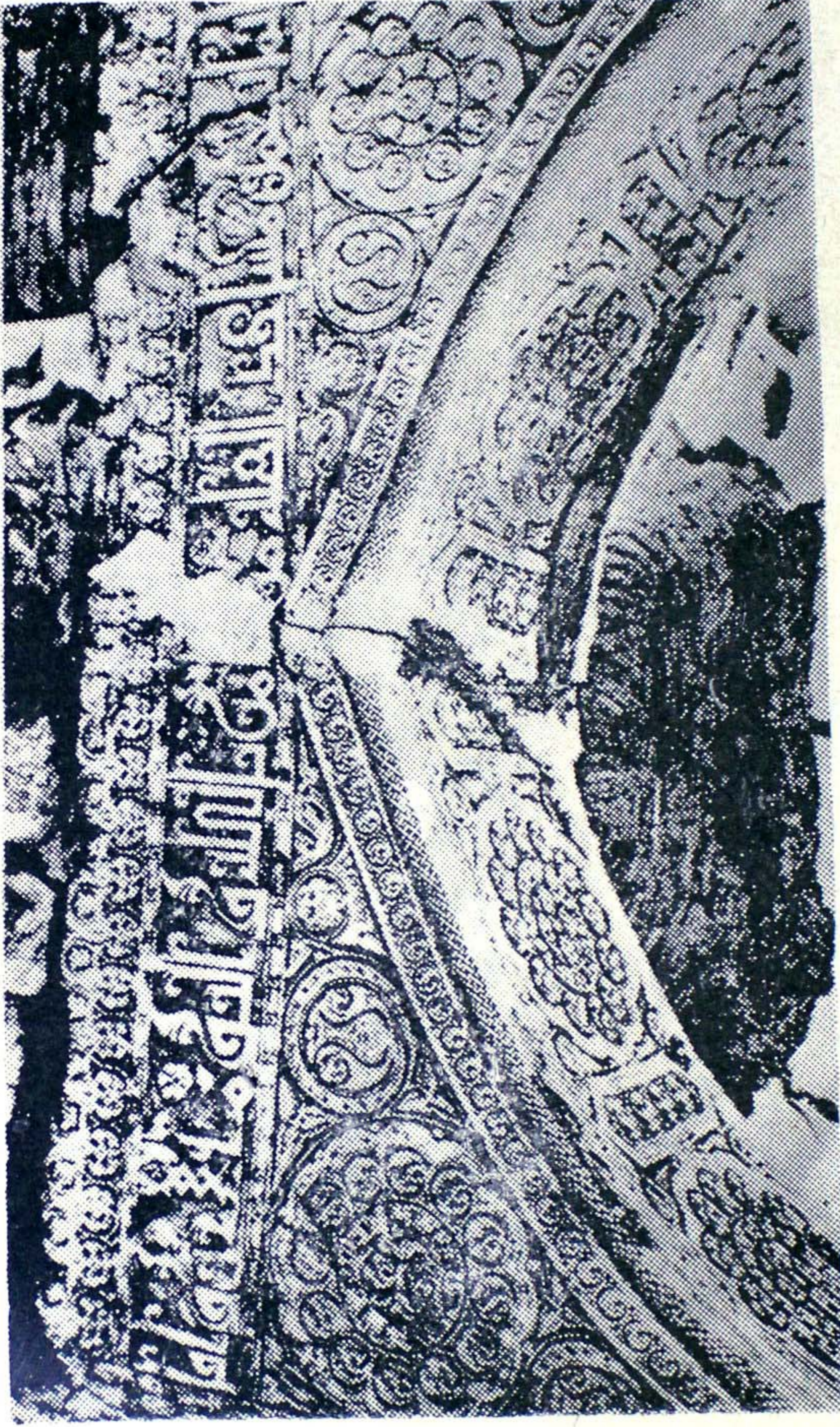
۴۸ نمونه اوراق
مانوی



۴۹ صفحہ اول کتاب الابنیه ۴۴۷ هـ

بِمَا هُوَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ الرَّحِيمِ
 حِينَ كَوَّنَ مُحَمَّدًا مِنْ خَمْرٍ الرَّابِثِ فِي نَصْفِهَا
 سِوَا ذِي دِيمِ مَرْدِ أَفْشَانِ هَرَّ رُوزِ كَارِي تَا اَبْدِ سَرِجِ
 بِلَاغَتِ بَدْوِيَانِ حِلْ صِنَاعَتِ بَدْوَانِجِ اَزْ وِي خَيْرِ ذَوِي بُوِي
 اَمِيْرِ دِي بُوِي عَرُومِ بَدْوِيَانِ مَجْرُوتِ اَلْقَابِ بَدْوِيَانِ
 هَمَّ تَا زِي دِي دِيمِ بَدْوِيَانِ وَ بَقَا بِيْرِهِ رُوِي بِيْكَ جِرُوهِ مَرْدِ دِيمِ
 مَحْضُومِ دِي دِيمِ بَدْوِيَانِ مَكْرُورِ صِرْحِ اَبُو يُوْسُفِ بَدْوِيَانِ
 اَلْعَلَايِ تُو شَرِيْبِهِ بِيَارِ سِي كَرْدِهِ اَبْدِ بَدْوِيَانِ وَا مَا اَبْدِ تَرِ
 دَا اَبْسِنِ اَجْنَابِ بِلَاغَتِ بَدْوِيَانِ وَا اَقْبَامِ صِنَاعَتِ بَدْوِيَانِ
 مَشَاخِزِ بَخْتَانِ بَا بِيْرَا بِيْرِهِ بَدْوِيَانِ وَمَعَا بِيْ بَلَنْدِ بَا بِيْ
 كِنَايِ نَدِيمِ بِيَارِ سِي كَرْدِهِ اَزَا ذِهِ رَا اَمُوِيْتِيْنِ بَا شَدِّ وَ فِرَاذِهِ
 رَا لَعْنِ كِسَا رُوِي بَدْوِيَانِ وَ مَجْدِ بَدْوِيَانِ وَ اَزْ كَا مَهْلِ جَدِ بَا

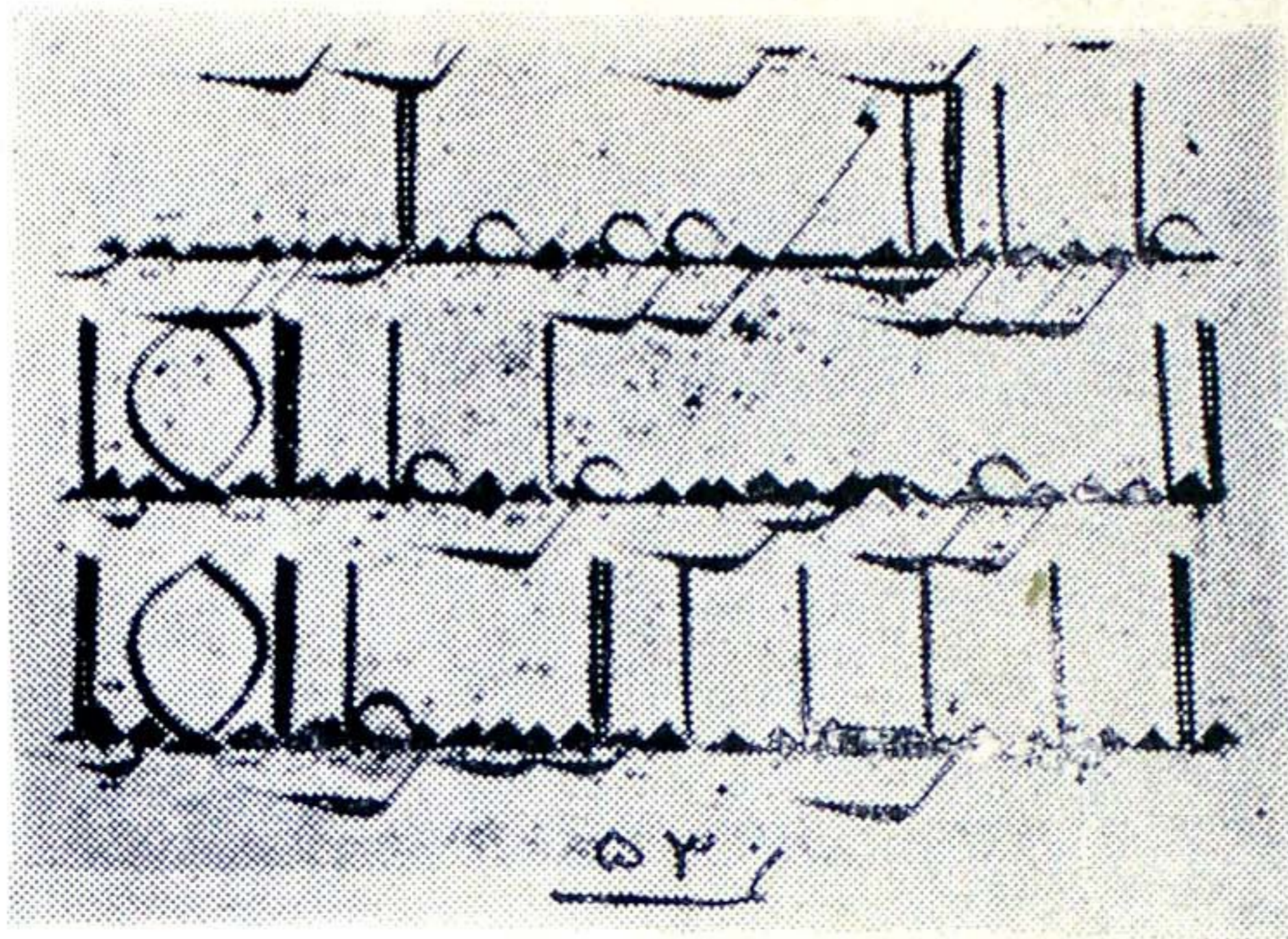
۵۰ صفحه اول ترجمان البلاغه ۵۰۷ هـ



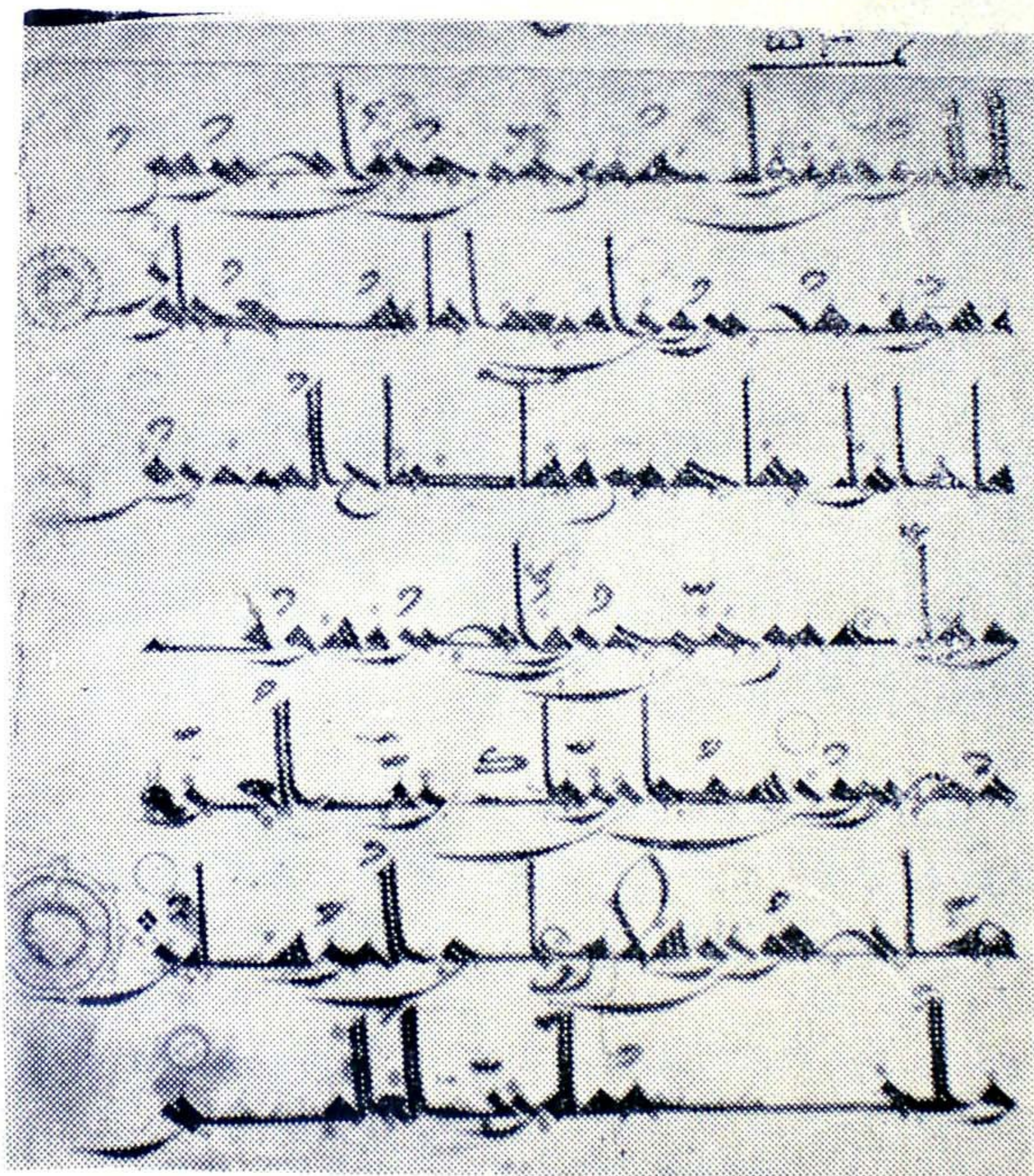
۵۱ نمونہ خط کو فی مسجد نا بین ۳۵۰ ھ



۵۲ خطکو فی تزوینی مقبره پیر علمدار ۴۱۸ هـ
(از سروی آرت پر شیا)



خط پیر آموز کتاب صفات الشیعه نوشته ۳۹۱ قمری



قرآن عظیم به خط پیر آموز قرن ۴ ه در مشهد رضوی

الحمد لله
 سنة ابو القاسم منصور هجری
 علی المشهد طوس و شهر ربيع الاول
 سنة ثلث و تسعين و مائیه
 انما لوجه الله و طلت المرصانه
 لا باع ولا بوقت ولا بقرض
 عفر الله له و لو الله

۵۵ صفحه آخر قرآن عظیم بخط ابوالقاسم منصور هروی
 وزیر سلطان محمود، نوشته ۳۹۳ ق در آستان رضوی مشهد
 (از گنجینه قرآن)

وَأَمَّا نَزَّلْنَا بِالْبُرْ

أَلْمَلِكَةِ وَكَلَّمَهُمْ

أَلْمَوْتَى وَلَا نَسْرَفُ عَلَيْهِمُ

كَلِمَةً فَلَا مَا كَانُوا

لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَوْ شَاءَ رَبُّ

وَأَكْثَرُ أَكْثَرِهِمْ لَا يَهْتَدُونَ

٥٦ خط ابو البركات رازی ٤٢١ ق قرآن شریف آستان
رضوی مشهد

(گنجینه قرآن)



۵۷ قرآن شریف به خط عثمان وراق غز نوی ۴۶۶ قدرآستان
رضوی مشهد

(از گنجینه قرآن)



۵۸ نو شسته آرامگاه امیر سبکتگین در غز نه حدود ۳۸۷ ق

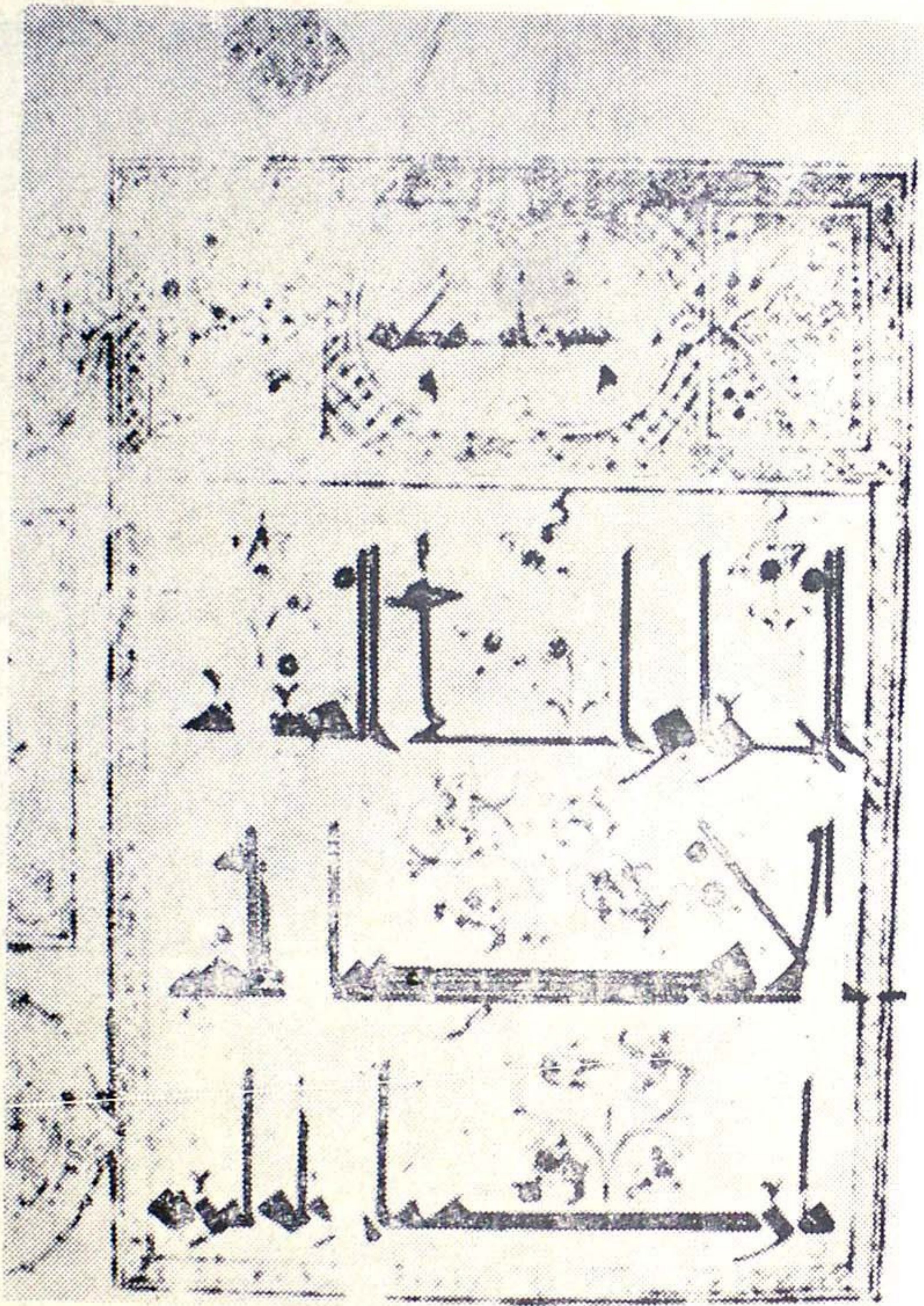


۵۸ نوشته قبر سلطان محمود در غزنه حدود ۴۲۱ ق خط کوفی

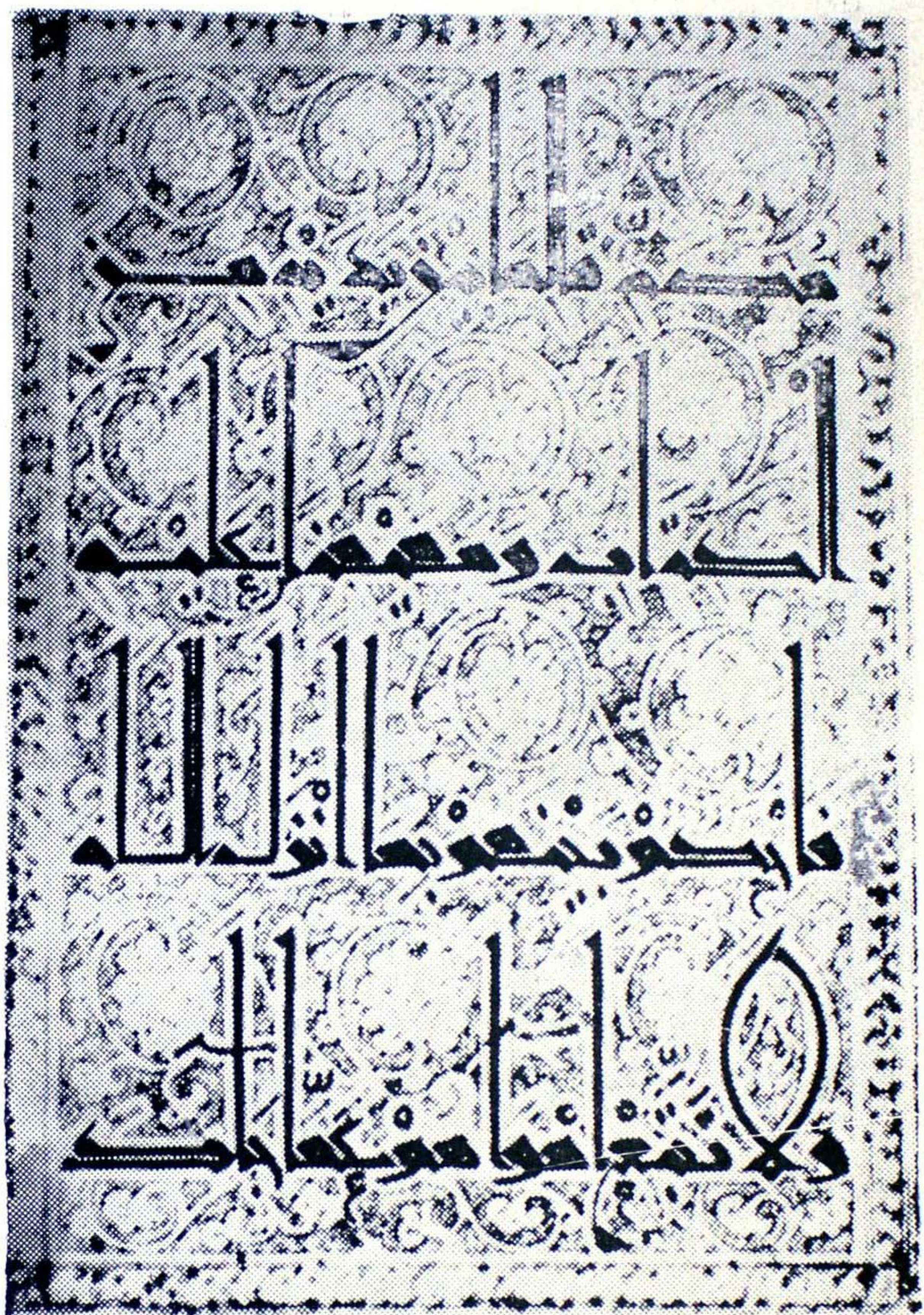


۵۹ خط رقا ع قبر سلطان محمود در غزنه
حدود ۴۲۱ هـ

عینا نقل بخط شیخ محمد رضا هروی



صفحه قرآن عظیم به خط ابوبکر بن احمد غزنی
۵۶۶ ق در موزه مصر . (از سروی هنر پرشیا)

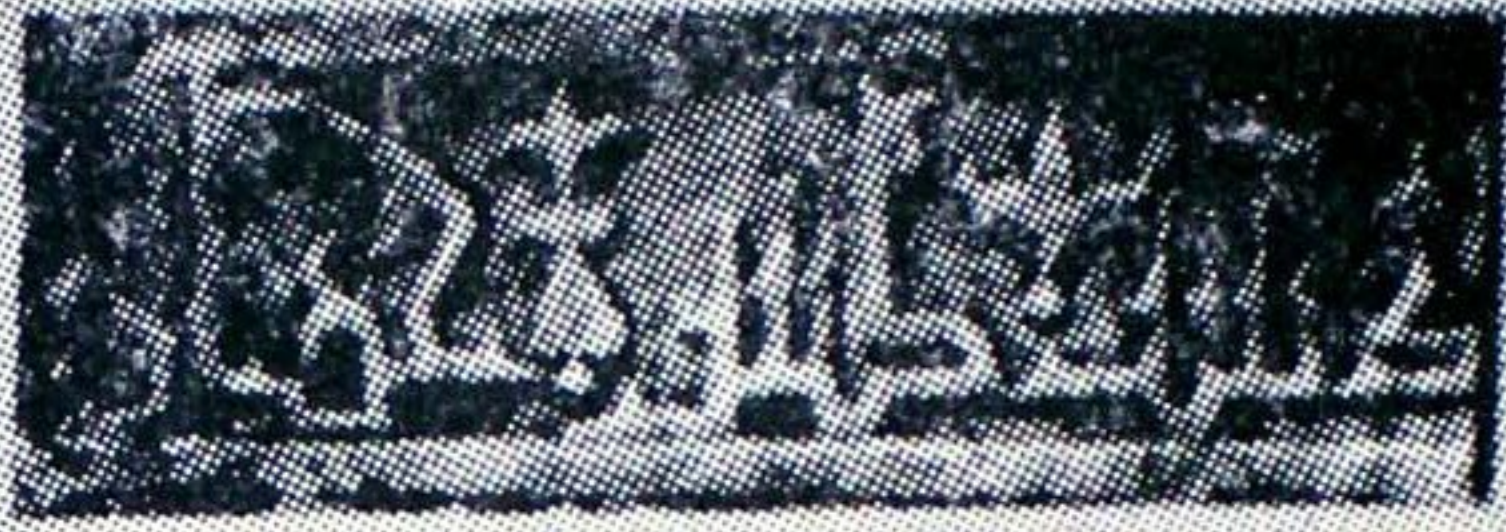


۶۱ تلفیق خط کوفی با پیر آموز در قرآن شریف
مجموعه چستر بیٹی لندن (از سروی هنر پرشیا)



۶۲ قرآن عظیم که در ۵۰۰ ق در شهر بست نوشته شده در
کتابخانه ملی پاریس . (از سروی هنر پرشیا)

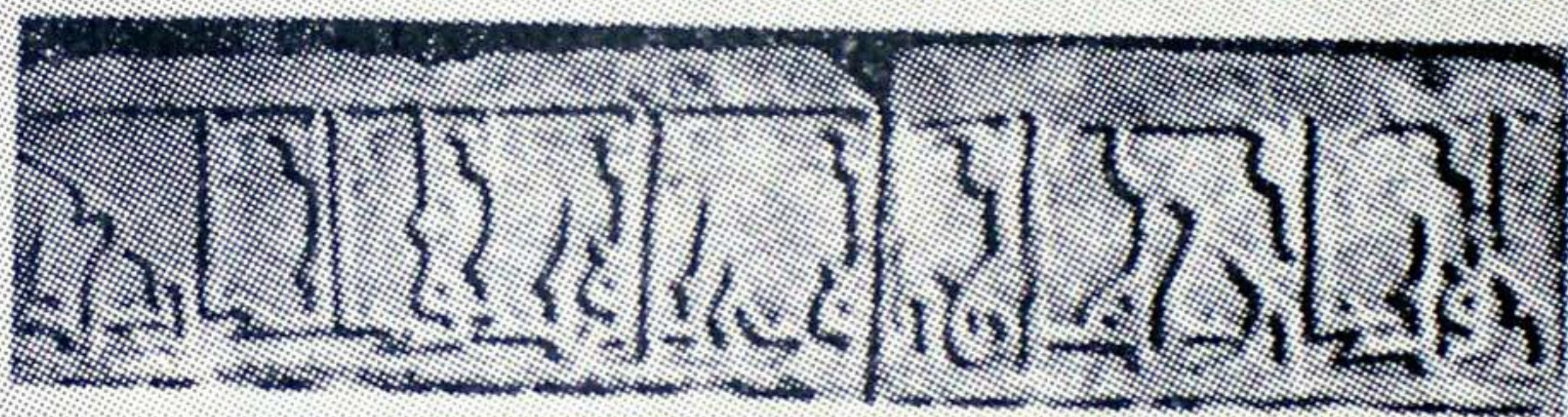
۶۳



سید کس

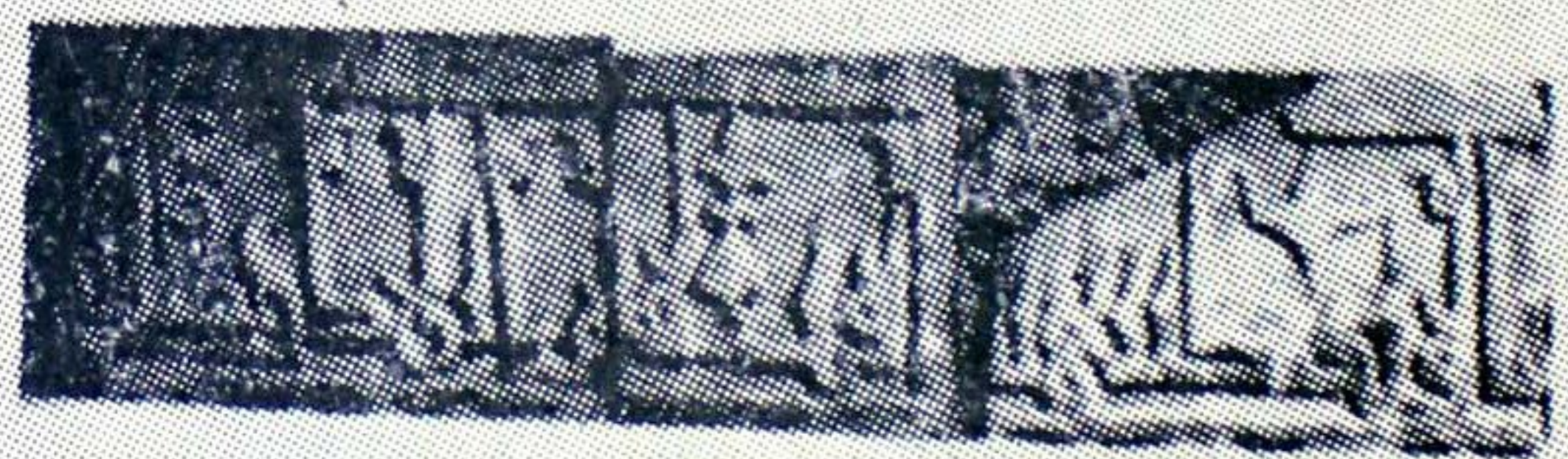


سید کس



وی

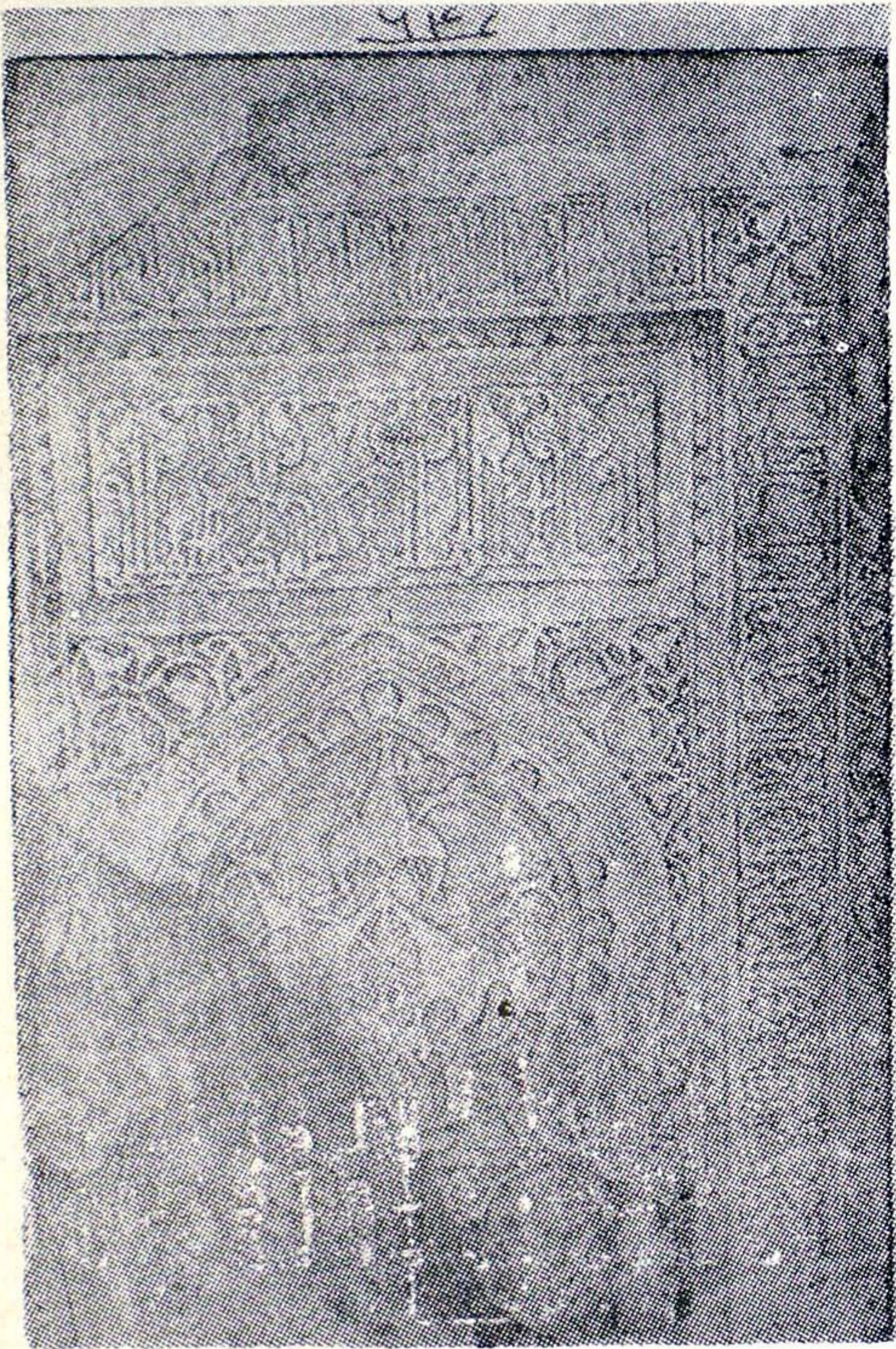
سید کس



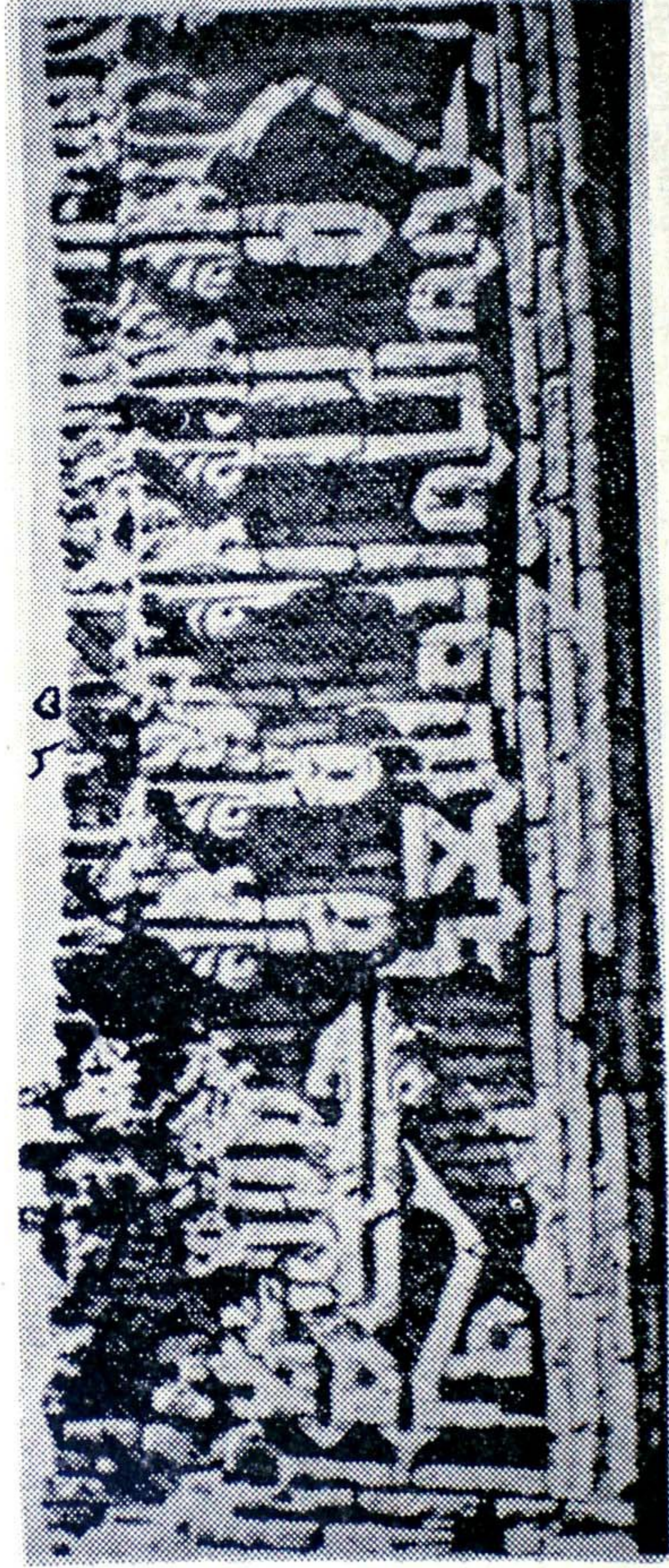
سید کس

سید کس

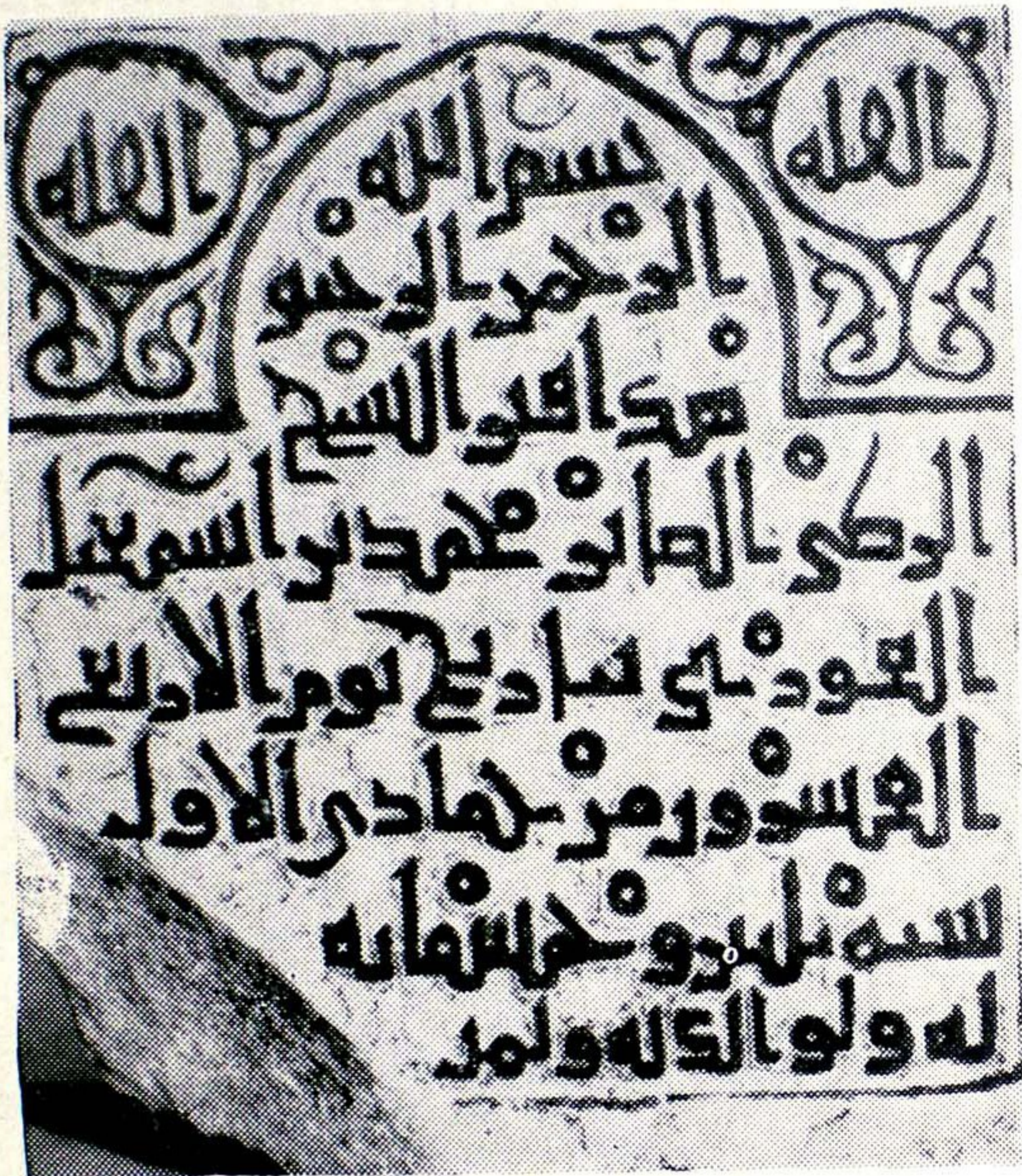
۶۳ نمونه های خطوط کوفی عبارات زبان دری از بقایای قصر مسعود سوم در غزنه حدود ۵۰۰ ق



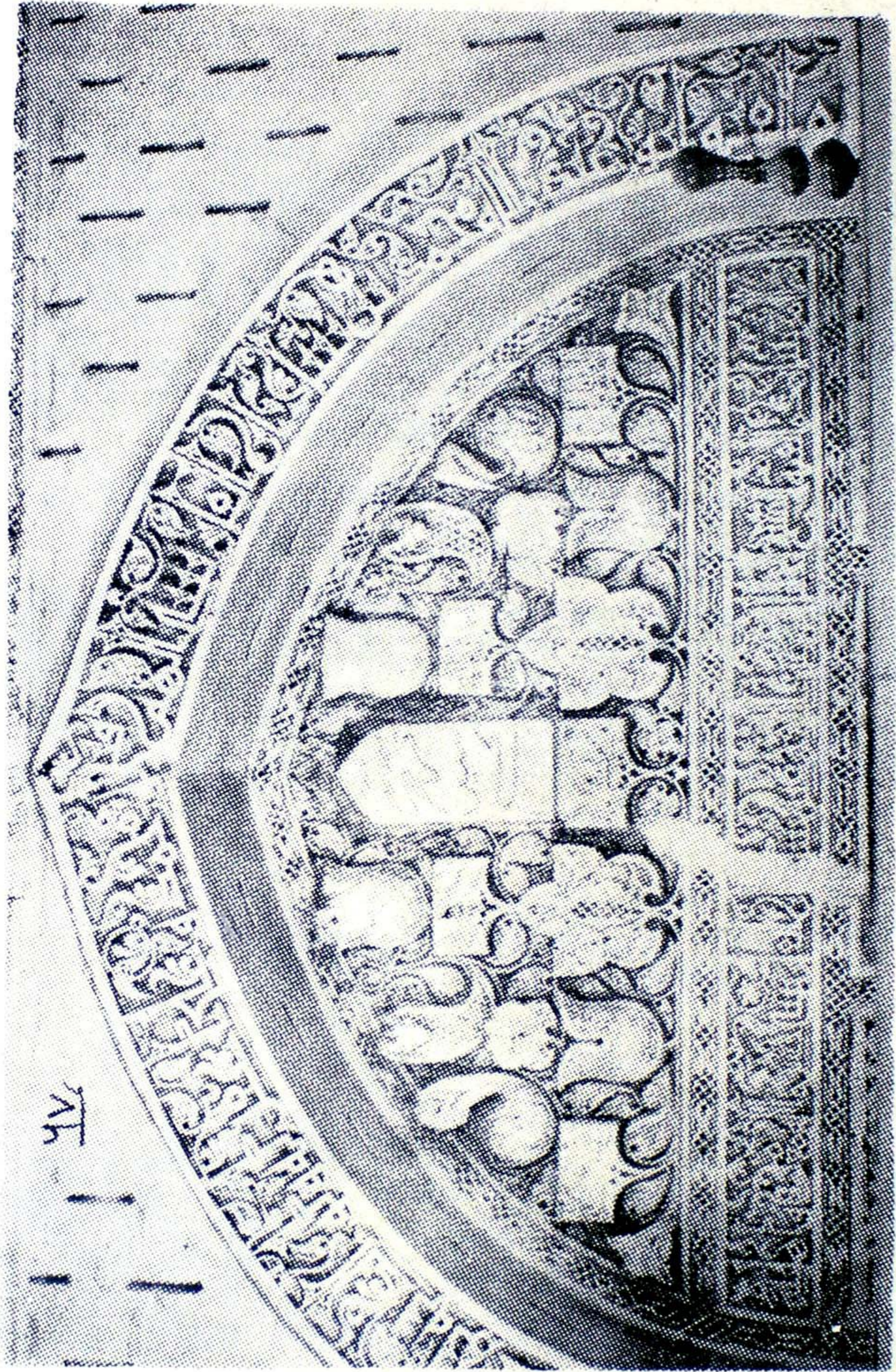
۶۴ خطوط کو فی جامع اولیا در غزنه



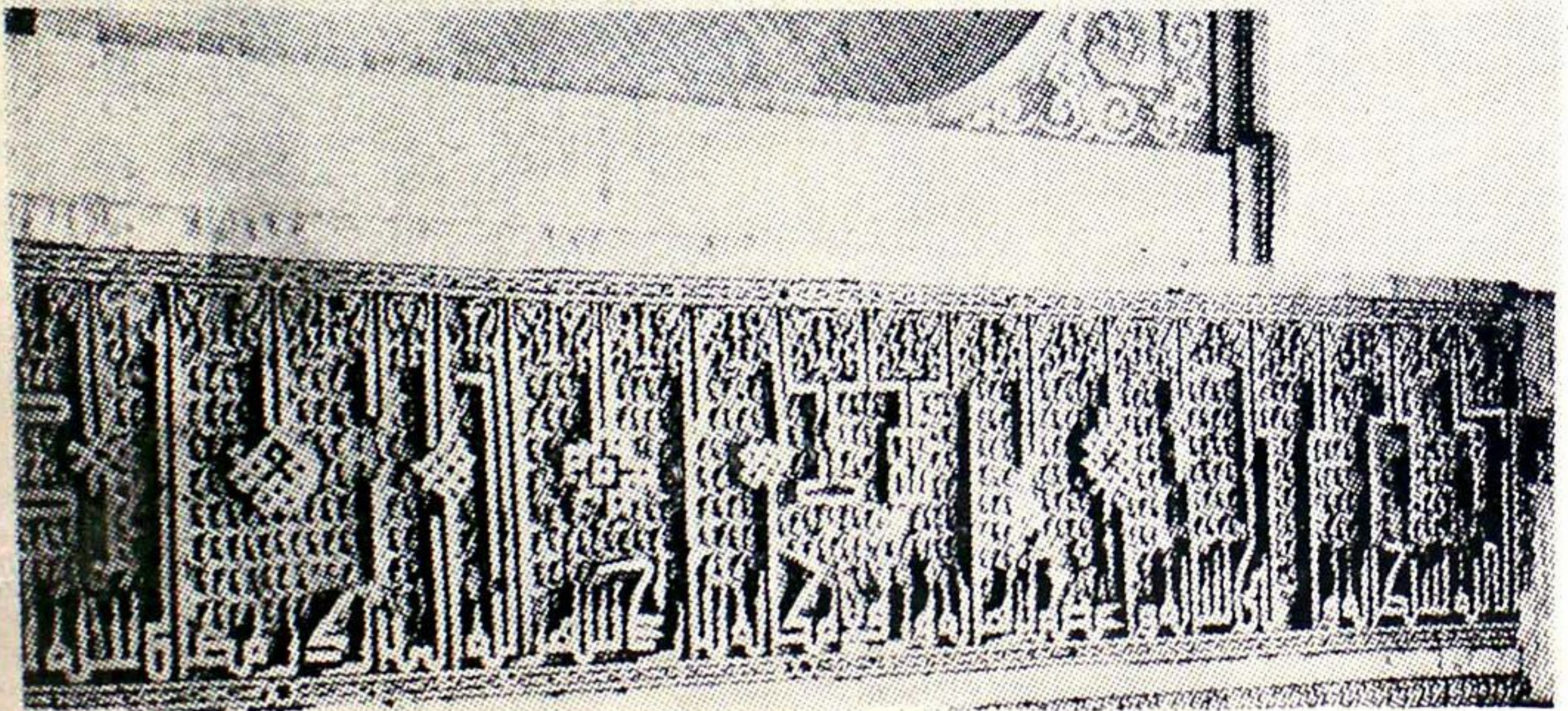
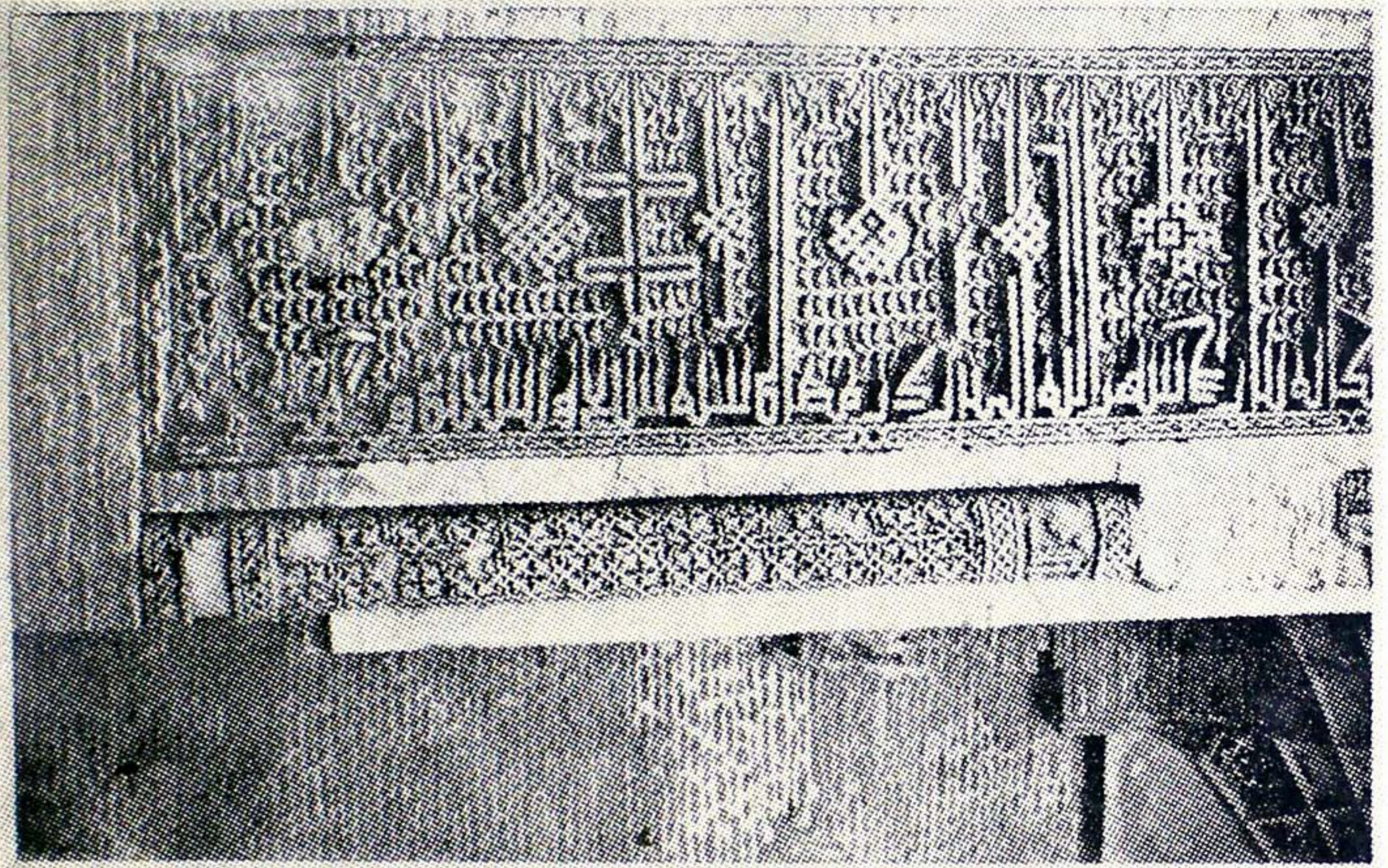
خط کوفی تزئینی رباطشرف خس در حدود ۴۵۰ ق ۶۵
(از مجله هنر و مردم ۵۲)



- ٦٦ زهونة خط كوفي متمايل به نسخي هرات ٥٣٠ هـ
 از سنگ هزار درخواجه عبدالله طاقی - موزه هرات .
- ١ - بسم الله
 - ٢ - الرحمن الرحيم .
 - ٣ - هذا قبر الشيخ
 - ٤ - الرضى العابد محمد بن اسمعيل
 - ٥ - الغورى ، بتاريخ يوم الاربع
 - ٦ - العشرون من جمادى الاول (كذا)
 - ٧ - سنة ثلاثين و خمسمائة ...
 - ٨ - له ولوالديه ولمن ...



٦٧ تکامل خط تزئینی کوفی بر مزار امام یحیی در جوجان حدود ٤٣٠ ق



خوانش ٦٨

کتیبهٔ بناء مسجد هرات در عصر غیاث الدین محمد سام غوری ٥٩٧ هـ

- ١ - السلطان المعظم ، شهنشاه الاعظم ، مالک رقاب الامم ، مولی ملوک العرب و لعجم ، سلطان ارض الله ، حافظ بلاد الله ، معین خلیفه .
- ٢ - غیاث الدنیا و الدین ، معز الاسلام و المسلمین ، نظام العالم ، ابو الفتح محمد بن سام قسیم امیر المؤمنین انار الله برها نه ..
- ١ - (امر) ببناء هذه المسجد من خالص ماله السلطان المعظم ، شهنشاه الاعظم ، مالک رقاب الامم ، مولی ملوک العرب و لعجم ...
- ٢ - ... الله سلطانه ، و اعلى شانہ و اعظم برهانہ و رفع مکانہ ، بتاريخ شهر الله المبارک رمضان سنه سبع و تسعين و خمسمائه .



لا یسیر فی الارض الا بالکریم من امر الله لا یسیر فی الارض الا بالکریم
 یوانه داسه عمدا کبر و سیر و اول من کون یارکت
و حبت ما کتب یا ممداهم فان من هو صبح الطر
 کت هیکل با تری با غایت همه با هم مرانجا در دین امام معنی در هم
 آراست هم مرالذو ازل سو و همه بست بقی هر چه با حق و با حق
 با حق و اظهر تر با حق حیرت و خوار و با حق و با حق و با حق
 و الله یک المعنی الیوم طیب با ذکر ی هم کون بد حیرت و با حق
 و با حق من سیر سیر حیرت و با حق کشته و با حق حیرت و با حق
 و با حق من سیر سیر حیرت و با حق کشته و با حق حیرت و با حق
 با حق با حق و با حق با حق با ذکر ی با حق حیرت و با حق
 که یک سیر سیر با حق و با حق حیرت و با حق و با حق حیرت و با حق
 که یک سیر سیر با حق و با حق حیرت و با حق و با حق حیرت و با حق

الحمد لله و صلوات علی محمد و آله
 صلوات علی محمد و آله
 صلوات علی محمد و آله

وقع الفراع ~~عند~~ فی یوم الراجح و العریس
 سواک سلب و سیر و با حق
 ایضا و با حق و با حق
 عبدالملک الکریم و با حق

۶۹ صفحه آخر شرح التعرف موزة کراچی ۴۷۳ ق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سائر مزارق و دریاچه‌ها و آبریزها و آسمان است و آنچه در مزارق و دریا
 اندازد و در مزارق معدنی و نبات و حیوانی با فرزندانی جسدانی
 هفت خلق را اعمی آسمانی من اولاک و مزارق کان خبیثه و مزارق
 خبیثه و آتش و هوا و آب و خاک با فرزندانی جنرها را نه احد
 فیما زک الله اجس الخالقین و ما رست کرد اند این جنرها
 مریدند و زدن احصام معدنی و نباتی و حیوانی را بعد از آنکه واسطه
 نگارند و مکرر بفرزند و چگونگی هر نفس فیما زک الله زک الخالقین
 و از خصلت در حیوانات آدمی را بر کردند و ما بنده گردانند
 مریدند مکرر نفس را و از آنست که در مزارق آدمی را مکرر رؤس و این
 مزارق انسان را مزارق آدمی و مکرر کرد اند مزارق آدمی که باطن
 و مزارق ماخلق و را آگاه کنند از نفسی و نه و کمال قدرت و چگونگی
 خلق ما مریدند مزارق آدمی و مکرر مریدند مریدند مریدند مریدند
 و کتب و مریدند مریدند و مکرر و این مریدند و مریدند مریدند

۷۰ صفحه اول کتاب هدایة المتعلمین ۴۷۸ ق
 نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد

وعده کرده است و در آنجا که در کتب دیگر مذکور است که در دنیا از اهل امری
 و نزدی بزرگ است و در آنجا که در کتب دیگر مذکور است که در دنیا از اهل امری
 کی در تفسیر است و در آنجا که در کتب دیگر مذکور است که در دنیا از اهل امری
 این واجب است و در آنجا که در کتب دیگر مذکور است که در دنیا از اهل امری
 اما کاتب تفسیر است که در این تفسیر است و در آنجا که در کتب دیگر مذکور است که در دنیا از اهل امری
 چنان است که گفت فاشتموا الهمس من الاوثان من صیر اجناسی یا جنود الهمس الی
 موالاتان و گفته اند مع در الله الذی امر الهمس و الهمس الی الهمس الی الهمس الی
 راست کی سبب بیان حول کلمه کنند و آنکه ایشان را دوست دارند تا
 دوستی از آن حول ایشان عمل صالح بود کی بدان سنی جمعی باشند مومن صلح باشند
 و خون مومن و صلح باشند نیز او را معرفت و احقر عظم باشند جمله کتب که یاد کرد
 و الله اعلم بالصواب

من السبع النبایس محمد امین و منه و بتلوه فی السبع

ایها الذی اسوا لاکف مولی بنی الله رسول

و فرج من کاتب محمود بن کریم کسر کسار التزی فی شهر سبع الاخر الواقع فی سنه ثلاثین
 و خمس مائیه

حامد لله تعالی علی همه و لله تعالی رسول المقسط من ربیه و آله اجمعین

في عهد محمد بن حنفية وفي الأختين وغيره الوفاة
 في السورة تسبورة تلكت لسم الله الرحمن الرحيم
 في وما طسب احسن قول ابو حاتم وغيره
 وذلك ذات لقبه وقال ابو بكر ذات لقب وامراته
 حسن وهو قول عيسى بن عمر والأختين وانما وغيره
 وقال قوم الخطيب وقال آخرون من هجرت تسبورة
 الاخلاص بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد فانا اب
 عمر بن العلاء وجماعة وروى عن النبي صلى الله عليه وسلم احد
 به الصمد ولم يكن له طفوا احد وقال الاخفش و ابو حاتم
 و ابو بكر الوفاة آخر السورة لانه اسره ان يقول ذلك كله
 سورة الفلق بسم الله الرحمن الرحيم قالوا
 الوقفا آخر السورة سورة الناس
 بسم الله الرحمن الرحيم والناس آخر السورة
 وانه اعلم بجميع ذلك ثم الطهات المنتصر
 من كتاب الوقف لعماد الله وتوفيقه و صلى الله على محمد
 وآله اجمعين وكسه عبد الله بن علي احمد خط من حديث
 ح العزيز اللبيب الرشيد ابو بكر عتيق بن محمد بن خسر
 رفته له العلم والادب برحمتك يا ارحم الراحمين
 في المنتصف من شهر رمضان سنة ست وعشرين وخمس مائة



این نسخه مختصر کتاب الوقف در ۵۲۶ هـ بخط عبد الله بن علی نوشته شده که نهونۀ نسخی او اوسط قرن ۶ هـ است .

این نسخه برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو نوشته شده ، که ظاهراً همان مؤلف تفسیر سور آبادی باشد ! که در کتاب السیاق عبدالغافر نامش ابوبکر عتیق بن محمد متوفی ۴۹۴ هـ است .

که بدین حساب باید نویسنده همین نسخه ۵۲۶ هـ نباشد .

اگر چه مرگ وی محمد شفیع مرحوم این هردو ابوبکر عتیق را یک نفر شمرده ولی بین وفات ابو بکر عتیق سور آبادی مفسر ، و این ابوبکر عتیق فاصله سی ساله موجود است ، چون در ۵۲۶ هـ این شخص جوان رشید مستحق دعای رزقہ الله العلم والا دب بوده بنا برین باید سال وفات سور آبادی ، او قات پیدا یش وی باشد .

۶۰ بطارد تریاخرم شهاد ماز
 ۶۱ بسندیه وامق هراج او بکفت
 ۶۲ بو شد حامه زون فرخده جاگ
 ۶۳ بطشقت نشنند همدو جوان
 ۶۴ بشامسرت لمد لدر سردو بسطه
 ۶۵ جو هر دو ن کشتی بیرون آمد نه
 ۶۶ جنان دازن کریان هیکل از بهار به
 ۶۷ بر دران همه مرد ماز سر بس
 ۶۸ به پیشان بت شد ندی قران
 ۶۹ ازو خواستند به همه رایبه کوریش
 ۷۰ ماز بود این کمر شاه و

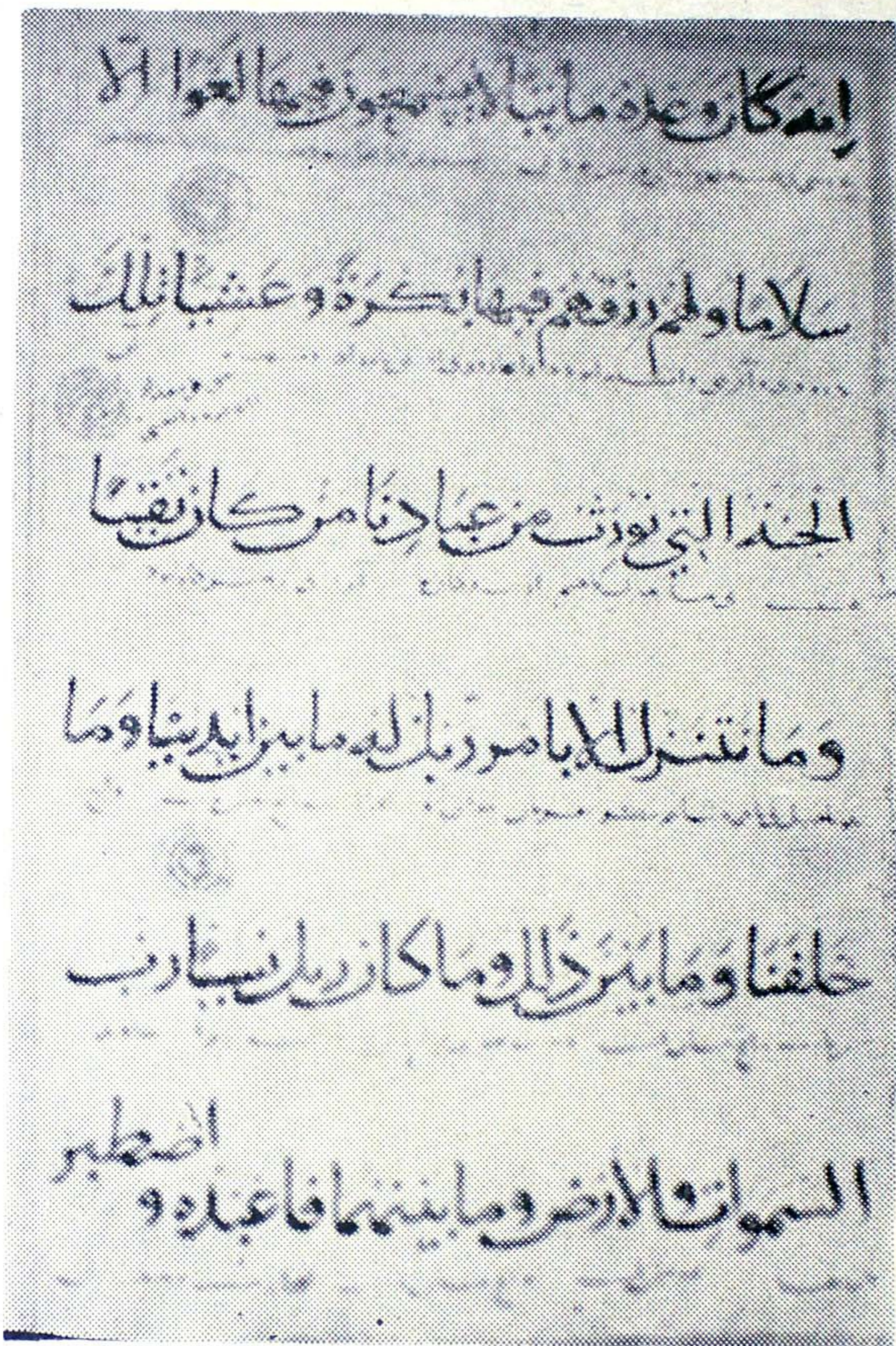
با بی بی زان کلمه
 سجید راه هم لدر بهفت
 برآمد تریاخرم کوزان مغاک
 ندره مخزنها شان نه مرکز نضار
 ندره غیج دل نشان از انزه دره
 ز دریا سو به شهر شنا مسرفه نظر
 بجه نام بت خان نرا بشنویسی
 شد نه به بعد از هیکل خامور
 به نیک بر د به به بیشتر نضار
 طرفته به ندره دل به ارابه کوریش
 بهیکل بیاد نشنند به بر

نمبر ۷۳ به صفحه آینده رجوع شود

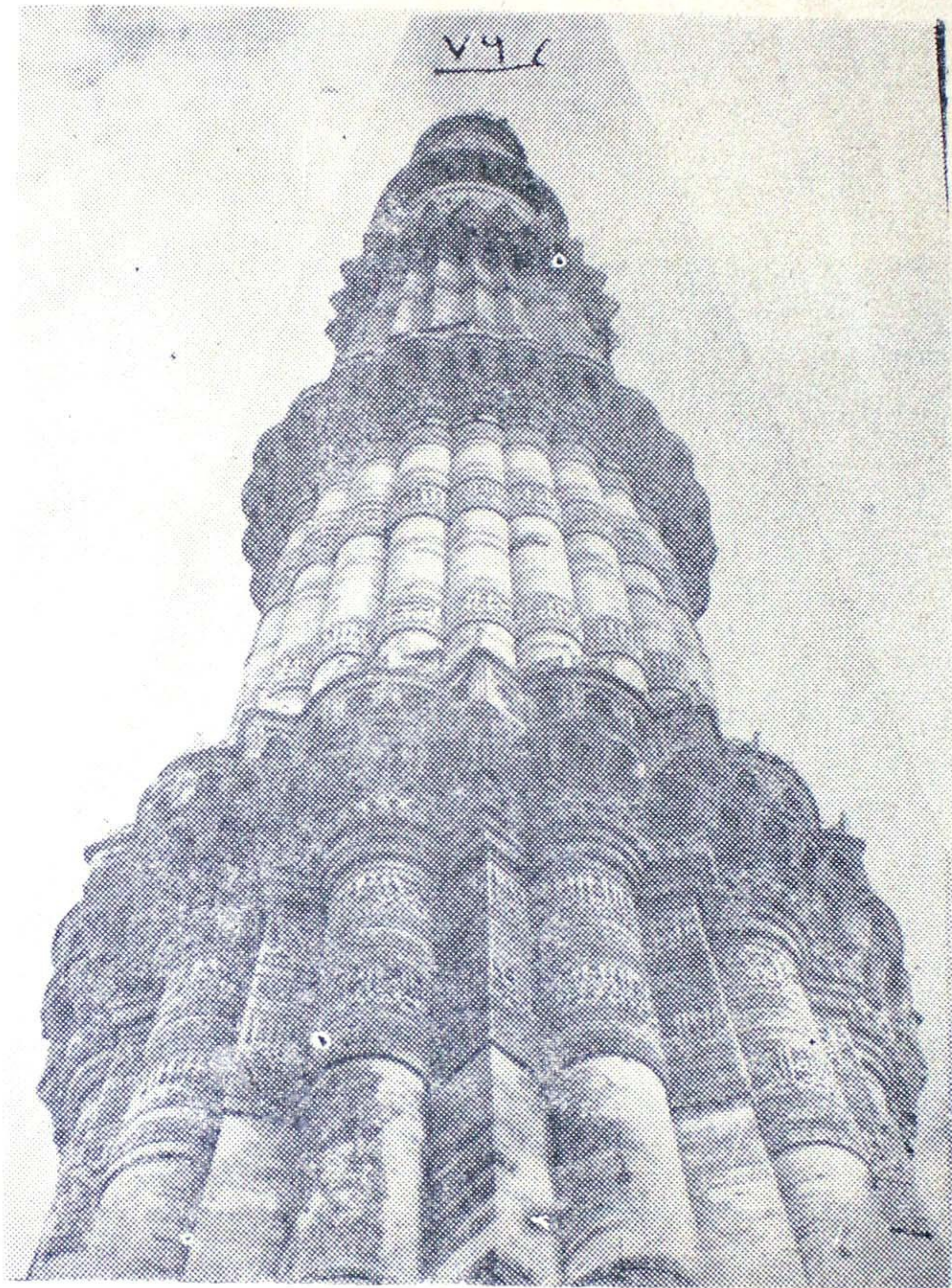
بدارد ترا خرم (و) شادمان
 پسندید و امق هر انچ او بگفت
 چو شد جامه روز فر خنده چاک
 بگشمتی نشستند هر دو جوان
 بشامس رسیدند هر دو بهم
 چون هر دو گشمتی برون آمدند
 چنان دان کی آن هیکل از پهلوی
 برو زان همه مردمان سر بسر
 همه پیش آن بت شدند فر از
 ازو خواستندی همه رای خویش
 چنان بود آیین کی شاه و سپاه
 بیاشی بی آزاد و ایمن بجان
 بسنجید راه هم اندر نهفت
 برآمد شب تیره گون از مغاک
 شده سخو نهانشان زهرکس نهان
 نشد هیچ دشمنان ندان ره دژم
 ز دریا سوی شهر شامس شد ند
 بود نام بت خانه تا بشنوی
 شدندی بدان هیکل نامور
 بد (و) نیک بردی به پیشش نماز
 گرفته بدندش دل آرای خویش
 بهیکل پیا ده شد ندی بر او

نمبر ۷۳

نیم صفحه از کتاب خطی و امق و عذرای عنصری (متوفای ۴۴۱ هـ) که
 یک نسخه ناقص آن دارای ۳۵۳ بیت در سکه‌ها رسیده بدست آمده و
 تاریخ نو شستن آن بین ۴۰۰ - ۵۰۰ هـ تخمین می شود. این کتاب خطی
 پیش از ۵۲۶ هـ در ملک سری زکی بن محمد بن علی عبد الحمید بامیانی
 بود (طبع لاهور ۱۹۶۷ م به ترتیب و حواشی دکتر محمد شفیع مرحوم)



۷۴ صفحه آخر قرآن شریف بخط محمد بن عیسی که برای سلطان غور
غیاث الدین محمد سوم نوشته شده ۵۸۴ ق .
(موزه ایران باستان - از مجله هنر و مردم)



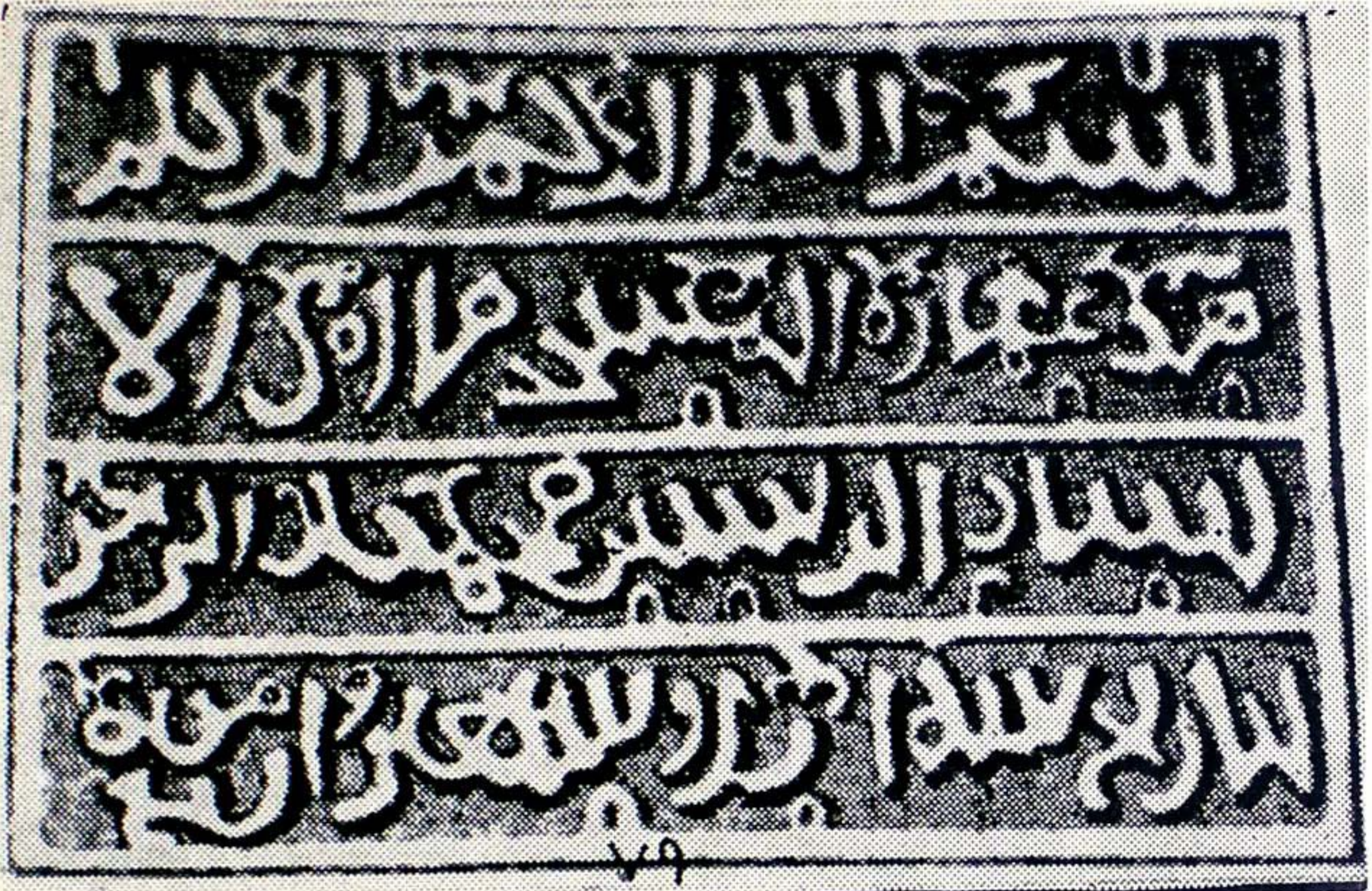
۷۶ خطوط کو فی قطب منار دہلی ۵۹۶ ق .

مدد من الله العظيم وصدق رسول
 البقر الكريم ونحن على الامن
 القائم من ايام النبوة
 والصلوة والسلام على صفة
 من خلق الله محمد وآله الطيبين
 الطاهرين في يوم القيمة
 اللهم اغفر لنا ولوالدينا
 ولجميع المسلمين
 آمين

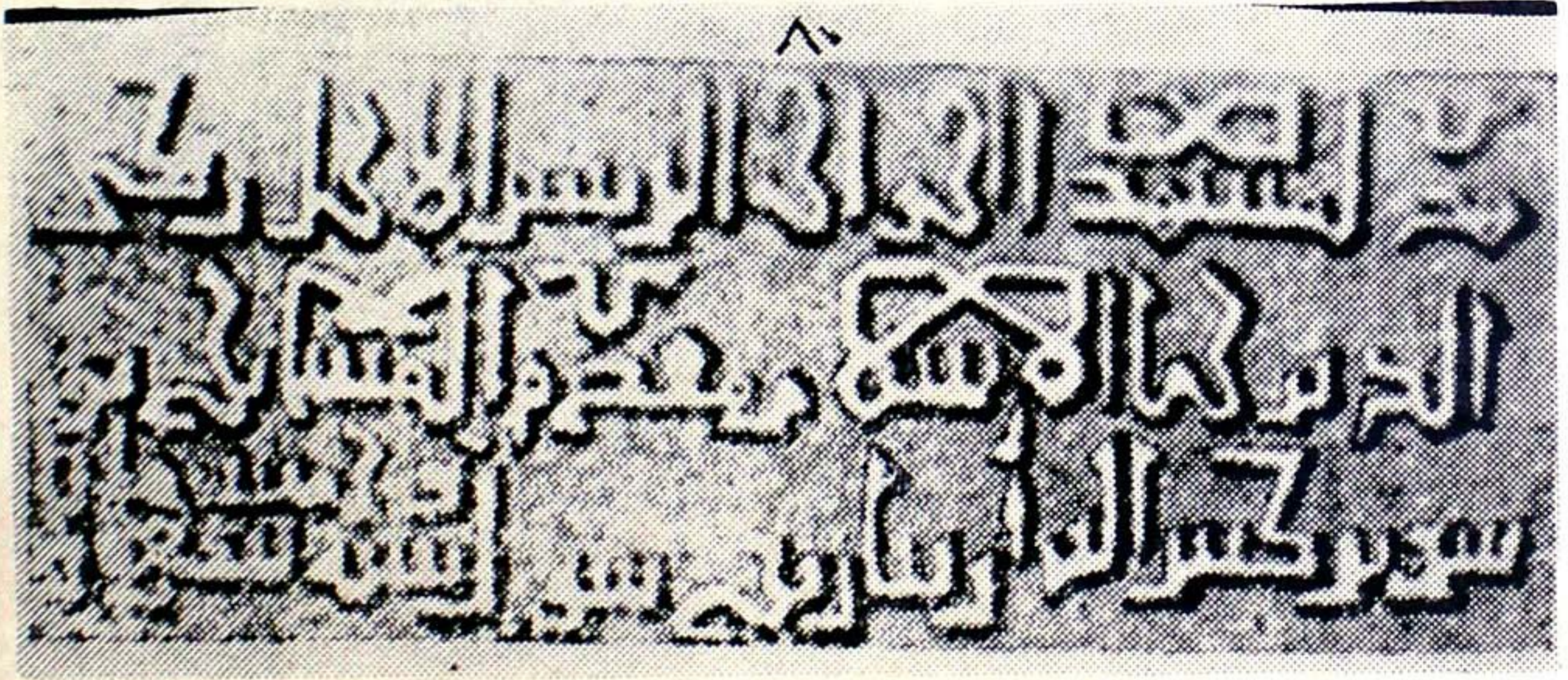
۷۷ صفحه آخر قرآن بخط عبد الله
 صير في ۷۲۰ ق گنجینه مشهد
 رضوی .



۷۸ خط رقاع نمای سلطان شاه بر ظرف هرات ۷۷۷ ق



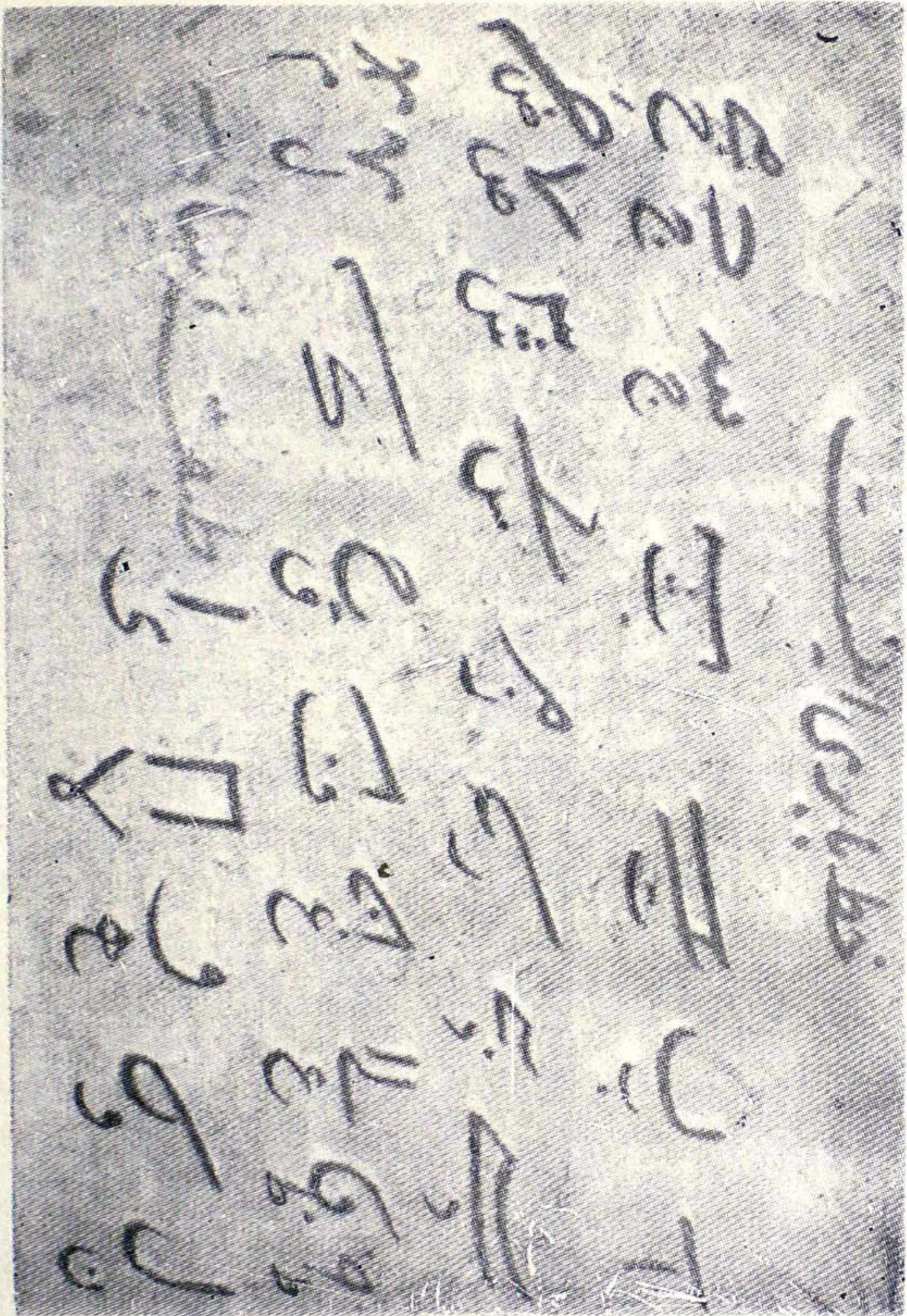
۷۹ نوشته مسجد الرشید بن محمد در باکو ۴۷۱ ق
 (از مسلم کالگرافی)



۸۰ کتیبه قبر یوسف بن کبیر در باکو ۵۵۷ ق
 (از مسلم کالگرافی)



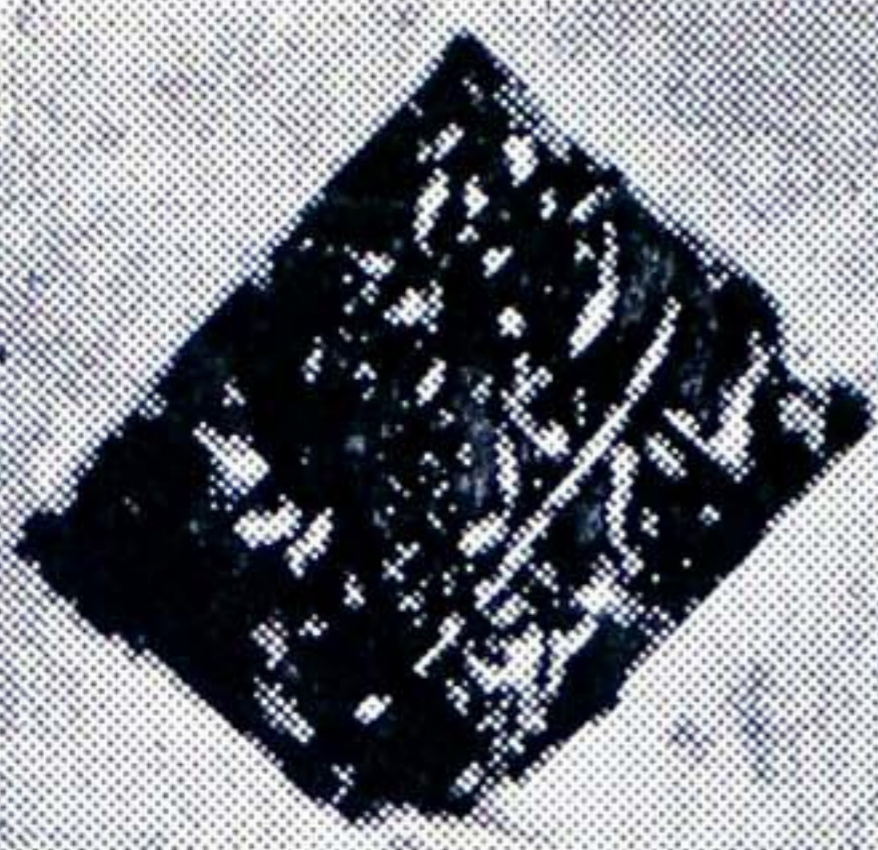
۸۱ نوشته بنای مشهور به قبر فخرالدین رازی (?) در اورگنج کهنه
قرن ۱۲ م



۸۲ نمونه الفباى بابرى از عجائب الطبقات خطى تاليف محمد طاهر

بلخى ۱۰۵۵ ق

-۲۰۶-



بسم الله الرحمن الرحيم



فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَلَا بِمَا لَا تُبْصِرُونَ
وَلَا أَدْرِي أَأَنذِرُكُمْ أَمْ لَا أَغْنِي عَنْكُمْ كِتَابَ
الَّذِينَ أُوحِيَ إِلَيَّ فَذَكِّرْ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

لِقَاءَ رَبِّهِمْ أَنَّهُمْ لَيَبْغِيْنَ
فِيْ أَمْوَالِهِمْ حِيلًا وَأَنَّهُمْ ذَرْوْنَ
وَعْدَ رَبِّهِمْ إِذْ يَسْتَدْعَوْنَهُمْ لِوَافِقِينَ

فَلَا تُؤْتُوا عَصَاكَ الْغَالِيَةَ
الَّتِي كَانَتْ أَجْرًا لِّلرِّجَالِ مِمَّا
رَبَّحُوا بِحَرْبِكُمْ لَوْلَا أَنَّكُمْ
فِيْ غَيْبٍ مِّنْ رَبِّكُمْ لَدَلَّكُمْ عَلَيْهَا

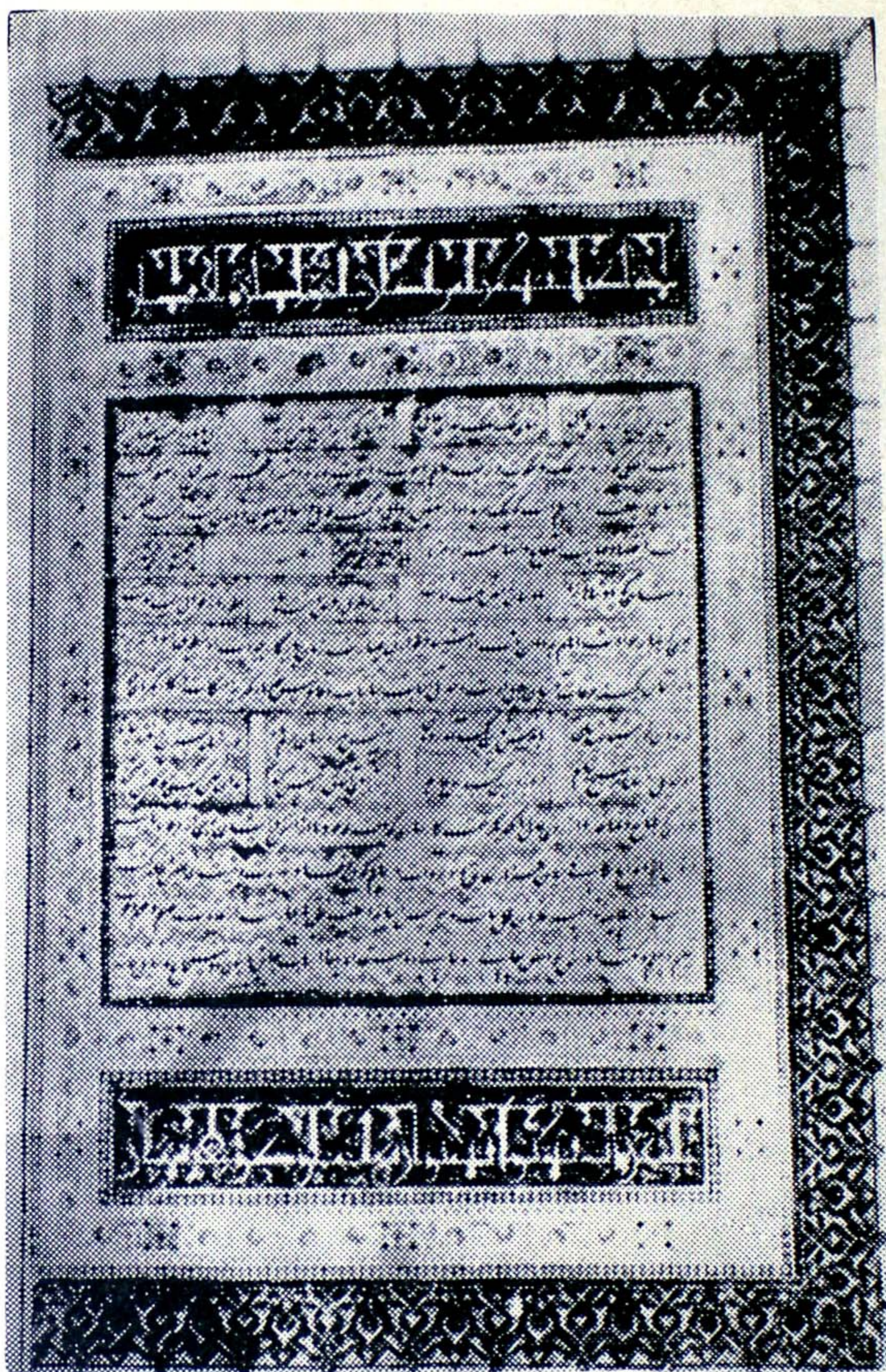
فَلَا تُؤْتُوا عَصَاكَ الْغَالِيَةَ
الَّتِي كَانَتْ أَجْرًا لِّلرِّجَالِ مِمَّا
رَبَّحُوا بِحَرْبِكُمْ لَوْلَا أَنَّكُمْ
فِيْ غَيْبٍ مِّنْ رَبِّكُمْ لَدَلَّكُمْ عَلَيْهَا

۸۳ يك صفحه از قرآن عظیم بخط ناشناخته در مشهد رضوی که دران
سوره قل یا ایها الکا فرون۔ اذا جا عنصر الله۔ تبث یدا۔ قل هو الله
احد نوشته شده است .

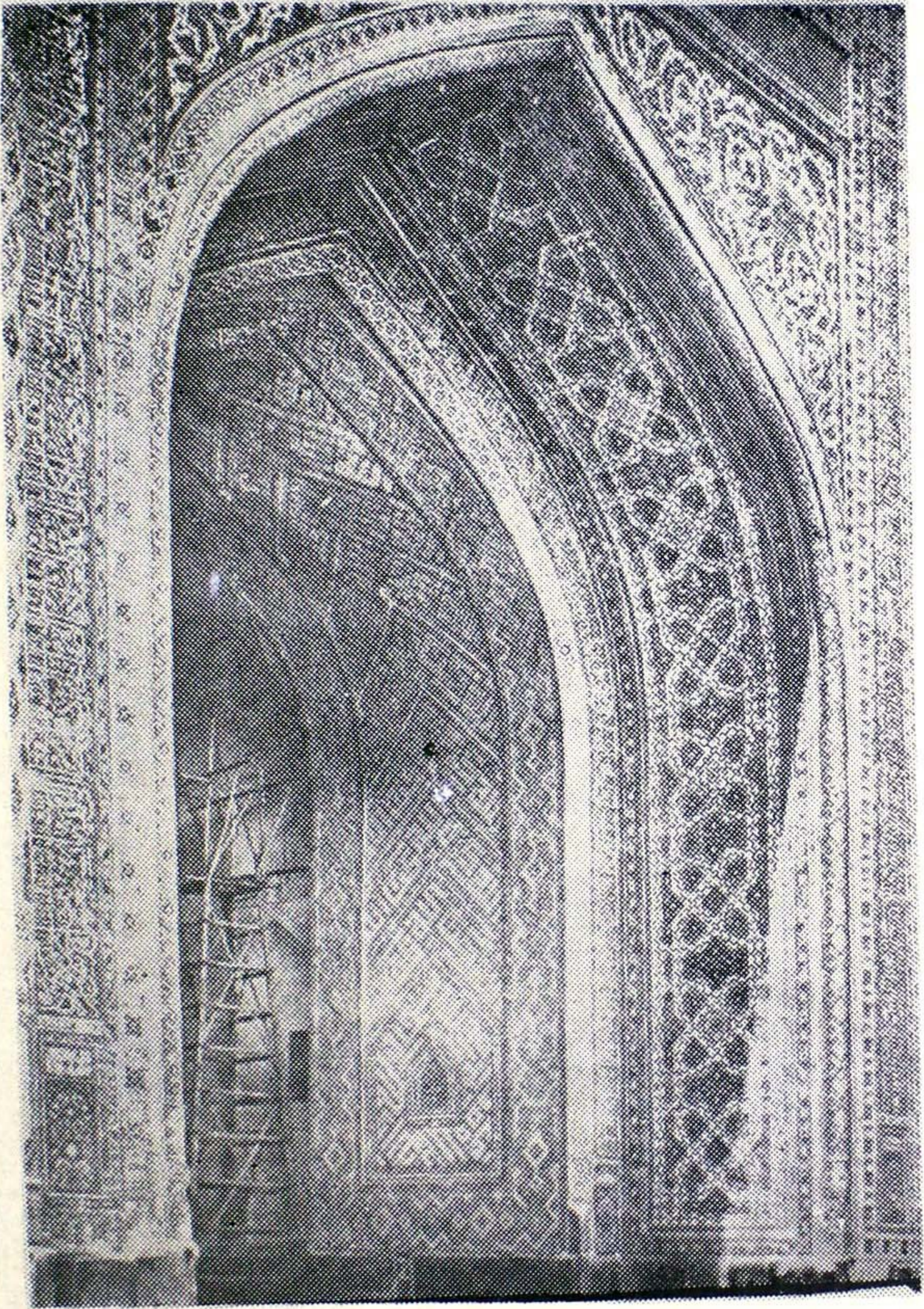
جدول مقایسوی حروف عربی و خط بابری با خط مصحف مشهد

عربی	بابری	مشهد	عربی	بابری	مشهد	عربی	بابری	مشهد
ا	ا	آ	ز	م	لا	ق	ح	آ
ب	ب	ب	س	س	ط	ک	ک	ک
ت	ت	ت	ث	ث	ث	ل	ل	ل
ث	ث	ث	ص	ص	لا	م	م	م
ج	ج	ج	ض	ض	ل	ن	ن	ن
ح	ح	ح	ط	ط	و	و	و	و
خ	خ	خ	ظ	ظ	*	ه	ه	ه
د	د	د	ع	ع	لا	لا	لا	لا
ذ	ذ	ذ	غ	غ	نا	ی	آ	آ
ر	ر	ر	ف	ف	ن			

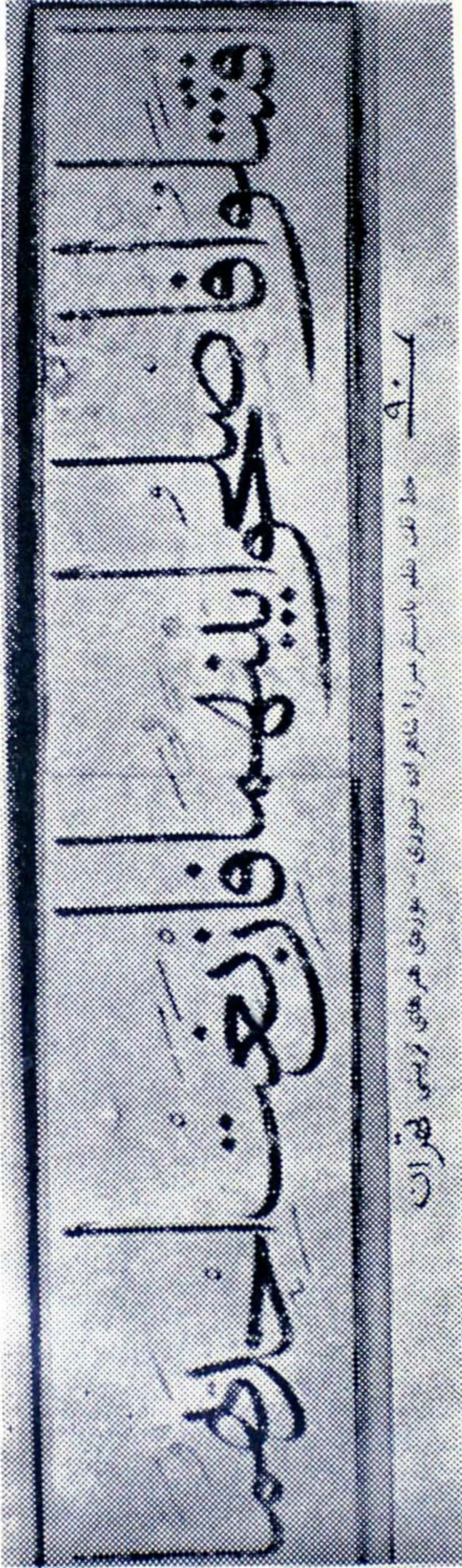
* در عکس چهار صفحه که بمن رسیده حرف ظ نیست.



۸۵ صفحه اول شاهنامه بایسنقری
۸۸۳ ق در موزه گلستان تهران
(از سروی هنر پرشیا)

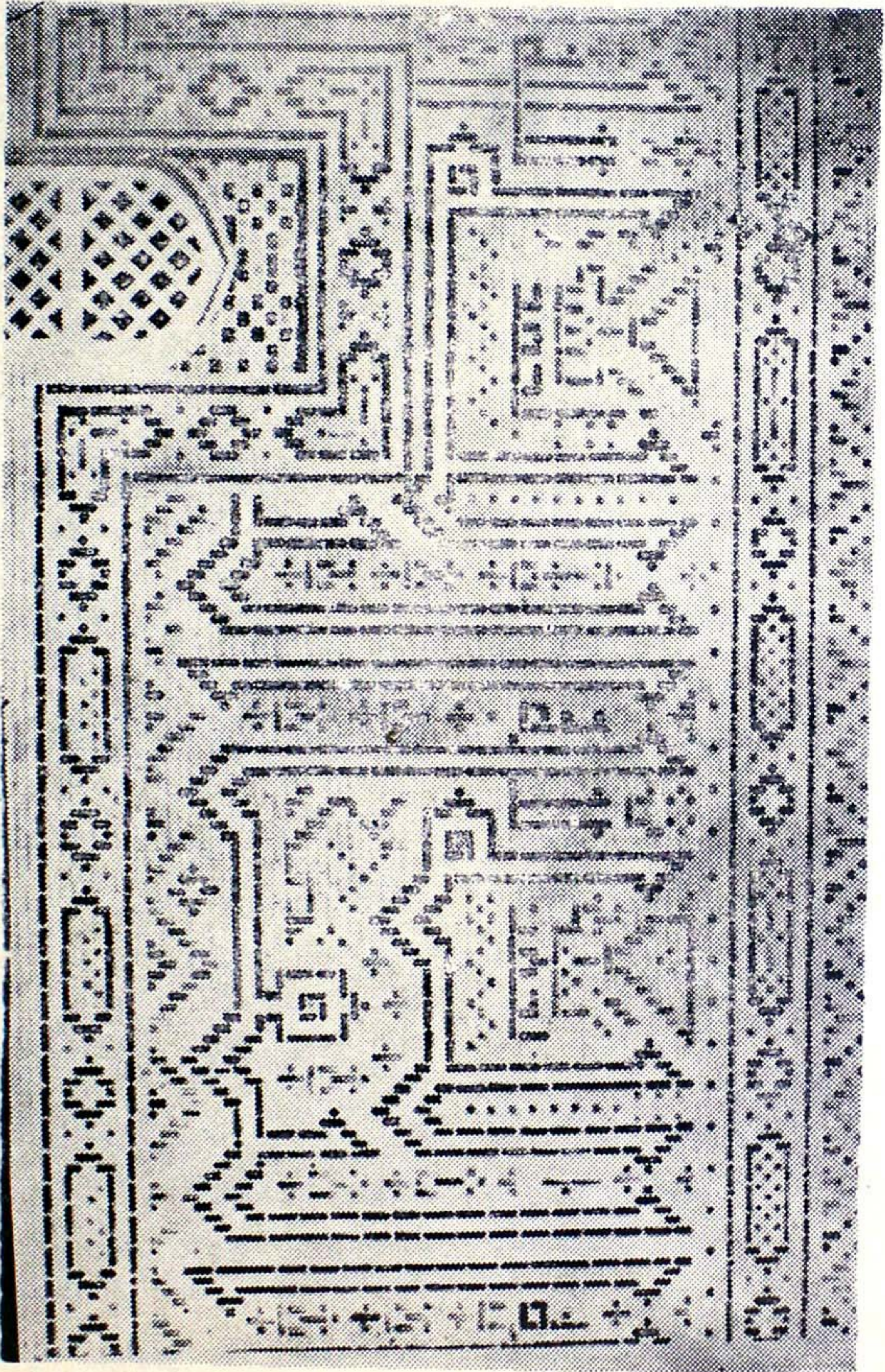


۸۶ ایوان مسجد گوهرشاد در مشهد رضوی که برپهلوی چپ آن
امضای شهزاده بایسنقر بن شاهرخ باخط او موجود است .
(از سروی هنر پرشیا)



۸۷ بقایای نقوش و خط بریکسی از دیوار های لشکر گاه بست

۸۸ خط کوفی بین خشت کاری بر گورامیر تیمود در سمرقند



۱۸۹ جسم نامدار و نبات بود همه سو ما و نبات اوسط است و ان را نام
 خانه گویند و بر او بنیاد گویند و می گویند و در آن جسم بهر سطح
 و در آن جسم یک یک است و در آن جسم بهر سطح
 و مساوی آنهاست جسم فدا دیم که جسم بهر سطح می شود که در آن
 رکن بود و بهر سطح می گذرد لکن او یک سطح دید و تصور کرد
 سطح و بیرون آن تر شود که اندکی و آب از او خارج می شود که
 و مکن مساوی در سطح میان اینان و سطح برود و لوله است که است
 و دیگر آن است که جسم چگونه باشد اگر جسم راست بود سطح راست بود که
 جسم را بود سطح که باشد **خط جیب است** و الاسط را باهاست
 ان است و با جان خطی باشد و ان خط طولی است و عرض و بعد
 که کمز باشد از بعد های سطح با جان که بعد ها سطح که کمر از بعد های جسم
 اگر سطح با جان بودی سطح بودی و مساوی آنهاست سطح نام داریم سطح
 و صورت پس از آن خط انسان بود که پس از روز شهادت است
 اب و روغن که باشد و سران خطی میان آنهاست و شاید بود
 و اگر کسی سطح را از کاغذ تصور کند هر چند که کاغذ سطح نیست و خط

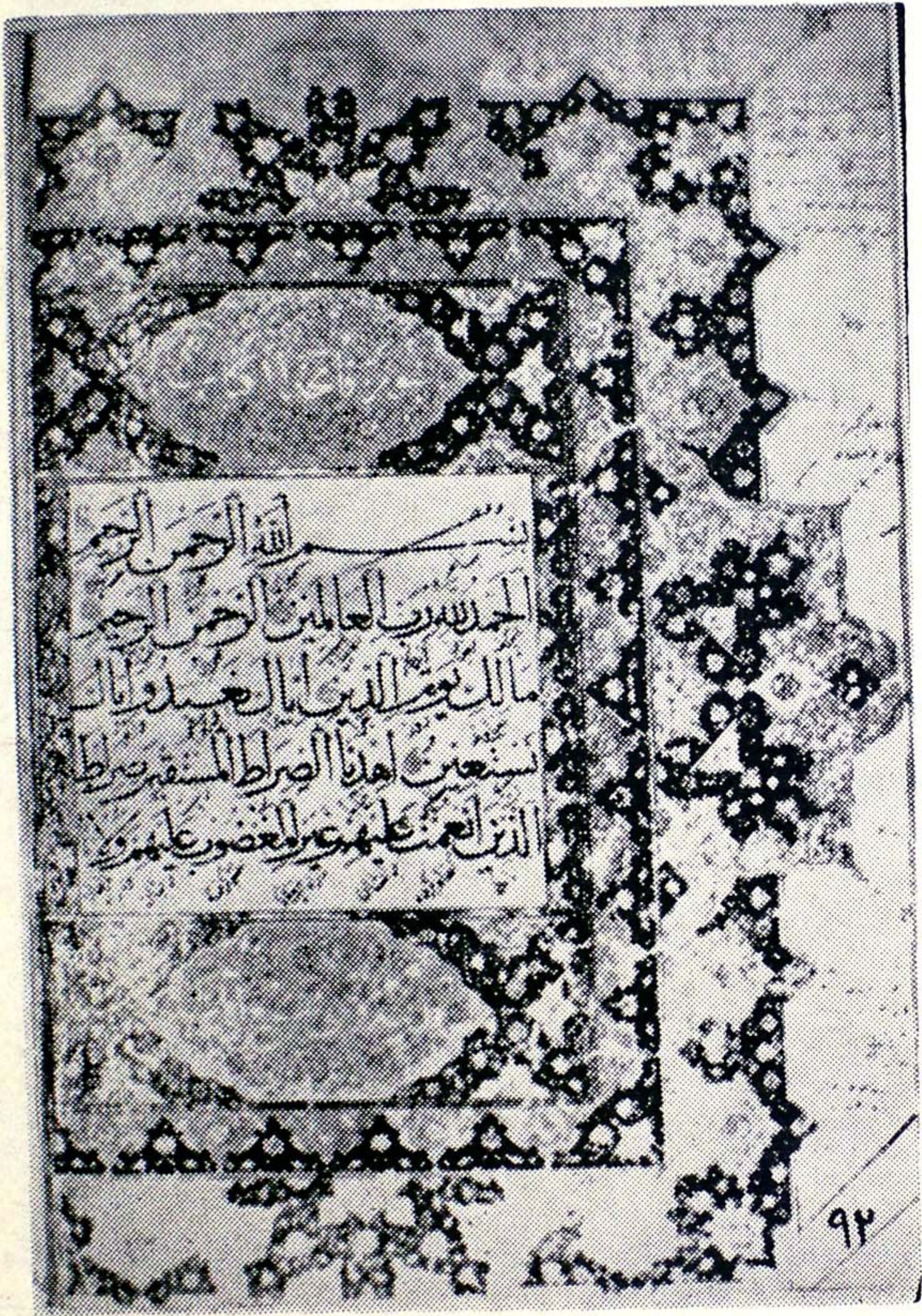
۱۸۹ امتزاج خط ثلث بانسخی در کتاب التفریم ۵۳۸ ق کتابخانه
 مجلس تهران

كَيْفَ لَنْتَنَ الْقُرَىٰ وَمِنْ حَوْلِهَا مُنْتَنًا يَوْمَ
 الْحِسَابِ رَبِّهِمْ فِيهَا رَبٌّ لَّهُمْ فِيهَا
 يُؤْتُونَهُم مِّنْ فَسْحٍ مُّطْبُوعٍ لَّيْسَ
 فِيهَا حَرٌّ مُّحَرِّقٌ وَلَا ذُلٌّ مُّذَلِّقٌ
 لَّيْسَ فِيهَا مَأْكُلٌ كَمَا فِي الْأَرْضِ
 لَئِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّآلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَنَسْفَقُنَّ
 أَهْلَهُمْ وَلَنَنصُرَنَّ الْمَنذُورِينَ أَفَلَا
 يَتَذَكَّرُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ
 فَالَّذِينَ هُمْ يُعْبَدُونَ هُمُ الْمُشْرِكُونَ
 وَلَقَدْ نَزَّلْنَا سُورَةَ الْأَنْعَامِ فِي
 نَهْجٍ مُّبِينٍ فَذَكِّرْ هَذَا الْقُرْآنَ
 لِلْعَالَمِينَ

۹۰ يك صفحه قرآن بخط بایسنقر
 میرزا اشهرزا ده هرات در مشهد



صفحة قرآن عظیم بخط ابراہیم سلطان بن شاهرخ ۸۲۷ قدر مشہد
رضوی (از گنجینہ قرآن)



صفحه اول قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید حدود ۹۰۰ ق ۱ ز
گنجینه قرآن در مشهد رضوی

قوله انما اتينا الحديد
بما نرى من مشيئة ربنا

وَاِنَّا سَوَّاهُكُمْ لَنَا وَاَوْلِيْنَا لَنَا خُلُقًا

قوله سَوَّاهُكُمْ لَنَا
خُلُقًا اَوْ حَسَبًا
وَاللَّيْسَ اِيضًا لَنَا لِيْسَ اَلْقُرْبَى

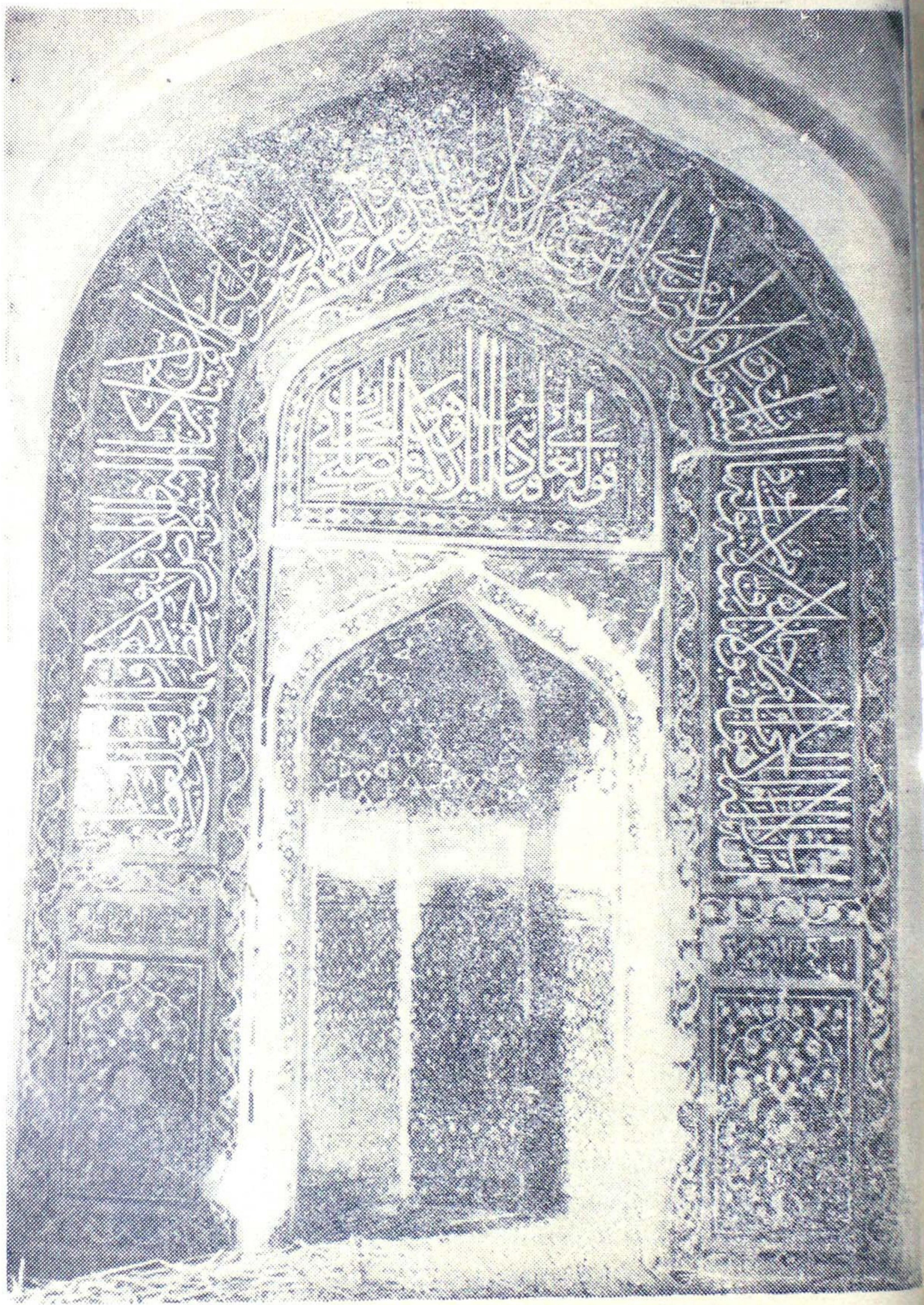
وَاِنَّا لَيَغْتَنِي الْاِطْمَاعُ مَعُوذًا اِذَا كَانَ عَوْدًا

اَوْ اِذَا كَانَ اِطْمَاعًا
مَعُوذًا مَعُوذًا

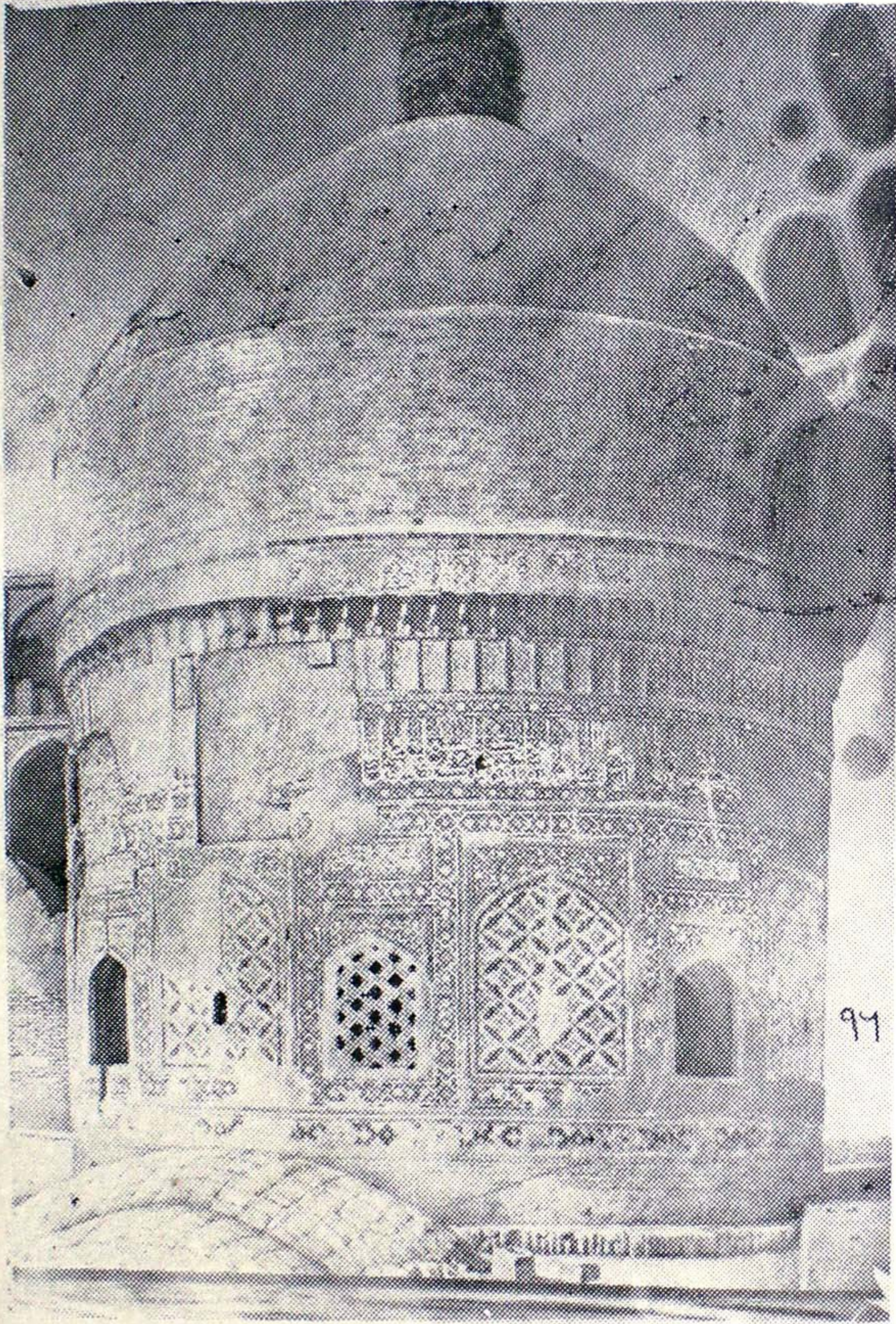
وَاِيْ مَن قَوْمٍ فَاِنِّي جَاهِلَةٌ مِمَّا كَانَتْ فِي

يَوْمَ الْحَفِيظَةِ

اَلْاَمَلِ اَتِي دِيْنِي اَزْ فَاحْتَاكُ كِتَابِيَّة



نمبر ۹۵ محراب مسجد ہرات

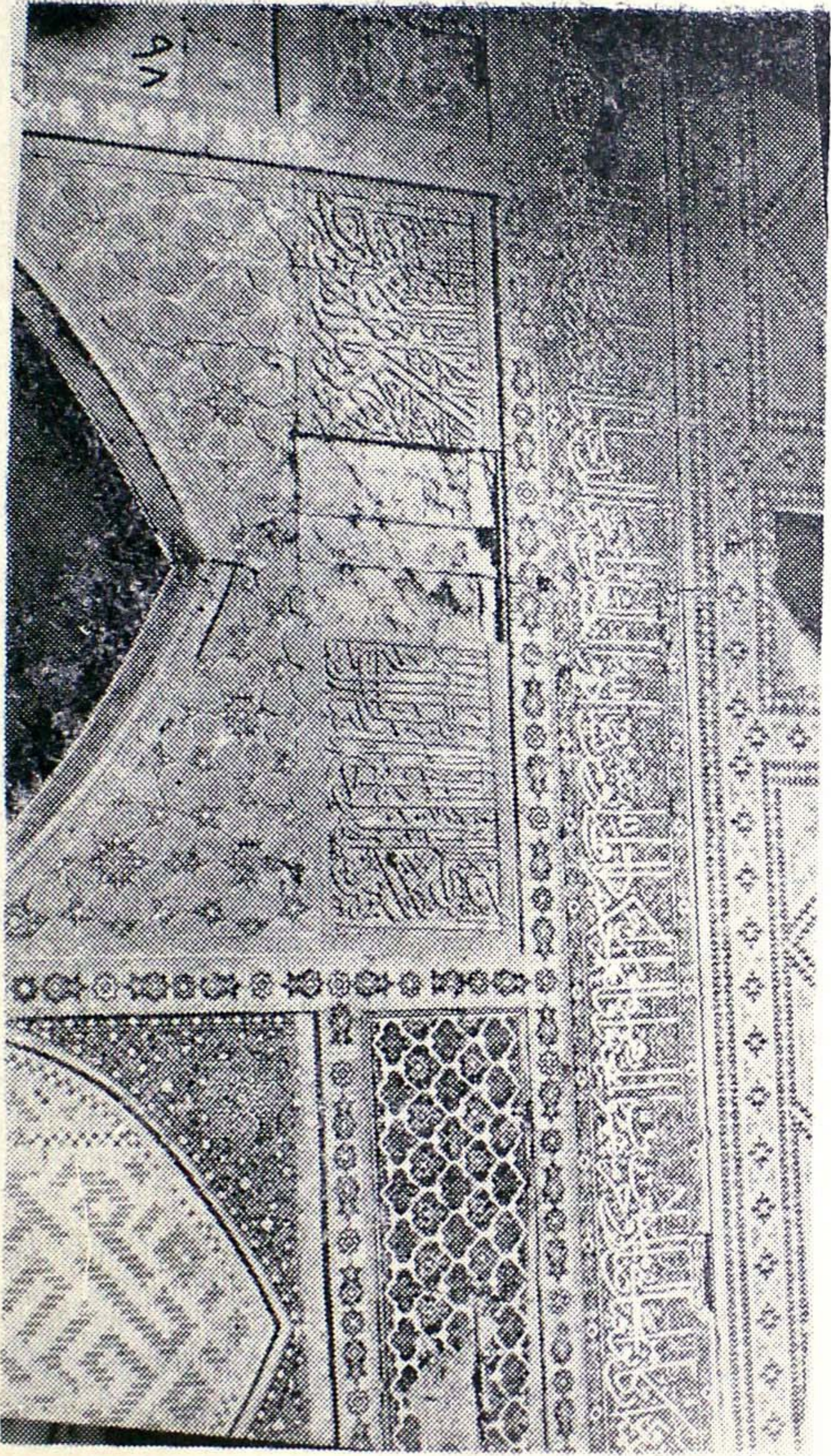


۹۶ نو شمتہ جلی مدرسہ میر عرب بخارا ۹۲۴ ق

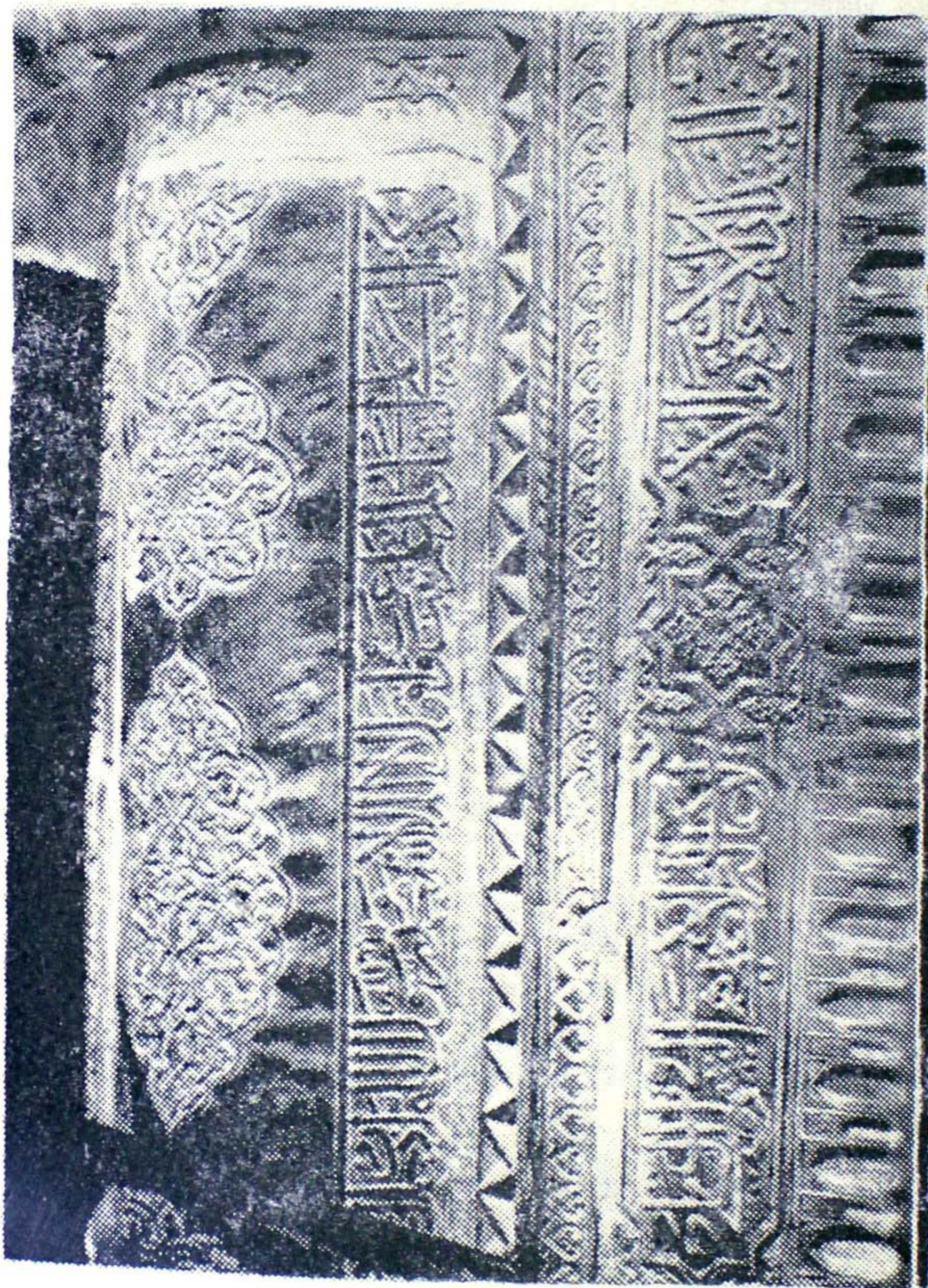


۹۷

۹۷ نمونہ خط معقلی قرن ۱۶ برطاق زہماز گاہ بخارا



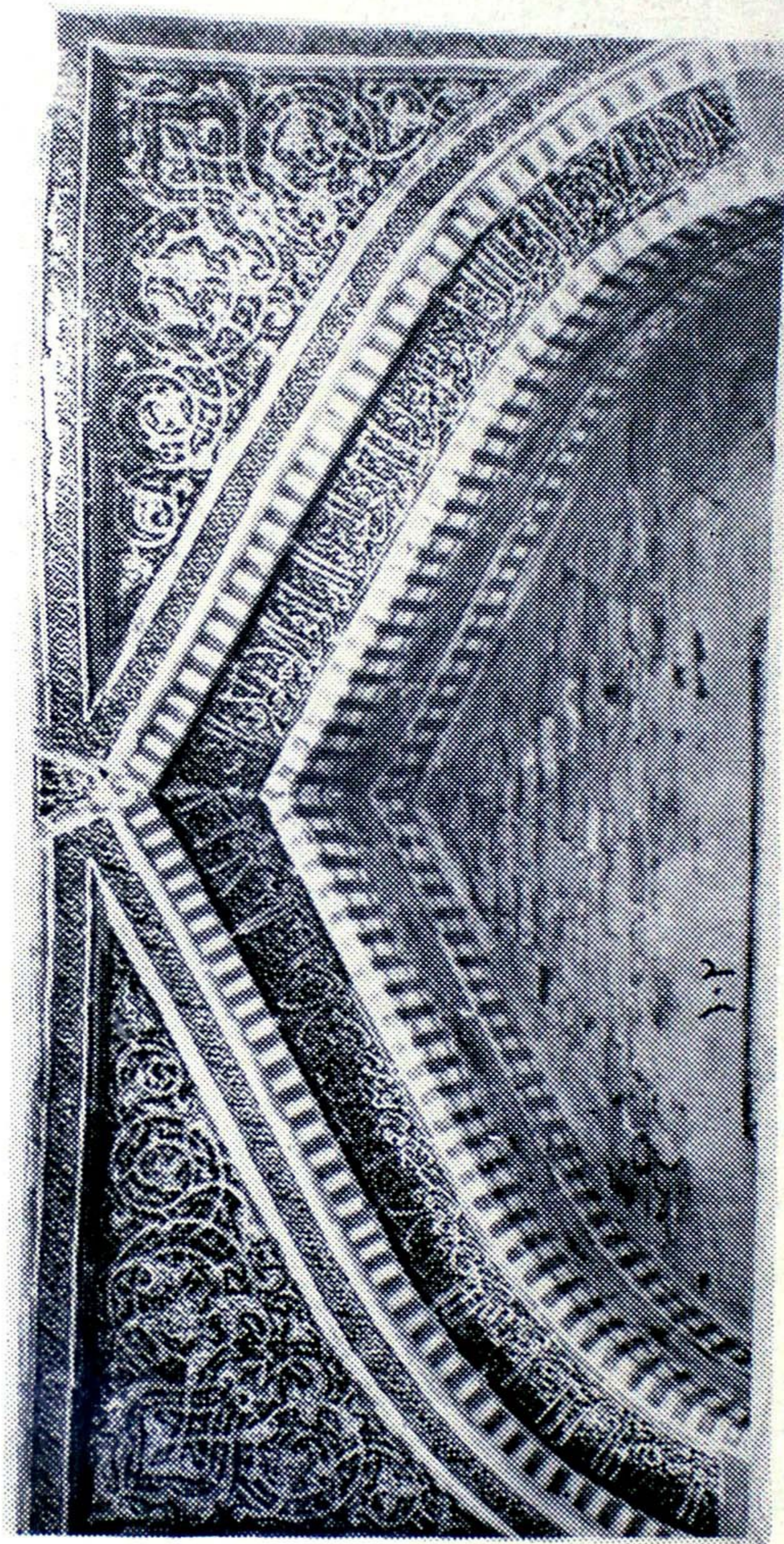
۹۸ نلث جلی مسجد بی بی خانم در سمرقند اوآخر قرن ۱۴



۹۹ کتیبه مزار حکیم تر مدی دوترمد قرن ۱۴



١٠٠ - ١٠١ شيوه ثلاث تركستاني قرن ١٦
(گنجینه قرآن مشہد رضوی)



۱۰۲ تلت متمايل به تعليق برايوان قبر بيان قلی خان در بخارا قرن ۱۴

٢٤٥

والحمد لله رب العالمين
والعاقبة للمتخير ولا عدوان الا على الظالمين
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين
الطيبين الاطهار المنتجبين
الاخيار وسلاما ليبارك
وفرح الفراع وتخريه
المعبد الضعيف المني
الى رحمة الله جل
ومناش عبد الله
في ليلة الجمعة
والثامن عشر
شعبان سنة
١٢٣٣

١٢٣

صفحة اخير طبقات الصو فيه كتابخانه نافذ پاشا استانبول

-٢٢٦-

٦٧١ ق

در بیان اعدای و بیوان اهل طریقت و تعداد اهل
 حقیقت در هیچ حالت از ما و از خان اسان بر منقطع
 نماید و ما را در دنیا و آخرت در هر حال از حضرت
 مبارک و باکران مقدر خشنود و در قیامت بگردن ما مستغنا
 گردانند تا خاک فرشته است که جواب کفر بر میسر بود شقیح خطای
 و زیادت ما باشد و دل طرا بر محبت خویش و نیز طرا بر خدمت
 دوستان خویش و آن دارا و ما را یک طرفه العین و کم از آن
 ما و خلق باز مگذار و آنچه ناکر بر دین و دنیا و آخرت ما است
 خدمت دوستی تو و حضرت رفت و محبت و ما از این دارا
 حق محمد و الله الرحمن و اعلم بالصواب و الله اعلم

هذا كتاب استكتبه العبد الضعيف
المحتاج الى رحمة الله تعالى علي بن الفاضل
الجوزي لنفسه بدو وقدم الفاضل من استكناه
 وعنه
 ١٠٤

۱۰۴ صفحه آخر اسرا رالتو حید کتابجا نه سلیم آغا استا نبول بخط
 محمد صالح در سنه ۷۰۰ ق شیوه نسخی همزوج به تعلیق



۱.۶ نمونه تعلیق خواجه اختیارهروی

ز شفا نصارت فی الروم حداد قام سیف الجندی
 وانشدنا لقت ان کان دینے قد کا کل
 ستر عریای محمدی لاکتب البحر تنبیرا
 او و عسری و تاویل لاکتب عادل تزیید
 او شاطن اشرب شویک سبحان من عرفنی فزیه

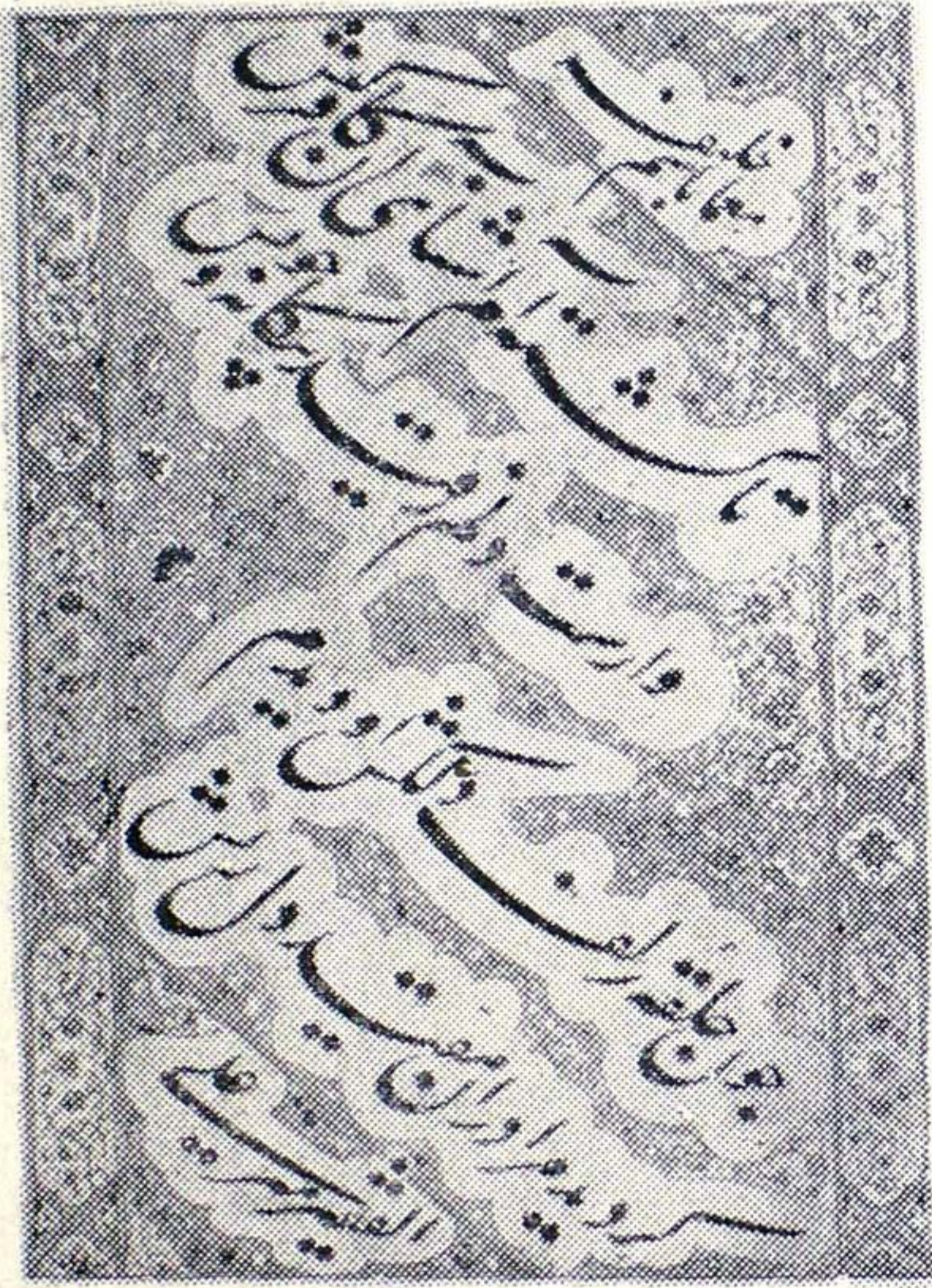
سبحان من الهمی بیک
 ثم کتاب الطبقات
 رتبه علی بد آئید الضعیف
 در ویش صورتی نوم
 تا من عریای مضان
 ۱۲۹

کتاب صفیہ اخیر طبقات
 الصوفیہ ، نور عثمانیہ استانبول

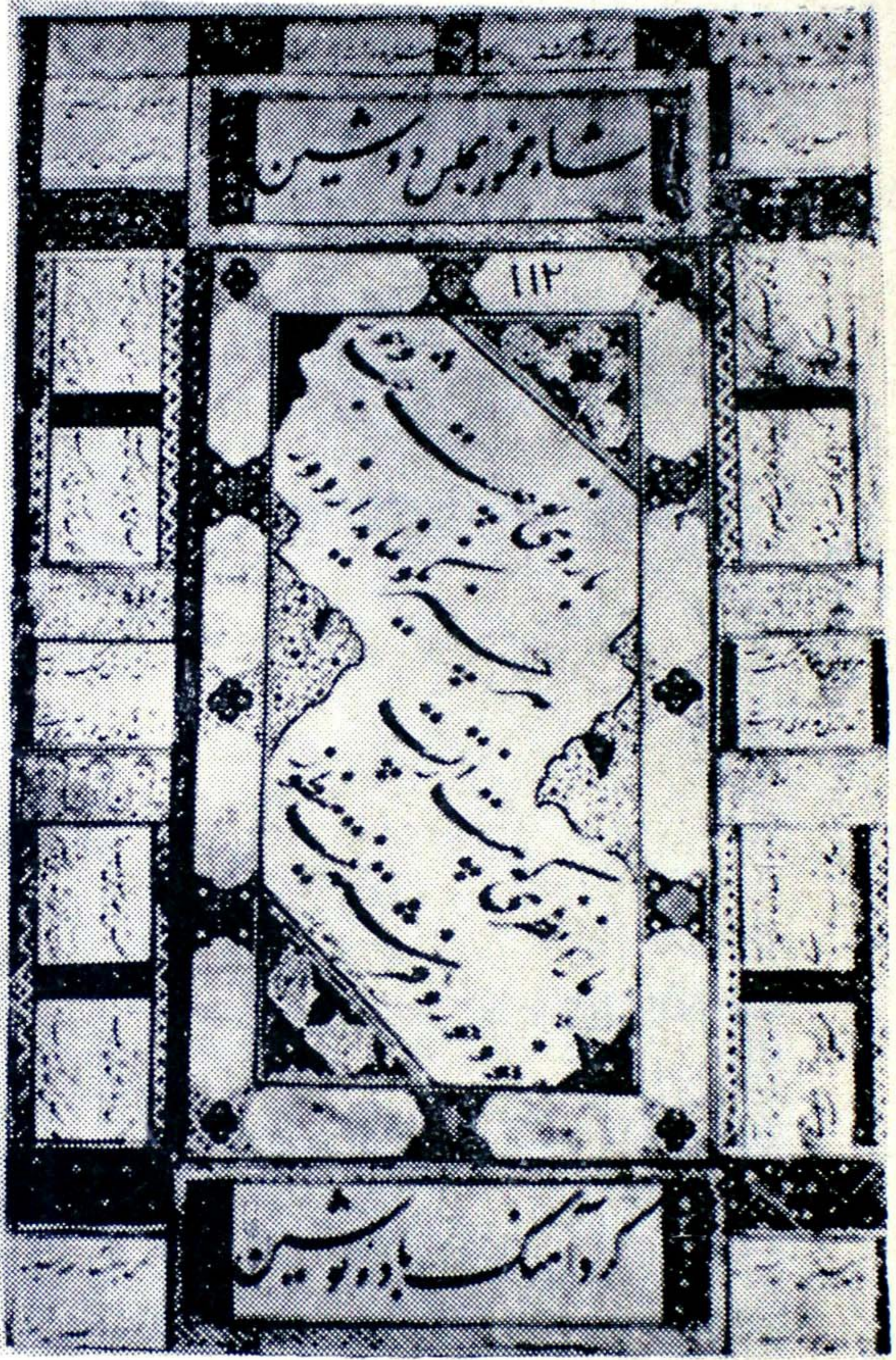


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ الْعَلِيمِ الْحَكِيمِ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ السَّمْعَ أَتَى عَلَى الْبَشَرِ لِيُحْسِنَ الْقُرْآنَ وَالْحِكْمَ وَالْحِكْمَ وَالْحِكْمَ وَالْحِكْمَ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْوَانُ وَلَا يَتَوَلَّى الْأَلْوَانُ
مَنْ أَلْبَسَ قَالَ هَذَا لَمْ يَلْبَسْ وَمَنْ تَوَلَّى قَالَ هَذَا أَلْبَسَ لَا يَلْبَسُ وَلَا يَلْبَسُ وَلَا يَلْبَسُ وَلَا يَلْبَسُ
الْشَّمْسُ وَالنَّجْمُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالنَّارُ
أَنْزَلَتْ لِيُنزِلَ فِيهَا الْقُرْآنَ وَالْحِكْمَ وَالْحِكْمَ لِيُنزِلَ فِيهَا الْقُرْآنَ وَالْحِكْمَ وَالْحِكْمَ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْوَانُ وَلَا يَلْبَسُ الْأَلْوَانُ
مَنْ أَلْبَسَ قَالَ هَذَا لَمْ يَلْبَسْ وَمَنْ تَوَلَّى قَالَ هَذَا أَلْبَسَ لَا يَلْبَسُ وَلَا يَلْبَسُ وَلَا يَلْبَسُ وَلَا يَلْبَسُ
عَنْهَا فَاصْرِخْ بِمَا كَانَتْ تَدْعُوهُنَّ لِيُنزِلَ فِيهَا
وَكُنَّ يَدْعُونَ لَهَا بِأَنْزِيلِ رَبِّهِنَّ بِالْحَقِّ أَنْزِيلِ رَبِّهِنَّ بِالْحَقِّ أَنْزِيلِ رَبِّهِنَّ بِالْحَقِّ
وَلَا تَقْضِ الْيَدَيْنِ الْيَدَيْنِ الْيَدَيْنِ الْيَدَيْنِ
أَنْزِيلِ رَبِّهِنَّ بِالْحَقِّ أَنْزِيلِ رَبِّهِنَّ بِالْحَقِّ

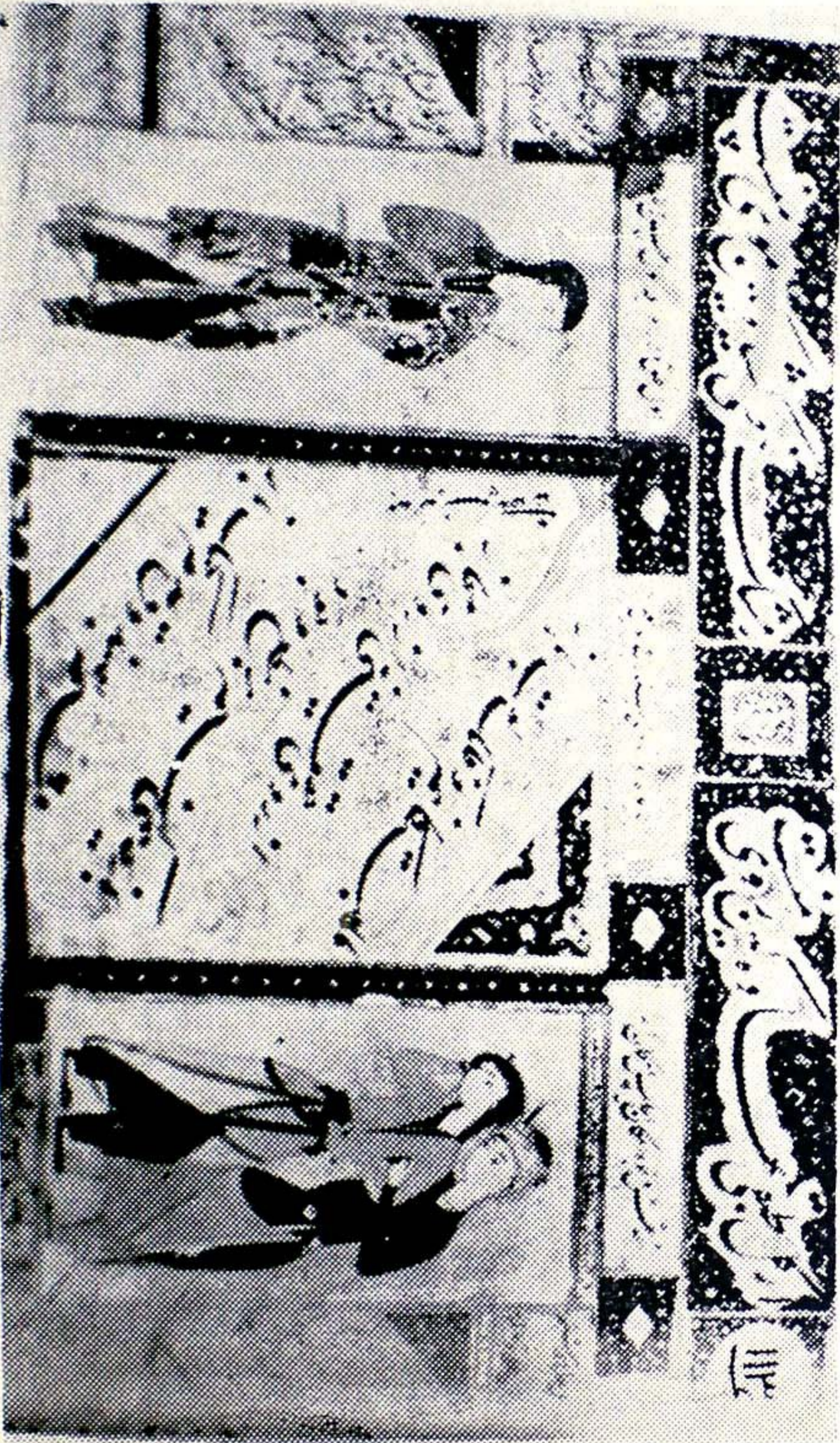
۱۰. نمونه خطوط جعفر مروی در کتابخانه ملی تهران - نسخه وریحان
(سروی هنر و شیا)



۱۱۱ خط نستعلیق میرعلی هروی



۱۱۲ نستعلیق سلطان محمد نور



۱۳ نستعلیق علی مشرہدی



۱۱۴ نستعلیق جلی حسن شاملو ۱۳۹۰ ق بر مزار خواجه عبداللہ انصاری ہرات

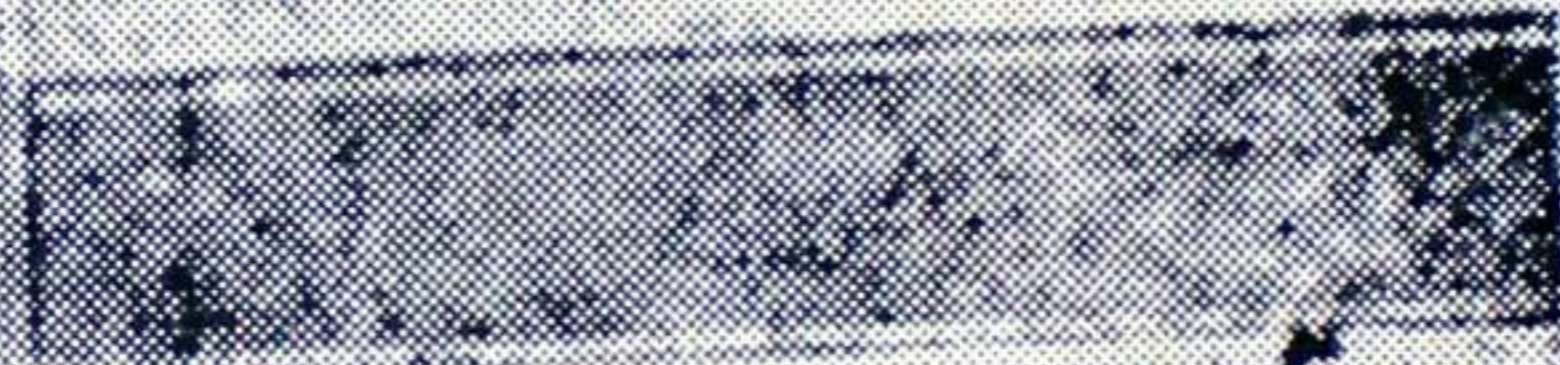


۱۱۵ يك صفحه شاهنامه هو زه گلستان تهران بخط جعفر بايسنقري
۸۳۳ق (سروی هنر پرشیا)

شیرین سحر



سحرین سحر

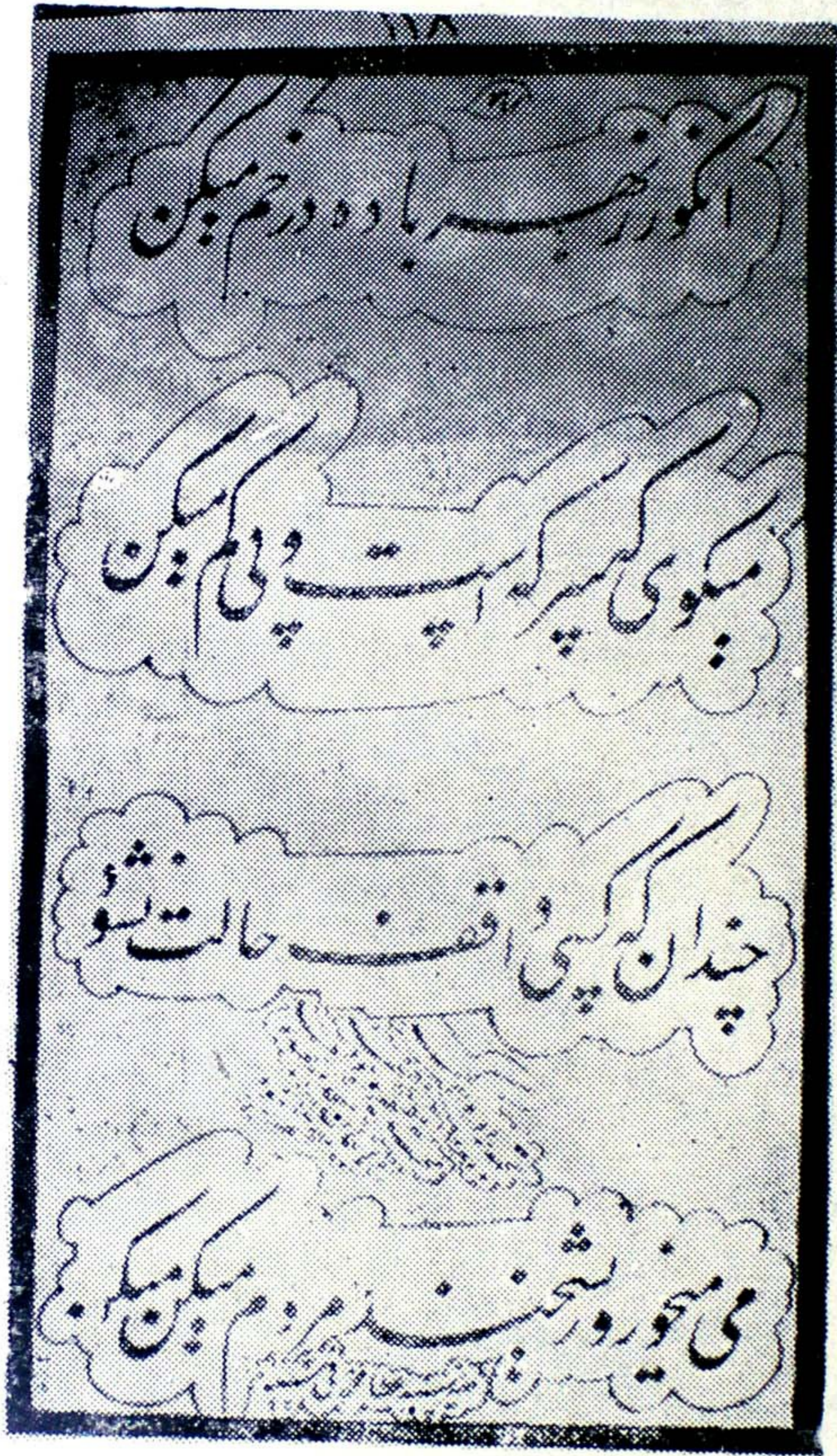


سحر سحر



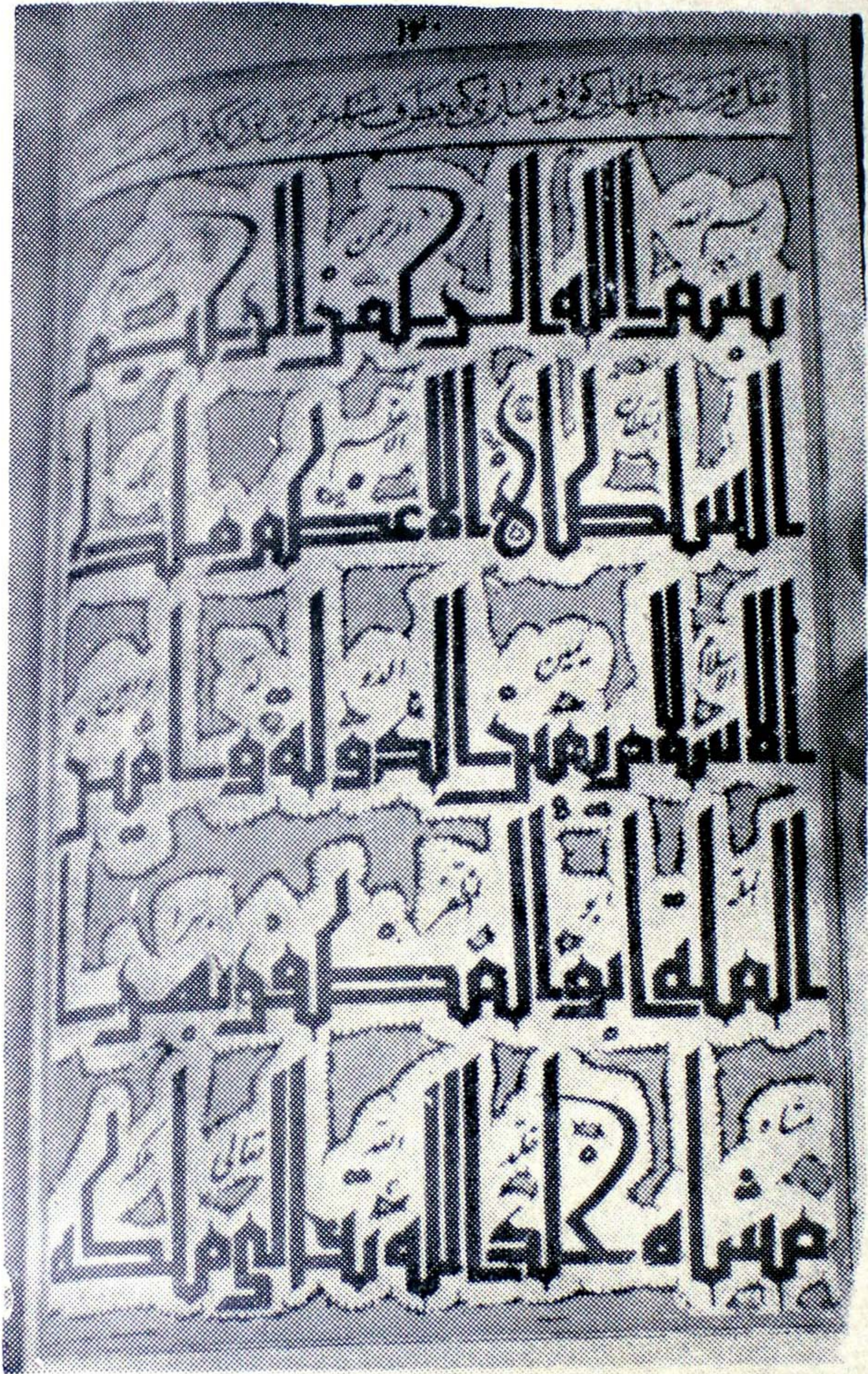
شیرین سحر

خط سکتہ درویش عبد المجید طالقائی

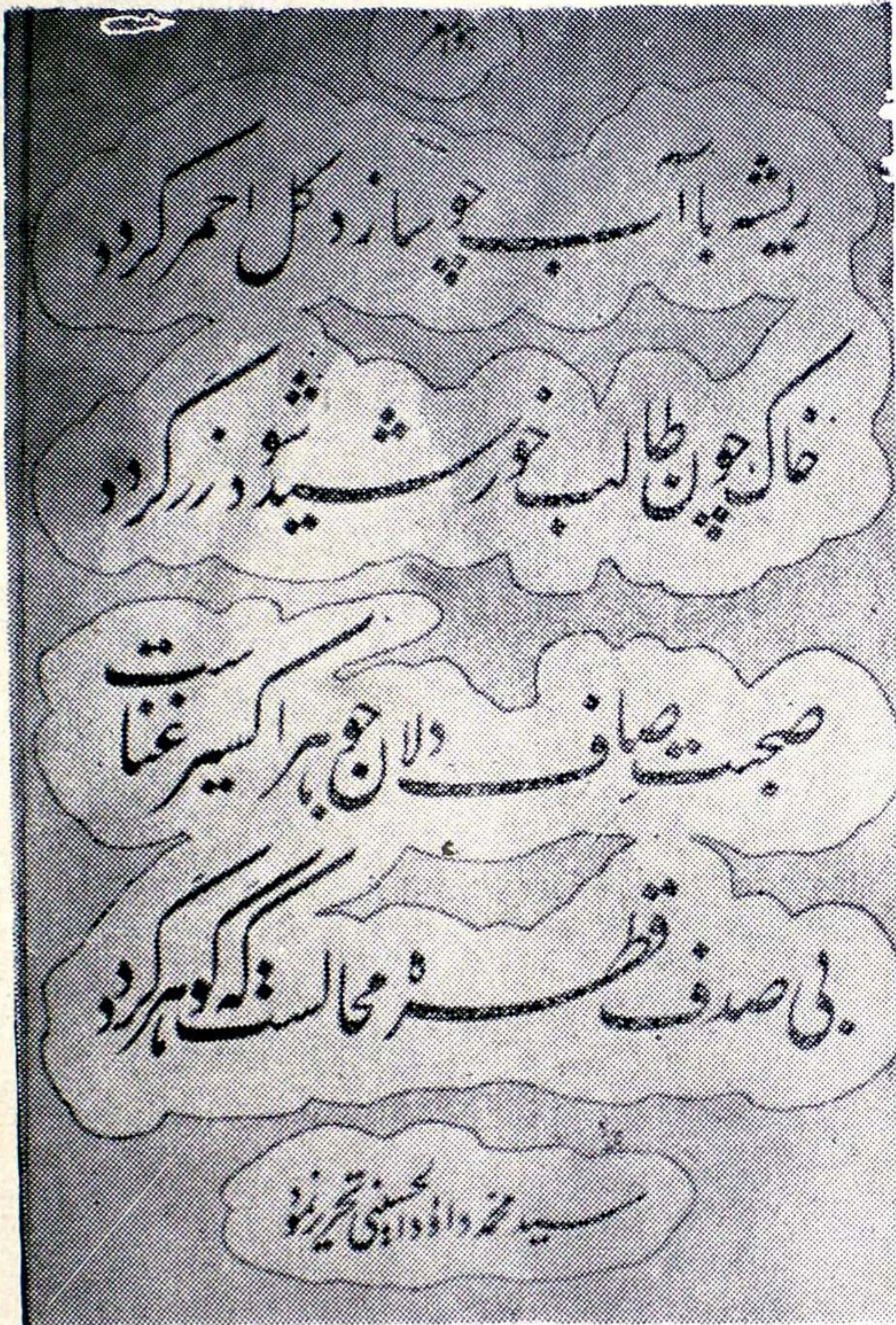


نمبر ۱۱۸





۱۲۰ نمونه خط کوفی ونستعلیق
 وثالث شیخ محمد رضا هروی ۱۳۲۶ ق



شہدائے سب کو سزا دے کل احمر کردو

خانہ چین طالبِ خورشید در کردو

صحبہ صحائف دلائل ہر کسیر عشا

بی صدف قلم محالست کہ وہ ہر کردو

سید محمد داؤد اویسی تحریر



نمبر ۱۲۲
-۲۴۵-

که پادشاه دور رس است چنان هم

غلام غلام شاه تابان هم
لوی احمد شاه بابا

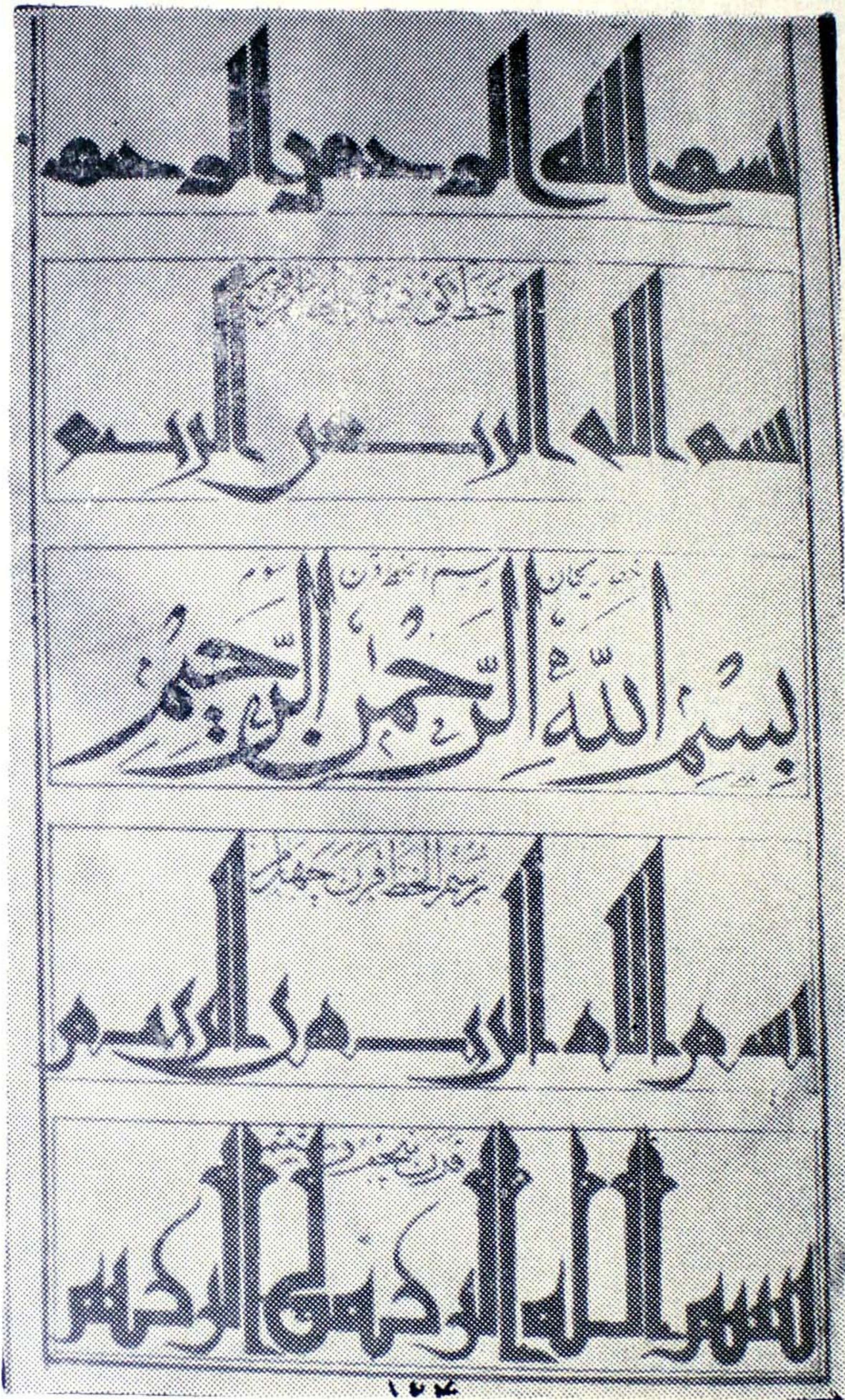
که هر چه چرخ سازد در موم

آخر مانی و خندان هم

پرویش عماد السیوفی قلمی شد

عزیز الدین وکیل و قلمزانی

۱۲۳



نمونه خطوط اخوند محمد علی هروی

بماند سالها این نظم و ترتیب

ز ما هر ذره خاک و فتنه جا

غرض نفس است که ز ما بازماند

که هستی انمی بینم بقیت
حسین و فاطماتی

شکل کنونی	در خیرالبیان	در مخزن	درخاندان خوشحالخان	امثله
ت	ت	ت	ط	غت = غط
ث	ث	ث	ج	خوک = چوک
ح	د	ح	ج	حما = دما = جما
د	د	د	د	دپر = دپر
ذ	ذ	ذ	ر	زړه = زرړه
ډ	ډ	ډ	ژ	رسيږي = رسيږي = رسيږي
ښ	ښ	ښ	ش	ښاغلی = شاغلی
ښ	ن	ن - نر	ن	رنا = رنډا = رنا

کہا کہ میں نے تم سے پہلے ہی یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں
یہ بات لکھی ہے کہ قرآن مجید میں جو کچھ ہے اس کا

یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں
یہ بات لکھی ہے کہ قرآن مجید میں جو کچھ ہے اس کا

اور جو وہ ہے اس کے لئے کہ ان کو جو کچھ ہے اس کا
یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ
یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ
یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ
یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

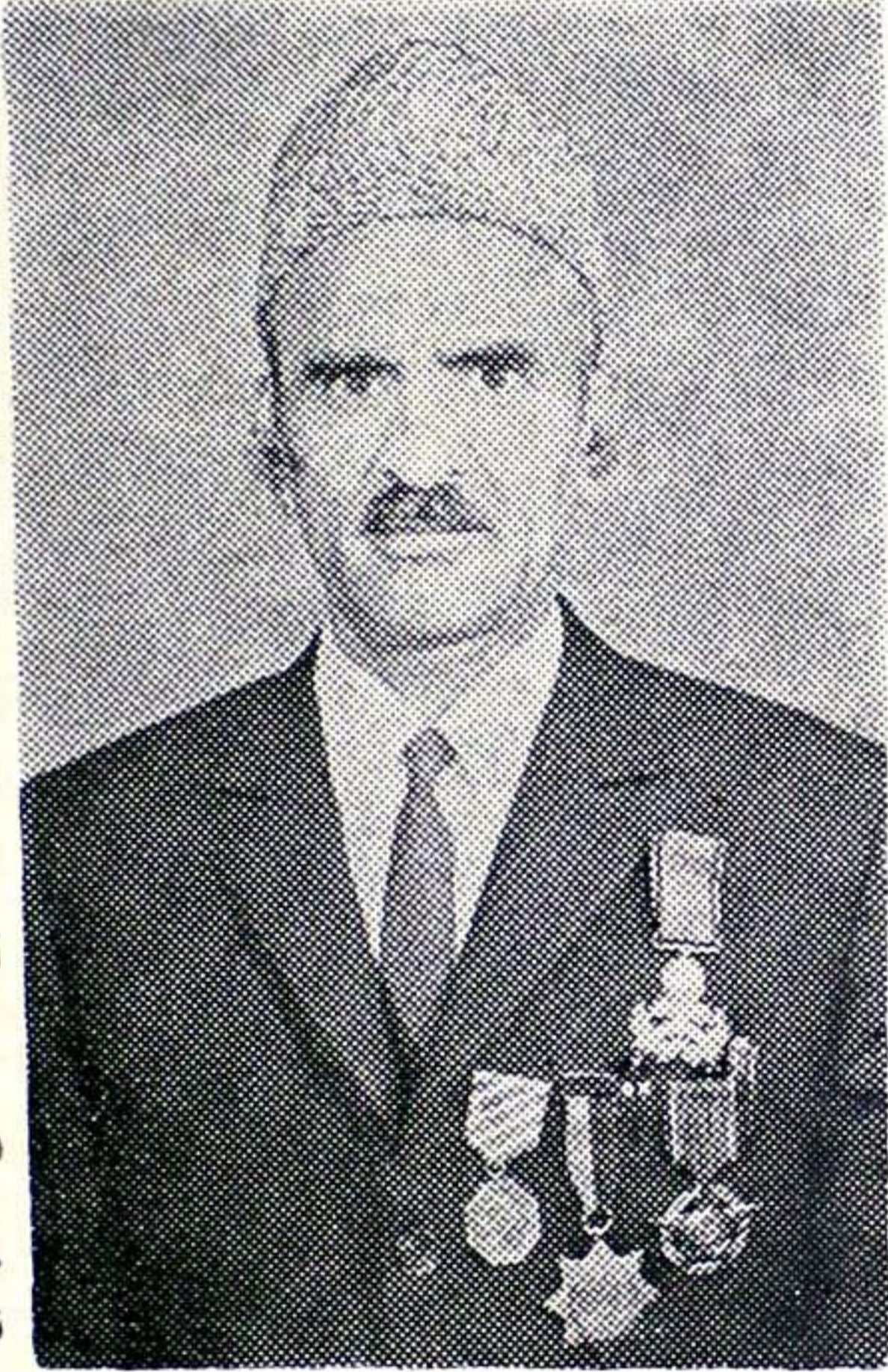
یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

یہ کتاب لکھی ہے اور اس میں یہ بات لکھی ہے کہ

نمبر ۱۲۷، عکس صفحہ اخیر نسخہ خطی خیر البیان .

خطاط معاصر

اکنون که داستان آفرینش خط را در افغانستان شنیدید و نمونه های انواع خطوط مروجه دور های تاریخی را هم دیدید ، ما خوانندگان گرامی خود را به تماشا پدید هنری خط در عصر حاضر می آوریم .
 مواریت هنری گذشتگان ما درین عصر نیز خوشبختانه زنده اند ، و ممثل بزرگ این هنر در وقت استادقادر القلم عزیزالدین فوفلزا ئی قند هاری ولد مرحوم حاجی نظام الدین خان ساکن کابل اند ، که باوجود داشتن مرتبه اولین در صف خوشنویسان این زمان ، نویسنده مورخ و شاعر نیز میباشند .



برای اینکه در پایان این کتاب نمونه های زنده هنر خطاطی را در کشور عزیز ما نشان داده باشیم ، از استاد گرامی موصوف خوا هس کردیم که نمونه های انواع خطوط خامه توانای خود را ضمیمه این کتاب فرمایند .

استاد دانشمند این خواهش ما را پذیرفته و (۳۵) قطعه از نمونه های مختلف خطوط خود را برای تکمیل و تزئین این کتاب به ما سپردند ، که با تشکر در صفحات آینده آنرا عکاسی کرده ایم ، و خوانندگان محترم دیده می توانند که فروغ هنر کهن هنوز در افق وطن می درخشد ، و کشور عبدالله مر وارید و بایسنقر و میسر عبد الرحمن و سید عطا محمد شاه از وجود هنر مندی چون استاد عزیز خالی نیست .
 خدای توانا بر برکات خامه اش بیفزاید .

سلطان عقلم و دانش، جامی که یافت خلد

از باده وصالش، ارواح قدس جامی

تاریخ فوت او را، از عقل خواستم گفت

آه از فراق جامی، آه از فراق جامی

قطعه تاریخ فوت مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی بمناسبت احتفال پنجمین و پنجاهمین سال ولادت آنجناب که در سال هزار و صد و چهل و سه ۱۳۴۳ ش در کابل برپا شد تحریر گردید .
عزیزالدین وکیلی فوفلرانی

ہر احترامہ بعالم کسب و امرکان

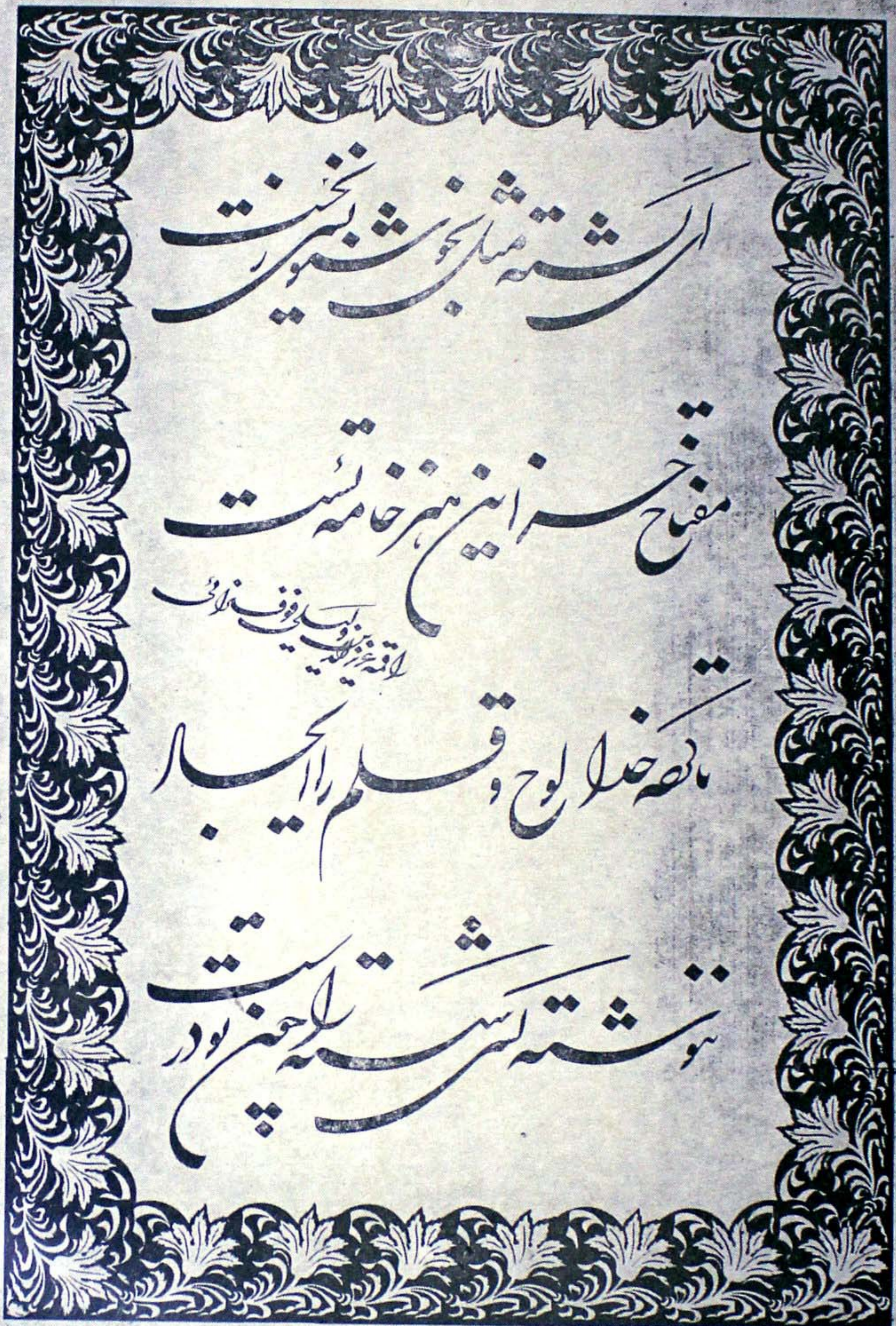
پرمقصدی داسید عبد الرحمن

ہر سہارچہ لہر کندسی لہ

پرد بسمن بی امیر و رخ و مران

بجو اب یکی از قطعات مشہور جناب سید عطا محمد خان قندھاری قلمی شد

العبد الحقیر الفقیر المذنب عزیز الدین و کبلی فوفلزائی



۳- خط توقیع از قسام شکسته نویسی خراسانی باصنعت حاشیه آن
شعر استاد خلیلی

لَا كِبْرَ فِيهِمْ مَسْتَقِيمٌ خَيْلٌ مَكَانِمْ

كَمْ خَزَانٌ رَابَعٌ رَاشِي كَمْ بَهَارٌ

لینکونکی : عزیزالدین وکیل پوپلزئی

لَا كِبْرَ وَنَهْ مَسْتَقِيمٌ خَيْلٌ مَكَانِمْ

لینکونکی : عزیزالدین وکیل پوپلزئی

كَمْ خَزَانٌ رَابَعٌ رَاشِي كَمْ بَهَارٌ

۴- نمونه خط ثلث و نسخ بسبک عثمانی شعر رحمان بابا افغان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

رشته بار چوسانو گل عمره
 چارچون طالع حور سوز
 صحر صحر چو چو
 وطن را سحر سحر تو بهر نفع

خط معقلی کوفی (۵)

خط توقیع خراسانی (۶)

آن نیمه مان که بسنوائی باید

(۷) نستعلیق

وان جامه که کو دک، کد ای بی باید

چون لذت خمیست که ایلمی را

از رباعیات خلیل الله خان خلیلی

سکر شکنی جهانگشایی باید

(۸) تعلیق

بخط عزیزالدین وکیلی فوفلرانی درانی

۱۳۴۷

بطریق کاری قلمی شریف و کرمی در لوسه صد و پنجاه هجرتی

عزیزالدین وکیلی فوفلرانی

وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْ

توکل کن بر خدا

تفسیر: شما هر قدر بنیادین را بر خدا تکیه کنید، خداوند شما را بر هر قدری که بخواهد برساند. (طبرستان، در تفسیر قرآن مجید، ج ۱، ص ۱۳۶)

۹- سطر اول ثلث - دوم نستعلیق - سوم شکسته آمیز (طرز مناشیر)

(۱۱) - تعلیق عربی که بنام دیوانی یا
خط دفتری نیز معروفست .



در بسیار از حروف
که هر یک را
چون مالک و
بن کهنه
عزالدین و غیره
۱۳۵۰

(۱۲) - توفیق مخصوص مکاتیب و
فرامین

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم اجزاءنا
وارجاسمنا
والله اعلم
بما نزلنا
والله اعلم
بما نزلنا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم اجزاءنا
وارجاسمنا
والله اعلم
بما نزلنا
والله اعلم
بما نزلنا

میرتین العلماء کشف حجاب
پارون

میرتین العلماء کشف حجاب

میرتین العلماء کشف حجاب

میرتین العلماء کشف حجاب
لطوفون

عزیز الدین کمالی وفلازانی
۱۳۴۲

۱۳۔ نستعلیق باستقبال قطعه جناب استاد میر عبدالرحمن مرحوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
 الْقُرْآنَ الْعَرَبِيَّ
 الْمُرْسَلَ
 لِيُنذِرَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا
 وَأَنَّ اللَّهَ
 سَرِيعُ الْعِقَابِ

۱۳۵۰
۱۳۹۱

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
 وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 عَمَّا يُشْرِكُونَ
 وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 عَمَّا يُشْرِكُونَ

فتم از راه کوه دحام دوم

ساده سیم خط و لغت دوم

بنام و بی بی کا مینا

صفت و همصفت دوم

لافتة و طمعة و لیب و فون و

جَاهُ قِيَصِهِ وَتَرْفِي سُرِّي

صَوَابِهِ ، مَعْرِفَتِ وَعَرَفَانِهِ

خَالِصَانِهِ بِرَبِّهِ سَعْيِ بِلَيْفِ

دَائِمًا قِيَصِهِ وَهَيْمَانِهِ

خَطُّ رَقْعِهِ بِقَامِ عَزِيزِ الدِّينِ وَكَيْيَافِ فَوْقِ لَزَائِمِ

ستاد عشق له و بنودك شوه حڪرونه
 ستاپه لاسره كښي بايل اخلی سر و نه
 كه هر حومی د دنیا ملكونه د پرشی
 زما شخه هېر نشی داستا بنكلی باغونه
 در قیب د ژوند متاع به تار په تار كرم
 چه په تور و پښتانه كا گذار و نه
 اته را سمه زړگی ز ما فارغ شی
 بی له تامی اند پښنی د زړه مار و نه
 د دهلی تخت هېر و مه چه را یاد كرم
 ز ما د بنكلی پښتو نخواستو اد غر و سر و نه
 كه تمامه دنیا یو خوانه بل خوایی
 ز ما خو خوښ دی ستا تاش دگرونه
 "احمد شاه به دغه ستا قدر هېر نكا
 كه ونیسی د تم جام جهان ملكونه

لیکونکی: عزیزالدین وکیلی پوپلزی ۱۳۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(شروع کوم، پیدنامہ) دالله چہ دیرزیات مہربان پورہ رحم لرونکی دی

أَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

تولوستائین خاص اللہ دی چہ بالونکی عالمیانو خدایو حکمت لکھن، دیرزیات مہربان پورہ رحم لرونکی دی

مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ ۝ أَيَاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

شعبت، دتولو امور، دورچی دجرادی، خائستاتہ عبادت کورو، اوخاص له تاخه

نَسْتَعِينُ ۝ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝

مرستہ غوارو، ونبیہ مونرتہ، لاره، سمد

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝ غَيْرِ

لاره، دهغو کسانوچه، انعام کری تا، پرهغوباندی، نہ

الْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ ۝ وَلَا الضَّالِّينَ ۝

لاره، دهغو بدو کسانوچه، غضب کری شوی پرهغوباندی، اونہ (لاره، دهغو بدو کسانوچه)، گراہان دی

مَنْعَزِ الدِّينِ كَمَا فَوْقَ لَهَا

۱۳۵۰ ش - ۱۳۹۱ ق

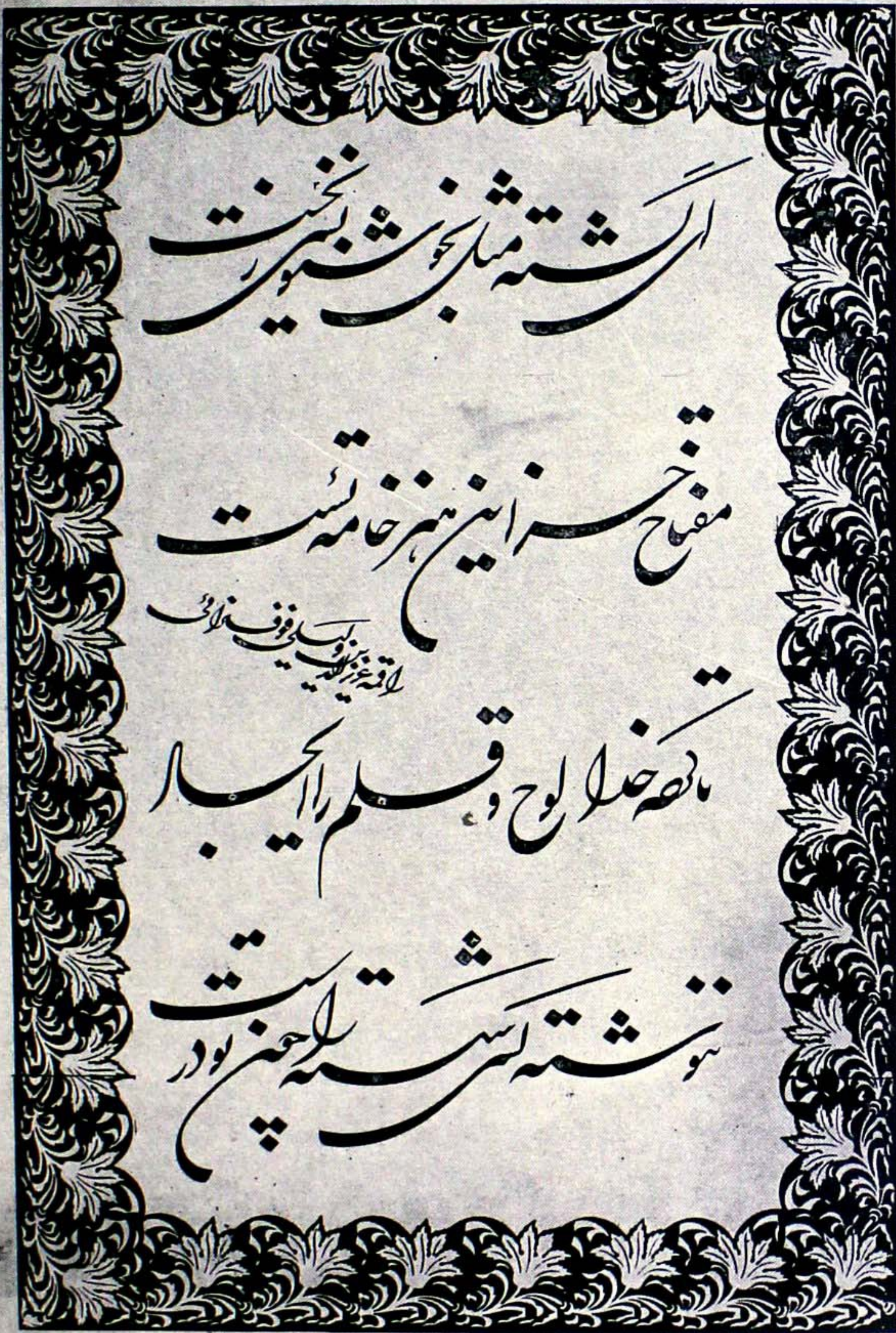
۲۰۔ خط نسخ (قرآنی) بسبک ممتاز مکتب عالی عثمانی



۲۱- خط کوفی و شکسته طرز مناشیر باصنعت حواشی



۲۲- طغرای خط دیوانی با حروف تاج و صنعت تزئین حاشیه



است مژگان بر سحر خیز

مفوح سزا این مژگان است
لا اله الا الله محمد رسول الله

ماه خلد لوح و قلم را یکبار

سوزش سحر خیز بود

۲۳ - خط شکسته. باقر نین حاشیه

بوالعالم
 قوامی ز سوزده را سپید کرد
 لطف تو ای هر چه
 با طبعی که کن
 بجز آنکه در دست
 نمود رو آمد اگر کرد
 همه که می بیند
 سیدی کور
 خط عزیز الدین وکیل و قلمزانی
 ۱۳۶۷

۲۶ - نمتعلیق شمیوه مخصوص افغانستان

۲۷- خط توفیق شمیوه خراسانی ←

درین آرزوست باد رویی

خلایق منعم کفایت رویی

پایه عارفان رویی

پایه عارفان رویی

پایه عارفان رویی

(۲۸) خط دیوانی عربی بیت پستور حنان بابا

صبحه من مع محمد با گل بو حاشا هست

بازم لنگه درین باغ لیسر چو سلفست

گنج نیده از است حکم و

بهر عانت سخن با معبود هست

عزیزه نیر اوسلی و فدا تحریک نیره

۱۳۴۷

۲۹ - يك شیوه از خط مناشیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۰- خطثلث ونسخ بر اساس استادى مکتب عالی عثمانى

دلانکه سپاسه فیتنه اعانه

که نم که سرشته به اساربه

غمه زمانه اساروبه

اولان شاطر سیکه باربه

۳۱- شمیوه مناشیر شعر استاد خلیلی

باجور سبک رساله
باجور سبک رساله
باجور سبک رساله
باجور سبک رساله

لله غفره لایله و کیمه و فخری و اولی و زلفه زنی ۱۳۵

۳۲- تعلیق سبک خراسانی

-۲۷۹-

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي جَعَلَ مِنَ
النَّارِ سَمُوكًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلنَّجْمِ كُوْنًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلْقَمَرِ نُجُومًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلشَّمْسِ كُرْسِيًّا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلْقَمَرِ كُرْسِيًّا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلنَّجْمِ كُوْنًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلْقَمَرِ نُجُومًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلشَّمْسِ كُرْسِيًّا

وَالَّذِي جَعَلَ
لِلنَّجْمِ كُوْنًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلْقَمَرِ نُجُومًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلشَّمْسِ كُرْسِيًّا

وَالَّذِي جَعَلَ
لِلنَّجْمِ كُوْنًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلْقَمَرِ نُجُومًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلشَّمْسِ كُرْسِيًّا

۳۳۳ - از اقسام خطوط کوفی

نمونه دیگر از خط تعلیق (دیوانی) عربی بقلم خطاط هفت قلمی
 عزیزالدین وکیلی فوفلزائی
 -۲۸۲-

Marfat.com

فهارس اعلام

رجال ، اماکن * ، طوایف ، قبایل ، خاندانها ،
کتب ، رسایل ، زبانها ، خطوط ، انجمنها و غیره

مرتب

حبیب الله رفیع

* نامهای اماکن توسط ستاره (*) مشخص شده است .

«آ»

- * آب ما هیان (حوض) ۲۸
 * آتن ۱۸
 آثار الباقیه (کتاب) ۷۱، ۲۶
 * آرا ۴۲، ۲۹
 آرامی (خط) ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷
 تا ۷۲، ۶۷ تا ۶۵، ۶۱، ۲۲، ۲۱، ۱۸
 . ۱۱۶، ۸۲
 آرامی (زبان) ۷ تا ۶۷، ۲۵، ۱۸، ۱۱
 آرامیان ۷
 آرت خاندان کوشان (کتاب) ۴۲
 * آریانا ۷۱ (نیز رك : آریانه)
 آریانا (مجله) ۱۱۴، ۱۷، ۱۰، ۵
 آریین ۱۵
 * آریانه ۵۸، ۵۴، ۲۵، ۲۱، ۱۴، ۲، ۱
 . ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷
 آریانه انتیکوا (کتاب) ۲۸، ۲۵، ۲۱
 * آریانه ویجه ۲
 آریایی ۱۱۶، ۹۰، ۷۷، ۷۱، ۲
 آرس ۲۳
 * آستان رضوی مشهد ۱۱۰، ۹۵
 * آستان قدس مشهد (رك : آستان
- رضوی) ۱۰۵
 آستان قدس (نامه) ۱۰۳، ۱۰۲
 * آسیا ۷، ۳، ۲
 * آسیای میانه ۹۶، ۹۳، ۹۰، ۷۱، ۱۶
 . ۱۰۸، ۱۰۴، ۱۰۰
 * آشور ۷۴
 آشور بانپال (کتابخانه) ۷۴
 آشوری (خط) ۷
 آشوری (زبان) ۷
 آشوریان ۷
 آشوکا ۹ تا ۲۷، ۲۲، ۱۸، ۱۷، ۱۳
 . ۶۱، ۴۷، ۳۷
 * آکسفورد ۵۰، ۲۵
 آل بانیجور ۸۸، ۶۹
 آل طا هر ۸۸
 آل فر یغون ۸۸
 آل کرت هرات ۱۰۱
 * آمو ۲۱، ۱۸
 آنده ۳۸
 * آی خانم ۱۸، ۱۷، ۱۵
 * آیر لیند ۹۲، ۵

«الف»

- ابراهيم سلطان ابن شاهرخ ۱۰۶،
 ۱۰۷ .
 ابن درستويه ۹۱،۹۰ .
 ابن طيفور احمد بن ظاهر ۸۱ .
 ابن قتيبه ۹۱،۹۰ .
 ابن مقفع ۹۰ .
 ابن نديم ۷۶،۷۷،۸۱، تا ۸۴،۸۶،
 ۹۰،۹۵ .
 ابنيه وآثار تاريخي اسلام در اتحاد
 شوروي (كتاب) ۹۵ .
 ابوالبركات رازي ۹۵ .
 ابوالحسن عراقي ۹۳ .
 ابوالعباس الوليد بن عبدالملك
 خليفه اموي ۸۴ .
 ابوالعلاء (شيخ) ۱۰۱ .
 ابوالفضل ۱۰۲ .
 ابوالفضل بن عميد ۷۶ .
 ابوالفضل علامي ۱۱۰ .
 ابوالقاسم منصور بن محمد هروي
 ۹۵ .
 ابوالمعاني محمد بن عبيدالله ۹۳
 ابوالوفا ۱۱۰ .
 ابوبكر (رضي) ۸۳ .
 ابوبكر الصولي ۹۱ .
 ابوبكر بن احمد بن عبيدالله
 الغزنوي ۹۶ .
 ابوبكر عتيق بن محمد بن خسرو
 ۹۹ .
 ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن
 ۲۸۵-
- محمد ۹۸ .
 ابو سعيد ميرزا ۱۱۰ .
 ابو سليمان ۷۶ .
 ابو سهل بن نو بخت ۷۶ .
 ابو معشر بلخي ۷۶ .
 ابومنثور ثعالبی ۷۵ .
 ابو نصر احمد (امير) ۶۹ .
 ابو نصر محمد بن فریغون ۸۸ .
 ابو يعلى حمزه حسن ۸۳ .
 ابهي دهرمه ۷۹،۲۸ .
 ابهي ساره پرسته ۴۳ .
 ابی منصور بختگین ۹۳ .
 * اتحاد شوروي ۱۶ .
 * اتره فل گونه ۴۸ .
 * اتك ۲۹،۳۱،۶۴،۹۸ .
 اتهر ۳۱ .
 احمد بن ابو خالد احوال ۹۱
 احمد بن اسد ۸۸ .
 احمد بن اسماعيل ۸۸ .
 احمد بن جعفر بن احمد ۸۸ .
 احمد بن خالد احوال (رك): احمد
 بن ابو خالد احوال ۸۶ .
 احمد بن محمد بن احمد ۸۸ .
 احمد بن محمد بن خلف ۸۸ .
 احمد هروي ۱۱۱ .
 احمد يسوي (خواجه) ۱۰۶ .
 اخبار خراسان (كتاب) ۸۲ .
 اخبار ماوراء النهر (كتاب) ۸۲
 اختلاف الزيجه (كتاب) ۷۶ .

* اسکندریه ۷۶ .
 اسلام (دین) ۱، ۳، ۴، ۱۷، ۲۸، ۴۴،
 ۴۸، ۵۳، ۵۸، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱،
 ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵،
 ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵،
 ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۱۸ .
 اسماعیل بن احمد ۸۸ .
 اشکانیان ۶۵، ۷۵، ۷۷ .
 اشکانیان (کتاب) ۷۷ .
 اشک بلخی ۶۵ .
 * اشغر ۳۲، ۳۸ .
 اشوغه ۱۸ .
 * اصفهان ۸۵، ۹۳، ۱۰۴ .
 اظهر (مولانا) ۱۱۲ .
 اغو شمريک ۷۲ .
 افشین ۷۸، ۷۹ .
 افغانان ۱۱۶ .
 * افغانستان ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹،
 ۱۲، ۱۴، ۱۶ تا ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳،
 ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷،
 ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴،
 ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲،
 ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰،
 ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸،
 ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶،
 ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳،
 ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱،
 ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸،
 ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴،
 ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰،
 ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶،
 ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱ .
 افغانها (نیز رک : افغانان) ۸۰ .
 افغانی (رک : پښتو) ۱۱۹، ۱۲۱ .
 افلاطون ۱۸ .
 * اکادیمی اوزبک ۱۰۲ .
 اکبر نامه ۱۰۲ .
 اکشه بیکه ۳۵ .
 * اکوره ختک ۱۲۰ .
 آگاتم و کلیس ۱۲ .

اختیار هروی (خواجه) ۱۱۰ .
 * اخمیم سعید مصر (کلیسا) ۸۳ .
 اخوند درويزه ۱۲۰، ۱۲۱ .
 ادب الكتاب الصولی ۸۶، ۹۱ .
 * اراکوزیا ۲۳، ۴۴ .
 ارتبان ۶۵ .
 ارداویرا فنامه (کتاب) ۷۵ .
 اردشیر بن دیلمسپار قطبی ۹۴ .
 ارساس ۶۵ .
 ارسطو ۱۸، ۲۰ .
 ارشک ۶۵ .
 * ارغسان قندهار ۱۱۸ .
 * ارغنداب ۹، ۱۰، ۱۸، ۲۱، ۲۳،
 ۶۹ .
 * ارمن (ارمنستان) ۷۷ .
 * اروپا ۲، ۴، ۹۲، ۱۲۱ .
 ارهت ها ۴۶ .
 ازیس ۳۰، ۴۱ .
 ازیس اول ۸ .
 * اسپانیا ۹۲ .
 * استانبول ۱۰۹، ۱۱۱ .
 * استخر پارس ۹۳ .
 اسحاق راهب ۷۶ .
 اسد خان ختک ۱۲۰ .
 اسدی طوسی ۹۴، ۹۸ .
 اسرار التوحید (کتاب) ۱۰۹ .
 اسرائیل و لفسون (دکتور) ۶۸،
 ۸۳ .
 اسروشنه ۷۸، ۸۸ .
 اسکندر رومی ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰،
 ۷۵، ۷۶، ۷۷ .

- * انجمن تاریخ (افغانستان) ۵۸ .
- * انجمن شاہی آسیائی بنگال ۲۴ .
- * اندراب ۸۸، ۶۹ .
- * اندوس ۱۲ .
- اندیا آفس لندن (کتابخانہ) ۹۹ .
- انصاری (خواجہ عبداللہ ، رک :
- پیر ہرات) ۱۱۱ .
- * انگلستان ۹۲، ۹۶ .
- انگلیس (ملت) ۳۰ .
- انگلیسی (خط) ۱۱۷ .
- انگلیسی (زبان) ۱۶ .
- انند پالہ ۷۸
- * اوبہارہ ۴۰
- اوت ۷۲
- * اورامان ۷۷
- * اورگنج ۱۰۳، ۱۰۲
- اورل ستین ۴۰، ۵۰
- اورو موجہ ۳۹
- اوزاھاریس نیتی ۷۵
- * اوز گند ۱۰۸
- * اوسلو (یونیورسٹی) ۲۵
- اوستا (کتاب) ۷۷، ۷۵، ۶۷، ۲، ۹۰
- اؤفا ۹۲
- اوگرہ بوت ۷۸
- اولہ وردہہ ۴۱
- اولد پرشن (کتاب) ۱۱۷
- اولیا کہ کو سولو کہ ۴۶
- اوی جیتہ سنہا ۵۰
- اویس ۲۳
- اویدا ۳۱
- ایاز ۳۰
- * اگروور ۴۱ .
- اگی سالا ۴۲ .
- اگی سیلوس ۴۲ .
- اگی شلہ ۴۲ .
- الابنیہ عن حقایق الادویہ ۹۴، ۹۸ .
- البدو والتاریخ ۹۳ .
- البلادری ۸۵، ۹۰ .
- البیرونی ۱۰۶، ۷۸، ۵۷، ۲۶ .
- الپتگین ۸۸، ۶۹ .
- التفہیم ۱۰۶، ۷۱ .
- التنبیہ والاشراف ۹۴، ۷۵ .
- الریاسی (خط) ۹۱، ۸۶ .
- الصولی ۹۱، ۹۰ .
- العربی ۶۳، ۲۲ .
- الغبیگ ۱۰۶ .
- الفہرست (کتاب) ۸۱، ۷۷، ۷۶ ،
- ۹۱، ۹۰، ۸۶، ۸۵، ۸۳، ۸۲
- انکسندر برنس ۶۴ .
- المختصر من کتاب الوقف ۹۹ .
- المعتمد (خلیفہ) ۹۱ .
- النہمطان (کتاب) ۷۶ .
- الوثایق السیاسیہ ۸۳ .
- الہلال (مجلہ) ۸۳ .
- * الی شنک ۶، ۴ .
- الیاس ۶۹ .
- * امب ۳۱ .
- امرای پارس ۱۰۱ .
- امری القیس ۸۳ .
- * امریکا ۱۱۷ .
- امویان ۸۷، ۷۷، ۷۰ .
- انتی ماکوس ۱۲ .

ایران شهر (مجله) ۸۵	ایاس ۳۰
ایزو قراطیس ۱۸	ایاسه ۴۱،۳۰
ایست ایندویست (مجله) ۵	ایاسیه که موی (ملکه) ۳۷
ایس - کی (رک: کتاب خروشتی)	* ایبت آباد ۳۷
۲۶	* ایتالیا ۹۷،۹۲،۵
ایشوه رکه ۴۶	* ایدک ۶۳،۵۷
ایمن نوبخت ۵۵	* ایوه ۳۳
اینته وهریا ۴۶	* ایران ۷۴، ۶۹، ۶۵، ۵۳، ۲۳، ۲، ۷۶، ۷۷، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲
ایندره ۴۱	ایران از آغاز تا اسلام (کتاب) ۷۷
ایندره دیوه ۴۰	
ایندره شینه ۴۵	
ایو کراتید یس ۲۲	

• • •

«ب»

* باکو ۱۰۲،۹۲	بابر ۱۷، ۱۰۳
* بالا حصار کابل ۱۲۲	بابرنامه ۵۷
بالی کینه ۴۷	بابری (خط) ۱۰۳، ۱۰۲
* بامیان ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۷۹، ۸۰	* بابل ۱۲، ۱۴، ۷۴
۸۱، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰	بابلی (یان) ۸
بایزید انصاری ۱۲۰، ۱۱۹	* باجور ۲۹
بایسنغر شاهرخ ۱۰۷	* باختر ۲۰، ۱۵، ۱۴، ۲
بایقرا (سلطان) ۱۱۲	باختری (زبان) ۵۳
* بتکره ۴۹	باختری یونانی (شاهان) ۱۵
* بخارا ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۰	* بادلیان اکسفورد ۹۹
بختی شوع ۱۱۱	بارک خان ۱۱۸
بدیع الزمان ۱۰۶	بارکزایی ۴
براهمی (خط) ۲۲، ۲۱، ۱۳، ۱۲	باستانشناسی شو روی (مجله)
۲۴، ۲۸، ۴۷، ۶۱، ۸۲	۸۸
* برتانیه ۶۹، ۲۶	* باغ شاهی ۲۸
بردی (اوراق) ۸۹، ۸۴، ۷۴	* باغ عدنانی هرات ۱۰۵

* بلخ ۲۱، ۲۵، ۶۶، ۶۹، ۷۵،
۷۷، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶،

بلخیان ۴۷
* بلژیک ۱۱
* بلوچستان ۴۷
بله جیا ۴۳

بله سمی ۴۴
* بلهیکه ۳۱
* بمبئی ۸۵
* بمپور ۷۰، ۸۹
* بنج (کوه) ۳۸
* بنون ۵۷
* بها دو ۴۱

بهار ۸۵

بهاسه ۱۳، ۶۶

* بهاو لیور ۴۳

بهاوه ۴۳

بہرا مشاہ ۹۶

بہگہ وت ۳۹

* بہلول (شہر) ۴۱

بہ همه لینہ ۴۷

* بہیم نگر ۲۲

بودا ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱،

۳۲، ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۴۸، ۵۶، ۷۹، ۸۰

بوداو رمه ۳۳، ۳۵

بوداها ۳۰، ۳۶، ۴۵، ۴۶

بودا ئیان (رک: بوداها) ۴۱، ۷۷

بودایی (دین) ۹، ۱۱، ۱۶ تا ۱۸،

۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۲،

۴۵، ۸۰، ۸۱، ۹۰، ۱۰۵

بودها بلہ ۱۳

بررکب ۷

برزمهر ۵۵

برز مهر پور ۵۵

برگس ۹۲

* برگول (کوه) ۵۶

* برلین ۷۶، ۸۵

* برما ۴۱

برمکیان بلخی ۸۶

برنس ۶۴

برنیت (دکتور) ۹

بروکلمن ۸۱

برهان قاطع ۳۶

برهما ۱۲، ۴۱

برہمن واسو دیوہ ۴۰

برہمی (نیزک : براہمی) ۲۷،

۶۶

برہمی (زبان) ۴۲

* بریکوت سوات ۶۳

بریہت سمہیتا ۴۷

بزرگ بن شہر یار ۷۸

* بست ۹۰، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰،

۱۰۵

* بغداد ۷۶، ۷۸، ۸۵، ۹۰، ۹۲

* بغلان ۲۷، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵

۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۱۸

* بگرام ۱۷، ۲۱، ۹۰

بگ شا کنیشکی نا مو برگ

۵۴

* بگ لنگ (رک : بغلان) ۵۴

بلاش اول ۷۷

بلانندی ۴۳

بوسر ... خا قان خیل ۵۹
 بوسه ور من ۳۵
 بویر ۲۵
 بیاض (خط) ۸۶
 بیان الاد یان (کتاب) ۹۳
 بیان قلی خان ۱۰۸
 * بیت المقدس ۶۸
 * بید ادی ۳۰
 بیست مقاله قزوینی (کتاب) ۸۵
 بیستون پارس (کتیبه) ۱۱۶
 بیلین ۱۰۹
 * بیما ران (قریه) ۳۰
 بینزا نتین ۹۰، ۹۱، ۱۰۵
 بیو هلر ۲۱، ۲۵
 بیسقی ۱۰۵

بود هار کشیته ۳۳، ۳۵
 بود ها گو شه ۳۵
 بود ها میترا ۳۵
 بود هه پریه ۳۵
 بود هه سا کیا مونی ۴۷
 بود هه ور مه ۳۸

* بود هی ستوا ۳۸، ۴۰، ۴۶
 بود یزم ۲۷، ۲۸
 * بودی ستوا (نیز رك: بودهی ستوا) ۲۸، ۲۹
 بوذا سف (رك: بود ا) ۷۷
 بورو ۴۲
 بور یته ۳۶
 بور یحان بیرو نی (نیز رك: البیرونی) ۷۰

«پ»

* پتنه ۲۲، ۳۴
 پتها نان (کتاب) ۶۳
 پتیکه ۴۶
 * پختیا ۸۹
 پرا کریت (زبان) ۱۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۵۴
 پر تهوه (رك: پهلووی) ۶۵
 پرت یی که بود ها ۴۶
 پر یسکا ۷۵
 پر نسپ ۲۵، ۶۴
 * پر وان ۶۹
 پرویز ناقل خانلری (داکتر) ۷۲
 * پشاور ۲۳، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵

* پاتود هیری ۳۸
 * پاتهمیار ۳۹
 * پاچا ۳۲، ۳۸
 پادری هیوز ۱۲۱
 * پارت ۶۵
 پار تمها ۷۷
 پار تهی (شا هان) ۱۷، ۲۳
 پار تی (زبان) ۷۷
 * پارس ۲، ۱۴، ۷۵
 پارسی (زبان) ۶۷، ۶۸
 * پار یس ۳۹، ۱۲۱
 * پالا تود هیری ۴۹
 پالی (زبان) ۴۲
 پا نی نی ۲۳

پور داؤد ۷۵، ۷۷
 پوانیه متہ ۳۹
 * پوروا شا ۴۸
 * پوهنځی اد بیات و علوم بشری ۴
 پهلوی (خط) ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸،
 ۷۲، ۸۲
 پهلوی (زبان) ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷،
 ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۷
 پیا مبر (نیز رک : محمد) ۸۳، ۸۵
 پی په له کبه ۳۳
 پیترو مقدس ۱۹
 پیر آموز (خط) ۹۵، ۹۶
 پیر رو بنان ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱
 پیر علمدار ۹۴
 پیر گر یمال ۱۹
 پیرو ۱۲، ۶۶
 پیر وچ ۶۶
 پیر هرات ۱۱۲
 * پیلانہ (قریہ) ۳۵
 پیہ دسی ۱۰

۳۸، ۴۰، ۴۱ تا ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۹۰،
 ۱۲۲
 پشاور (کتاب) ۴۲
 پشاوریان ۲۹
 * پشکلاوه تی ۳۵، ۳۲
 * پشین ۵۱
 پښتانه شعراء (کتاب) ۱۱۸
 پښتو (خط) ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹،
 ۱۲۱
 پښتو (زبان) ۵۳، ۵۴، ۱۱۶،
 ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱،
 ۱۲۲
 پښتون (قوم) ۱۱۶
 * پښتو نستان ۷۰، ۱۱۶
 * پلخمری ۵۴
 * پنجاب ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۵،
 ۳۹، ۴۹، ۷۸
 پنجا بی (زبان) ۱۲۰
 * پنجنار ۳۸
 * پنج کنت ۷۱، ۹۰
 * پنجکوره ۴۰

«ت، ث»

تاریخ بیہقی ۱۰۵
 تاریخ زبان فارسی (کتاب) ۷۲
 تاریخ سنی الملوك الارض والانبياء
 ۷۶
 تاریخ سیستان ۶۸
 تاریخ لغات سامی ۶۸
 تاریخ یمنی ۶۳
 تاریکه ۱۳
 تازیان (نیز رک : عرب) ۷۱

تاج الدین (خواجہ) ۱۱۰
 تاریخ اد بیات عرب ۸۱
 تاریخ افغانستان ۶۵
 تاریخ افغانستان بعد از اسلام ۷۰
 تاریخ التمدن الاسلامی ۸۷
 تاریخ اللغات السامیه ۶۹، ۷۰،
 ۸۳، ۸۴
 تاریخ بخارا ۸۷
 تاریخ بغداد ۸۱

- * تا شکند ۹۵ ، ۱۰۲
تا کهتید ره ۴۰
* تبت ۵۶
تبتی (خط) ۱۶
تبریز ۱۰۴
تپه اشتر ۲۸
* تپه سر دار غزنه ۹۰
* تچه ۴۴
* تخار ۱۸
* تخارستان ۶۹
تخاری (زبان) ۱۶ ، ۱۷ ، ۵۳ ، ۲۷ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۸ ، ۱۱۶ ، ۱۱۸
تخاری یو نانی (خط) ۱۴
* تخت باهی ۳۸ ، ۴۴
* تخته زرین ۴۵
تذکرة الا ولیاء ۱۱۸ ، ۱۱۹
تذکرة خوشنو یسان ۱۱۱
ترجمان البلاغه ۹۴ ، ۹۸ ، ۹۹
ترسل (خط) ۱۰۸ ، ۱۰۹
* ترکستان ۹۳ ، ۱۰۶ ، ۱۰۸
* ترکستان چینی ۲۲ ، ۵۱ ، ۷۱
* ترکستان شرقی ۲۲ ، ۲۴ ، ۵۰ ، ۵۱
۵۱
ترکی چغتایی (زبان) ۱۰۸
ترکی (زبان) ۵۳ ، ۵۴ ، ۷۱
تره وشه کوره ۴۰
تربیا لو س ۱۸
تزرک بابر (کتاب) ۱۰۲
تسای - لون ۷۴
تعلیق (خط) ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۷ ، ۱۱۳
تعلیقات برد یبا چه دو ست محمد
کتا بدار هروی ۱۱۴
تفسیر ابو بکر عتیق سور آبادی
۹۹
* تکسیلا ۸ ، ۹ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۵ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۹ ، ۸۱
* تکشه شیلا (رک: تکسیلا) ۴۵ ، ۴۶
تکمله پارسی (کتاب) ۱۱۱
تگین خرا سان شاه ۶۶
* تنگی تا یغان ۱۶ ، ۵۶
* توجی ۱۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۳ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۸۹ ، ۱۱۶
* تورچ هیری ۲۳ ، ۴۷
* تور فان ۹۳
تورو شکه ۶۴
توقیع (خط) ۸۴ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰
* توی ۱۱۹
تهاید وره ۳۳
* تهران ۱۹ ، ۷۲ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۷ ، ۷۹ ، ۸۵ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۹۷ ، ۹۹ ، ۱۱۶
* تهیل ۲۲ ، ۴۷
تهواره ۴۵
تهیود ورو س ۳۳ ، ۴۴ ، ۴۵
تهیو دوره (نیزرک: تهاید ورو
تهیو دورس) ۳۳
* تیر تم ۴۷
تیره جه سه ایاسه ۳۰
تیمور (امیر) ۱۰۴ ، ۱۰۶ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲

تیمور نامہ ۵۷
 تیمور یان ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳
 تیمور یان ہرات ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۲
 ۱۰۶، ۱۰۷
 تیموری ہند ۱۰۲
 ثلث (خط) ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۳،
 ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،

«ج»

*جام (منار) ۹۸، ۱۰۰
 *جامع او لیا ۹۷
 *جاو لیا (معبد) ۴۵
 *جامی (مولا نا) ۱۰۸، ۱۱۲
 *جبل دروز شام ۶۸، ۸۲
 *جبل سلع مدینہ ۸۹
 *جرجی زید ان ۸۷
 *جزق سیستان ۸۷
 *جعفر (مؤلف) ۴۲
 *جعفر بایسنغری ۱۰۴، ۱۰۷،
 ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳
 *جعفر بن محمد ۸۷
 *جغتو ۶، ۱۶، ۵۶، ۵۷، ۱۱۶
 *جغر افیای قدیم ہند ۱۱
 *جلال آباد ۱۰، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰

جلال جعفر ۱۰۷، ۱۱۲
 جلال ہمایی ۷۹
 *جمال گر ہی ۳۲، ۳۸
 *جمال مینہ ۱
 *جمنا ۲۲، ۳۳، ۴۰
 جور نال ایشیاتک سوسایتی ۱۰۹
 *جوز جان ۶۹، ۸۸، ۹۷، ۹۸
 جون مار شل ۸، ۹، ۴۲، ۴۶، ۴۷
 *جی (شہر) ۷۶
 *جیلیم ۱۴، ۳۶
 *جیمس پر نسیپ ۱۳، ۲۴
 جیہ پالہ ۷۸
 جیہ پالہ دیوا ۶۳
 جینہ ۴۸
 جی ہو نی کہ ۴۷

«ج»

*چار سدہ ۳۳، ۳۵، ۴۳
 *چچ (رک: کشتہ پہ چو کہسہ)
 ۴۷
 *چستر بیٹی (مجموعہ) ۹۶
 *چشت ۹۷
 *چک ۳۶
 *چنگیز یان ۱۰۱
 *چہل زینہ ۱۷
 *چین ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۴۱، ۵۰
 ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۵
 *چینا ب ۴۳
 *چینی (خط) ۷۴
 *چینی (زبان) ۷۱، ۸۰
 چینیان ۱۱

((ح))

حسین با یقرا (سلطان) ۱۰۴،
۱۱۰
حسین صفوی (شاه) ۱۰۲
حسین وفا سلجوقی ۱۱۴، ۱۱۵
حفصه ۸۵
حکیم تر مذی ۱۰۸
حمزه بن حسن اصفہا نی ۷۵
حمید بن قحطبه طایی ۸۷
* حوض زمزم ۱۱۲
* حیره ۸۳
* حوض کر باس ۱۰۷
حیی بن عمار ۷۰

* حبشه ۸۳
حبیب اللہ خان (امیر) ۴
حبیبی (عبدا لحنی) ۱، ۵۶، ۵۸،
۱۱۸
* حجاز ۸۴
حجاز یان ۶۸
* حران ۶۸، ۸۲
حسن (امام) ۸۳، ۸۵
حسن ابدال ۳۵
حسن خان شا ملو ۱۱۲
حسین ابن علی ۸۵

«خ»

خرو شتہی (خط) ۸، ۹، ۱۲، ۱۳،
۱۶، ۲۱ تا ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۹،
۴۰ تا ۴۶، ۴۴ تا ۵۲، ۵۷، ۶۵، ۱۱۶،
خرو شتہی انسکر پشنز (کتاب)
۲۵
* خزانه الما مون ۸۴
خسرو دوم ۶۵
* خلتنسی ۴۷، ۴۸
خلیج فارس ۷
خلیفہ مو جہ وت ۳۰، ۳۱
* خوات ۲۶، ۲۷، ۲۹
* خوا تائی ۳۶
خواجہ نظام الدین احمد ہروی
۱۰۲
* خوا رزم ۱۰۱، ۱۰۲
خوار زمشا ہیان ۱۰۰، ۱۰۴
خودو خیل ۳۳، ۳۸، ۳۹

خالد بر مکی بلخی ۸۲
خالد بن ولید ۸۷
خاندان گو ۵۸، ۵۹
خان قزل ۵۹
خا نیکوف ۹۲
* ختن ۲۱، ۲۲، ۵۰، ۵۱
* ختن قدیم ۵۰
ختنی (خط) ۷۹
* خرا سان ۳، ۶۵، ۷۷، ۷۸، ۸۱،
۸۲، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱ تا ۹۴، ۱۰۰،
۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸،
۱۰۹، ۱۱۱
خرا سان خو تاو ۶۶
خرا سانیان ۷۷
خرو تہی ۲۵
خرو شتہ ۲۵

* خیبر ۲۱، ۸۲، ۱۱۹
 خیزر ۷۸
 خیر البیان (کتاب) ۱۱۹ تا ۱۲۲
 خیر خاتون (بی بی) ۱۱۹

خود ویه که ۳۶
 *خوده چه ۳۶
 خوده چه ویه ر ۴۰
 خوشحالی خان ۱۲۰، ۱۲۲
 خوره ایزوت ۶۶

((د، ذ، ذ))

* در یای نیه ۵۰
 ده شه وه هره ۲۹
 دفتر افشین ۷۹
 دقیقی ۶۸
 * دلف ۱۹
 دلفوس ۱۹
 دمناش بن عبدالله ۱۰۹
 دمتراته ۴۳
 دم، دنلوب ۸۳
 * دمشق ۷، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۹۲
 دمنه ۴۳
 دنکن فور بس ۶۲
 دوست محمد پریش ۱۲۰
 دولت ۱۱۹
 دو لشاه بن حبشی تولکی ۱۰۰
 * دو کی ۴۷
 دهامه پده ۲۲
 دهرم داسه ۴۴
 دهرمه ۲۸، ۵۶
 دهرمه را جیکه ۴۶، ۴۹
 دهره میکه ۳۰
 ده مه ۲۹
 * دهلی ۱۳، ۱۰۰، ۱۰۳
 * دیبل ۷۰

داتیا ۳۳
 دار مستتر فرا نسوی ۱۲۱
 دار یوش هخامنشی ۷۵، ۸
 ۱۱۶
 * دانشگاه پهلوی شیراز ۱۱۷
 دانیل بورگوئیس ۱۱
 داؤد ۶۹
 داؤد بن عباس ۸۸
 * داور ۹۰
 دبیرالملک ۱۲۲
 دپننتو نخوا هارو بهار (کتاب) ب
 ۱۲۱
 * دجله ۷، ۲، ۷۸
 درانی ۴
 درخم ۴۵
 * درگئی ۳۳
 * دروازه گنج ۴۱
 * درونته ۱۰، ۱۱
 درونی په دره ۴۳
 درویش عبدالمجید طالقانی ۱۱۳
 درویش صوفی ۱۱۱
 دری (زبان) ۳۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷
 ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۷۹، ۹۷، ۱۱۶، ۱۱۸
 ۱۲۲

دیو دو توس ۱۴
 دیوه پتره کنشکا ۴۳
 دیوه نا گری (خط) ۸، ۱۱، ۱۲
 ۶۳، ۶۴، ۱۱۶
 دیوی ۳۱
 دھیری ۳۳
 ذوالر یا ستین (رك: فضل بن
 سهل) ۸۶، ۸۷

دیپا نکه ره ۴۰
 دیمتر یوس ۲۲
 دین دبیره (خط) ۶۵، ۶۷
 دینکرت ۷۷
 دیو اشتیج ۷۱، ۷۲
 دیوان احمد شاه بابا ۱۲۱
 دیوان دو لت ۱۲۰
 دیوان مختاری ۷۹

((و))

۱۰۹، ۱۱۲
 رود کی ۶۸
 *روزگان ۱۶، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۱۱۶
 روزن فیلد ۴۲
 *روم ۸۷، ۹۷
 *رو ما ۵
 رو من (یان) ۴۴
 رومی (زبان) ۷۶
 رومی کیسره ۲۹
 روھی نی میتره ۴۶
 رهنمای تکسیلا ۹
 ریا سی (خط) ۸۶
 ریاض الا لواح ۹۵
 ریحان (خط) ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶،
 ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲

را پسون ۲۵
 *را تھی تره (تالاب) ۳۹
 *را جر ۳۲
 راجن دا میجه ده ۴۱
 راجه تر نگینی ۲۹
 راور تی ۱۲۱
 *راول ۴۰
 *راو لپندی ۳۱
 *رباط شرف سر خس ۹۷
 *رباط هرات ۱۰۱
 رحیم عقیفی (دکتر) ۷۵
 رستم ۷۱
 رستم محمد خان ۱۱۲
 رقاع (خط) ۸۶، ۹۱، ۹۶، ۹۷،
 ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲

((ز،ژ))

زر دشت ۶۷، ۷۵، ۹۰
 زد شتیان ۳۶، ۶۵، ۷۶
 *زرنج ۶۸، ۶۹، ۸۷، ۸۸
 زند ۷۵

*زابل ۳۴، ۵۶
 *زا بلستان (رك: زابل) ۶۶
 *زاوول (رك: زابل) ۵۶
 *زبد ۸۲

زیو نیسس ۴۷
*ژوب ۲۲
ژور نال ازیا تیک (مجله) ۷۹

زمباور ۸۷، ۸۸
ژئو س ۱۸
*زیله ۴۸
زین العا بدین خوافی ۱۱۲

((س))

سدو ۴۰
سد هنی ۱۳
سراج الاخبار افغانیه ۴
سراج الملة والدين ۴
سرا وړل ستین ۲۹، ۵۰
سر اولف کیرو ۶۳
*سرخ کوتل ۱۵، ۱۷، ۲۷، ۵۴،
۵۷، ۵۸
*سر کپ ۴۵، ۴۷
سرند یا (کتاب) ۵۰
سرو استیوا ده ۳۴، ۴۸
سروا ستیوا دین ۲۳، ۲۷، ۴۲،
۴۷
سروی آرت پر شیا ۸۵، ۸۸، ۹۰،
۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶
سر یا نی (زبان) ۸۲
سعد ۸۶
*سغد ۲، ۷۱، ۷۴، ۹۰
سغدی (خط) ۷۱، ۷۲
سغدی (زبان) ۷۱
*سغد یا نه ۱۴، ۷۱
سفا ۳۲
*سکا قلند ۸۳
*سکاره ۴۳
سکندر ۲۰، ۷۶، ۷۷
*سکستان ۱۶

سا بهو تی ۱۵
ساتر اپها ۲۱، ۲۲
سا رویه ۷۵
ساسا نیان ۱۷، ۶۶، ۹۳، ۱۰۵
سا سانی (رك: ساسا نیان) ۶۵
ساکه ۱۴، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۰،
۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹
ساکه (زبان) ۲۹
سا کیا مونی ۲۷، ۳۴، ۴۴، ۴۶
*سالم پور ۳۸
سا ما نیان بلخی ۶۸، ۸۸
سا می (زبا نها) ۶۷
*سا نچی (معبده) ۱۳
*سا هو سرای (سودا گرسرای)
۵۹
سایر بن عبد الله ۸۸
سبط ابن جوزی ۸۵
سبکتگین ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۸۸، ۹۶
سبک شنا سی ۸۵
*سپین غر ۳۴
*سپین وام ۵۷، ۶۳
ستا تیر ۴۵
سترا بو ۱۵
سترا تون ۱۹
ستین کو نو ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۴۲
۴۳، ۴۷، ۴۹

- *سوات ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۰
 ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۶۸
 سو تی ۷
 سورا شترین ۱۷
 سوره بود هی ۳۶
 سور یان غور ۱۱۶
 *سور یه ۷
 سو فیتیس ۱۵
 سوند دال در تاریخ (کتاب) ۷۴
 سو نگ یون ۱۰
 *سو یس ۵
 *سوی و بهار ۴۳
 سهلان بن مکتوم ۸۸
 *سه ویرا ها ۴۸
 سیتی ۱۴
 سیتھی ۳۰
 سید حسن ابدال ۱۰۷
 سید عطا محمد قند هاری ۱۱۴
 سید محمد ایشان حسینی ۱۱۵
 *سیستان ۱۴، ۲۲، ۳۶، ۶۵، ۶۹
 ۸۷، ۱۰۱
 *سیلون ۱۲
 سیلون لوی ۷۹
 سیلیو کید ۱۶
 سینارت ۲۵
 سینها متره ۳۵
 سی هاره کشیته ۴۵
 سی هی لیکه ۳۵
 سی -یو- کی ۱۰، ۱۱
- سلجو قیان ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴
 سلطان احمد خان ۱۱۱
 سطا نشا ۱۰۱
 سلطان علی مشملی ۱۱۰، ۱۱۲
 سلطان محمد خندان ۱۱۳
 سلطان محمد نور ۱۱۳
 سلوک الغزاة ۱۲۰
 سلیم آغا ۱۰۹
 سلیمان ما کو ۱۱۸
 *سمر قند ۷۱، ۸۷، ۹۰، ۱۰۰
 ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹
 *سمنگان ۶، ۵
 سمنیه (رک: بودا ثیان) ۷۷
 *سنت پیتر (کلیسا) ۹۲
 سنترل ایشیاریو یو ۱۰۳
 *سنجولی (تل) ۷۱
 *سند ۸، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۹
 ۳۷، ۳۸، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۷
 ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۷۷، ۸۸، ۸۹
 ۹۰، ۱۰۰
 سنسکریت (زبان) ۸، ۱۱، ۱۶
 ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۴۷، ۵۳، ۵۴
 ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸
 ۷۰، ۷۹، ۸۰
 سنگه ۵۶
 سنگار امه ۶۲، ۶۶
 سنگها ور مه ۳۵
 سنگهوه کشیته ۳۰
 سنگه میتره ۲۸، ۳۸، ۴۸
 *سوا بی ۳۷، ۴۸

(ش)

- شفا پور ۱۷
شفا پور سوم ۶۶
شماره دا (خط) ۶۱، ۵۸، ۶۳، ۶۸
شماره دا۔ ناگری (خط) ۸۲، ۷۰ ،
۱۱۶
* شفا ش ۱۰۰
* شالا (معبد) ۴۳
* شفا لی (دره) ۵۵
* شام ۶۸
* شاه پور (قریه) ۴۵
* شفا هجی و هیری ۴۱
* شاه داور ۴۱
* شفا هرخ ۱۰۴ ، ۱۰۷ ، ۱۱۱ ، ۱۰۱
۱۱۳
شاه زنده سمر قند ۱۰۸ ، ۱۰۹
شفا هنامه با یسنغری ۱۱۲
شفا هنامه فردو سی ۱۰۴
* شتر هده ۸۰
شرا مانه گو تمه ۳۱
شر او سستی ۴۸
شراو که پو ته که ۳۲
شر او که ها ۳۶
شرح تعرف ۹۸
شر حیل ۸۲
شر منه دهر مه پری یه ۳۵
شره منه سد هر مه زه ته ۳۵
شری تیله که ۶۴
شفاء ۸۵
- شفیعی هروی ۱۱۳
شفیعه (خط) ۱۱۳
* شکر دره کیمبل پور ۴۲
شکسته (خط) ۱۱۲ ، ۱۱۳
شکھت پرت ۷۸
شلوم بر ژه ۱۷، ۱۰
* شله تک ۱۱ ، ۶۱
شمال (ملك) ۷
شمس النهار (جریده) ۱۲۲
* شور وی ۱۸
شو یدہ ور مه ۳۴
شهاب الدین عبد الله غا وردانی
۱۰۱ ، ۱۱۱ ، ۱۰۷ ، ۱۰۴
* شهباز گر هی ۲۲
شهر ستا نی (علی اکبر) ۴
* شهر ناپر سان ۳۸
شیخ الا سلام محمد بن احمد ۱۰۷
شیخ او یس ایلکا نی ۱۱۱
شیخ محمد طغرا یی ۱۰۷
شیدار ۸
شیرا ۴۵
* شیر تلا ۵۹
شیر علی خان (امیری) ۱۲۲
شیزو گر گک ۵۵
شیوه ر کس کیتہ ۴۱
شیوه ر کشیتہ ۳۰
شیوه سینہ کشتہ پہ ۴۳

((ص، ض، ط، ظ))

- صاحب سزى زكى بن محمد بن
على عبدا لحميد الباميانى ۹۹
صباحت عظيم جانو ۱۰۲
صدوق (شيخ) ۹۵
صفات الشيعه (كتاب) ۹۵
صلاح الدين منجد ۹۲
ضحى الاسلام (كتاب) ۸۱
*ضلع جيلم ۳۵
*ضلع هزاره ۴۱
طاهر بن حسين ۸۸
طاهر بن عبد الله ۸۸
طاهر بن محمد بن عمر ۸۸
طاهر يان پو شنكى ۶۹
طبرى (شخص) ۹۰
- طبرى (كتاب تاريخ) ۷۵، ۷۸،
۷۹
طبريه ۸۷
طبقات اكبرى (كتاب) ۱۰۲
طبقات الصوفيه ۱۰۹، ۱۱۱
*طراز ۱۰۰
طغرل بن اميران فوشنجى ۱۰۱
طغرى (خط) ۱۰۱
طلحه بن طاهر ۸۸
*طور سينا (شبهه جزيره) ۸۳
*طوس (?) ۱۱۹
ظلمو ۸۲
ظهير الدوله سلطان ابراھيم ۹۷

((ع))

- عبا سى (رك: عبا سيان) ۸۱
عبا سيان ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۸۸
۹۱، ۹۲
عبدا لحي منشى ۱۱۰
عبد لرزاق سمرقندى ۱۰۷
عبدا لعلى (ميرزا) ۱۲۲
عبدا لقا در بدا ونى ۱۰۲
عبدا لله ۱۱۲
عبدا لله (امير) ۷۸
عبدا لله الو ليد امير المؤمنين
۸۴
عبدا لله بن جبر ۶۸
عبدا لله بن خير (جبر؟) ۸۴
- عبدا لله بن طاهر پو شنكى ۸۱
عبدا لله بن على ۹۹
عبدا لله طباخ هر وى ۱۰۷
عبدا لله عدويه ۸۵
عبدا لله صير فى ۱۰۱
عبدالله مر واريد ۱۰۷، ۱۱۰
عبدا لمطلب بن هاشم ۸۴
عبدا لملك ابن مروان ۸۴، ۸۷
عبدا لملك بن نوح سا ماني ۹۳
عبدا لملك بن يزيد خراسانى ۸۷
عتا بى ۸۱
عثمان (رض) ۸۵

عثمان بن حسين وراق غزنوی ۹۵	۱۲۲
*عثمانی (مملکت تر کیه) ۱۰۱،	
علاء الدو له قز وینی ۱۰۲	
علی بن ابو طالب ۸۳، ۸۵	
علی بن الحسين ۸۵	
علی بن حسین مسعودی ۹۳	
علی بن عیسی ۸۷	
علی بن موسی ۷۰، ۸۵	
علی جوینی (قاضی) ۱۰۹	
علی گرھ ۶۹	
علی نشا پوری ۱۰۰	
عمر (رض) ۸۳	
عمر بن خطاب (رك: عمر (رض))	
عربی (خط) ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۸۵	
عمر بن شیبہ ۸۴	
عمر زئی ۳۳	
عمرو ۸۳	
عمر وبن لیث ۸۸	
عیسی (ع) ۹۲	
عیسی بن عبدا لله بلخی ۹۵	
عیسی بہنام (داکتر) ۹۷	
عجا ئب الطبقات ۱۰۳	
عجا ئب المخلوقات ۱۱۱	
عجایب الہند ۷۸	
عجم ۹، ۸۱، ۱۲۱، ۱۲۲	
*عراق ۹۴، ۱۰۱	
عراقی (سبک خط) ۸۶	
عرب (ها) ۷۹، ۷۷، ۸۲، ۹۱	
*عربستان ۷	
عربها ۹۰	
عربی (خط) ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۸۵	
۶۹، ۷۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷،	
۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۸، ۱۰۰،	
۱۰۸، ۱۱۶	
عربی (زبان) ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۶۹	
۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۳، ۸۷،	
۹۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲	
عزیز الدین فو فلزایی ۱۱۴، ۱۱۵	

((غ))

غبار (خط) ۸۶، ۹۱	
غور اخبار ملوک فرس و سیر ہم	
۷۵	
*غزد هیروی ۳۲	
غز نویان ۶۳، ۶۸، ۸۸، ۹۷، ۹۸،	
۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴	
غزنہ ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵،	
۱۱۶	
غزنی (رك: غزنہ) ۱۶، ۲۱، ۵۶،	

غیاث الدین محمد سام (رك): غیاث الدین غوری (رك): غیاث الدین
 غیاث الدین محمد (محمد) ۱۰۱

((ف))

* فر غانہ ۸۸	* فار س ۷۶، ۸۷
فر هنگ اساطیریو نان وروم ۱۹	فار سی (زبان، نیز، رك: دری)
فصیحی هروی (میرزا) ۱۱۳	۳۶، ۵۸، ۷۵، ۷۶، ۹۴، ۹۵، ۹۸،
فضل بن سهل سر خسی ۸۶،	۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱،
۸۷، ۹۱	۱۲۲
فقیر بہار تو یی ۱۱۹	فار سیان ۸۷
فکری سلجو قی ۱۱۴	* فتح جنگ ۳۱
فن تحریر (کتاب) ۶۱، ۷، ۶۹	فتوح البلدان ۸۵
فنیقیان ۸، ۷	فخر الدین رازی (?) ۱۰۲
فو شکہ ۲۹	* فرات (دریا) ۸۲، ۷
فو شہ ۶	* فرانسه ۱۰، ۱۷، ۹۲
فہرست مسکوکات اسلامی ۸۷	فرا نسوی (زبان) ۱۰، ۱۹
فیر آموز (رك: پیر آموز، خط) ۹۵	فردو سی ۷۵
	فرس قدیم (زبان) ۱۶، ۱۱۶، ۱۱۷

((ق))

۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲	قا آنی ۱۰۹
۱۰۵ تا ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱	قا موس ہندو ستانی بہ انگلیسی
* قرغہ یی ۱۱، ۶۱	۶۲
* قرہ بلغسون ۷۱	* قا ہرہ ۷۴، ۷۶، ۸۳، ۸۶، ۸۷،
قزا قستان ۵۶	۹۴
* قسطنطنیہ ۹۱	* قبط ۸۳
* قفقاز ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳	قبطی (زبان) ۷۶
* قلعه سنگ ۳۳	* قبہ صخرہ بیت المقدس ۸۴
* قند ہار ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵،	قثم بن عباس ۱۰۸
۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۵۶، ۱۰۷، ۱۲۰،	قر آن (کتاب مقدس اسلام) ۱۷،
* قنسرین ۸۲	۶۹، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۹۲، ۹۳،

((ك))

- *کابل ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱
- *کتابخانه شاہی ۷۵ ، ۲۱، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۴۴، ۵۴
- *کتابخانه عامہ کابل ۱۲۰ ۵۸، ۶۹، ۸۱، ۹۰، ۱۱۴، ۱۱۸
- *کتابخانه مجلس تہران ۱۰۶ کابل (کتاب) ۶۴
- *کتابخانه مشہد رضوی ۸۵ کا بلشاہ ۷۸
- کابلشاہان ۳۶، ۴۸، ۵۷، ۶۳، ۱۰۲
- *کتابخانه ملی پاریس ۹۶، ۱۱۱ ۷۸، ۶۸
- *کتابخانه نور عثمانیہ ۱۱۱ *کاپیسا ۱۱، ۸۱
- کتاب مانی ۹۳ *کا پیشا (رک: کا پیسا) ۳۷
- کتاب مزدک ۷۹ کار سنگہ داسہ کو تہومہ ۳۴
- کتاب مکہ ۸۴ *کا شیہ پیہ ۳۰
- کتاب و کتابخانہ ہا (کتاب) ۹۵ *کا لدرہ ۳۳، ۴۵
- *کانگرا (رک: پنجاب) ۲۲، ۳۹، ۹۶
- کتز یاس ۷۵ ۴۹
- *کتگلہ ۴۰ *کا نہیا رہ ۴۹
- کتیبہ های خرو شتہی (کتاب) ۳۳
- ۲۸، ۵۰ کاوو س ۷۸
- کتیبہ های کوفی قصر مسعود ۴۴
- سوم ۹۷ کتاب الکتاب ۹۱
- کد فیسس ۴۹ کتاب الو زراء والکتاب ۷۶
- *کراچی ۷۰ کتاب الہند ۵۷، ۷۸
- کرش ایا سشہ ۴۹ *کتابخانہ باد لیان اکسفورد ۹۸
- *کرمان ۶۹، ۸۷ *کتابخانہ تا شکند ۱۲۱
- *کرنال ۲۲، ۳۳ *کتابخانہ تحقیقات شرعی اکادمی
- *کرنول (رک: کرنال) ۱۲ علوم اوز بکستان ۱۰۳
- کر یسہ کوی ۳۳ *کتابخانہ تو بنگن آلمان ۱۱۹
- *کسوه ۳۹ *کتابخانہ خطی کابل ۸۵، ۱۰۰

کو شانہ ۳۶
 کو شانی (نیز رك: كوشا نیان)
 ، ۵۷ ، ۵۴ ، ۵۳ ، ۵۰ ، ۳۰ ، ۲۹ ، ۲۸ ، ۵۹ ، ۶۸ ، ۶۹
 کوشا نی (زبان) ۵۳
 کوشا نیان ۱۳ ، ۱۷ ، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۴۰ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۹ ، ۵۱ ، ۵۳ ، ۶۶ ، ۱۰۵ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹
 * کو شان شهر ۲۸
 * کو شك ماخك بخارا ۸۷
 کوفی (خط) ۱۷ ، ۵۹ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۴ تا ۱۰۲ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۶ ، ۱۱۸
 * کو کچه ۱۸
 کو لی (پرو فیسر) ۹
 کونو (رك: ستین کونو) ۶۵
 * کو هسان ۱۰۶
 * کوه سلع مدینه ۸۳
 * کوه سلیمان ۱۱۶
 * کوه مغ ۷۱
 * کو هات ۳۱
 * کمپنہ ونه ۳۵
 کمپو جنه پتره ۵۹
 کمپو شانہ ۴۶
 کیداره ۱۳
 کیداره کو شانہ شا ۱۳
 کیداز یان ۱۳ ، ۶۶
 کمپبرج هستری آف انڈیا ۱۲
 * کیمبل پور ۴۲
 کی نه و یو ۱۹

کشتج (کتاب) ۷۶
 کستره په ۳۶ ، ۳۷ ، ۴۶
 کستره په چو کمپسه ۴۶ ، ۴۷
 کستره په لیا که ۴۸
 * کشمیر ۲۷ ، ۶۱ ، ۷۸ ، ۱۰۲
 * کشیمی ۴۶
 * کلب افسران ۴۰
 * کلکته ۹ ، ۱۰ ، ۲۵ ، ۱۱۱
 کلپنہ ۲۹
 کلیات خو شا لخا ختک ۱۱۹ ، ۱۲۰
 کلی ار خوس ۱۹ ، ۲۰
 کلپله و منه ۷۱ ، ۷۹
 کلید افغانی ۱۲۱
 کموش ۱۲
 کمه گو لیه ۲۶
 کنجکاو یهای علمی واد بسی
 (مجموعه) ۱۱۶
 کنت ۱۱۷
 * کنر ۴
 کننگم ۱۱
 کنیشکا ۲۴ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۴ ، ۵۵
 کنیشکه (رك: کنیشکا)
 * کو پنہاگ دنمارك ۶۷
 کو جولہ کره کد فیسس ۲۳
 کو چیان ۵۷
 کورت (جنرال) ۲۵
 * کورم ۳۴ ، ۸۹
 کو روش ۸
 کوز گا شکی پور ۵۵
 کو شانہ مہارا جہ ۳۹

((گ))

- ۱۰۵، ۹۰، ۸۱
*گند هاره (رك: گند هارا)
*گنگا ۲
گو پتا (عصر) ۷۹
گوپته (خط) ۶۱
گودود مان ۵۸، ۵۹
گودو هره ۴۴
گو کد ۵۸
گو مان ۵۸
گومل ۵۷، ۶۸، ۸۹
گومل بغپور ۵۸
گومنه ۳۷
گوندو فر یس ۱۶
گو هرا فشین ۷۹، ۹۳
*گوهر شاد (مسجد) ۱۰۵
گوهر شاد (ملکه) ۱۰۵
گیر شمن ۷۷
- گا تمها ۶۷، ۷۵، ۷۷
*گاز رگاہ هرات ۱۰۷، ۱۱۲
گا نسیگیم (?) ۵۵
*گجرات ۱۷
*گد روز یا ۱۴
*گر دیز ۶۸
*گر گان ۷۷
گره نه و هریه که ۳۷
*گزه ۸۷
گشتا سپ ۷۵
گلچین معا نی ۱۰۲
گلشن روه ۱۲۱
*گلگت ۲۷، ۸۰
گنجینه خطوطدر افغانستان ۱۱۴
گنجینه قرآن ۹۵، ۹۶، ۱۰۲
گنجینه مشہد رضوی ۹۶، ۱۰۱،
۱۰۷، ۱۰۸
*گند هارا ۲۲، ۲۸، ۳۱، ۴۴، ۸۰

((ل))

- *لمکان (رك: لغمان) ۶۲
*لندن ۲۱، ۲۶، ۶۴
لود یان ۱۱۶
*لور لایی ۲۴، ۴۷
*لور یان ۳۵
لو کنبیل (رك: دبیرالملک)
لغمان ۴، ۵، ۶، ۱۰ تا ۱۲، ۶۱ تا ۱۲۲
لو یس رو برت ۲۰
لو یس دو پری ۵
لویک بوسر ۵۵
- لارد کر زن ۴۱
*لار کانه ۲۲، ۴۹
*لان- پو ۱۱
*لاهور ۲۹، ۶۳، ۹۹، ۱۲۱
*لداخ ۲۲، ۴۸، ۴۹
*لشکری بازار ۹۷، ۱۰۵
*لغمان ۴، ۵، ۶، ۱۰ تا ۱۲، ۶۱ تا ۱۲۲
۸۱، ۶۳
لله (جنرال) ۳۶
*لمپا که (رك: لغمان) ۱۱

* لیدن ۷۸ ، ۹۱
* لیہ ۴۸

لیتا بی ۹۲
لیث بن علی لیث ۸۸

((م))

مجله آسیا یی بنگال ۲۵
مجله آسیا یی پاریس ۲۷
مجله آسیایی شاہی انگلستان ۸۳
مجله پا کستان قدیم ۷۰
مجله سکہ شنا سی ۶۶
مجله مستشر قین آلمان ۸۳
مجله مسکو کات ۱۳
مجله هنر ۹۷
مجمع النوادر ۱۱۱
مجوس ۷۹
محقق (خط) ۸۶، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۶
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹
محمد (ص) ۷۰، ۸۵
محمد اسحاق صدیقی ۶۹
محمد اظم (شیخ) ۱۲۰
محمد او بہی ۱۱۲
محمد بابر شاہ ۱۰۲
محمد بن ابی بکر ۱۰۲
محمد بن احمد با نیجور ۸۸
محمد بن اسما عیل غوری ۹۷
محمد بن اظہر ۱۱۲
محمد بن شیخ یوسف اباری سید
الخطا ط ۱۰۸
محمد بن طاہر ۸۸
محمد بن عبد الملک زیات ۷۹
محمد بن عبدوس جہشیا ر ۷۶
محمد بن عثمان غزنوی ۹۶

* ماتو رای ۲۲
مادر زبان دری (کتاب) ۳۶، ۵۴
* مادز ۵۸
مار گو س ۳۷
مار یگہ = مریگہ = ماریگ ۲۷
* ما شور ۱۸
ما مون (خلیفہ) ۸۶، ۹۱
* ما نسپہرہ ۲۲، ۳۰، ۳۷
مانوی (رک: مانو یان) ۹۰
مانوی (او راق) ۹۴
مانو یان ۹۳، ۹۴
مانی ۹۳، ۹۴، ۱۰۵
مانیان ۹۰
* مانی کیالہ ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۳۵
۳۷، ۴۰
مانی گولہ ۴۷
* ماوراء النہر ۳، ۷۸، ۸۸، ۱۰۱
۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۲
* ما ہجیہ ۳۱
ماہی فہ تیہ ۳۴
ما یتر یہ ۳۹
* ما یرہ ۳۵
* متورا (نیز رک: ماتو رای) ۲۷، ۳۷، ۶۱
* متورہ (نیز رک: ما تورای) ۵۱
* متهورہ (نیز رک: ما تورای) ۴۰
۴۲

-۳۰۶-



* مرو ۶۹، ۸۱، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۰۱
 مروان بن محمد ۷۰
 مروج الذهب ۷۵، ۹۰
 مر یگ ۵۵
 مست ز مند (ملا) ۱۲۰
 * مسجد الر شید ۱۰۲
 * مسجد المهدی ۹۲
 * مسجد بی بی خانم سمر قند ۱۰۸
 * مسجد کهنه ارض روم ۱۰۹
 * مسجد گوهر شاد ۱۰۶، ۱۰۷
 مسجد مفاک عطاری بخا را ۹۵
 مسعود (شهرزاده) ۱۰۵
 مسعود سوم ۹۷
 مسعود علاء الدوله بن البراهیم
 ۹۷
 مسعودی ۷۵، ۹۰
 * مسکو ۸۸
 مسلما نان ۸۷، ۹۱، ۹۲
 مسلم کالگرا فی ۹۲، ۹۵، ۹۶،
 ۱۰۲
 مسیح ۲۳، ۹۲
 مشجر مشکول (خط) ۱۰۶
 * مشهد ۱۰۰، ۱۰۷
 * مشهد رضوی ۹۳، ۹۵، ۱۰۲،
 ۱۰۳
 * مصر ۷، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۸۴، ۸۹
 مطهر بن طاهر مقدسی ۹۳
 معاویه ۸۷
 معتصم عباسی ۷۸
 معجم الانساب ۸۷، ۸۸
 معقلی (خط) ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷،

محمد بن عیسی ۹۹
 محمد بن قاسم ۷۰
 محمد بن موسی ۹۳
 محمد حمید الله حیدر آبادی
 (داکتر) ۸۳
 محمد داؤد حسینی ۱۱۵
 محمد رضاء هر وی (شیخ) ۱۱۵
 محمد زانی ۴
 محمد شفیق لا هوری ۹۹
 محمد صالح ۱۰۹
 محمد طاہر بن قاسم ۱۰۳
 محمد علی هروی (آخوند) ۱۱۵
 محمد عوض ۱۱۱
 محمد فریفونی ۶۹
 محمد نبی واصل ۱۲۲
 محمد یعقوب کابلی (میرزا) ۱۱۴
 محمود بن گرگین ترکی ۹۹
 محمود غزنوی (سلطان) ۶۳، ۶۸،
 ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۵
 محمود فرخ ۱۰۳
 محمود هدایت ۷۵
 مختاری غزنوی ۷۹
 مخزن اسلام ۱۲۰، ۱۲۲
 * مد راس ۱۲
 مرآة الزمان ۸۵
 مرتان شاه ۶۶
 مرتضی قلی شاه ملو هروی ۱۱۳
 * مردان ۳۲
 مرسیا ۹۲
 مرقع شاه هی ۱۱۰
 مرگلیو ت ۱۰۹

۶۳، ۵۹، ۵۸، ۴۹، ۴۸، ۴۵
 * موزه تکسیلا ۴۶
 * موزه قا هرہ ۸۳
 * موزه کابل ۱۰، ۶۹، ۵۲، ۸۰، ۱۷
 * موزه کراچی ۹۸
 * موزه کلکتہ ۳۷، ۳۵، ۴۹
 * موزه گلستان تہران ۱۰۴، ۱۱۲
 * موزه لاہور ۴۹
 * موزه لوور پاریس ۹۳
 * موزه متو رای ہند ۳۷
 * موزه متہورہ (رک) : موزہ متواری
 (ہند) ۴۰
 * موزہ مصر ۶۸، ۹۶
 * موزہ ملی تہران ۱۱۲، ۱۱۳
 * موزہ وا تیکان روم ۷۵
 * موزہ ہرات ۹۷
 * موزیم ایشیا تک سو سا یتسی
 بنگال ۶۴
 * موزیم پشاور ۳۳، ۳۸، ۳۹،
 ۴۰
 * موزیم لاہور ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵،
 ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۶۳
 موگہ ۴۶
 * موہن جود یرو ۲۲، ۵، ۴۹، ۱۵
 مویس (رک: موگہ) ۴۶
 مویکہ ۳۹
 * مہا بن ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۳۹
 مہاتہ ۳۰
 مہارا جہ ۳۰
 مہا را جہ کنیشکہ ۳۶
 مہا سا نگہیکہ ۲۶، ۲۷

۱۰۸
 معین (دکتور) ۷۷، ۱۱۶
 مغل ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴
 مغو لستان شما لی ۷۱
 مقفل (خط) ۱۰۶
 مقو قس ۸۳
 مکا تبات (خط) ۸۶
 مکتوم بن حرب ۶۹، ۸۸
 * مکہ ۱۰۲
 * ملتان ۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰
 ملکہ گو ہر شاد ۱۰۷
 * ملہ کند (کوئل) ۳۳
 ملوک خرا سانی ۸۱
 * ممانی د ہیری ۳۵
 م.م دیا کو نو و ۷۷
 * منار قطب ۱۰۰
 منا شیر (خط) ۱۰۶
 منتخب التوار یخ ۱۰۲
 * مند لای (معبدہ) ۴۱
 مندر بن ساوی ۸۳
 منشور (خط) ۸۶
 * منصور ہ ۷۸
 منگ۔ لین ۷۴
 * مواب ۱۲
 موجہ وت ۳۰، ۳۱
 * مو چای ۳۸
 موریہ (خاندان) ۹، ۱۷، ۲۱، ۴۴
 * موزہ استا نبول ۹۸
 * موزہ ایران با ستان ۱۰۰
 * موزہ بر تا نیا ۳۷، ۸۵
 * موزہ پشاور ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۴

میر عبدا لر حمن هروی ۱۱۴
 میر عرب بخا را ۱۰۸
 میر علی تبریزی قبله الكتاب ۱۱۰
 ۱۱۱
 میر علی هروی ۱۱۲
 میر محمد علی هروی ۱۱۴
 میرید رخ ۳۳، ۴۴، ۴۵
 میر یدر کوس ۴۴
 میره ۴۴
 میسون ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱
 میشع ۱۲
 *میلان (کتا بخانه) ۹۵
 میلیت ۱۸
 مینا ند روس ۴۰
 مینا ندره ۴۰

مها سینہ ۴۲
 مها کشتی پہ رجو له ۳۷
 *مہتر لام ۱۱، ۶۱
 *مہتر لمک (مزار) ۱۱
 *مہر ۴۳
 *مہر با جور ۲۹
 مہر داد ۲۳
 مہر داد دوم ۶۵
 مہرو گ ۷۸
 مہرہ ۵۵
 *میان کلی ۲۹
 میترا ۴۵
 میتره ورد ہنہ ۴۱
 میخی (خط) ۶۷، ۱۱۷، ۱۱۸
 *میر زیارت ۳۸

((ن))

*نسا ۷۷
 نستعلیق (خط) ۱۱۰، تا ۱۱۴ ،
 ۱۱۹ تا ۱۲۲
 نسخ (خط) ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲ ،
 ۱۲۱
 نسخی (خط ، رک: نسخ) ۶۳، ۶۹،
 ۷۰، ۸۳، ۸۴، تا ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۹۳،
 ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶،
 ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸،
 ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲
 *نشا پور ۶۹، ۸۱، ۱۰۰، ۱۰۱
 نصر بن احمد ۸۸
 نصر بن عبدا لله قزوینی ۹۵
 نصر بن علی ایلك ۸۸

نافذ پاشا ۱۰۹
 ناکہ دہ تہ ۴۳
 ناگری (خط) ۱۳، ۶۱، ۶۸
 ناگری (زبان) ۶۱، ۶۳، ۶۵
 نامہ تنسر ۷۵
 *ناور ۵۷
 *ناو گرام ۳۸
 *نا بین (مسجد) ۹۴
 نبطی (خط) ۶۸، ۸۲، ۸۳
 نجاشی ۸۳
 ندر محمد خان ۱۰۳
 ندہ دیا کہ ۳۷
 نرجس (خط) ۸۶
 نروا نای ۲۹

نو شا ده ۵۵
 نوشته های خرو شتهی (کتاب)
 ۲۵
 نوشته های فرس قدیم در خط
 میخی ۱۱۷
 *نو شهره ۳۸
 نو کونز وک کنار نک ۵۵
 *نوه چه (شهر) ۴۶

* نغر کوت ۵۷، ۷۸
 نفا یس الما ثر ۱۰۲
 * نمازه ۸۳
 * ننگر هار ۱۰، ۲۸، ۸۰، ۸۱
 نوبخت ۵۸
 نو بخت بهار ۵۸
 نوبل ۲۵
 نور من شارپ ۱۱۷

((۹))

ولید بن عبدا لملک ۸۶
 وگره مر یگه ۲۶
 ویدان ۲۱
 ویشپا سی ۳۶
 ویشپا سیه ۳۶
 ویلسون ۲۱، ۲۵، ۲۸
 ویما شا ۵۷
 ویما کد فیسی ۴۹
 ویما کو تهی سه ۴۹
 ویمه کد فیسی ۴۷
 وینا یا (کتاب) ۲۸، ۷۹
 *ویهاره ۲۶، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۴۳،
 ۴۷
 *ویهند ۴۸، ۶۴، ۶۸، ۹۸، ۱۰۰

*وادی نیل ۷۴
 واره شا هی ۱۳
 واه سشته ۳۲
 واسود یوه ۲۴
 وامق و عذرای عنصری ۹۹
 وجهشکه ۲۹
 *ودهی تیره ۳۲
 وراقی (خط) ۸۶
 *وردگ ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۴۷
 وار هه میپیره ۴۷
 *ور هران ۱۳، ۶۶
 *وزیر ستان ۵۷، ۵۹، ۶۸
 وشی (خط) ۸۶
 وشی شو که ۳۸
 ولخش ۷۷

((۱۰))

هخامنشی (دوره) ۱۸، ۲۱، ۲۲
 ۹۰، ۱۱۷
 هخامنشیان ۷، ۸، ۹، ۶۵، ۷۵
 هدایة المتعلمین ۹۸، ۹۹

هارونالر شید ۸۷
 هاکن ۷۹
 هپتل خو تاو ۶۶
 هپیه دهیه ۴۸

۸۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۱	* هده ۴۸، ۹۰
هند سی (خط) ۱۰۶	* هلهه ۲۱، ۲۵، ۲۸
هند وارو پایی (انژاد) ۲	* هرات ۶۶، ۶۹، ۸۷، ۹۷، ۹۸
هند وان ۳۲، ۶۱	۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷
* هندو ستان (نیز رك: هند) ۲،	۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳
۱۴، ۵۷، ۷۸	* هر تفورد ۱۲۱
* هندو كش ۲، ۴، ۲۲، ۶۶	* هر تك طبر ستان ۸۷
هندو ی (زبان) ۱۲۱ (نیز رك:	* هر ثمه بن اعین ۸۷
هندی)	هرما یو س ۲۳
هندی (خط) ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۶۸،	هر مس ۱۸، ۱۹
۷۶، ۷۷	* هر یروود ۶۵
هندی (زبان) ۲۳، ۵۴، ۵۸، ۷۷،	* هزار سم ۶۰، ۶۵
۷۸	* هزاره (وادی) ۴۳
هندو ها (نیز رك: هندوان) ۲۲	* هسپا نیا ۵
هنر خطدرافغانستان (کتاب) ۱۱۴	هشام بن عبد الملك ۹۳، ۹۴
هنر و مردم (مجله) ۷۴، ۷۵	هشتمو نه مر یگه ۲۶
هورنل (دكتور) ۱۰۹	هفتا لی (عصر) ۶۵
هوره شده ۴۴	هفتا لیان ۵۵، ۶۵، ۶۶
هونان هفتلی ۱۳	هفت کتیبه قد یم ۵۴، ۵۶، ۵۷،
هونان یفتلی (رك: هونان هفتلی)	۵۸، ۱۱۸
۶۴، ۶۶	* هلمند ۱۸، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۵،
هوو یشکه ۲۴، ۲۶، ۲۷	۶۶، ۶۹، ۹۶
هیر کلیس ۱۸، ۱۹	* هما لیا ۶۵
هیرو غلیفی (خط) ۷۴	* هند ۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵،
هیمه ۳۱	۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴،
هیون تسنگ ۱۱، ۱۵، ۵۳، ۸۱	۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۴۸،
	۵۰، ۵۴، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۴،

(ی)

یحیی (امام) ۹۷	یاددا شتهای قز وینی ۱۱۱
یحیی بن خالد بر مکی ۸۲، ۸۶،	یاشه ۳۴
۹۱	یا کو بی ۴۸

، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۵ ، ۶۶ ،

، ۶۸ ، ۸۲ ، ۸۴ ، ۱۱۶ ، ۱۱۸

یونا نی (زبان) ، ۱۰ ، ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷ ،

، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۳ ، ۲۹ ، ۳۳ ، ۳۴ ،

، ۴۰ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۶۷ ،

، ۶۸ ، ۸۲ ، ۸۷

یونا نیان ، ۱۴ ، ۲۰ ، ۴۴

یونا نیان با ختر ، ۲۲ ، ۳۹ ، ۴۴ ،

۴۵

یونانی با ختر (شا هان) نیز رک:

یونا نیان باختر ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷ ،

، ۱۸ ، ۲۲ ، ۳۰

یونانی با ختری (خط) ، ۱۷ ، ۲۱

یووه راجه فره وستہ ۳۷

یویہ چی ۲۴

یہود یان ۸۵

یزد گرد ۸۱

یسنا ۷۵

یعقوب لیث صفاری ، ۶۸ ، ۶۹

۸۸

ین (شا هان) ۷۴

یوچ یلیا کہ ۳۲

یورہ شا ۳۰

یورہ سہ کہ ۴۶

یوسف بن کبیر ۱۰۲

یو سفزایی ، ۳۳ ، ۳۸

یولہ میرہ ۴۷

* یونان ، ۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ،

، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۴۲ ، ۷۴

یونانی (خط) ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۳ ،

، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ،

، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۷ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۵۴ ،